

زیبا گل ہستے

بررسی تطبیقی آراء اجتماعی، سیاسی
حضرت زہرا علیہا السلام و مکتب فمینیسم (۱)

نویسنده:

اسد آزادی

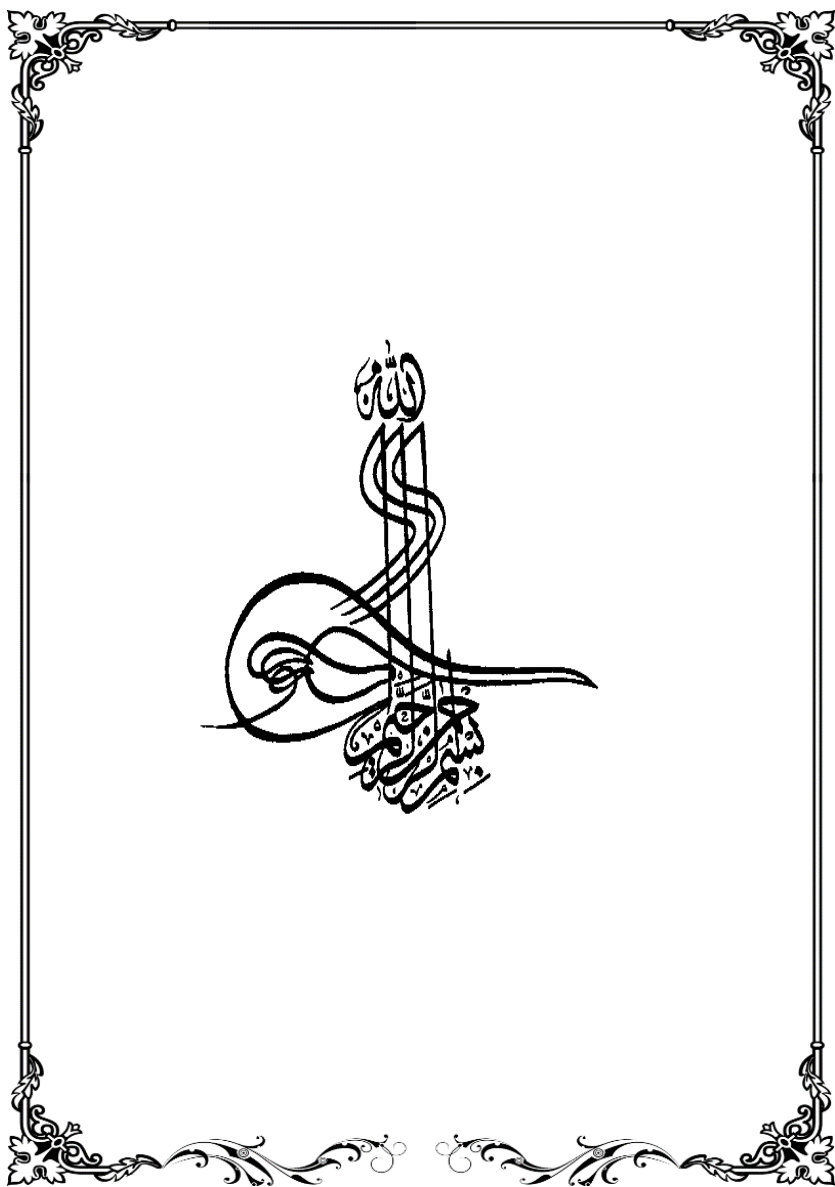
سرشناسه	:	ازادی، اسد
عنوان و نام پدید آورنده	:	زیبا گل هستی (بررسی تطبیقی آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا (س) و مکتب فمینیسم)
نویسنده	:	اسد ازادی
مشخصات نشر	:	قم اثر قلم، ۹۹۳۱.
مشخصات ظاهری	:	ج ۲
شابک	:	۵۰۰۰ ریال: دوره -۶۴- ۶۵۰۹-۶۲۲- ۹۷۸- : ج ۱: ۷- ۶۵۰۹۶۵- ۶۲۲- ۹۷۸- : ج ۲: ۴- ۶۶- ۶۵۰۹- ۶۲۲- ۹۷۸- :
جلد ۲	:	
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتاب نامه .
عنوان دیگر	:	بررسی تطبیقی آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا (س) و مکتب فمینیسم
موضوع	:	فاطمه زهرا(س) ۸ سال قبل از هجرت - ۱۱ ق - دیدگاه سیاسی و اجتماعی
موضوع	:	زنان - فمینیسم
موضوع	:	زنان - وضع اجتماعی
رده بندی کنگره	:	pB ۷۲/۲
رده بندی دیویی	:	۷۹۲ / ۳۷۹
شماره کتاب شناسی ملی	:	۶۵۶۴۳۱۶

نام کتاب:	زیبا گل هستی
نویسنده:	بررسی تطبیقی آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا (س) و مکتب فمینیسم (۱)
ناشر:	اسد ازادی
تیراژ:	اثر قلم
تاریخ و نوبت چاپ:	۱۰۰۰ نسخه
چاپ:	اول- ۱۳۹۹
قیمت:	احسان
شابک:	۵۰۰۰ تومان
شابک دوره	۷-۶۵-۶۵۰۹-۶۲۲-۹۷۸- : ج ۱: ۷- ۶۵۰۹۶۵- ۶۲۲- ۹۷۸- : ج ۲: ۴- ۶۶- ۶۵۰۹- ۶۲۲- ۹۷۸- :

همه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

ارتباط با نویسنده: ۰۹۱۲۵۵۱۶۶۰۱

Emeil: asadazad98@yhoo.com



تقدیم به:

مادرم عزیزتر از جانم و همه وجودم
که به من انسانیت آموخت.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۰
مقدمه	۱۳
انگیزه پژوهش	۱۴
ضرورت پژوهش	۱۵
تحلیل موضوع پژوهش	۱۶
دلایل انتخاب موضوع	۱۷
نگاهی به سابقه پژوهش	۱۸
پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش	۱۸
فرضیه اصلی پژوهش	۱۹
چارچوب نظری این پژوهش	۲۱
سازمان و ساختار پژوهش	۲۲
بخش یک: کلیات و مفاهیم بحث	۲۳
مقدمه	۲۴
۱- تعریف واژگان و مفاهیم کلیدی و مبادی بحث	۲۵
۱-۱ تعریف سیاست	۲۵
۱-۱-۲ حکومت هم معنای سیاست	۲۵
۱-۱-۳ معنای عام حکومت و سیاست	۲۶
۱-۱-۴ حکومت به معنای خارجی یا بین المللی	۲۶

- ۱-۲ انواع سیاست ۲۷
- ۱-۳ کارکردهای اجتماعی ۲۷
- ۱-۴ انواع نظام‌ها و جامعه‌ها ۲۸
- ۱-۵ دین سیاست ۳۰
- ۱-۶ حقوق بشر ۳۰
- ۷-۱ حقوق زنان ۳۲
- ۱-۸ معنای مکتب فمینیسم ۳۳
- ۱-۹ انواع اجتماع و تعریف آن ۳۴

بخش دوم: مدل مفهومی پژوهش ۳۷

- ۲-۱ تعریف سیاست از نظر گاه‌های مختلف و متفاوت ۳۹
- ۲-۱-۱ معنی علم سیاست ۳۹
- ۲-۱-۲ معنای خاص ۳۹
- ۲-۱-۳ تعابیری چون سیاست فاضله ۴۰
- ۲-۱-۴ دانش سیاسی ۴۰
- ۲-۱-۵ انسان بطور طبیعی ۴۰
- ۲-۱-۶ نظریه هارولد لاسول ۴۱
- ۱-۲-۷ هارولد ژلاسکی ۴۱
- ۲-۱-۸ برتراند راسل ۴۲
- ۲-۱-۹ سیاست و نظریه‌های سیاسی ۴۲
- ۲-۱-۱۰ کارکرد سیاست ۴۳
- ۲-۱-۱۱ غایت سیاست ۴۵

۱-۲-۱۲	سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی	۴۵
۲-۲	مدل تحلیلی و مفهومی چهار وجهی توماسی	۴۹
۱-۲	نظریه سیاسی و بحران و مشاهده بی نظمی	۴۹
۲-۲	نظریه سیاسی و تشخیص درد	۵۰
۳-۲	نظریه سیاسی نظم و خیال و بازسازی جامعه	۵۲
۴-۲	نظریه سیاسی و راه درمان	۵۳
۵-۲	مرحله اول بررسی تحلیل گفتمان زهرایی با بحران و مشاهده بی نظمی	
۵۵	در نظریه سیاسی	
۶-۲	مرحله دوم بررسی تحلیل گفتمان زهرایی و تشخیص درد در نظریه	
۵۶	سیاسی	
۷-۲	مرحله سوم بررسی تحلیل زهرایی با نظم و خیال و بازسازی جامعه در	
۵۷	نظریه سیاسی	
۸-۲	مرحله چهارم بررسی تحلیل گفتمان زهرایی و راه حل درمان در نظریه	
۵۸	سیاسی	
۶۹	بخش سوم: آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام)	
۱-۳	مشکلات و بحران‌های موجود در جامعه از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)	۷۲
۱-۳	عدم اخلاص در توحید	۷۲
۱-۳	نداشتن پارسایی و تقوی در عرصه فردی و اجتماعی	۷۶
۱-۳	ترک دزدی	۷۸
۱-۳	دوری از تهمت	۸۲
۱-۳	نکوهش کم فروشی	۸۶

- ۱-۳-۶ نهی از شراب خواری..... ۸۹
- ۱-۳-۷ عدم حمد و ثنای الهی..... ۹۱
- ۱-۳-۸ عدم سپاس به خاطر نعمت‌های حکمت آمیز خدای مهربان..... ۹۴
- ۲-۳-۲ ریشه‌ها و عوامل ایجاد کننده مشکلات و بحران‌ها در جامعه از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام..... ۹۸
- ۱-۲-۳ عدم تفکر پیرامون نعمت‌های الهی..... ۹۸
- ۲-۳-۲ عدم ستایش بندگان از فرامین الهی..... ۱۰۳
- ۳-۲-۳ فراموشی توحید بزرگ‌ترین علل بحران‌ها در جوامع..... ۱۰۵
- ۳-۲-۴ عدم تفکر پیرامون آفرینش آغازین پروردگار..... ۱۱۳
- ۳-۲-۵ عبث و بیهوده دانستن آفرینش و خلقت..... ۱۲۱
- ۳-۲-۶ عدم اطاعت فرامین الهی..... ۱۲۶
- ۳-۳-۳ نظم آرمانی و جامعه خیالی از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام..... ۱۳۶
- ۱-۳-۳ ایمان داشتن و قبول کردن سبک رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله..... ۱۳۶
- ۳-۳-۲ دوری از خرافات و عقاید زمان جاهلیت..... ۱۴۷
- ۳-۳-۳ نظم آرمانی و قانون گذاری..... ۱۵۰
- ۳-۳-۴ نظم آرمانی و قسط و عدل و رستگاری..... ۱۵۳
- ۳-۳-۵ نظم آرمانی و آمدن حق و زایل شدن باطل..... ۱۵۶
- ۳-۳-۶ نظم آرمانی و فلسفه بعثت از زبان دخترش..... ۱۵۸
- ۳-۳-۷ نظم آرمانی و قلم و عقلانیت و عدم دیوانگی..... ۱۶۱
- ۳-۳-۸ نظم آرمانی و تبیین طراحش از زبان نهج البلاغه..... ۱۶۲
- ۳-۳-۹ الگوی امامت و امت در پارادایم نظم آرمانی..... ۱۶۶

۱۷۷.....	۳-۳-۱۰ نوع برخورد و پوشش رهبر نظم آرمانی
۱۸۹.....	۳-۳-۱۱ نظم آرمانی و کیفیت قبض روح رهبر آن
۱۹۳.....	۳-۳-۱۲ نظم آرمانی و قوانین جاویدان دین
۲۰۱.....	۴-۴-۱۱ اجرای اوامر و نواهی پروردگار متعال
۲۱۰.....	۴-۴-۲ قرآن تبیین کننده نقشه راه و حق الهی
۲۱۶.....	۴-۴-۳ نقش نماز و فلسفه آن
۲۲۳.....	۴-۴-۴ نقش زکات و فوائد پیرامونی آن
۲۲۹.....	۴-۴-۵ جایگاه و نقش و اسرار حج
۲۴۰.....	۴-۴-۶ بحث عدالت و راه برون رفت
۲۵۰.....	منابع و مآخذ

پیشگفتار

به دلایل فراوان و متعددی می‌توان گفت که انسان محور کائنات است و پس از وجود مطلق و آفریننده کل جهان و هستی و کائنات و کهکشان‌ها، همین انسان می‌تواند قوی‌ترین و تاثیر گذارترین موجود در کل هستی و مخلوقات و موجودات باشد. انسان اگر چه از لحاظ جسمی کوچک و ناچیز به نظر می‌آید اما از لحاظ تفکر و اندیشه و فسفرهای مغزی بسیار بسیار بزرگ و حیرت انگیز و مساله ساز و حادثه ساز می‌باشد و این حوادثی که می‌تواند بیافریند هم جنبه‌های مثبت و عام المنفعت دارد و هم جنبه‌های منفی و ضررهای جهانی داشته است و یا می‌تواند داشته باشد و یا دارد اما هدف از خلقتش چیز دیگری بوده است و آن این است که اولاً: دادار هستی و خالق کل هویدا و آشکار کرد و گنج‌های درونیش مورد استفاده همه موجودات از جمله انسان گردد و ثانیاً: انسان کامل و انسان اکمل و مقام و انسانیت او به فعلیت و اجراء گذارده شود و ثالثاً: به آزمودن‌ها و آزمایش‌ها و بلاها و پالایش‌ها همچون آهنی در کوره آهنگری ساخته و پرداخته که شکل اصلی و هویت مبنایی و رخساره‌ی زیبا و ظریف او کشف و قابل بهره برداری و چون نگینی در کل هستی شهره آفاق و

انفس گردد و چون این گونه گشت او به خود آفرین گفت و این آفرین چه زیبا و جالب بود و چه به هنگام و به موقع و صد البته رازها و تاملات فراوانی در این تبارک او به خود و یا خودش به خودش نهفته است چرا که شنیده نشده است که از بعد از خلقت کل هستی و کهکشان‌ها و کرات و سیارات و آسمان‌ها و دیگر موجودات که حتی ساخت کوچک‌ترین عنصر و موجودی مثلا پشه از توان مابقی خارج است حتی اگر همگان غیر از او همکار و همیار هم گردند پس این تبارک و احسنت رمز و رموز فراوان دارد و تعقل و تدبر پیرامونش بسیار بسیار می‌طلبد.

وانگهی تمامی موجودات به صورت دو گونه‌ای و جفت و همزادی آفریده و طراحی شده و نقاشی شده گشته‌اند و آن نمایه‌هایی از ظرافت و احساس و لطافت و عذوفت و نرم افزاری صفت و سخت افزاری گونه و نیز مونث و مذکر بودن آنان و یا انس و الفت و یا انیس و مونس و یا وابستگی متقابل و یا نیازمند متقابل و یا کمال دیگری در گرو وجود گری است و یا بر عکس یعنی همه به هم نیازمند و وابسته‌اند و با حرکت‌های همه باهم چرخه طبیعت و ماده می‌گذرد و می‌چرخد به دیگر سخن و به دیگر فرمول کل هستی برای باور شدن و پویایی انسان خلقت گشته است و انسان برای در خدمت خدا بودن و به او رسیدن طراحی شده و وقتی این فرمول عملیاتی بشود در واقع هم انسان به کمال و انسانیت و بلوغ واقعی رسیده است و هم هدف خلقت او عملیاتی شده است و همان گونه که بیان و توصیفش گذشت مهم‌ترین اثر گذار در جهان هستی انسان می‌باشد و این انسان که یک مفهوم کلی ذهنی و توتولوژی است در بیرون دارای افراد و مصادیق فراوان در افق و مقیاس میلیاردی تا کنون دارد و ادامه نیز خواهد داشت که تولید نسل توقف نخواهد داشت و آن

مصادیق در دو نوع و شکل مونث و مذکر یا مرد و زن و یا آقا و یا خانم و یا پسر و دختر می‌باشد که قبلاً بدان اشاره در صفحه پیشین شد. اکنون با این اوصاف این پژوهش بر آن است تا میان دو تفکر و دو اندیشه و دو مکتب به بررسی و مقایسه و تطبیق سازی بپردازد و این دو مقطع زبانی و تاریخی بشر در دو فاصله زمانی و مکانی می‌باشند یکی قریب به پانزده قرن پیش یعنی یکهزار و پانصد سال پیش و دیگری کمتر از یک قرن و یا کمی بیش از نیم قرن می‌باشد و آن دو عبارتند از مکتب و تفکرات حضرت زهراء علیها السلام و مکتب فمینیسم که با بررسی و تفکر و مطالعه و پژوهش و فرآیندهای مربوطه در این پروژه علمی در فصول پیش رو به نقاط اشتراک و تفاوت‌ها و نیز نقاط افتراق و دوگانه بودن و یا برتری‌ها و موفقیت‌ها و الگوی صحیح و منطقی و منطبق با فطرت و قلب و عقل و انسانیت و استخراج و انکشاف آن برای کاروان بشری خصوصاً حوزه و حیطه بانوان جهان و زنان موفق و نمونه جهان به کاوش و واکاوی و تجزیه و تحلیل و رصد پیرامون مبانی و مفاهیم و مشروعیت و ماهیت و مسائل بنیادین و اعتقادی و عرفی بودن و کارکردها و مولفه‌ها و مدیریت صحیح خانواده و جهان و الگوی تربیتی و پرورشی دو مکتب و ارایه آن برای کاروان بشری خصوصاً حوزه‌ی زنان و بانوان به منصفه‌ی ظهور و بروز و در معرض نقد منصفانه و دفاع معقولانه کاروان بشری خواهیم گذاشت و به ظرافت‌ها و رویکردهای دو مکتب بیان شده در حد توان و ظرفیت خواهیم پرداخت ان شالله.

قم مقدس - اسد آزادی

تابستان ۱۳۹۸

مقدمه

کار تطبیقی و فعالیت مقایسه‌ای در موارد گوناگون و مختلف و متفاوت می‌تواند مفید و گره‌گشا و رفع ابهام و دوگانگی و جهالت بنماید و باری از بارهای به زمین نشسته بشریت را به تکاپو در بیاورد و در پس آن می‌تواند پیامدهای بسیار عالی در بر داشته باشد اما اگر خدای نکرده این تطبیق و مقایسه و قیاس خارج از حد و حدودش باشد فعالیت بسیار مضر و خطرناک خواهد بود همان گونه که ابلیس از دستور خداوند حکیم سرپیچی نمود و از ناحیه قیاس وارد شد و برای همیشه تاریخ منفور گشت. پس می‌بایستی دقت و ظرافت فراوانی بشود تا انسان به خسران دنیوی و اخروی نرسد و از سویی دیگر هم این عوارض و پیامدها سبب بی تفاوتی و سکوت و سکون نگردد. پس لازم است روشمند و اندیشمندانه ورود پیدا بنمایند و حداکثر استفاده و بهره‌برداری از آن اندیشه‌ها را ببرند و با حالت رئالیستی و ضمانت اجرایی برای به افق و کمال رسیدن بشریت قرار بگیرد.

انگیزه پژوهشی

سخن و تفکر پیرامون وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام و چگونگی شکل گیری تفکرات و اندیشه‌ها و گزاره‌های مرتبط با ایشان و بحث تطبیقی و مقایسه‌ای از دیر باز تا کنون مورد توجه این بنده‌ی ناچیز خدا در سنواتی از حیاتم بوده و هست خصوصا که به سبب وجود مبارک و نازنینش برکات و پیشرفت‌ها و نیکوکاری‌های فراوان و متعددی شامل حال حقیر گشته است لذا با خود اندیشیدم و سوالاتی چند به ذهنم رسید بدین گونه که مثلا در مکتب و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام چه چیزهایی در اولویت قرار می‌گرفتند؟ و اکنون مکتب فمینیسم در اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی شان چه چیزهایی را در اولویت قرار می‌دهند؟ و یا رمز موفقیت و پویایی زنان جهان از منظر و نگاه حضرت زهرا علیها السلام چه مسائل و یا موضوعات و یا مولفه‌هایی می‌باشند؟ و نیز همین سوال از نگاه و منظر مکتب فمینیسم کدامند؟ و ده‌ها و یا صدها سوال پیرامون تفکرات دو مکتب، لذا آرزوی مهم روزها و شب‌ها و حتی ماه‌ها به فکر و تفکر و نیز نوک پیکان انگیزه‌ام بر این بوده است که میان دو مکتب یک بررسی و تطبیق و و پژوهشی بنمایم و روح و روان خودم را آگاه و متوجه کارکرده‌های گوناگونی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام و تطبیق مکتب فمینیسم با آن بنمایم و نقاط اشتراک و افتراق آنان را بازخوانی و واکاوی بنمایم و کاری برای دل خودم کرده باشم و در صورت توفیق آن را روانه دل‌ها و اندیشه‌ها و کانون‌های ادب و علم و اجتماع و فرهنگ و سیاست و دانشگاه و اهل علم و حوزه‌های علمی و کانون‌های اندیشکده‌ای بنمایم.

ضرورت پژوهش

دنیايي که در آن زیست می‌کنیم دارای کاروان بشری است که هزاره‌ی سوم تجربیات خود را در حال ثبت و نگارش است و با اتکا به تکنولوژی در انواع و اقسامش از جمله امواج صوتی و تصویری و تسخیر کرات دیگر و حتی در بعضی از کرات مثل ماه و مریخ زمین خریداری نموده و سودای سکونت در آن جا را دارند. آیا در چنین فضایی که تنفس می‌کنیم و زندگی می‌نماییم تفکر و یاد آوری پیرامون یک مکتب و تفکرات قدسی و آسمانی که از ناحیه خداوند مهربان توسط پیامبر اعظم تحت عنوان دخترش برای انسان‌ها خصوصا بانوان جهان تفکرات و اندیشه‌ها و قوانین اجتماعی و سیاسی و جهان شمولی را به ارمغان گذاشته است و به یادگار گذاشته است آیا ضرورت ایجاب نمی‌کند که پیرامون آن به کاوش و تکاپو و در سطح جهانی و بین المللی و در همه کالج‌های مطرح دنیا کلاس‌های تدریس و کرسی‌های بازخوانی و باز یابی آراء و افکار ایشان را به جهانیان و کل سردمداران و سیاستمداران و مراکز فرهنگی و علمی جهان معرفی بنماییم و با مکتبی که ادعای حریت و آزادی و دفاع از حقوق زنان در جهان را دارد و صدای خودش را به گوش فلک رسانیده است بررسی و تطبیق بنماییم و جهانیان را از جهالت و توهم خیالی آگاهی و علم ترویجی بنماییم. آیا این مهم ضرورت دو چندان و مضاعفی در فضای فعلی ایران و جهان ندارد و به همین نباید به عنوان دستاورد و ره آورد همیشه بشر تاریخ نگریسته بشود پس به این نتیجه می‌رسیم ضرورت بسیار بسیار جدی و مهمی دارد که ما بدان پرداخته ایم خصوصا که انقلاب اسلامی ایران سبب گشایش

اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و مدیریتی نیز برای بانوان زیادی در لایه‌های مدیریتی و حکومتی و اجتماعی شده است.

تحلیل موضوع پژوهش

تبیین و تحلیل موضوع پژوهش یعنی آراء اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم و مولفه‌های مربوط به آن دو کاوش و اندیشه‌ای بسیار مهم به نظر می‌رسد و یکی از راه‌های دسترسی به این گفتمان و رویکرد و پدیده‌ی این مکاتب روش تحلیل و تلاش و کوشش وافری پیرامون تاثیر و تاثرات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و مدیریتی و تربیتی و معنوی این دو نوع مکتب و اندیشه‌ی فکری بر کل جهان می‌باشد و اجزاء سازنده جامعه بین الملل و یا سازمان الملل می‌باشد و از سویی تاکید جامعه شناسان به روشی که در تبیین یک پدیده اجتماعی و جهانی در این پژوهش بررسی دو مکتب نشان دادن علت و هویت آن کافی نیست بلکه بیشتر اگر تحلیل و کارکرد آن پدیده در تثبیت ساختار اجتماعی و جهانی بررسی شود فهم آن پدیده راحت‌تر است و این به این منظور اهمیت دارد که استمرار پدیده‌های سیاسی و فرهنگی و معنوی به کارکرد و کاربردی است که برای بهبودی بخشیدن به کل جامعه دارد و تا زمانی که آن کارکرد هست آن پدیده نیز هست در میان اندیشه‌های جهانیان خصوصا مسلمانان به ویژه بانوان یکی از بهترین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و جهان شمول به اندازه‌ی اندیشه‌های حضرت زهرا علیها السلام نسبت به دیگر مکاتب فکری و اندیشه‌ای همه‌ی جهانیان از تاثیر و عمق

ژرف و عمیق برخوردار نیست زیرا وقتی که به منشور جهانی و تفکرات معصومانه و الهی آن بانو تتبع و نگاه می‌شود و با مکاتب فکری معاصر جهان اسلام و بشریت مقایسه و بررسی می‌شود طراوت و شادابی و همه جانبه و همه زمانه بودن گفتمان و گفتار ایشان به خوبی هویداست و به انسان و بانوان احساس غرور و افتخار و عزت و کرامت انسانی می‌دهد و صد البته این منشور بین المللی انسانی و الگوی تربیتی جهانی مورد غفلت و ظلم واقع گشته است همان گونه که در دو دهه حیات مبارک و نورانیش مورد بزرگ‌ترین صدمات و ظلم‌ها و شکنجه‌ها قرار گرفته است و گواه بر بزرگترین مظلومیت و محرومیت ایشان قبر نورانی و مخفی ایشان می‌باشد که اهل خرد و اهل دل و اندیشه خود از این مجمل صدها دفتر مفصل و مشروح نوشته‌اند و خواهند نوشت و یا در حال نگارش هستند.

دلایل انتخاب موضوع

دلایل فراوان و گوناگونی می‌توان برای تصمیم این انتخاب مطرح کرد چرا که کاروان بشری در مسیر حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در برهه‌های تاریخی فراز و نشیب و سقوط و صعود داشته و در عصر فعلی نقاط زیادی از جهان از بی عدالتی و تبعیض و ظلم و کشتار و تجاوز و فقر و فحشا و اشاعه و ترویج و تبلیغ آن و خصوصاً سوء استفاده ابزاری از زنان زجر و رنج فراوان می‌برند و شواهد و مستندات فراوانی هم در این زمینه حتی روزانه به گوش می‌رسد که هیچ جای شک و شبهه و تردیدی وجود ندارد و از سویی دیگر با مراجعت به متون بالا دستی و احترام به انسانیت و حریت و

کرامت انسانی و ارائه قوانین و تفکراتی پویا و متقن و ارائه الگویی چند جانبه برای کاروان بشریت به ویژه جامعه زنان و نجات آنان از باتلاق‌های پلیدی و ضد اخلاقی که سران امپریالیستی و لابی گری صهیونیستی و نیز گروه‌های ذی نفوذ چند ملیتی و فرا ملیتی که نوک پیکانشان اصالت منفعت و اصالت لذت و فایده گرایی و شهوت گرایی و جهان را به ابتذال کشیدن می‌باشد رغبت ما را به بازخوانی و واکاوی و پژوهشی تطبیقی و دستاوردهای آن برای بشریت دو چندان بلکه مضاعف و تاکید اکید می‌ورزد لذا به این موضوع پژوهش پرداخته‌ایم.

نگاهی به سابقه پژوهش

با بررسی و تاملات و پژوهش و تحقیقاتی اعم از کتابخانه‌ای و دیجیتالی و اینترنتی که داشتیم به سابقه‌ای با این عنوان برخوردی نکردیم و مطلبی به دست نیاوردیم اگر چه در ابعاد و شاخه‌های دیگری کتب و مجلات و تقریراتی صورت گرفته است که اجرشان با خدای بزرگ. به نظر می‌رسد این پژوهش در نوع خودش و در سبکی که بدان همت گماشته است بی سابقه و بکر و جدید می‌باشد.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش اصلی:

اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی و مولفه‌ها و گزاره‌های حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم در چه ابعادی دارای شباهت و اشتراک و در چه ابعادی دارای تفاوت و افتراق می‌باشند؟

پرسش‌های فرعی:

- ۱- تحلیل کارکردگرایانه اندیشه‌ای حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم به چه معنایی است؟
- ۲- سطوح کارکردی جهانی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم کدامند؟
- ۳- جامعه مطلوب و آرمانی از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم کدامند؟
- ۴- راه حل مشکلات و درمان دردهای جامعه از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم چه بوده است؟
- ۵- تحلیل کارکردی و جامعه شناختی جهانی با رویکرد گفتمانی حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم کدامند؟

فرضیه اصلی پژوهش

بین اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام و مکتب فمینیسم تفاوت جوهری و ماهوی وجود دارد به گونه‌ای که این دو مکتب در شناخت و تعیین مشکلات جامعه و علل و عوامل و ریشه‌های این مشکلات و نظم آرمانی و راه حل برون رفت جامعه از مشکلات دارای تفاوت بنیادین‌اند هر چند که هر دو مکتب دارای اصولی اجتماعی و سیاسی و شاید در قسمت‌هایی هم تشابه باشد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- از نظر حضرت زهرا علیها السلام حرکت انسان به سوی خدا و در تمامی

سطوح و لایه‌های زندگی و اجتماعی و نظام سیاسی و فردی و فرهنگی همه چیز باید متوجه خدا باشد و بس ولی از نظر مکتب فیمینیسیم تمام قد دفاع از حقوق زنان با مردان و تصاحب مناصب حکومتی و جهانی و جبران تظلمات تاریخی که به آن‌ها شده است بشود یعنی زن سالاری افراطی و مطلق، پس علل و عوامل مشکلات حضرت زهرا علیها السلام در دوری بودن از خدا می‌دانند ولی مکتب فیمینیسیم در دوری بودن از حقوق زنان می‌دانند.

۲- مشکل اصلی از نظر حضرت زهرا علیها السلام دوری جستن از خداوند و پشت کردن افراد بشر به خداوند و دستورات و دین خدا می‌باشد اما مکتب فیمینیسیم دوری جستن از حقوق زنان و عدم اعتماد به زنان و خوردن حق آنان و مورد تجاوز و خشونت قرار گرفتن در طول تاریخ می‌باشد و به حساب نیاوردن آنان و عدم توجه و جایگاه اجتماعی برای آنان قائل نشدن می‌باشد.

۳- نظم آرمانی و جامعه مطلوب و ایده آلیسم از نظر حضرت زهرا علیها السلام جامعه اصل اسلام و اجرای اسلام ناب و بسط آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی و عدالت اجتماعی که مبنای احکامش از جانب خداست اما از لحاظ مکتب فیمینیسیم نظم آرمانی و جامعه مطلوب و ایده آل یعنی جامعه‌ای که منافع زنان را اصل و آزادی کامل برای زنان و هیچ نوع مانع و شرطی پیش روی زنان نهاده نشود که به اهداف خود برسند و خلاصه همه چیز حول محور زنان باشد و بس.

۴- راه برون رفت از مشکلات و معضلات جامعه و اجتماع تنها راهش از نگاه حضرت زهرا علیها السلام برگشت و بازگشت به آغوش قرآن و سیره‌ی

نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و اطاعت از خداوند و دستورات او می‌باشد اما از نگاه مکتب فیمینیسیم راه برون رفت از مشکلات تشخیص و توجه به حقوق زنان و شرایط و اوضاع و احوال و پیشرفت آنان می‌باشد و تمام قوانین می‌بایستی دچار تغییر و تحول گردند و به نفع زنان و جامعه زنان و حقوق آنان و جبران گذشته آنان شود که تنها راه برون رفت را در همین می‌دانند و بس.

چارچوب نظری این پژوهش

در این پژوهش چارچوب اصلی و اساسی نظریه مفهومی چهار وجهی و یا چهار مرحله‌ای توماس اسپریگنز مورد استفاده قرار می‌گیرد بر اساس آن در نقد و بررسی اندیشه‌ها و در جهت فهم نظریه‌های مربوطه چه به صورت موردی و چه به صورت مقایسه‌ای لازم است یک مدل چهار وجهی و یا چهار مرحله‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

اندیشه سیاسی و اجتماعی بر اثر وجود مشکل یا بحران در جامعه شکل می‌گیرد پس لازم است ببینیم: ۱- اندیشمند مورد نظر ما مشکلات عمده و بحران در جامعه سیاسی و اجتماعی خود را چگونه صورت بندی می‌کند؟ ۲- در مرحله دوم پی بردن به این که از نظر اندیشمندان مورد بررسی ریشه و عوامل اصلی بروز مشکل یا بحران در جامعه سیاسی را چه می‌داند مهم و قابل پیگیری است؟ ۳- در گام سوم لازم است با تحقیق و تدقیق در منابع و متون به جا مانده از اندیشمند مشخص شود که ایشان جامعه سالم و نظم آرمانی و مطلوب را چگونه ترسیم نموده است و در نهایت این که راه حل مشکلات و برون رفت از بحران در جامعه سیاسی از دید اندیشمند مورد نظر

(اندیشمندان) چیست و یافتن پاسخی برای این چهار پرسش، پی بردن به دیدگاه‌های اندیشمند در خصوص این چهار وجه مسئله سیاسی و اجتماعی ما را در شناخت اندیشه سیاسی اندیشمندان کمک می‌کند و شاید از نظریه تحلیل کارکردی جامعه شناختی و نیز نظریه رفتار گرایانه و غیره استفاده ببریم اما نکته و اساس اصلی همان نظریه توماس می‌باشد و روش پژوهش نیز اسنادی، کتابخانه‌ای و تحلیلی و توصیفی با محوریت سخنان و خطبه‌ها و احادیث حضرت زهرا علیها السلام یادگار آن بانوی بی نظیر و بی بدیل در کل هستی و تاریخ بشریت و نیز مولفه‌ها و تفکرات مکتب فیمینیسیم و در مراحل بعد دیگر منابع و کتب مورد استفاده و تفکر و تأمل قرار خواهند گرفت.

سازمان و ساختار پژوهش

این پژوهش مشتمل بر بخش‌های سازمان یافته شش گانه ذیل و ساختارهای مربوطه خواهند بود:

- بخش یک: کلیات و مفاهیم بحث
- بخش دوم: مدل مفهومی پژوهش
- بخش سوم: آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا علیها السلام
- بخش چهارم: آراء اجتماعی، سیاسی مکتب فیمینیسیم
- بخش پنجم: بررسی تطبیقی دو نگاه
- بخش ششم: نتیجه گیری و ره آوردهای پژوهش

بخش یک:

کلیات و مفاهیم بحث

مقدمه

در این بخش همان گونه که از عنوان آن به خوبی مشخص است ابتدا لازم است واژگان و مفاهیم کلیدی و مبادی بحث که مرتبط به پژوهش می‌باشند را به خوبی تعریف و تحلیل و واکاوی بنماییم تا خواننده عزیز با پیش مقدمه و پیش ذهنی خوبی به ورای بحث ورود پیدا کند و به دیگر سخن ذهنیت و آشنایی اجمالی با مفاهیم و کلمات به کار بسته شده داشته باشد تا در اثنای مطالعه و مذاقه در مطالب بتواند به راحتی به مطالعه و کاوش خویش ادامه بدهد و با مغزی آسوده و فسفرهایی پویا و پیش ذهنی متناسب به سرزمین وجودی این پژوهش وارد شود و با اطمینان و آسوده خاطر بتواند به مقصود و هدف خویش برسد و آن مفاهیم به قرار ذیل می‌باشند: معنای آراء سیاسی، معنای آراء اجتماعی، تعریف اجتماع، انواع اجتماع، انواع سیاست، تعریف سیاست، معنای مکتب فیمینیسیم، انواع نظام‌ها و جامعه‌ها، دین سیاست، حقوق بشر، حقوق زنان.

۱- تعریف واژگان و مفاهیم کلیدی و مبادی بحث

۱-۱ تعریف سیاست

۱-۱-۱ هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد از مقوله امور سیاسی است. بنابراین هر گاه از سیاست به معنای خاص سخن می‌گوییم همواره با دولت یعنی سازمان قدرت در جامعه که نگهبان نظم موجود یا پیش برنده‌ی آن است سر و کار داریم. امور سیاسی شامل مسائل مربوط به ساخت دولت و تربیت امور در کشور، رهبری طبقات، مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب‌ها و گروه‌های با نفوذ و غیره است.^۱

۱-۲ حکومت هم معنای سیاست

سیاست و حکومت به معنای ملک و عرض از آن تکمیل خلق است و لازمه اش میل به سعادت است و به معنای حکمت عملی است و آن علم مصالح جماعتی است که در شهری و کشوری اجتماع کرده‌اند بر مبنای تعاون بقای نوع و رفاه زندگی افراد و تدبیر منزل و طریقه حفظ بدن و تقویت آن و به معنای موازنه قوا یعنی ایجاد تعادل قدرت بین الملل، به منظور جلوگیری از استیلا و تفوق بر دیگری و در نتیجه قرار داشتن صلح عمومی و به معنای سیاست تهذیب اخلاق و سلوک با اطرافیان و افراد تابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۳.

و دوستان می‌تواند بوده باشد و حاصل آن که به معنای فاصله و مدن و منزل و جسمانی و موازنه و نفسانی که به نحوی که بیان کردیم بود.^۱

۱-۱-۳ معنای عام حکومت و سیاست

یعنی هر گونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا هر امری از امور چه شخصی و چه اجتماعی (سیاست و حکومت) گفته می‌شود چنان که از سیاست، سیاست نظامی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و جزء این‌ها و آن‌ها سخن می‌گوییم.^۲

۱-۱-۴ حکومت به معنای خارجی یا بین المللی

کم و کیف سیاست گذاری خارجی و شیوه‌های اجرای آن در عرصه سیاست بین الملل از مسائلی است که ممکن است بر کارایی دولت تاثیر داشته باشد. در حقیقت تجلی کارکرد دولت را در سیاست جهان از طریق رفتار حکومت مشاهده می‌کنیم. در این روند ویژگی‌های ساختاری و نگرشی نخبگان حکومت به سیاست بین الملل حائز اهمیت‌اند. در این مورد شاید ضروری باشد حکومت‌ها را از نظر درجه دموکراسی و پراگماتیسم و ایدئولوژی و سرمایه داری و سوسیالیسم و توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی و جزء این‌ها طبقه بندی کنیم. تحت این شرایط اولویت بندی هدف‌ها و

۱. لغت نامه دهخدا، ص ۷۴۲-۷۴۰

۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲

منافع ملی و نیز به تبع آن نوع جهت گیری‌های سیاست خارجی متفاوت خواهند بود. اگر این طبقه بندی دقیق صورت گیرد، در این صورت می‌توان الگوهای رفتاری سیاست خارجی دولت‌های گوناگون را بر اساس ویژگی‌ها و مختصات حکومتی آن‌ها بررسی و ارزیابی کرد.^۱

۱-۲ انواع سیاست

انواع سیاست یا به نوعی انواع حکومت را می‌توان در یک تقسیم‌بندی و طبقه بندی بدین شرح بیان نمود: ۱-حکومت استبدادی ۲-سیاست یا حکومت اشراف یا آریستوکراسی ۳-حکومت اکثریت ۴- پارلمانی ۵- صنفی ۶-قانونی ۷-مشروطه و مشروطیت ۸-تئوکراسی یا یزدانسالاری ۹-دیکتاتوری ۱۰-اولیگارش‌ی یا گروه سالاری (گروه اندک) ۱۰-یکه سالاری یا اتوکراسی (برتری یک فرد در مرتبه اداری کشور) ۱۱-سوسیالیسم و کمونیسم.^۲

۱-۳ کارکردهای اجتماعی

به مطالعه و بررسی و کنش گرایانه با هدف آشکار سازی و بررسی تاثیرهای پدیده اجتماعی خاص در عملکرد نظام کلی یا اجزای سازنده‌ی آن که شکل بپذیرد به نوعی کارکرد نام دارد.^۳ و از نگاه آلون. ی.

۱. قوام، عبدالعلی، روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها، ص ۱۵۸-۱۵۷

۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۱۹-۱۸؛ ۵۲؛ ۱۴۲-۱۴۱؛ ۳۲۹

۳. کوزر، لوئیس، نظریه های بنیادین جامعه شناختی، ص ۲۰۲

سو: کنش جمعی انسان‌ها یعنی حیثیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی اجتماعی به واقع عرصه‌های کنش اجتماعی به شمار کنش اجتماعی به شمار نمی‌روند آن‌ها دارای "منطق‌هایی" مستقل و جدا از یکدیگر نیستند و مهم‌تر این که محدودیت‌ها و امکانات و تصمیمات و موازین و عقلانیت نیز چنان به هم گره خورده‌اند که هیچ الگوی مناسب تحقیقاتی را نمی‌توان یافت که بتواند عوامل را طبق مقولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی از هم جدا نموده و به طور ضمنی با ثابت نگه داشتن سایر متغیرها تنها یک نوع متغیر کار کند، بحث ما این است که همه‌ی این ساخت‌های گوناگون در واقع در چارچوب یک "دسته قواعد" یا یک دسته محدودیت‌های واحد عمل می‌کنند کارکرد حکومتی و جامعه‌ای به عبارتی بیان مجموعه قواعد عامی است که با آن‌ها می‌توان رفتار انسانی یا اجتماعی را تبیین نمود یعنی میان دو نوع شیوه تحلیل کلی و فردی وجود دارد و در دنیای تحقیقات نیز معمولاً این روش‌های تحلیل را با هم در می‌آمیزند و نیز تاریخ‌شناسان را به درک ژرف تری از هر مجموعه و وقایع خاص رهنمون می‌سازد.^۱

۱-۴ انواع نظام‌ها و جامعه‌ها

نظریه عام نظام‌ها یکی دیگر از نظریه‌های مهم قرن بیستم است که با نگرشی کل گرایانه در پی تعریف جامعه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی

۱. ی. سو، آلوین، تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۱۷۴

است این نگرش ابتدا در حوزه زیست شناسی و سیرنیتیک مطرح شد پس از جنگ جهانی اول فن برتالانفی زیست شناس بر آن شد تا روابط موجود و پیرامونش را به صورتی نظام گونه (سیستماتیک) مورد بررسی قرار دهد سپس در فردای جنگ جهانی دوم نوربرت و اینر نظریه سیرنیتیک را بر پایه جعبه سیاه (یا هر شی صنعتی که به طور خودکار عکس العمل نشان می دهد مثل ترموسات) پی نهاد. پس از آن برتالانفی از پژوهش های متفاوتی که در این زمینه ها صورت گرفت نظریه عام نظریه ها را در سال ۱۹۵۶ استخراج و اعلام کرد. اما این نظریه بیش از حد انتزاعی بود با آن که ورود آن به حوزه ی سیاست که به برکت کارهای دیوید ایستون (تحلیل نظام وار از زندگی سیاسی) و پارسونز صورت و جهت گیری به سوی اهداف و سومین نوع نظام داشتن الگوهای نظارت به منظور تولید، حفظ و باز تولید ارزش های مشترک و دیگری زیر نظام ها که حفظ الگوهای فرهنگی و ارزشی را بر عهده دارند و دیگری زیر نظام سیاسی که بسیج منابع برای تحقق اهداف یک مجموعه خاصی را بر عهده دارد یعنی حفاظت از همبستگی اجتماعی، دفاع از کشور حفظ نظام عمومی، از ماموریت های زیر نظام سیاسی است که خود نیازمند نیرویی برای اجرای تصمیمات مثل پلیس و ارتش و تفسیر قواعد یعنی نظام حقوقی است.^۱

۱. نقیب زاده، احمد، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، ص ۲۱

۱-۵۵-دین سیاست

در رابطه با دین و سیاست سه نظر گاه وجود دارد یکم این که تضاد دین با سیاست دوم این که جدایی از سیاست سوم عینیت سیاست با دین و بر عکس و این نوشتار طرفدار دیدگاه سوم می‌باشد و به نوعی فراتر می‌گوید دین به مثابه‌ی فرا نهادی محسوب می‌شود که کلیه نهادها و نظامات دیگر از جمله نهادهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اقلیمی و غیره و بهداشت و مدیریت و خانواده و قوه قضائیه و عدلیه و قضاوت و همه و همه در دل دین و بلکه جزیی از آن می‌باشند و این مهم با مستندات و شواهد تاریخی و شواهد عینی و تجربی و براهین متقن و عقلی و فلسفی وجود دارد و داشته و خواهد داشت و مهم‌ترین این نوک پیکان در حکومت جهانی و دینی توسط گفتمان و حکومت امام زمان (روحی فداء) عینیت و تحقق خواهد نمود.^۱

۱-۶-حقوق بشر

مجموعه حقوقی که بر اساس نظریه "حقوق طبیعی" به موجب "قانون طبیعی" یکسان به افراد بشر داده شده و جز ذاتی و جدایی ناپذیر موجودیت انسانی آن‌ها به شمار می‌آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین المللی) می‌یابد از آن دفاع کنند. یکی از مقاصد هر نظام حقوقی حمایت از فرد در برابر ستم است. معمولا حقوق افراد را قانون محلی

۱. آزادی، اسد، نگین هستی سودای گیتی، فصل اول

حمایت می‌کند و در فدراسیون‌ها، علاوه بر قانون محلی، دستگاه فدرال این وظیفه را به عهده دارد در برخی موارد اگر در داخل چنین مواردی وجود نداشته باشد، ستمدیدگان به نهادهای بین‌المللی مربوط می‌پناهند. نخستین مقررات و ضوابط بین‌المللی در دفاع از حقوق بشر، برای دفاع از خارجی‌ان در برابر آزار مقامات محلی پایه‌گذاری شد. بسیاری از دادگاه‌های ویژه‌ی بین‌المللی و کمیسیون‌های رسیدگی به دادخواست‌ها در طول قرن نوزدهم برای همه کشورهای مقررات حداقلی برای رفتار با خارجی‌ان گذاشتند. اگر شهروند دولتی به سبب نقض یکی از این مقررات توسط دولت یا مأمور رسمی کشور دیگر، آسیب ببیند کشور آسیب‌رسان می‌باید غرامت آن را به کشور دیگر بپردازد پس از جنگ جهانی اول سلسله‌ای از پیمان‌ها میان دولت‌های اروپایی بسته شد که چندین کشور اروپایی را در مورد حمایت از اقلیت‌های نژادی، دینی، و ملی پایبند می‌کرد و جامعه ملل بر اجرای این تعدها نظارت داشت.

قانون بین‌المللی معمولاً با روابط میان یک دولت و شهروندانش کاری ندارد اما اگر رفتار دولتی با مردمش اصول انسانیت یا عدالت را نقض کند و وجدان بشریت را تکان دهد، قاعده عدم دخالت از کار می‌افتد. چنان که در طول قرن نوزدهم، تجارت برده‌های آفریقایی به طور کلی محکوم شد و در پی کشت و کشتار اقلیت‌ها در خاورمیانه، مانند کشتار ارمنیان در عثمانی، کشورهای غربی دست به کارهایی زدند. و اما ستمگری بیرحمانه‌ی رژیم نازی و کشت و کشتار اقلیت‌ها و ساکنان سرزمین‌های اشغال شده به دست نازی‌ها، لزوم حمایت بین‌المللی از حقوق بشر را همه‌گیرتر کرد. درآمد

منشور بر ایمان به "حقوق اساسی بشر" تاکید می‌کند و ماده‌ی یکم آن این اصول را در میان مقاصد سازمان ملل می‌گنجاند.^۱

۷-۱ حقوق زنان

به چگونگی شکل بندی مناسبات زنان و حقوق زنان که تفکراتی پیرامون آن شده است می‌پردازد. افلاطون که بیشتر به فیلسوف سیاسی مشهور است، در مواضع مختلف، آراء مختلفی را در این مورد ارائه داده است. برخی مواضع افلاطون در مورد حقوق زنان در کتاب پنجم جمهوراست یعنی آن جا که وی برابری زن و مرد پاسدار را می‌پذیرد و از سویی دیگر می‌گوید مردان ترسو که زندگی بعدی خود در قالب زنان در می‌آیند. برخی از شارحان افلاطون با توجه به اظهارات وی معتقدند که اشتراک زن و مرد تحت قوانین شدید و در جهت خدمت به جامعه موضوعیت می‌یابد. اما ارسطو زن را هم رتبه مرد قرار نمی‌دهد و در یک تقسیم بندی حکمت علمی به اخلاق و یا فرد، خانواده و جامعه، زن را زیر دست مرد، رئیس در خانواده، ولی حاکم بر بردگان و خدمت کاران بر می‌شمارد مواضع افلاطون و ارسطو، ناشی از شرایط اجتماعی آتن به طور خاص یا یونان به طور عام است. اختلافات نظری یا عملی آن زمانه حتی

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۱۳۱

۲. گمپرتس، تئودور، متفکران یونانی، ج ۳، ص ۱۰۲۱

صدها سال بعد چندان خدشهای بر این آراء وارد نمی‌ساخت.^۱

۸-۱ معنای مکتب فمینیسم

فمینیسم آموزه‌ای است که وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه‌های آن بر این مهم همت می‌گمارد که زنان به دلیل جنسیتشان، دچار تبعیض گشته‌اند و لذا لازم است برای دگرگونی این وضعیت اقدامی انجام داد بدین گونه می‌توان گفت اساسی‌ترین سوالاتشان برای علوم اجتماعی و فلسفه سیاسی سه نوع می‌باشد یکم آن که چگونه مردان مسلط شدند؟ دوم آن که و چگونه این تسلط پذیرفته شد؟ و سوم آن که پیامدهای این تسلط چیست؟ اندیشه اصلی مکتب فمینیسم این است که مردان به اشکال مختلف تسلط پیدا کردند به گونه‌ای از تسلط آنان نگاه هستی‌شناسانه ندارند به دیگر سخن این وضعیت را شکل یافته می‌دانند و نه امر وجودی مفهوم این مطلب آن است که موضع فمینیسم را بر اساس مفروض آن نشان دهد. آموزه‌هایی چون مارکسیسم یا راسیسم، تاکید خود را بر طبقه یا نژاد قرار می‌دهند و آموزه‌هایی مانند آنارشیسم یا لیبرالیسم بر مفاهیم و مولفه‌هایی چون آزادی استوار می‌باشند و لیکن فمینیسم، جنسیت را اساس و محور رفتار و تفکر و اندیشه خود قرار می‌دهند فمینیسم در قرن نوزده و بیست، آشکار وجه سیاسی - اجتماعی پیدا کرد و توانست در چند دهه‌ی گذشته خود را همچون یکی از مهم‌ترین آموزه‌های سیاسی اجتماعی قلمداد نماید.

۱. مکنزی، یان؛ و دیگران، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۳۵۲

این مسائل را جان استوارت میل در انقیاد زنان (کنیزک کردن زنان) بدان اشاره نموده است وی در همان ابتدا بیان می‌دارد که چگونه از ابتدای شکل‌گیری اندیشه‌ای در زمینه مناسبات اجتماعی، آن چه راوی انقیاد زنان می‌خواند برایش مورد سؤال بوده است.^۱ میل انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده از اصل برابری کامل دفاع می‌کند. وی تصور ناتوانی زنان در کارکردها و اشتغالات را ناشی از نحوه‌ی رفتار اجتماعی و این که مردان نمی‌توانند یک رابطه متساهلانه را تحمل می‌دانند.^۲

۱-۹ انواع اجتماع و تعریف آن

طبقات اجتماعی یا دموکراسی زمینه‌های برجسته جامعه‌شناسی سیاسی در نخستین دوره‌ی شکل‌گیری آن در نیمه اول قرن نوزدهم پیامدهای اجتماعی ظهور دموکراسی به عنوان شکلی از حکومت و اهمیت سیاسی تکامل طبقات بر اساس سرمایه داری صنعتی بود. این دو موضوع به علت شیوه‌ی درک آن سبب پیدایش تئوری‌های متضادی گردید که بیشتر یا تاثیر شکل‌های سیاسی و نیروهای سیاسی بر جامعه و یا تاثیر عناصر اجتماعی مختلف بر شکل‌های سیاسی را مورد تاکید قرار می‌داد. می‌توان گفت که این تضاد در قلمرو اندیشه‌ها تا اندازه‌ای با تقابل در واقعیت اجتماعی، بین انسان به منزله‌ی یک شهروند-انسان سیاسی بهره‌مند از

۱. میل، جان استوارت، رساله درباره آزادی، ص ۱۱۹

۲. میل، جان استوارت، کنیزک کردن زنان، ص ۱۶۶

حقوق برابر - و انسان به منزله‌ی عضوی از جامعه مدنی - انسان خودپرست که وضعیتش به وسیله‌ی منافع خصوصی و جایگاهش در نظام اقتصادی تعیین می‌شود - تطبیق می‌کند. به هر شیوه‌ای که این تضاد طرح شود (به عنوان مثال، می‌توانیم بگوییم که دو انقلاب - سیاسی و صنعتی - که الهام بخش علوم سیاسی جدید بودند در جهت‌های در یک حالت به سوی برابری و در حالت دیگر دور از آن شروع به حرکت کردند) بخش بزرگی از مجموعه پژوهش‌ها و دکترین‌های سیاسی را از قرن نوزدهم تا زمان حاضر در بر می‌گیرد.

بنابراین تئوری دموکراسی و تئوری طبقات عناصر ضروری در بنیانگذاری علم سیاست هستند و بررسی تکامل این تئوری‌ها به روشن ساختن ماهیت و مسائل آن کمک می‌کند.

تئوری طبقات اجتماعی که نخستین بار به طور جامع توسط مارکس طرح و تنظیم شد همین مساله را از جنبه‌ای دیگر با تبیین دموکراسی به عنوان نتیجه تغییرات در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد. بر طبق این نظریه انقلاب‌های سیاسی دموکراتیک به وسیله‌ی طبقه‌ای جدید - بورژوازی - انجام گرفت که در فرایند تکامل سرمایه داری تجاری و صنعتی تشکیل شد. و آینده دموکراسی اساساً به گرایش‌های درونی تولید سرمایه داری و رابطه بین بورژوازی و طبقه‌ی جدید دیگر جامعه سرمایه داری یعنی پرولتاریا بستگی خواهد داشت مسئله سیاسی مهم برای مارکس و کسانی که بعداً تحت تاثیر تئوری او قرار گرفتند "مساله اجتماعی" بود یعنی موقعیت منافع و مبارزات طبقات کارگر در جامعه‌هایی که سرمایه داری و

ضمناً دموکراتیک بودند. از این رو مساله دموکراسی در زمینه اجتماعی وسیع تری قرار می‌گیرد که در آن یک عنصر عمده منافع و جهت گیری‌های سیاسی طبقات اجتماعی است که در ستیز طبقاتی درگیر هستند این بدان معنا نیست که دموکراسی فقط به عنوان شکل سیاسی حکومت بورژوازی تصور کرد هر چند که از لحاظ تاریخی یکی از دستاوردهای بورژوازی، پیشرفتی واقعی نسبت به شکل‌های قبلی حکومت و یکی از ویژگی‌های مترقی سرمایه داری است. مارکس بین اصل دموکراسی - مشارکت کامل همه‌ی اعضای جامعه در تنظیم زندگی اجتماعی - و شکل محدود و حتی تحریف شده آن در جامعه‌ای طبقاتی که زیر سلطه بورژوازی است بیشتر تنش یا تناقضی می‌بیند. برای مارکس دموکراسی پدیده‌ای تاریخی است که هنوز به هیچ روی همه امکانات خود را آشکار نکرده و عامل اصلی تکامل بیشتر آن جنبش طبقه کارگراست.^۱

۱. باتامور، تامس، جامعه شناسی سیاسی، ص ۳۸-۲۷

بخش دوم:

مدل مفهومی پژوهش

مقدمه

در این فصل می‌خواهیم مبانی نظری و مدل مفهومی چهار وجهی و چهار مرحله‌ای توماس اسپریگنز که در رابطه با نظریات سیاسی و فهم‌های مربوطه در اداره امور و مدیریت و رهبریت جهانی از آن بهره‌مند می‌شود و یا استفاده می‌کند را مورد تحلیل و پژوهش قرار بدهیم.

اما آنچه که ما در این پژوهش نوک پیکان خویش می‌دانیم و به دنبال آن هستیم تحلیل و کاربرد گفتمان و سبک زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مستند به آیات و روایات و استنباط‌های فقهی و علمی و سیاسی در عرصه کنش و واکنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد با این بیان که با مراجعت به متون بالا دستی و آیات مربوط در این زمینه خاص و مقوله مرتبط و نیز روایات قطعی‌الصدر و موثق و قابل فهم و بدیهی در این مقوله و نیز براهین عقلی و فلسفی و علمی در نظام خلقت و آفرینش احسن، سپس بعد از استنباط و کشف مطالب از منافذ و مجاری فوق در حد ظرفیت و وسع آنگاه با تجربیات کاروان بشری در طول حکومت‌های متفاوت و مختلف خصوصاً در قرن اخیر و حاصل کاوش اندیشه بشری و تجربه آن

در هزاره سوم و نیز بررسی و مقایسه ذهنی و تحلیلی بصورت کلی و تئوری با مکتب فمینیسم و یا در حال سپری و تجربه شدن و اعمال قدرت کردن است تحلیل و واکاوی خواهیم نمود.

۲-۱ تعریف سیاست از نظر گاههای مختلف و متفاوت

۲-۱-۱ معنی علم سیاست

هر گونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا هر امری از امور چه شخصی و چه اجتماعی (سیاست) گفته می‌شود. چنانکه از سیاست اقتصادی، سیاست نظامی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و جزء آنها سخن می‌گوئیم.^۱

۲-۱-۲ معنای خاص

هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین سکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد از مقوله امور (سیاسی) است. بنابراین هر گاه از سیاست به معنای خاص سخن می‌گوئیم همواره با دولت یعنی سازمان قدرت در جامعه که نگهبان نظم موجود یا پیش برنده‌ی آن است سرو کار داریم. امور سیاسی شامل مسائل مربوط به ساخت دولت تربیت امور در کشور، رهبری طبقات، مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب‌ها

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲

و گروه‌های با نفوذ و غیره است.^۱

۲-۱-۳ تعابیری چون سیاست فاضله

سیاست مُدُن، سیاست منزل، سیاست جهانی، سیاست نفسانی، سیاست موازنه ایجاد تعادل قدرت بین الملل، به منظور جلوگیری از استیلا و تفوق بر دیگری و در نتیجه قرار داشتن صلح عمومی^۲ نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و مطرح شده است.

۲-۱-۴ دانش سیاسی

باید به ما بیاموزد که بهترین حکومت کدام است و دانای سیاست باید هم چگونگی ایجاد هر یک از انواع حکومت را بداند و هم آگاه باشد که حکومتها را پس از ایجاد چگونه می‌توان نگه داشت.^۳

۲-۱-۵ انسان بطور طبیعی

حیوانی سیاسی است، خواه حاکم باشد خواه محکوم و در همه جا بندهی دولت بنابراین همان علم حکومت و دولت و قدرت است و نحوه‌ی حکومت و بدست آوردن و حفظ آن است.^۴

۱. همان، ص ۲۱۳

۲. دهخدا، لغت نامه، ص ۷۴۲-۷۴۱

۳. ارسطو، سیاست، ص ۱۵۵

۴. همان، ص ۱۵۷

۲-۱-۶ نظریه هارولد لاسول

مطالعه سیاست عبارت است از مطالعه نفوذ و صاحبان نفوذ (صاحبان نفوذ کسانی هستند که حداکثر آنچه را که می‌توان به دست آورد به دست می‌آورند) و یا پیتراوده گارد آمریکایی می‌گوید: سروکار علمای سیاست کاملاً با ماهیت و حدود و تغییرات قدرت سیاسی است. اعلام مشخصه‌ی قدرت سیاسی همانا حق استفاده از زور است در ضمانت اجرائی فرمانی که داده است تنها دولت است که قدرت سیاسی را در دست دارد.^۱

۲-۱-۷ هارولد ژلاسکی

استاد رشته سیاست دانشگاه‌های انگلستان و از رهبران حزب کارگر، موضوع سیاست را بررسی و مطالعه‌ی نهادهای رسمی کشور و دولت می‌داند. و موريس دو ورژه استاد رشته سیاست دانشگاه پاریس اساس سیاست را (قدرت) می‌داند و در کتاب (اصول علم سیاست) می‌نویسد را جوهر سیاست طبیعت خاص و معنی حقیقی آن ... است ژرفترین واقعیت سیاسی یعنی دولت و به صورت وسیعتر قدرت سازمان یافته در یک جامعه را بیان می‌کند.^۲

۱. بادامچیان، روش تحلیل سیاسی ص ۴۵

۲. همان، ۴۶

۲-۱-۸ برتراند راسل

فیلسوف انگلیسی سیاست را با دولت یکی می‌داند و در کتاب قدرت می‌نویسد "قدرت" را می‌توان به عنوان پدید آوردن آثار مطلوب تعریف کرد.^۱

۲-۱-۹ سیاست و نظریه‌های سیاسی

معانی گوناگونی دارد امروزه علم سیاست به ساختمانی چند طبقه می‌ماند هر یک از طبقات یا رشته‌های علم سیاست به نحوی با نظریه (تئوری) در ارتباط هستند از نظر عده‌ای نظریه‌های سیاسی هنجاری و از نظر عده‌ای دیگر فلسفه سیاسی تلقی می‌شوند و به گفته پروفیسور شلدون و ولین ممکن است حتی آنها را نظریه‌های حماسی خواند و واژه یونانی «تئوری» که کلمه «تئوری» از آن مشتق می‌شود به معنی را نظر کردن، توجه کردن، تعمق کردن است. این دقیقاً همان کاری است که متفکران بزرگ و دیگرانی که چون آنها قرن‌ها به بحث در نظریه‌های سیاسی پرداخته‌اند بشر را به آن دعوت می‌کنند این متفکران نحوه نگرش را به انسان می‌آموزند که به طور کلی معنی اش «تئوری نمادین از کلیتی نظم یافته است» آنان از دنیای سیاست که بشر ناگزیر از زندگی در آن است را «بینش» و یا روش درک همه جانبه‌ای ارائه می‌دهند. بخش مهمی از علم سیاست معاصر به مطالعه قدرت و نفوذ می‌پردازد در پاسخ به سؤال «چه

۱. راسل، قدرت، ص ۱۷

کسی حکومت می‌کند» علم سیاست روش‌های متعدد تصمیم‌گیری را بررسی می‌کند و در پس آن که منابع و چگونگی اتخاذ تصمیم‌های سیاسی را در اجتماع دریابد به تعبیر دیوید استیون، علم سیاست سرو کارش با «تخصیص آمرانه ارزشها» در جامعه است به بیان صریح هارولد لاسول علم سیاست مطالعه این است که «چه کسی می‌برد، چه می‌برد و چگونه می‌برد؟» مطالعه روند تصمیم‌گیری هم جالب است و هم مهم کسی نمی‌تواند مدعی شناخت کاملی از اجتماع باشد مگر اینکه از ساز و کار و روند خصوصیات افرادی که تصمیم‌های سیاسی آن جامعه را اتخاذ می‌کنند برداشت درستی داشته باشد به همین لحاظ است که «جامعه‌شناسی قدرت» بخش عمده‌ای از مطالعه علم سیاست را تشکیل می‌دهد.^۱

۲-۱-۱۰ کارکرد سیاست

سیاست وجوه مختلفی دارد و صرفاً برای مبارزه برای سبک قدرت خلاصه نمی‌شود جامعه سیاسی چارچوب است برای روابط نظام یافته که در آن افراد با هم روزگار می‌گذرانند و خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی شان را برآورده می‌کنند به طور خلاصه، جامعه سیاسی یک تکاپوی انسانی هدفمند است و صرفاً یک واقعه و یا یک رویداد نیست. جامعه سیاسی مخلوق آگاهی بشر است که به منظور انجام رساندن اهداف مهم و عملی تشکیل و اداره می‌شود اهداف نهایی سیاسی از نیازهای زندگی بشری

۱. اسپرینگز، فهم نظریه‌های سیاسی، ص ۱۹-۱۸

سرچشمه می‌گیرند حتی ادامه حیات در این دنیا به کوشش سازمان یافته نیازمند است و به نهادهای پیچیده سیاسی افراد بشر نیاز دارند. هیچ یک از نیازهای انسانی به صرف آرزو برآورده نمی‌شوند بشر در بهشت عدن زندگی نمی‌کند که طبیعت تمام خواسته‌هایش را برآورده کند بلکه نیاز به افزارهایی دارد که از طریق آنها استعدادهای اختصاصی انسانی خود را تحقق بخشند به طور مثال به شیوه‌هایی برای کسب هویت و دوست یابی نیازمندند. بقاء و پیشرفت بشر به کار و کوشش او بستگی دارد. انسانها باید به یاری مغزها و دست‌های خویش نهادهایی بنا کنند که به آنان امکان «متمدن شدن» را بدهد.

بنابراین هدف‌ها و کارکردهای جامعه سیاسی گوناگون و متعدد است: در اصل وظیفه نظام اجتماعی محافظت از افراد خویش است. امنیت جانی افراد باید تضمین شود و حفظ و ثمره کار و فعالیت افراد شکوفا باشد و در سطحی بالاتر و پیچیده‌تر جامعه سیاسی چارچوب ارائه می‌دهد که به زندگی افرادش معنی و اعتبار می‌بخشد و نظم انسانی را جایگزین هرج و مرج می‌کند جامعه سیاسی همانند نمایش است که برای شهروندانش نقش‌هایی تعیین می‌کند مردم بر اساس این نقش‌ها به زندگی خود معنی می‌دهند و همچون منظومه‌ای کوچک است که بوسیله افراد خلافتش به آرمانهای بشری تحقق می‌بخشد.^۱

۱. پیشین، ص ۲۲

۲-۱-۱۱ غایت سیاست

یعنی فراهم کردن امنیت، پیشرفت، عدالت، تأمین شخصیت فردی برای افرادش، چشم انداز گسترده و تصویر جامع برای مخاطبان و بینش همه جانبه‌ای و خصوصیات مطالعه جهان پیرامونیش و فهم روشهای متعدد و متکثر برای رسیدن به این گستره و جستار و نیز راه حل‌های ارائه شده برای مسائل و مشکلات و سوالات همیشگی و دل مشغولی مثل رابطه صحیح بین فرد و جامعه و نیز معیارهای طبیعی برپا عدالت کدامند و صورت دولت و آزادیهای انسانی و راه‌های به آنها و درک جامعه سیاسی و نظریه‌های تجویزی و پاسخهایی در این زمینه‌ها و امکان بررسی همه آنها و منطق درونی و منطق باز سازی نظریه‌های سیاسی و درک واقعی و روندهای فکری آن و دسته بندی موضوعات ارائه شده و باز تولید و بازسازی و کنترل بحرانش و محرومیت‌ها و بررسی همه جانبه آنها و هر آنچه که جامعه انسانی با آن سروکار دارد را می‌توان از غایت و منطق درونی و بازسازی سیاست دانست و نیز بررسی و مطالعه آثار کلاسیک و بررسی مشخصه‌های تاریخی آن همه و همه مرتبط به هدف سیاست می‌باشد و بس.^۱

۲-۱-۱۲ سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی نیز مورد کاوش و تکاپوی جدی

۱. پیشین، ص ۳۳

است هنگام پیدایش و بعثت پیامبر اعظمداشته است و از و اسلام در صحنه سیاست حضور فعال داشته و دارد با تشکیل حکومت در مدینه جامعه نمونه اسلامی پدید آمد و به تدریج و علاوه بر هدایت و اداره مردم عربستان به شاهان و امپراطوران کشورهای جهان را به اسلام دعوت نمود از آن تاریخ تا به امروز و مسلماً در آینده نیز اسلام در عرصه‌ی سیاست حضور داشته و با حاکمیت امام زمان در سراسر گیتی حکومت عدل و سعادت و خوشبختی ایجاد خواهد شد.

در قرآن مجید و احادیث چیزی به نام تعریف سیاست و بیان مفهوم نیامده است ولی رهبری جوامع و هدایت آنها توسط انبیاء و تشکیل حکومتها و لزوم مقابله با فراعنه و ظالمین و جهاد فی سبیل الله و ویژگیهای حکام و مردم سخن فراوانی به میان آمده است و نیز در عهد نامه حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر دستورالعملهای مهم و مؤثری در نحوه‌ی حکومت آمده است که حاوی دیدگاههای اسلام درباره سیاست و اداره جامعه می‌باشد.

در نوشته‌های اکثر دانشمندان و علماء درباره‌ی ویژگیهای حاکمان و مسئولین امور و حکومت و قضاوت و حقوق افراد و حقوق والی بر مردم آمده است که مجموعه‌های ارزشمندی در علم سیاست می‌باشد. از جمله سیاست نامه‌ی خواجه نظام الملک طوسی و چهار مقاله عروضی یعنی از منظر فلسفه به سیاست نگاه کرده است.

غزالی در احیاء العلوم سیاست را استصلاح مردمان و راهنمایی آنان به راه راست می‌داند که موجب نجات انسان‌ها در دنیا و آخرت می‌شود^۱ و ابونصر فارابی سیاست را عبارت از ایجاد رابطه صحیح بین فرماندهی و فرمانبری و ارائه خدمات مفید می‌داند.^۲ امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «دشمنان اسلام تبلیغ کرده‌اند که اسلام دین جامعی نیست دین زندگی نیست برای جامعه نظامات و قوانین ندارد، طرز حکومت و قوانین حکومتی نیآورده است، اسلام فقط احکام حیض و نفاس نیست اخلاقیاتی هم دارد اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد.»^۳

نکته مهم: نظریه سیاسی چارچوبی پویا و زنده برای جامعه، برای فهم نظریه‌های سیاسی شیوه جستار و ارائه چارچوب ضروری است.

نظریه پردازان سیاسی صرف نظر از اختلاف چشمگیر در سبک و مفاهیم نه تنها با مسائل اساسی یکسانی سروکار دارند بلکه برای پاسخگویی به این مسائل روشی نسبتاً همگون اتخاذ کرده‌اند. معمولاً این الگوی همگون جستار در آثار به اتمام رسیده این نظریه پردازان به وضوح دیده نمی‌شود. از آنجا که ترتیب ارائه اجزای نظریه سیاسی اغلب پس و پیش می‌شود ترتیب اندیشه و برداشت عملی نیز مخدوش می‌گردد مثلاً نتیجه تحقیق ممکن است به صورت پیش فرض و یا صغری و کبری ارائه شود.

۱. غزالی، احیاء العلوم

۲. فارابی، احصاء العلوم، ص ۱۱۲

۳. امام خمینی، صحیفه، ج ۸، سال ۱۳۵۸

اما مهم این است که الگو موجود است و در صورت تمایل می‌توان بدان رجوع کرد چارچوب پویایی منطق درونی نظریه‌های سیاسی که نگارنده به کار می‌گیرد در ذات و جوهر خود گسترده است و نه صرفاً به مطالعه نظریه‌های سیاسی اختصاص دارد در واقع الگویی است برای اذهان فعال و جوینده راه حل. دلیل این است که هدف اساس نظریه پردازان ارائه راه حلی برای «مشکلات» است البته مشکلات زندگی سیاسی صرفاً به مشکلات و معضلات فکری انسانی ندارند بلکه بحرانهای موجود را نیز شامل می‌شوند که در واقع نقطه آغاز کار نظریه پرداز سیاسی است. به عبارت دیگر نظریه پرداز از بحرانهای سیاسی که جامعه با آنها درگیر است آغاز می‌کند او می‌کوشد که ابعاد و سرشت بحرانهای اجتماعی را دریابد در عین حال به دنبال ارائه شیوه‌های حساب شده و متکی به تعمق در جوانب موضوعات مطرح شده است تا مردم به کمک آنها و نه با روش دیگری از شکست‌ها با مسائل برخورد کنند به همین دلیل مطالعه «منطق درونی» نظریه‌های سیاسی برای نظریه پرداز که بحران سیاسی و بی‌نظمی سیاسی را دریابند حائز اهمیت است.^۱ تحلیل مطلب نظریه پرداز سیاسی و اجتماعی و جامعه شناختی بار صد و جستار در مؤلفه‌های مختلف و متفاوت در معضلات و بحرانهای سیاسی و اجتماعی در ابعاد و زوایای گوناگون آن با تعمق و ژرف به ارائه شیوه متناسب و الگوی منطقی درونی حساب شده

۱. اسپریگنز، فهم نظریه های سیاسی، ص ۳۹

برای برون رفت از بی نظمی و مشکل می‌پردازد. مدل مفهومی و تحلیلی: عبارتست از فرایند اندیشه یک اندیشه و مشاهده بی نظمی سپس پی بردن به ریشه بحران سپر ترسیم یک نظم آرمانی سپس ارائه راه حل و برون رفت از آن است در این فقره این پژوهش بدنبال مطلب فوق می‌گردد که نوع گفتمان زهرایی با این نوع تحلیل و مدل مفهومی چهار وجهی فوق در جامعه آرمانی خویش چه بهره‌ای می‌برد اکنون به تجزیه و تحلیل و واکاوی این نظریه با گفتمان زهرایی می‌پردازیم.

۲-۲ مدل تحلیلی و مفهومی چهار وجهی توماسی

۲-۱ نظریه سیاسی و بحران و مشاهده بی نظمی

همان طوری که بیان کردیم در این فقره از پژوهش با رویکرد روش تحلیلی و مفهومی اسپریگن با گفتمان زهرایی در چارچوب نظری به تحلیل می‌پردازد در تمام نظریه پردازان به نظر می‌رسد با مشاهده بی نظمی و بحران سیاسی در جامعه خویش به نظریه پردازی می‌پردازند و حتی کسانی که از وضع موجود خویش راضی هستند صرفاً کنجکاو فکری آنها را بر آن داشته که بنیان‌های نظم موجود را مورد بررسی قرار دهند البته چنین نظریه پردازانی استثنا هستند اما اکثراً نظریه پردازان آثار خود را زمانی نگاشته‌اند که جداً احساس می‌کردند جامعه شان دچار بحران است. گاهی این کار بسیار ساده است بحرانهای رکود اقتصادی و یا جنگ‌های داخلی احتمالاً برای همه قابل درک است اما گاهی صرف شناسایی مشکل خود به تعمق نیاز دارد بعد از اینکه مشکل به خوبی شناسایی شد نظریه پرداز نمی‌تواند آرام بگیرد بلکه

باید ریشه مشکل را پیدا بکند باید به مطالعه دقیق در علل نامنظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی ای که مشاهده کرده است پردازد. کشف علل و موجبات معمولاً خیلی مشکل و دشوار است و الگوهای فکری بعضی نظریه پردازان سیاسی تلاش برای رسیدن به این هدف است یعنی روند تشخیص علل می‌باشد.^۱

۲-۲ نظریه سیاسی و تشخیص درد

فقط ذهن یک آدم بسیار عجیب می‌تواند پر از مشاهده بی‌نظمی آرام بماند در چنین حالتی قلب و ذهن انسان عالم او را به مطالعه بیشتر وامی‌دارد. انگیزه طبیعی «منطق» پویایی مشاهده و توجه طبیعی ذهن نگران پژوهش بیشتر را موجب می‌شوند راه حل ارائه شده برای اولین مشکل در جواب «چه چیز خراب است» سردرگمی جدیدی را می‌آفریند. پاسخی که در مرحله مشاهده بی‌نظمی ارائه می‌شود خود نقطه سؤالات بعدی است. هیجاناتی که نظریه پرداز را در آغاز به تحقیق واداشته هنوز فعال هستند زیرا که در این هنوز راه حلی برای رفع بی‌نظمی به دست نیامده است فقط مسأله اساسی شناسایی شده ولی راه حل آن پیدا نشده است. مشاهده صرف نادرستی هیچ راهنمای علمی ارائه نمی‌کند آن اضطراب واقعی، که نظریه پرداز را به تفکر واداشته بود برطرف نشده است او باید تا پیدا شدن راه حل به پژوهش خود ادامه دهد. هنوز انگیزه‌های فکری

۱. پیشین، ص ۴۰

پژوهش نیز کاملاً حضور دارند وقتی نظریه پرداز شرایطی را نامنظم تشخیص داد منطق مشاهده حکم میکند که زمینه مشاهده نیز بررسی گردد در این مرحله فوراً دو سؤال مطرح می‌شود: اول این که اگر اوضاع نامرتب است دلایل آن چیست؟ و دوم این که اوضاع سیاسی مرتب چه خصوصیتی دارد؟ به عبارت دیگر این وضع «نادرست» است اوضاع «درست» چگونه است؟ مشکلات فکری این مرحله اساساً همان مشکلاتی است که در آسیب شناسی از هر نوع آن مطرح می‌شود نظریه پردازی که در کارکرد جامعه سیاسی کثری مشاهده کرده است بیشتر به پزشکی می‌ماند که علایم مرضی را کشف کرده است نظریه پرداز در این مرحله پژوهش که با تشخیص درد مواجه است می‌بایستی نقش تحلیل گر را بازی کند او به ناچار باید مرحله کاملاً دقیق و منحرف کننده دسته بندی روابط علت و معمولی را در این دنیای پیچیده پشت سر بگذارد، چرا که تا وقتی علل مشکل مورد سؤال روشن نشود درک واقعی آن عملی نیست و از معرفی نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی نمی‌تواند پیشنهادات مناسبی برای درمان و یا تسکین مشکل ارائه کند او این سؤالی که نظریه پرداز در آغاز مرحله تشخیص با آن روبروست یکی از حساسترین موضوعات نظریه‌های سیاسی است سؤال مشکلی است که پاسخ به آن ساده نیست. این سؤالی است که مکاتب مهم اندیشه سیاسی را از هم جدا می‌کند سؤالی است که پاسخ به آن به طور بنیادی راه حل‌های پیشنهادی هر نظریه سیاسی را شکل می‌دهد و سؤالات ممکن است علت عمومی داشته باشند یا علتی فردی یا علتی طبیعی یا علتی مصنوعی که با توجه به

مشکل و جواب نظریه پرداز جدایی مکاتب نیز خود به خود بوجود می‌آید.^۱

۳-۲ نظریه سیاسی نظم و خیال و بازسازی جامعه

مشاهده بی‌نظمی، به غیر از مشکل تشخیص علل، مسأله دیگری را نیز مطرح می‌کند این مسأله موضوع نظم سیاسی درست است اگر کسی اوضاع سیاسی را که در آن زندگی می‌کند به نحوی نامنظم تشخیص دهد معنی اش این است که نظام مرتب و درست می‌تواند بوجود آید از این رو نظریه پرداز باید به این سؤال جواب بدهد که اگر این اوضاع خراب است اوضاع درست کدام است؟ مختصراً نظریه پرداز باید به سؤالی که اغلب خلاصه شده سؤال اساسی فلسفه سیاسی است جواب بگوید: «جامعه خوشبخت کدام است؟» او باید بکوشد تا ماهیت نظم سیاسی را نشان دهد. کوشش نظریه پرداز برای نشان دادن تصویر جامعه سیاسی نظم یافته در نقطه مقابل مشاهده او از بی‌نظمی ادامه پیدا می‌کند بعنوان مثال اگر او مشکل جامعه اش را در از خودبیگانگی می‌بیند یعنی شرایطی که جامعه گروه گروه و متفرق شده است او باید نشان دهد که جامعه سازمان یافته چه نوع جامعه‌ای است اگر در نابخردی و سرکوبی می‌بیند باید دقیقاً نشان دهد که بخردانه و عقلانی و نبود سرکوب یعنی چه به عبارت دیگر فشارها، بحرانها، درهم ریختگی‌ها و نابسامانی‌های نظام قدیم نظریه پرداز را وادار می‌کنند تا در فکر خود به بازسازی نظام سیاسی جدید پردازد و الگوی

۱. توماس، فهم نظریه های سیاسی، ص ۸۱

جامعه خوب را در ذهن خود مجسم کند و مسجّم بنماید و معیاری هم از آن بدست دهد یعنی طرحی می‌دهد از جامعه بدان گونه که جامعه باید باشد او جهان را آن طور که هست توصیف نمی‌کند مسلماً از توصیف جهان شروع می‌کند ولی باید جهان را آن طور که باید باشد نیز «تعریف کند» او با دقت نابسامانیها را و بحرانهای نظام سیاسی را بررسی می‌کند و سپس طرحی ارائه می‌دهد که در آن تمام این نابسامانیها رفع شده‌اند.^۱

۲-۴ نظریه سیاسی و راه درمان

فیلسوفان معاصر مباحث زیادی در موضوع «شکاف منطقی» بین «آنچه که هست» و «آنچه که باید باشد» مطرح کرده‌اند عبارتی که در صیغه امری بیان می‌شود «تو باید این کار را بکنی!» - نمی‌تواند منطقاً از مقدماتی استنتاج شود که در صیغه اخباری «این مسأله این طور است» بیان می‌شود حتی اگر تمام جمله‌های اخباری را روی هم بریزیم نمی‌توان از آنها راه علاج را نتیجه گرفت یکی از عادی‌ترین حقایق زندگی یعنی تأثیر ژرفی که واقعیت دنیا بر رفتار مردم می‌گذارد را به پدیده‌ای اسرار آمیز تبدیل می‌کند انسان رفتار را بر بینش که از واقعیّات دارد بنا می‌کند انسان در توضیح علت انجام دادن هر امری به حقایق مربوط به جهان اشاره می‌کند تنها یک انسان تهی مغز در خلاء توجیه اخلاقی می‌تراشد. وقتی کسی به ما دستور می‌دهد ما علتش را می‌پرسیم مثلاً «از روی خط آهن

بلند شو!» چرا؟ زیرا الان قطار رد خواهد شد.

توضیحاتی که ریشه در واقعیات زندگی دارند به هر امر دستوری معنا و ضمانت اجراء می‌دهند. بدون اتکاء به واقعیات، جملات امری بی معنی و غیر عقلایی جلوه می‌کنند. حتی ساده‌ترین عبارت درباره حقایق رگه‌ای از تجویز در خود نهفته دارد مثلاً وقتی کسی می‌گوید: آیین صندلی است. می‌خواهد بگوید که نمی‌توان با آن چیزی پخت و یا برایش طلب مغفرت کرد. بینش جامع از جهان در صیغه امری بر رفتار فرد پایبند به اخلاق تأثیر عمیق می‌گذارد.

بنابراین جنبه تجویزی نظریه‌های سیاسی در برخورد با نگاه جهان عکس‌العمل عاقلانه و عقلائی در پی خواهد داشت بر رابطه بین هست و باید را می‌توان پذیرفت. و در پی این پذیرش ارائه الگوی درمانی نظریه پرداز سیاسی نیز برای ما منطقی و معقول و انسانی بنظر می‌رسد البته در این مرحله نظریه پرداز سیاسی با چالش‌هایی از جمله پیچیدگی داده‌ها و افق قابلیت‌ها و محدودیت امکانات و محدودیت‌های ضرورت و واقعیت‌ها و اوهام و واقعیات دردسر ساز و تدابیر و اولویت‌ها و تجویزها به عنوان نظرات دور اندیشانه مواجه و دست و پنجه نرم خواهد کرد.^۱

حال که به توفیق الهی مراحل چهار وجهی نظریه و تحلیل سیاسی توماس اسپریگینز را نسبتاً توضیح کامل و بررسی کافی نمودیم می‌خواهیم

۱. اسپریگینز، فهم نظریه های سیاسی، ص ۱۸۷

به تطبیق و تحلیل و مقایسه و بررسی آن با گفتمان و سبک زهرایی
بپردازیم و نوع برخوردی آن گفتمان با این رویکرد تحلیلی و کارکردی و
سیاسی و این بررسی شیوه و مراحل چهارگانه مطرح شده پیش می‌رود و
در حد توان عادلانه توضیح خواهیم داد.

۲-۵ مرحله اول بررسی تحلیل گفتمان زهرایی با بحران و مشاهده بی نظمی در نظریه سیاسی

به نظر می‌رسد گفتمان زهرایی از این مرحله به خوبی استفاده بکند و
بهره‌گیری بنماید پس ابتداء لازم است مشاهده گر بی نظمی و بحران
باشند و آنها را رصد و گمانه زنی بنماید و از سوئی این بحران و مشاهده
بی نظمی را مقدمه و مورد خاصی برای مراحل بعدی بدانند.

با مراجعت به عقل و آموزه‌های فلسفی برای تشکیل و اجرائی شدن
یک گفتمان نیازمند مشاهده و بحران و بی نظمی در آن اجتماع و
جهان و نظام‌ها است و گرنه این گفتمان که در خلاء نمی‌خواهد
عملیاتی بشود و ضمانت اجرائی پیدا بکند و برای دیگر موجودات اعمال
گفتمانی و حاکمیتی ندارد مثلاً ملائکه که قابل رؤیت نیست اما وجود
دارند و یا دیگر موجودات مثل گیاهان و نباتات و یا هر جاندار و
موجود دیگری که وجود دارد. با مراجعه به آموزه‌های دینی و پارادایم‌های
مذهبی به این مهم می‌توان دست یافت که مشاهده و بحران شناسی
اصل اولیه و اساسی در ورود به هر مطلب و مسأله‌ای است که بعد
توان به مراحل بعدی و بعدی فکر و اندیشه نمود و صدها مثال

می‌شود در این فقره مطرح کرد تا مشاهده مریض نباشد پزشک به درد پی نمی‌برد و تا خشکسالی نباشد عدم بارش احساس نمی‌شود. اتفاقات بیرونی و تشکیل اعمال گفتمان‌هایی که در طول تاریخ بشری بوقوع پیوسته است از همین متد و روش استفاده شده است.

حال این گفتمانها چه در ساحت انبیائی و پیامبری و آسمانی و چه در ساحت بشری و زمینی و تجربی مطرح شده است. در تشکیل حکومت نبی در مدینه منوره با بررسی شواهد و مشاهده بحرانها و مشکلات به استراتژیکی غزوات می‌پرداختند شد در جنگ خندق دستور حفر دادند و با مشاوره اطرافیان از جمله سلمان فارسی و پیشنهاد دهنده این کار و برخوردهایی که در شعب ابی طالب وغیره داشتند یعنی حتماً می‌بایستی مشاهده بحران و بی‌نظمی را در جامعه خویش ببیند سپس اقدامات مقتضی انجام شود و این حرکت یک نگاه بدیهی و ضروری بنظر می‌رسد. و تصورش موجب تصدیق این مرحله می‌شود و دیگر چندان نیازی به توضیح ندارد.

۲-۶ مرحله دوم بررسی تحلیل گفتمان زهرایی و تشخیص درد در

نظریه سیاسی

بدون شک و تردید وقتی گفتمان زهرایی در پذیرش مرحله اول نظر مثبت و قابل قبولی ارائه نمودند و آنرا پذیرفتند بصورت سلسله وار و به شکل منطقی به این مرحله نیز اهتمام می‌ورزند چرا که وقتی سبک و سیاق بحران شناسی و بی‌نظمی را یک گفتمان بررسی و تحلیل نمود و

آنها را پذیرفت بصورت اتوماتیک وار و پلکانی بسراغ مرحله بعدی می‌آید یعنی جامعه‌ای که دارای مشکل و بحران و بی نظمی است حتماً آن جامعه دارای دردی است و یا دارای دردهایی است و از آن دردها زجر و رنج می‌برد و می‌بایستی دوائی برای آن دردها جست و جو کرد پس سراغ تشخیص درد می‌رود و چه چیزی موجب خرابی و سردرگمی جامعه شده است را بررسی می‌کند و لذا سبک مهدویت این مرحله را نیز می‌پذیرد و قبول می‌نماید که باید درد را تشخیص داد و منطبق با درد به تسکین درد و یا آلام درد و ریشه کن کردن درد از جامعه انسانی و اسلامی پرداخت و برای پذیرش این مرحله قطعاً و یقیناً نیز برای خود مؤلفه‌هایی را دارد و مسائل مهمی از این مؤلفه‌ها و مقوله‌ها پشتیبانی می‌کند و آنها عبارتند از عقل سلیم و آموزه‌های دینی که در اختیار دارد و عینیات و واقعیت‌هایی که در حکومت نبوی و علوی در اعمال حاکمیت خویش در مرتبط با تشخیص درد در جامعه خود داشته‌اند و نوع برخوردی که نیز با آن نموده‌اند. مجموع این مسائل در این فرایند ما را به آن می‌رساند که این گفتمان با این مرحله برخورد ایجابی و توافقی دارد نه برخورد سلبی و دفعی و طرد کردن آن.

۲-۷ مرحله سوم بررسی تحلیل زهرایی با نظم و خیال و بازسازی جامعه در نظریه سیاسی

گفتمان زهرایی با نظم و خیال و بازسازی جامعه آرمانی خویش در این مرحله همچون مراحل قبلی بهره‌گیری می‌نماید به دیگر سخن در ذهن و دلش بدون شک آرمان بلند و جامعه سازی و جامعه پروری دارد و با نظم

خودش و خیال خودش آنرا طراحی و پی ریزی و بنا می‌نماید اما نکته مهم در این تحلیل و در بررسی این خطبه که با چه و منشی است که البته بسیار مهم و حائز اهمیت است که در فصل بعدی بدان اشاره می‌کنیم اما آنچه که در این مرحله بنظر می‌رسد گفتمان زهرایی جامعه آرمانی و نظم آرمانی خاص خود و منحصر بفرد خود را دارد و جامعه خوشبخت از نظر گاه او بی سابقه و بی نظیر است و توصیف جهان حکومتی او پارامترهای خاص خود را دارد و طراحی ذهن او کاملاً در حد عالی در سطوح مختلف و متفاوت می‌باشد.

۲-۸ مرحله چهارم بررسی تحلیل گفتمان زهرایی و راه حل درمان در

نظریه سیاسی

اکنون به مرحله نهایی و پایانی مدل مفهومی توماسی یعنی راه حل و درمان و راه برون رفت از مشکل رسیده ایم یعنی مرحله شناخت مشکل و مرحله ریشه یابی مشکل و مرحله شهر و نقشه آرمانی و جامعه آرمانی و اکنون برون رفت از آن سه مرحله چگونه و به چه مبانی و مکاتبات می‌باشد و آیا در این مرحله گفتمان و سبک و سیاق زهرایی چه برخورد و چه تصمیمی در این وهله می‌گیرد و چه راه حل‌هایی یا راه حلی ارائه می‌نماید. ابتدائاً به نظر می‌رسد گفتمان زهرایی همچون مراحل قبلی با این وهله و مرحله برخورد ایجابی و تأییدی می‌نماید یعنی به خود می‌قبولاند که راه حل و برون رفت از مشکل برای جامعه جهانی و اسلامی و انسانی ارائه بنماید و استناد این ادعا سیره عقلانی و احکام دینی و اسلامی است

که به عرف و شرایط زمانی و مکانی و درک و قبول مشکل و مشکلات احترام می‌گذارد و به دیگر سخن احکام دین برای رفع مشکلات و برون رفت از آنها ایجاد و تأسیس شده‌اند و برای شارع برای احکام تأسیسی و یا برای احکام تعینی مناط و مقیاس داده است و گفتمان زهرایی در مقیاس جهانی و مدیریت سطوح عالی گیتی نیز تایید همان احکام به شکل ناب و تمیز سره از ناسره می‌باشد، تحلیل کارکردی گفتمان زهرایی در این قسم بررسی و شناسایی دلیل یا دلایل خروج و برون رفت از معضل و معضلات جهانی می‌باشد و دقیقاً با مؤلفه‌های جهان شمول و مدیریت جهانی و رهبریت واحد جهانی به حل معضلات و مشکلات می‌پردازد همان گونه که فارابی در مدینه فاضله خویش راه حل برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم را بی عدالتی و فساد و فقدان رهبر سالم و اجتماع و شهروندان که بر عکس ماهیت عدالت در مدینه‌های مضاد و جاهله به جای عدالت و تعاون جور تغالب دارد و این را همان بیماری سبعی و عامل انحطاط در نظام سیاسی می‌داند.^۱ و فارابی چون دانش آموخته جهان اسلام است و از برکات تعلیمات اسلامی به منزلت و مقام رفیع علمی نائل شده است راه حل از معضلات را در درون دین می‌داند و قوانین و نظامات این را کافی و وافی می‌داند و شرایط را برای امام و پادشاه به اصول و ضوابط اسلامی می‌داند.^۲ و نیز ارجاع فارابی به قرآن کریم برای برون رفت جوامع اسلامی

۱. طباطبایی، جواد، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی، ص ۵۴

۲. فارابی، ابونصر، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ص ۱۹۵

از مشکلات و ایجاد جامعه‌ای سالم و زیبا یعنی ایشان معتقد است قرآن مجید مسائلی را عطیه فرموده و در عین حال تفکر را نیز توصیه نموده است و به تعقل و تفکر عنایت خاصی داشته است. و او برای اصلاح جامعه خویش که پر از فساد و بی عدالتی شده نظریه مدینه فاضله ارائه می‌دهد همان گونه که افلاطون برای جامعه یونان نظریه دولت ایده آلی را ارائه می‌دهد و گویا فارابی به آن رنگ و بوی اسلامی داد و با این تز به سرمداران حکام اسلامی فهماند که ظالمند و فاسدند و برای رفع تبعیض و پاک شدن از بی عدالتی و فساد باید به دین بازگشت و عمل بدان نمود.^۱

همواره یکی از آرزوهای بشری دستیابی به شیوه زیستی بوده که زندگی با مهرورزی و کامیابی قرین باشد لذا اندیشه آرمان شهری بخشی از اندیشه‌ای است که در طول تاریخ راه‌های تحقق آن این آرزو را بررسی کرده است و آرمانی که زندگی مردمان در آن قرین رستگاری است. تاریخ زندگی بشر گواه آن است که نیل به زندگی سعادت گونه فردی و اجتماعی و جامعه‌ای کاستی از عاری همواره ذهن دانشمندان و فلاسفه را به خود مشغول ساخته و با تولد اندیشه در انسان همراه بوده است. یعنی انسان آرزو داشتن جامعه‌ای عاری از خشونت و پلیدی و خود خواهی‌ها و همراه با رفاه و آسایش همواره در تکاپو و پاره‌ها اندیشیده است شهر آرمانی اسلام و شهری که دانشمندان بزرگ همچون فارابی و اخوان الصفا، سهروردی، ابن

۱. فارابی، ابونصر، سیاست مدینه، ص ۵۷-۵۴

رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، نظامی گنجوی، ابن خلدون در اندیشه سیاسی خود از آن سخن گفته‌اند می‌تواند در کنار حقیقت اعتقادی و ایمان واقعی به اسلام معیاری برای ارزیابی دعاوی کسانی باشد که سخن از شهر اسلامی می‌گویند آرمان شهر اسلامی در پی ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع محیط و خود می‌باشد و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد.^۱

از سوئی دیگر فارابی با دو پرسش اساسی مواجه بوده است یکی اینکه اساساً چه نسبتی میان «دین» و «فلسفه» و «عقل» و «وحی» وجود دارد دیگری مسأله بحران خلافت و تبدیل آن به پادشاهی تقلب بوده است یعنی اینکه خلافت در نتیجه فساد سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی راه زوال را در پیش گرفته و به سلطنت مطلقه سوق پیدا کرده چنانکه ابن خلدون می‌گوید: به تدریج خلافت به عنوان اولین الگوی نظام سیاسی در لذا فارابی برای برون رفت از مشکلات جامعه اسلامی یعنی بحران سیاسی که وجود داشت از نوعی دموکراسی آتنی و خلافت اسلامی در آن درگیر شده بودند جزء از مجرای درک فلسفی چاره اندیشی نمی‌تواند انجام بدهد پس با درک این مطلب به نظام فلسفه سیاسی روی آورد و با نظامی عقلانی و با محتوایی دینی به برون رفت مشکلات پرداخت.^۲

فارابی پیامبر اسلام را رئیس اول مدینه فاضله در تمدن اسلامی معرفی

۱. ۱۷ مشرف، ۱۳۹۲،

۲. خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۱۱.

می‌کند سعی فارابی غلبه بر آشوب زمان خویش بوده و بهبود بیماری‌هایی که سیاست و جامعه اش را درگیر کرده بود به همین دلیل بود که شریعت و بسط سیاسی نبوی را الگوی کار فکری اش قرار داد در واقع راه درون رفت از مشکلات را بازگشت به دستورات مبارک پیامبر اعظم می‌داند.^۱

از سوئی دیگر ابوالحسن ماورای در جهان اسلام از باب تسنن راه برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم را بدین گونه بررسی می‌نماید او معتقد است می‌بایستی با بازسازی و نوسازی و پی ریزی نظریه خلافت با بهره گیری از فرهنگ شکوفای اسلام و تمام پارامترهای اخلاقی و حقوقی و فلسفی و تاریخی در آن لحاظ بشود و از فضای تئوریک به فضای واقع گرایی و مصداقی تحقق و عینیت داده شود به دیگر سخن از طبقات علمی مثل فلسفه سیاست و شریعت نامه‌ها و سیاست نامه‌ها کمک گرفته بشود. البته با تکیه بر تجارب بشری و نیز تحلیل حوادث تاریخ هم در آن لحاظ بشود و در نهایت با نگاهی جامع و همه سویه به ریل گذاری نظریه فوق نگاه بشود و به منصبه اجراء در بیاید.^۲

راه دیگر درون رفت را مشروعیت یابی نظام سیاسی است یعنی منشأ حاکمیت و دارنده و اعمال کننده حاکمیت و نیز روش مکانیزم روی کار آمدن حاکم و اصول و خط مشی حکومت نیز باید مشخص بشود که از

۱. روزنامه ایران، آذر ۸۸

۲. ماوردی، ابوالحسن، تعجیل و ظفر، ص ۹

مشکلات گذشته رهایی بیابند و به جامعه مطلوب و سالم دست یابد.^۱

در اندیشه سیاسی اهل سنت که هم اکنون نیز بر اکثریت جهان اسلام حاکم است در موارد منشأ حکومت و اصول حکومت چندان مشکل وجود ندارد از جمله آثار و اندیشه ماوردی که مورد بحث هستند اما در زمینه صفات حاکم و روش روی کار آمدن او معضلات و بحرانهای تئوریکی وجود دارد. که بخش عمده مشکلات سیاسی جهان اسلام به دو نقطه مربوط می‌شود مشکلاتی که پس از فروپاشی خلافت عثمانی و پایان جنگ جهانی و تقسیم جهان بینی ابر قدرت‌ها و توسعه تسلط تکنولوژیک و استعمار مدرن بر جهان اسلام به شکل سلطه رخ نمایانده است و آبشخور اصلی آن بر مرحله گری و نظریه پردازی علمی ابوالحسن ماوردی فقیه بزرگ اهل سنت در قرن پنجم بر می‌گردد و یعنی با پذیرش امامت مفضول در عین وجود افضل یا استعجال یعنی مردم پیش از همه کسی رو کنند و یا استقبال مردم از کسی و یا اکثریت با او بیعت کنند و یا حتی غلبه و استیلا حاکم بر مشرب زور بر سر کار و قدرت آید به تعبیر امروزی بر اثر کودتا کسی حاکم بشود و امیر استیلائی و تمام تلاش اهل سنت از جمله ماوردی حفظ و پوسته همین خلافت بود اما در نهایت در سال ۱۹۲۴ میلادی مصادف با ۱۳۴۵ قمری با الغای خلافت به حکم مجلس کبیر ملی ترکیه پایان یافت یعنی برون رفت از مشکلات و جامعه سالم نیز رنگ و

بوی خوشی را از دست داد.^۱

ماوردی از سوئی دیگر برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم چند مؤلفه مهم را معین می‌کنند از جمله وجوب رهبری حتی اگر از راه زور و غلبه به قدرت برسد یعنی مصلحت حفظ و جان و مال مردم بر مصلحت نجات جامعه از دست ظالم را ترجیح می‌دهد و قائل به احکام ثانویه اضطراری و یا مصلحت اقوی را بر مقابله با حاکم ظالم می‌پذیرد.^۲

مؤلفه دیگر شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و نیز تأسیس دولت و مؤلفه‌های مؤثر در آن و چگونگی تأسیس دولت و مشروعیت حقوقی و اخلاقی آن که در کتاب تسهیل النظر و تعجیل الظفر به سیاست زمامدار و آئین کشور داری پرداخته است و در کتاب نصیحه الملوک به فضائل و رذایل حاکم می‌پردازد و مسائل را فیلسوفانه و با تحلیلی ژرف و مستدل مطرح و قواعد هر یک را متناسب بحث کرده با ذهنیت منظم و استدلالی و عقلی که داشته است و بین واقع گرایی و نظریه پردازی و نظام حقوقی و خلافت را مطرح نموده است و مشکل دیگر را تشتت و تجزیه امپراطوری جهان اسلام می‌داند و اشاره‌ای به کار کرد دین در کشورداری می‌کند و خطر جدایی دین از سیاست را هشدار و یادآوری می‌کند.

و یکی دیگر از مشکلات و برون رفت از دیدگاه ایشان نگاه به عنصر و جایگاه مردم است که تعبیر به امت و امامت می‌آورد یعنی با توجه به نظریه

۱. ماوردی، ابوالحسن، احکام سلطانی، ص ۴۰

۲. همان ص ۱۶۷

خلافت کردار تکامل و تعامل را در فرایند و بیعت مردم با امام و امام با مردم می‌دانند و وظایفی که متقابلاً نسبت به همدیگر دارند بر خلاف نظریه‌های مدنی و شهروندان و پایه‌های آئین و مصالح امت را بر محور آن امامت سامان داده است و کار مردم را بر این محور نشان می‌دهد و ماورای برای اجرائی شدن نظریه اش و برون رفت از مشکلات دین را قانون و معیار حکومت راجحری و مصداق می‌داند و بین دین و حکومت قائل به عدم انفکاک است.^۱

با مطالب نسبتاً مفصلی که از دو دیدگاه دو عالم و فقیه و اندیشمند جهان اسلام با دو مشرب فقهی و فکری و ادله و استدلال‌هایی که نسبت به برون رفت و راه حل مناسب برای حل مشکلات جامعه اسلامی سالم و الگویی صحیح و بر شمردن تمامی موانع و مشکلات البته از نگاه این دو شخصیت بزرگ و نیز گریزی به برخی از تجارب و دیدگاه خارج از جهان اسلام نسبت به برون رفت از معضلات و مشکلات جامعه در تحلیل نهایی و کارکردگرایی پایانی در این مرحله از مراحل چهارگانه و چهاروجهی مدل مفهومی توماسی بنظر می‌رسد گفتمان زهرایی به خوبی و در سطح عالی و بسیار بسیار دقیق و ظریف راه‌های برون رفت از مشکلات را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهد نمود و با روش کاملاً منطقی و عقلی و علمی و نیز بر مشرب و مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و کمک گرفتن از نقاط مثبت کاروان بشری و و تأییدیه

۱. نین الوزرا، ص ۱۸ ماوردی، ابوالحسن، قوا

افکار و اندیشه‌هایی از دانشمندان و عالمان جهان اسلام که نسبت به اسلام ناب از تطابق و عینیت نزدیک تری برخوردار است یعنی آن مؤلفه و اندیشه‌ای که به حقیقت و واقعه و مبانی و تز اصلی اسلام نزدیک است بهره‌مندی و استفاده و بکارگیری می‌شود چرا که او می‌خواهد در این جهان و بر این مردمان حکومت کند و زمینه و پذیرش حکومتش را نیز داشته باشند و کاروان بشر که بسوی کمال و علم و تجربه فراوان پیش می‌رود به مراتب نسبت به قبل بهتر جوایای حق و حقیقت هستند. کاروان بشری تمامی حکومت‌های مختلف و متفاوت و تمامی گفتمانی حاکمیتی و تجربی و بشری و علمی را تجربه و حس و لمس و درگیر بوده‌اند و با انواع و اقسامش دست و پنجه نرم کرده‌اند و تمام آرزوهای رؤیایی و یا اندیشه‌های توهّم‌زا و یا حکومت‌های عوام‌فریب و متجاوز و زورگو و غاصب و آدم‌کش و حکومت‌های بظاهر طرفدار کرامت و حریت انسانی و در باطن خشن و نیز اندیشه‌های افراطی و تفریطی و حرکت‌های داعشی و طالبانی و غیر هم‌همه و همه‌را تجربه و لمس کرده‌اند و فریب همه را خورده‌اند و خود این همه حکومت غیر خدائی و غیر انسانی و غیر اخلاقی دلیل و مقدمه‌ای برای پذیرش آن گفتمان آسمانی و الهی می‌شود و به عبارتی دیگر بشر هزاره سوم و یا بشر ابر اطلاعات جهانی و کیهانی دیگر خسته و کوفته نسبت به شعارهای حکومت‌های غیر الهی می‌شود و باطن او و سرزمین وجودی او یک‌گمشده و یک ناجی و یک حامی را می‌طلبد و نداء می‌دهد و گفتمان زهرایی و (مهدویت) یعنی همان گمشده و چشمه زلال همه انسان‌های بشر در طول تاریخ حیات زیستی است. و بشدت دنبال او گمشده می‌گردند شاید کسی

اکنون به این مهم چندان همتی نگذارد و یا دقتی نکند اما اگر در ضمیر ناخودآگاه خویش سفر کند و یا گشت و گزاری به سرزمین وجودی خویش بزند و کمی از دنیای شهر آشوب و آشوب شهر فاصله بگیرد و با اندک تأمل و خلوتی با خویش قطعاً و یقیناً به این مهم پی خواهد برد و اتومات و بصورت ناخود آگاه و یا خود آگاه سراغ آن گمشده همیشگی و جاودانگی خویش یعنی گفتمان زهرایی و (مهدویت) خواهد گشت و دنبال خواهد نمود و این مهم در نظام احسن از نگاه کلامی و اندیشه‌ای و تفکری و از نگاه فلسفی از حیث سلسله وجودی خوبی قابل لمس و هویدا می‌باشد. و این همه که گفتیم و گفتیم و نوشتیم و نوشتیم منابع فراوان و آموزه‌های فراوان دینی و مذهبی آنها را تأیید و تأکید می‌کند که در این مقال بیان آنها نمی‌گنجد و بطور بدیهی و طبیعی انسان زهرایی و منتظر از لحاظ روحی و روانی سرمست و شاد و امیدوار نسبت به آینده است و قبول مسئولیت و با طراوت و شاد کامیابی به زندگی خویش و ارتباط با هم نوع خویش می‌پردازد در واقع تفکرزهرایی با انتظار منتظر را در چهار مرحله ضمانت و پاسورت می‌کند.

زمینه اول ارتباط با خویشتن خویش زمینه دوم ارتباط با هستی و جهان پیرامونی و زمینه سوم ارتباط با هم‌نوع و هم وطن و اجتماع انسانی است و زمینه چهارم ارتباط با خالق هستی و خدای خویش و ذات اقدس اله می‌باشد پس گفتمان زهرایی و انتظار تعاملات چهارگانه و زمینه‌های بسیار بسیار عالی چهارگانه فوق را دنبال خواهد داشت و چه زیباست با این رویکرد زیستن در جهان هستی فعلی.

بخش سوم:

آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

مقدمه

هر اندیشه و هر چیزی که حاصل تفکر ذهن آدمی باشد با اصول و مبانی خاص خودش همراه است که اندیشمند و متفکر بر اساس آن مبانی و اصول به پردازش و ارائه آن می‌پردازد در این فصل از پژوهش نیز پژوهشگر سعی نموده است تا به بررسی مهم‌ترین اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام بپردازد و این مهم در چارچوب و قالبی مشخص یعنی نخست به مشکلات و بحران‌های موجود در جامعه و سپس به ریشه‌ها و عوامل ایجاد کننده مشکلات و بحران‌ها در جامعه و در گام سوم به نظم آرمانی و جامعه خیالی و در گام چهارم و پایانی در راه حل برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم از دید حضرت زهرا علیها السلام پرداخته می‌شود. ناگفته نماند از حضرت زهرا علیها السلام در مدت کوتاه حیاتش پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه خطبه به دست ما رسیده است ۱- هنگام هجوم به خانه اش ۲- در مسجد مدینه ۳- در جمع زنان مهاجر و انصار. طولانی‌ترین خطبه ایشان همان خطبه حضرت در مسجد مدینه است که در جهت رسوا کردن خلیفه و دفاع از امیرالمومنین و حق غصب شده اش،

در برابر مهاجر و انصار ایراد فرمود. پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کودتای سقیفه، آن گاه جماعتی که بعضی از کودتاگران به همراه جماعتی از مردم فریب خورده، برای بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام به خانه‌ی او هجوم بردند و او را به آتش زدن خانه اش تهدید کردند، ناگهان حضرت زهرا علیها السلام به طرف آنان رفته و خطاب به آنان این خطبه را ایراد فرمودند

مصادر خطبه: الاحتجاج طبرسی ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۲، امالی شیخ مفید، ص ۵۰؛ الامامه و السياسه، ج ۱، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۵ و مصادر خطبه‌ی حضرت زهرا در مسجد مدینه، این خطبه در منابع گوناگون شیعه و سنی و با اختلاف در ترتیب متن و با اسانید متفاوت بیان شده است که عبارت می‌باشند از مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۱۱؛ علل الشرایع؛ الشاخی، سید مرتضی، ج ۴ صص ۷۲-۸۵؛ الطرائف، ابن طاووس، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱-۲۱۵؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۹، ص ۲۲۰-۲۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۵۰؛ بلاغات النساء، ابن طیفور، (۲۰۴-۲۸۰ ه ق) ص ۳۲-۲۳؛ کشف الغمه، اربلی، (م ۶۹۲ ه ق) ج ۲، ص ۱۱۸-۱۰۶؛ قاموس الرجال، شیخ محمدتقی شوشتری، ج ۴، ص ۲۵۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۵۹؛ دلائل الامامه ابوجعفر طبری، ص ۱۲۵-۱۰۹؛ الاحتجاج، طبرسی؛ ج ۱، ص ۲۷۹-۲۵۳ و مصادر خطبه حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری در جمع زنان مهاجر و انصار، این خطبه نیز در منابع گوناگونی از کتاب‌های شیعه و سنی بیان شده است از جمله بلاغات النساء ابن طیفور، ۳۳-۳۲؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۵۴-۳۵۴؛ امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۷۶-۳۷۴؛ دلائل

الامامه، طبری، ص ۱۲۹-۱۲۵؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۸۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۳۳-۲۳۴؛ کشف الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۱۸. ما در این بخش بیشتر از خطبه فدکیه استفاده می‌کنیم و مبنای کار خویش قرار می‌دهیم و در حد توان آدرس در پاورقی از فقراتی که استفاده می‌شود می‌آوریم اما مصادر و منابع اصلی همان مصادری است که در ذیل خطبه حضرت زهرا در مسجد مدینه معروف به فدکیه ذکر کردیم می‌باشند.

۳-۱- مشکلات و بحران‌های موجود در جامعه از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)

۳-۱-۱- عدم اخلاص در توحید

حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از اصلی‌ترین مشکلات و معضلات جوامع را عدم اخلاص در توحید و شرک با انواع و اقسامش می‌داند لذا می‌فرماید: و حرم الله الشرک اخلاصاً له بلربوبیه^۱ خداوند متعال شرک بر خود را حرام کرد تا این که در ایمان به خدا اخلاص حاصل شود. نوک پیکان اخلاص این است که هر آن چه غیر خدا است کنار گذاشته شود و فقط و فقط به خدا اندیشیده شود و لا غیر. و در همین رابطه می‌توان گفت اشاره‌ای به آیه شریفه ﴿يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۲؛ ای فرزندانم برای

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۲۲

۲. سوره لقمان، آیه ۱۳

خدا شریک قرار مده، زیرا به درستی که شرک ستم بزرگی است و با متناسب و هم آهنگ با همین بحث به تعریف شرک و یا مشرک در آیاتی دیگر این چنین می‌پردازد (ان الله لا یغفر افتری اثما عظیما)^۱ "محققا خدا نمی‌آموزد شرک آوردن به او را و می‌آمزد پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمزد. و آن که به خدا شرک آورد پس به تحقیق گناه بزرگی مرتکب شده است" و نیز در آیه ۱۱۶ سوره نساء می‌فرماید "محققا خدا نمی‌آموزد شرک آوردن به او را و می‌آمزد پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد و آن که شریک برای خدا قائل شود پس به تحقیق گمراه شده گمراهی دوری" چون که شرک ظلم بزرگی است بخشیده نمی‌شود.

تحلیل مطلب آن که:

اولا: مستندا به مباحث کلامی و فلسفی برای شرک می‌توان اقسام و انواعی را بر شمرد از جمله شرک در ذات خدا و شرک در افعال خدا و شرک در صفات خدا و شرک در عبادات و از قسم چهارم شروع به تبیین می‌کنم شرک در عبادت که اغلب بدان گرفتارند اما شرک در افعال یعنی غیر او را تاثیر گذار در کیهان و هستی شناسی بدانیم و در صفات یعنی غیر خدا را آگاه و شنوا و بینا در احوال خلق بدانیم و اما شرک در ذات یعنی یک موجود واجب و اصلی و اصیل را موثر در هستی و بدان اعتقاد نداشته باشند.

۱. سوره نساء، آیه ۴۸

ثانیا: مستندا به آیات ۶۱ و ۶۳ سوره عنکبوت و آیه ۸۷ سوره زخرف که سیمای پرسشگری و آهنگ اصفهانی در آنان حاکم است وقتی در مورد خلقت آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه از ایشان سوال کنی و پرسش بنمایی می‌گویند خدا اما آرامش ندارد و یا اگر از زنده و احیاء شدن زمین توسط آبی از آسمان سؤال شود می‌گویند خدا اما بیشترشان بی‌خردند و نادانند و نیز اگر از ایشان بپرسی چه کس شما را خلق نمود می‌گویند خداوند اما آن گونه شایسته و بایسته است به کنه مطلب و سؤال پی نبرده‌اند و گویی سیر در گردانند و نمی‌دانند چکار و یا چکارهایی می‌بایستی انجام بدهند و علت و فرمول اصلی این است که آغشته به شرک گشته‌اند و مسیر اصلی را فراموش نموده‌اند لذا گمراه گشته‌اند و یا سرگردانند و به تعبیر قرآن بی‌خردند.

ثالثا: در مراحل و یا پله‌های بعدی از غیر خدا کمک و مساعدت می‌طلبند و از مجسمه‌هایی که آنان را از اسطوره و انگاره تلقی نموده‌اند و خداوند در آیه ۳ سوره زمر آنان را سبب اختلاف و دروغگو و ناسپاس خطاب و فرض می‌کند و یا در سوره شعرا آیه ۲۱۳ می‌فرماید همراه من دیگری را نخوانید که عذاب خواهی شد و یا در سوره‌ی جن آیه ۱۸ می‌فرماید: مساجد مخصوص خداست پس نخوانید با خدا احدی را یعنی اگر کسی به جزء خدا را صدا جزو مشرکانید و در ادامه‌ی همان آیه سوره جن می‌فرماید: "بگو همانا فقط پروردگارم را می‌خوانم واحدی را شریک او نمی‌کنم" خلاصه آن که هر کس غیر خدا را بخواند گمراه است و دعایش مستجاب نمی‌شود و تا قیامت غافل خواهد بود و تمام کسانی غیر خدا را پرستش کنند اگر همه آن

خالقان کاذب و اسطوره‌های بی جان دست به دست همدیگر دهند توانای ساخت هیچ چیز حتی کوچک و ناچیزی را ندارند و بسیار ضعیف و ناتوان و نادان و بی عقل می‌باشند و بس.

رابعا: لازم است علل و عوامل و ریشه‌ها و مشکلات این نوع دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها بررسی و تتبع و تاملاتی فراوان صورت بگیرد که چرا این گونه شده‌اند و چرا در کنار خداوند به غیر خداوند و اشیاء غیر و واسطه‌ها روی آورده‌اند و به مشکلات فراوان و عدیده‌ای گرفتار شده‌اند و چه بسا خود نیز از آنان باشم و تو هم و خیال دیگری در سر داشته باشم و خود را منزّه و پاک و مبرا از آنان بدانم که کاری بس دشوار و نابهنجار و ناخرسند است لذا پناه به خودش می‌برم از غیر خودش.

یک نکته مهم و اساسی:

هر کس یا چیزی را که در طول محبت و معرفت خداوند متعال دوست داشته باشیم و یا او را شفیع و رفیق و طریق قرار بدهیم مانعی ندارد و بلکه در مسیر و ترقی و کمال خواهی یعنی خدا خواهی و در مسیر هدایت خداوندی می‌باشد مثل تمسک به قرآن کریم و خاندان عصمت و طهارت و هر کس که در این مسیر و وادی باشد اما اگر بر عکس شود در عرض و در تضاد و در تقابل با ذات اقدس اله قرار بگیرد مردود و منکوب و حرکت معکوس به حساب می‌آید و این مهم می‌بایستی با دقت دو چندان عنایت بدان داشت پس تفکرات متحجرانه و وهابیت و غالیان و ناصبیان و فرقه‌های ضاله و مکاتب فاشیستی و بنیادگرا و خدا گرایان منهای کتاب و عترت توأمان و دگر اندیشان امامت به خلافت و به امپراطوری همگی

مردود و منفور و جهنم و سیاهی و ظلمت را به همراه خواهد داشت و هیچ گونه شک و تردیدی در این مسیر وجود نداشته و ندارد و نخواهد داشت و هر کس تردید بکند در واقع تردید به اندیشه و وجود خودش کرده است و لا غیر.

۳-۱-۲ نداشتن پارسایی و تقوی در عرصه فردی و اجتماعی

حضرت در ادامه خطبه اش نداشتن تقوی را یکی دیگر از معضلات و مشکلات جامعه بر می‌شمرد و می‌فرمایند: "فاتقوا الله حق تقایه و لا تموتن الا و انتم مسلمون، و اطيعوا الله فيما امرکم به و نهاکم عنه فانه إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ"^۱ یعنی؛ "از خدا پروا داشته باشید پروائی شایسته مقام الهی، و اجل شما را در نرسد مگر این که مسلمان باشید، و خدا را در آن چه امر و نهی فرموده اطاعت کنید چه این که از بندگان خدا فقط دانشمندان هستند که از ساحت قدس الهی بیمناک هستند." و موید این فقره شریفه آیه مبارکه ۸۵ سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید آیا به بعضی از کتاب (تورات) ایمان آورده و از بعضی دیگر سرباز می‌زنید؟ پس نتیجه این کار را بدانید که جز رسوایی و خواری و گرفتاری در زندگی دنیا چیزی نیست و در آخرت نیز به بدترین وجه به عذاب الهی گرفتار خواهید شد و خدا از آن چه عمل می‌کنید غافل نمی‌باشد.

۱. دلائل الامه، ص ۱۰۹

تحلیل مطلب آن که:

دین به مثابه یک اندام کل و یک نظام یک پارچه و به دیگر سخن یک فرا نهاد می باشد که همچون فرا نظریه ای و یا فرا تحلیلی دیگر نهادها و اندیشه ها را در خود جای داده است و در نهاد او وجود دارند از جمله نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهاد سیاست، نهاد عبادت، نهاد مدیریت، نهاد فرهنگی، نهاد امنیتی و دفاعی و جهادی، نهاد قضائی و قوهی عدلیه نهاد بهداشت و درمان، نهاد دانش و آموزش و پژوهش و نهاد تربیتی و پرورشی و در نهایت هر آن چه که جامعه بشری و کاروان بشری از حیث فردی و اجتماعی و حاکمیتی و سیاسی و مدیریتی با انواع و اقسامش و با نگاه های مختلف و متفاوت بدان نیازمند است را در خود دارا می باشد و تمام کسانی که از این فرمول خارج شوند به گوهر و حقیقت پی نبرده اند و اهداف اصلی و اساسی دین را فرا نگرفته اند و البته کسانی هم هستند که در تطبیق و دریافت رهیافت های دینی و مولفه های آن از راه اثباتی و ذهنی به راه ثبوتی و بیرونی و رئالیستی دچار دگر دیسی و اشتباه فاحش بین دریافت های ذهنی با عینا به همان سبک و شکل در تطبیقش با مصادیق بیرونی و مولفه های بیرونی گرفتار شده اند و راه خلاصی از آن را هم نتوانستند بیابند و به سبب معضلات بزرگی برای جامعه بشری در طول اعصار و قرون متمادی گشته اند به گونه ای که از این عدم تطبیق و ضعف تئوریک با مصداق باعث پیدایش مذاهب و فرقه های بشری و ساختگی و در مقیاسی بزرگ تر سبب پیدایش و تاسیس ادیان بشری شده اند حال بگذریم از علل و عوامل انگیزه های درونی و بیرونی آنان چه آیا جهل و نادانی بوده است و یا خود خواهی و تکبر و

شهوت پرستی و یا خود شیفتگی و مقام پرستی و شهرت و یا دهها و صدها انگیزه و عوامل دیگر که از رسالت این پژوهش خارج است و در جای خودش می‌بایستی بدان پرداخته بشود و به اصحاب فرهنگ و ادب و اندیشه و تفکر و دین پژوهی عرضه بگردد تا به یک پکیج و بسته‌ای معقول و منطقی دست بیابند و از گمراهی گمراه شدگان و از بی پروائی سازندگان و طراحان شیطانی آن جلوگیری بشود و این مهم هم بجزء ظهور دولت یار و ذخیره الهی متحقق و حاصل نخواهد گشت و اوست که باذن الله فرجام جهان را به سرانجام خواهد رساند ان شاءالله.

۳-۱-۳ ترک دزدی

یکی دیگر از مشکلات جامعه را حضرت زهرا علیها السلام در دوری جامعه از دزدی می‌دانند و می‌فرمایند و ترک السرقة و ایجاباً للعفه^۱ یعنی خدای سبحان ترک دزدی را برای عفت نفس و نگهداری از طمع به مال مردم قرار داد. و آیه متناسب با این فقره مبارکه این است که می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲ دست‌های دزد چه زن باشد و چه مرد، قطع نمایید تا کیفر آن چه که با عمل خود به دست می‌آورند ببینند و عقوبت الهی را بچشند چه این که خدا قادر و حکیم است...

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹؛ کشف الغمه، ج ۲؛ دلائل الامه، ص ۴۴

۲. سوره مائده، آیه ۳۸

تحلیل مطلب آن که:

نکاتی چند را می‌توان از این فقره شریفه و نیز آیه مبارکه که مرتبط و متناسب با بحث است را استخراج و استنباط نمود

اولا: این دو تاکید فراوان بر پاک دستی و عزت امانت و گرانسنگ بودن آن را دارند و در مقابل با انجام این فعل باعث ذلت و خیانت و از دست دادن عفت و حیا و قناعت می‌شود و در عوض ناهنجاری رفتاری و طمع در اموال مردم و خلاف شرع و حدود الهی و مرتکب شده است.

ثانیا: این کار سبب بی ایمانی و به رسمیت نشناختن حقوق ملت و حقوق شهروندی و حقوق و کرامت انسانی و خیانت به اشرف مخلوقات یعنی انسان و انسانیت او می‌باشد.

ثالثا: سارق علاوه بر مجازات دیگر سرای جاوید یعنی روز قیامت دارای عقوباتی در این گیتانه نیز می‌باشد یعنی موجب قطع دست می‌شود البته دست امین و پارسا و پاکدامن را شامل نمی‌شود و لذا حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: خداوند به سبب عفت نفس و نگهداری از طمع به مال مردم، ترک سرقت را حرام کرد.

رابعا: قطع دست یا انگشتان و نیز اثبات سرقت شرایط خاص خودش را دارد که به وسیله اقرار آن هم دو مرتبه و یا شهادت عدلین و یا اگر قبل از ثبوت توبه کند حکم قطع برداشته می‌شود.

خامسا: بدون شک و تردید اگر احکام الهی با شرایط و اوصاف خاص خودش اجراء بشود و بر اساس عدالت و به دور از حب و بغض اجراء گردد عدالت اجتماعی و امنیت روانی و اقتصادی و فرهنگی تحقق خواهد یافت

مثلا اگر یک سارق و یا سارقه به جزای اعمالش برسد عبرت برای خود و دیگران و جامعه خواهد شد و اموال انسان‌ها و مسلمین محفوظ خواهد ماند و دیگران از ترس این کار را نخواهد کرد و خداوند که خالق انسان هاست هم حکیم است و هم عادل و هم احکامش بر اساس انواع و اقسام مصلحت‌ها و حکمت‌ها و اصول مترقی و پیشرفته و معقول و منطقی و منطبق بر فطرت انسانی می‌باشد.

سادسا: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند "لایزنی الزانی و هو مومن و لایسرق السارق و هو مومن" یعنی "زنا نمی‌کند زنا کننده در حالی که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و همچنین دزدی نمی‌کند شخص دزد در حالی که ایمان داشته باشد"^۱ متبادر به ذهن و برداشت مفهومی از این حدیث شریف این است که زانی و دزد در حال انجام آن دو عمل قبیح روح ایمان همراه آنان نیست یعنی اگر مرگشان فرا برسد گویا بی ایمان خواهند مرد و رخت از آن بر خواهند بست.

سابعا: تاکید و اصرار می‌ورزم احکام و قوانین اسلام منطبق بر فطرت و عقلانیت و انسانیت می‌باشند و هیچ مخالف با تمدن و ترقی بشریت و کاروان انسانی نیست و برای بهبودی و سر و سامان دادن به اوضاع اجتماعی، سیاسی، و تکوین شخصیت و احیاء اخلاق در افراد جامعه انسانی آمده است و کمال خواهی انسان و حرکت به جلو و زدودن روح بیمار و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳۶، حدیث ۲۴

عقد‌های روانی و به حرکت و شکوفا درآوردن استعداد‌های نهفته بشری و انباشت اجتماعی آنان می‌باشد و این توهم که این احکام مانع پیشرفت بشری در عصر کنونی می‌باشد خیالی باطل بیش نیست و صد البته مقصر سردمداران اسلام و مجریان اسلام و مسلمان‌نماها و متحجرین و اسلام‌گرایان دروغینی چون داعش و القاعده و خوارج دیروز و همکاران و همیاران امروزشان می‌باشد که این مهم در مقوله‌ای دیگر می‌بایستی به کاوش و تتبع و پژوهش گذاشته بشود و در این فضا نمی‌گنجد.

ثامنا: تاکید دوباره می‌کنم که قطع دست سارق شرایط چند گانه خودش را دارد از جمله بلوغ و عقل و اختیار و تا بیست شرط برای آن فقهاء و کارشناسان دینی ذکر کرده‌اند.

تاسعا: اگر این حکم حداقل بر اساس حکمت و مصلحت و شرایط خاص خودش اجراء می‌شد در روز آفتابی شاهد سرقت اموال بیت المال و شرکت‌های میلیاردری و مفسدان اقتصادی و روانی و امنیتی بیش از ده‌ها هزار میلیارد نبودیم و نیز اشک غم و اندوه برای یتیمان و بی‌خانمان نمی‌ریختیم و هر روز که بگذرد از دیروز بدتر است و امروز می‌گوییم‌ای خوشا دیروز که گذشت. البته هدف سیاه‌نمایی نیست و با یک اراده و با کمک گرفتن از نیروی ملت با رعایت همه شرایط امنیتی و اخلاقی می‌توان یک بار برای همیشه ریشه اختاپوستان و زالو صفقان را برای همیشه تاریخ بر چید همان گونه که ملت توانستند دودمان ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به زباله دان تاریخ ببرند و این مهم عملیاتی شد.

۳-۱-۴ دوری از تهمت

وجود مقدس صدیقه طاهره یکی دیگر از موانع و مشکلات جامعه بشری دوری جستن از تهمت‌ها و افتراها می‌باشد که در خطبه اش بدان اشاره می‌فرماید: و اجتناب القذف حجابا عن اللعنه^۱ یعنی: خدای متعال دوری جستن از نسبت دادن زنا به زن عقیف را حجاب و مانعی از لعنت دنیا و آخرت قرار داد. که آیه مترادف و متناسب این مبحث است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۲ به راستی افرادی که زن‌های عقیف و غافل از معصیت و با ایمان را به زنا تهمت می‌زنند در دنیا و آخرت مورد لعنت واقع شده و بر آنان عذاب دردناک است...

تحلیل مطلب آن که:

اولا: شاید بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین گناهان کبیره و معصیت‌های بزرگ تهمت زدن به افراد انسانی یا در سطحی کلان به جامعه انسانی می‌باشد و علتش هم این است چون آن تهمت و یا تهمت‌هایی که به کسی و یا افرادی و یا جامعه نسبت داده بشود و وجود خارجی ندارد و وقوع و تحقق بیرونی نداشته و یا ندارد لذا پس گناه بزرگ و نابخشودنی محسوب می‌شود و هم می‌توان جنبه حق الهی داشته باشد پس این فقره تاملاتی فراوان می‌طلبد.

۱. دلائل الامه

۲. سوره نور، آیه ۲۳

ثانیا: اعتبار و حیثیت و درجه اعلای انسانیت و کرامت انسانی آبروی فرد و افراد می‌باشد و سالیان سال باید بگذرد تا یک شخصیت و یک اعتبار و آبروی انسانی شکل بگیرد اما همین اعتبار و آبروی چندین ساله را می‌توان با یک سناریوی از پیش تعیین شده و کاذب و با ایجاد موج و شایعه پراکنی و فرافکنی از درجه اعتبار ساقط نمود و اذهان عمومی و یا خصوصی را نسبت به او مشوش و تخدیش نمود و چه بسا برای رفع این سوء اثر اذهانی یک قرن طول بکشد تا دوباره آن فرد به سالیان پیش از آن تهمت برگردد.

ثالثا: در طول تاریخ زندگانی کاروان بشری مصادیق و نمونه‌های فراوانی را می‌توان برای این مهم به عنوان شاهد مثال آورد و حتی نعوذ بالله به خود خداوند هم تهمتهایی فراوان زده‌اند مثلا خداوند فرزندی دارد و یا تهمتهایی که به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌زدند از جمله شاعر و ساحر و نیز به ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای الهی و یا تهمتی که به حضرت مریم مقدس زدند که از دل و اعماق وجود آرزوی مرگ می‌کند "یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا منسیا" یعنی ای کاش! قبل از این جریان مرده بودم و از خاطره‌ها به کلی محو و فراموش می‌گردیدم...

مفهوم موافق این مطلب این است که حضرت مریم علیها السلام با آن عظمت و صداقتی که به تعبیر قرآن دارد ضربه روحی تهمت چنان بر او تاثیر می‌گذارد که آرزوی مرگ می‌نمایند.

رابعا: انسان‌های با شخصیت را مورد تهمت و لکه دار قرار دادن از هزار بار کشتن برایشان سخت‌تر است و فرقی هم بین زن و مرد نیست زیرا این تهمت علاوه بر مورد ضربه قرار دادن فرد آبروی اطرافیان و دوستان و خویشاوندان او را نیز خدشه دار و نابود می‌سازد و تحت هیچ شرایطی هم قابل جبران نیست و متأسفانه امروزه هم قدری عادی شده و به راحتی سر کوچک‌ترین مسائل به همدیگر تهمت و افترا می‌بندند.

خامسا: این سموم زهرآگین تهمت بنیاد خانواده‌ها و محیط گرم و سرشار از حسن اعتماد را تبدیل به سوء ظن و سوء تفاهم و از بین بردن صمیمیت و مرکز کینه و دشمنی و حسادت و دشمنی نموده است و اگر آمار گیری شود شاید با ارقام غیر قابل تصویری برخورد بنماییم و بسیار وحشتناک خواهد بود.

سادسا: در آیه ۲۳ سوره مبارکه نور از تهمت به " رمی " و در خطبه به " قذف " تعبیر شد و این دو حاوی بارم معنایی بالایی می‌باشد و از لحاظ معنایی و لغت به معنای انداختن، و رها کردن آمده است^۱ و از لحاظ فقهی به مرد یا زن تهمت و نسبت زنا یا لواط زده شود و اگر نتوان ثابت کرد حد تهمت زننده یا قاذف هشتاد تازیانه زده می‌شود.^۲ و در قرآن عزیز اشاره شده است " کسانی که زنان عفیفه پاکدامن را به زنا متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، به آنان هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز شهادتی را از

۱. قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۵۹

۲. الزبده الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، ج ۹، ص ۲۹۷؛ شیخ مفید، المقنعه، ص ۷۹۳

آنان نپذیرید، و این‌ها هستند که در حقیقت بدکار و نافرمان‌اند.^۱

سابعاً: و باز مستندا به نگاه قرآنی اذیت و آزار مومنین گناه سنگین است و آبروی زن و مرد مومن محترم است و خدشه دار کردن آن بسیار خطرناک است و سخت‌ترین این آزار و اذیت‌ها زخم زبان و تهمت است و اذیت و آزار دیگران خشم الهی را به دنبال خود دارد چرا که خداوند بندگان را دوست دارد و آنان مخلوق خداوند می‌باشند و در همین باب آیه شریفه می‌فرماید "و الذین یوذون المومنین و المومنات بغير ما اکتبوا فقد احتملوا بهتانا و اثما مبیناً"^۲ یعنی: و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می‌دهند بدون شک بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده‌اند.

ثامناً: حاصل بحث آن که یکی از بزرگ‌ترین معضلات جامعه بشری امروز همین تهمت و افترا و فرافکنی علیه همدیگر می‌باشد و تشکیل پرونده و مستند سازی‌های کاذب می‌باشد خصوصاً که امروزه از انواع و اقسام تکنولوژی‌ها و فضا‌های مجازی و سایبری در اختیارشان دارند و با کمترین از چند ثانیه در بین هشت میلیارد انسان‌ها می‌توانند آبرو انسان یا ملتی را ببرند و یا فردی را به اوج کاذب برسانند و از طرفی دیگر مراکز جاسوسی حاکمیت‌ها نیز از این حربه برای ضربه زدن به حاکمیت و یا کشور متخاصم و یا نیز گروگان گیری و یا حرکت‌های متقابل به مثل

۱. سوره نور، آیه ۴۰

۲. سوره احزاب، آیه ۵۸

انجام می‌دهند و معضلات فراوانی برای خود و افراد بشر و کشورها به وجود آورده‌اند و یا می‌آوردند.

۳-۱-۵ نکوهش کم فروشی

یکی دیگر از پارامترهایی که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان مشکل برای جامعه بشری و اسلامی اشاره کرده‌اند مساله کم فروشی و مسائل پیرامون آن می‌باشد که بدان اشاره می‌کنیم لذا می‌فرمایند "و توفیه المکاییل و الموازین تغیرا للبخس" یعنی خدای متعال پس دادن پیمانه‌ها و ترازوها را برای دگرگونی کم فروشی قرار داد توفیه به معنای اداء کامل که نقطه مقابلش گزاردن یعنی بخش می‌باشد و آیه مبارکه که مرتبط با این بحث می‌باشد بدان اشاره می‌کنیم (فافوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاء هم)^۱ یعنی پیمانه‌ها و ترازوها را نیک اداء کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید.

تحلیل مطلب آن که:

اولا: تقلب و خیانت در داد و ستد و معاملات اقتصادی باعث عدم اعتماد عمومی را در پی دارد که این ظرفیت بزرگ‌ترین دلگرمی ملل می‌باشد و اگر این دلگرمی از بین برود جامعه ضربه‌ی اسفناکی خواهد خورد و بزرگ‌ترین مدرک و سند در این بعد خود وجود مطهر و مبارک قرآن کریم

۱. سوره هود، آیه ۸۵

می‌باشد و در سوره‌های هود و اعراف و انعام و رحمان و اسراء و مطففین بدان پرداخته است و در همین سوره با این ریتم شروع می‌شود "وای به حال کم فروشان آنان که وقتی چیزی را با پیمانه یا وزن از مردم تحویل می‌گیرند کاملاً حق خود را دریافت می‌کنند ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می‌دهند در پیمانه و وزن کمتر می‌دهند. آیا آن‌ها عقیده ندارند که بعد از مرگ زنده خواهند شد و به روز بزرگ رستاخیز ایمان ندارند. روزی که تمام مردم در پیشگاه خداوند برای تعیین سرنوشت خود می‌ایستند."^۱

ثانیاً: در تاکید این عادلانه رفتار کردن در مسائل معاملاتی و اقتصادی در سوره‌ی رحمان خداوند می‌فرماید: آسمان را خداوند برافراشت و میزان عدل را برقرار کرد. تا در آن چه وزن می‌کنند تجاوز و تعدی روا ندارید و هر گاه چیزی را وزن می‌کنید عدالت و صحت ترازو را رعایت کنید و آن چه را وزن می‌کنید کم ندهید.^۲

ثالثاً: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: هر مردی که قوت مردم را بخرد و تا چهل روز آن را نگاه دارد به انتظار این که مسلمانان در گرانی واقع شوند گناهی کرده که اگر تمام آن قوت را بفروشد و پولش را صدقه بدهد کفاره آن گناه که کرده نمی‌شود.^۳ و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید "مغبون ساختن مومن، حرام است و مغبون ساختن کسی که در قیمت کالا و سالم بودن جنس به

۱. سوره مطففین، آیات ۶-۱

۲. سوره رحمان، آیات ۹-۷

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۴

فروشنده اعتماد کرده حرام است.^۱

رابعا: می‌توان گفت کم‌فروشی عامل فساد در زمین می‌شود و سبب به هم خوردن نظام اقتصادی و نزول عذاب الهی و عدم اعتماد بین اقشار و اصناف مردم و ضایع شدن حقوق بدیهی و طبیعی نوع بشر و مانع تولید مولد و رونق اقتصادی و استفاده بهینه و بهنگام از مواهب اقتصادی و نعمت‌های خدادادی می‌باشد این‌ها تعداد اندکی از معضلات و پیامدهای منفی این کم‌فروشی می‌باشد و به تعبیری دیگر کم‌فروشی نوعی سوءظن و شک داشتن نمود بالله به رزاق و خالق بودن خداوند متعال می‌باشد و طلب روزی از غیر راه شرعی و الهی و خدایی می‌باشد. و خداوند که خالق انسان است و در نظام احسن به وسیله دین بهترین برنامه جامع و کامل و ذوابعدی را برای بشر ترسیم نموده است و در این باب مربوطه نیز دستورات متقن و حکیم گونه که بیانش گذشت فرموده است اما متأسفانه بشر خلاف آن را می‌رود و به تبع آن پیامدهای شوم و پلید آن نیز جامعه انسانی و بشری را فرا خواهد گرفت همان گونه که گرفته است و آثار شومی نیز داشته است.

خامسا: متأسفانه از طریق رسانه‌های گروهی و تصویری و شنیداری هر چند روز یکبار بحث احتکار و بحث گران‌فروشی در کشور عزیزمان اذهان ملت را متوجه خودش کرده است به گونه‌ای که هر ساعت اجناس رو به

۱. پیشین، ص ۳۱۴

فزونی می‌روند و تا تفاوت قیمت اجناس در دو مغازه به هم چسبیده و یا در یک نقطه خاص و نیز کم فروشی‌هایی که به عیان می‌بینیم جا دارد که کارگزاران نظام و مسئولین خدمتگزار در این عرصه ورود جدی بنمایند و این مشکل را مرتفع بنمایند که اگر دیر چاره‌ای بیندیشند و وقت فوت بشود در آینده‌ی نه چندان دور تدبیر و مدیریت آن کاری بس دشوار و سخت خواهد بود.

۳-۱- نهی از شراب خواری

دیگر مشکل اجتماعی و بحران‌های موجود در جامعه حضرت، شرب خمر و راه برون رفت از آن را نهی و ترک آن می‌داند و در قسمتی از خطبه بدان اشاره می‌نمایند "و نهی عن شرب الخمر تنزیها عن الرجس"^۱ یعنی خدای متعال نهی از شرب خمر را برای پاکی از پلیدی قرار داد. در واقعه اشاره به آیه شریفه سوره مائده می‌نمایند که چنین است "ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ حقیقت این است که می‌خواری و قمار و بتهایی که برای پرستش نصب می‌شود و قرعه با تیرها، پلیدی و از عمل شیطان است پس از آن پلیدی دوری کنید، باشد که رستگار شوید. فقط غرض شیطان از این کارها آن است که میان شما با می‌خواری و قمار کردن دشمنی و کینه در اندازد و شما را

از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا با این همه ابلاغ شما خود داری خواهید کرد؟!..."^۱

تحلیل مطلب آن که:

اولا: مستندا به فلسفه احکام و علل آن شرب خمر سبب زایل شدن عقل و خروج انسان از عقلانیت و انسانیت و کرامت و عدالت اجتماعی می‌باشد و ظلم بزرگی به جامعه بشری و کاروان بشری می‌باشد.

ثانیا: پلیدی عمل شیطانی است و پیامد شوم و ظلمانی دارد و اعمالی شنیع و زشت است و کینه و دشمنی را در پی دارد.

ثالثا: دین دقیق و ظریف و نیز آسان و کامل اسلام عنایت به رعایت اصول اجتماعی و روانی این معضل بزرگ داشته و با متد و معیار تدریجی و آماده سازی افکار عمومی برای از بین بردن میگزاری که به صورت یک عادت در پوست و خون آنان ریشه دوانیده بود الگوی تربیتی و مدیریتی ارائه داد و به صورت پلکانی به حرمت و عوارض آن همت گماشت و دستور تحریم آن را صادر فرمود.

رابعا: امروزه هم اگر تبعی در جوامعی که این حرکت را مجاز می‌دارند بشود و یک تحقیق و یک پژوهش همه جانبه‌ای خصوصا میدانی و آماری انجام بشود به وضوح معضلات و مشکلات فراوان آن لمس و حس خواهد شد و چنان این مهم بدیهی و ضروری به نظر می‌رسد تصورش بلافاصله موجب

تصدیقش می‌گردد و جامعه عقلانی و سیره عقلا مهر تایید بر آن می‌زنند
مضافاً بر سیره متشرعه و احکام نورانی اسلام عزیز.

۳-۱-۷ عدم حمد و ثنای الهی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و معضلات و بحران‌ها در جامعه از نگاه
حضرات زهرا علیها السلام دوری گرفتن و عدم تشکر و سپاسگزاری از نعمتهایی
است که خداوند به جامعه بشری ارزانی فرموده است و در آغاز خطبه با این
آهنگ و ریتم شروع می‌نمایند " الحمد لله علی ما انعم و له الشکر علی ما
الهم و الثنا بما قدم من عموم نعم ابتداها^۱ یعنی حمد و سپاس خدای را بر
آن چه ارزانی داشت و شکر او را در آن چه الهام فرمود و ثنا و شکر بر او بر
آن چه پیش فرستاد، اهل فن در تحلیل و کاربرد کلمه حمد گفته‌اند به
معنای ستایش و ستودن است که در تضاد با ذم به کار می‌رود^۲ و نیز حمد
را به معنای ثنا و مدح نیز بیان کرده‌اند^۳ و واژه حمد چهل بار در قرآن به
کار رفته که ۲۶ (بیست و شش) بار آن مختص به خدای متعال می‌باشد^۴ و
انشقاقات حمد به شکل اسم فاعل و اسم مفعول و به صورت‌های دیگر در

۱. دلائل الامه؛ کشف الغمه؛ بلاغات النسا

۲. انتشارات هادی عالم زاده، تهران ۱۳۷۵ احمد بن علی بیهقی، تاج المصادر، ج ۱، ص ۲۶۰،

۳. خلیل بن احمد، کتاب العین، انتشارات مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵

۴. محمد فواد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم ذیل واژه مربوطه، بیروت:
انتشارات دار احیاء التراث العربی

آیات قرآن مجید بیان گشته‌اند.^۱

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام به ریشه و اصل ذات مساله و بحران اشاره نموده‌اند و آن نیز این است وقتی که انسان که در کالبد کیهان و جهان هستی مخلوق خلق شده است و تشکر و قدر دانی از خدای متعال چه به شکل امتثال فعل یعنی نماز و چه به شکل و شمایل دیگر مثل ذهن و قلب و یا کمک و مساعدت به هموعان و اجرای فرامین الهی ننماید طبیعی و بدیهی است که کلیه رشته‌ها و اتصالات با جهان الهام گونه و متافیزیک قطع خواهد شد و کاروان بشری که بسان دانه‌های تسبیح در یک مسیر و در واحد اجتماع کرده بودند با پاره شدن طناب اتصال از هم گسسته و پراکنده خواهند شد و از مسیر حرکت به جلو و افق و کمال دور خواهد شد و نقشه‌ی راه را اشتباه خواهند رفت لذا خروجی این حرکت می‌شود گام برداشتن در مسیر دهکده‌ی ظلمانی و دشت کویر و پیمودن راه سراب و هرگز به آن نخواهند رسید.

ثانیاً: وقتی که مخلوقات از نعمت اختیار داشتن سوء استفاده نمودن و در مسیر غیر خالق قرار گرفتند به هر نوع کار و عملیات دست خواهند زد و مشکلات غیر قابل پیش بینی برای خود و جامعه جهانی و حتی کهکشان‌ها به وجود خواهند آورد همان گونه که در طول تاریخ به

۱. پیشین

بزرگ‌ترین فجایع انسانی و دشمنی با شعور و اخلاق و عقلانیت کمر همت بستند و مسیر دین و انسانیت را تا ظهور دولت یار عوض نمودند و نقطه‌ی آغازینش نیز یورش وحشیانه به بیت ادب و فرهنگ و انسانیت و الهام و وحی بوده است و جهان امت و امامت را به خلافت و شیطنت مبدل کردند و چنان ریل گذاری و موج سواری نمودند که تا ده‌ها قرن دیگر آثار شومش بر پیکره‌ی کاروان بشری سنگینی و احساس می‌شود و ظلمت آن در جهان ظلمانی همچنان باقی است و می‌بایستی خون گریست که برای چهار روز دنیا خیانت به کل جهان و معنویت و دین کامل و معصومین و فرزندان آدم نمودند و این نکات تاملات و دقت و ظرافت فراوان و دو چندان می‌طلبد و اگر کوچک‌ترین غفلتی بشود چه بسا نعوذ بالله دامن ما نیز گرفتار این حرکت آلوده و پلید گردد به خدای مهربان و قهار و قادر پناه می‌برم از شر شیاطین انسی و جنی.

ثالثاً: اگر گریزی به جهان فعلی بزنیم و تطابق و مقایسه‌ای داشته باشیم به وضوح می‌بینیم که بر اثر عدم سپاس و تشکر و حمد الهی خیلی از مسائل خلاف دین و اخلاق و شرع و قانون رعایت نمی‌گردد و بشر فعلی بسیار بسیار عصیانگر و تبهکار شده به گونه‌ای که حاضرند با گوهر وجودی انسان به خاطر مسائل مادی و دنیوی و پست‌های بی ارزش ظاهری معامله بنمایند و بدترین گناهان را برای رسیدن به آن امیال مرتکب شوند و آن را نیز به تصویر بکشاند کما این که کمپانی‌های بزرگ و شرکت‌های تولید کننده انواع و اقسام امواج صوتی و تصویری به این مهم همت گماشته‌اند و با استفاده و استخدام هزاران نفر به گلچین آن‌ها اکتفا نموده و

بر اساس تفکرات ماکیاولیسم و اومانیزمی و لیبرالیستی به اهداف شوم خود رسیده‌اند و نیز بر تمامی گلوگاه‌های اصلی قدرت و ثروت و فرهنگ و سیاست و فیبرهای اصلی شبکات اجتماعی و مجازی حاکمند و هر آن چه به نفع و منفعت خودشان باشد طراحی و اجراء و باز خوانی و واکاوی و تحلیل می‌نمایند. و این همه علتش در عدم حمد و ثنای الهی می‌باشد که حضرت زهراء علیها السلام به آن اشاره فرمودند.

۳-۱-۸ عدم سپاس به خاطر نعمت‌های حکمت آمیز خدای مهربان

در فقره‌ی دیگر حضرت زهراء علیها السلام یکی از مصیبت‌ها و مشکلات جامعه را عدم سپاس و تشکر مردم از نعمت‌های بی پایان الهی و در این زمینه فرمود: "و سبوغ آلاء اشداه" یعنی: و رسایی و فراخی نعمت‌هایی که عطا فرموده. و آیات سوره مبارکه ملک آیه ۳ و ۴ متناسب و هم آهنگ با فقره فوق می‌باشد که ترجمه آن را می‌آوریم "آن چنان خدایی است که خلق فرمود هفت آسمان را طبقه به طبقه هر طبقه‌ای فوق طبقه دیگر، در خلقت خداوند رحمان تفاوتی نمی‌بینی پس چشم بصیرت خود را بینداز آیا در خلقت ما خلق فطور نقصان و کوتاهی می‌بینی؟ هرگز! تمام آن عین صلاح و حکمت است.^۲

۱. دلائل الامه

۲. ملک، آیات ۳ و ۴

تحلیل مطلب آن که:

اولا: نعمت‌های الهی شفاف و رسا و فراوان در اختیار مردم قرار گرفته‌اند مستندا به آیات ۱۵ سوره نبا که می‌فرماید: آیا ما زمین را برای شما گهواره، و کوه‌ها را میخ قرار ندادیم؟ و آیا شما را جفت خلق نکردیم؟ و هفت آسمان محکم را برای شما بنا نکردیم؟ و خورشید را چراغ نورانی قرار ندادیم؟ و باران از ابرها نریختیم؟ تا این که قوت انسان و حیوان و باغ‌های پر درخت را درست کنیم؟^۱

ثانیا: از دل همین آیات شریف می‌توان ده‌ها هزار نکته استنباط نمود از جمله نعمت‌های الهی قابل شمارش و احصاء نیستند و سرشار از حکمت هستند و نشانه قدرت و عظمت خداوند متعال را می‌رسانند و علاوه بر نعمت‌های ظاهری نعمت‌های باطنی زیادی هم وجود دارد مثل نعمت روح و عقل و معنویات که در بر گیرنده‌ی آرامش انسانی است همان گونه که نعمت‌های ظاهری در بر گیرنده‌ی آسایش هستند و نیز نعمت اهل بیت نبوت و معدن رسالت و نعمت سلامتی و غیره.

ثالثا: با عنایت به تحلیل یک و دو وجود مقدس صدیقه طاهره یکی از معضلات و بحران‌های موجود در جوامع را نادیده و نا سپاس از این همه نعمت‌های فراوان ظاهری و باطنی و محسوس و مادی و نامحسوس و غیر مادی می‌نمایند. و وقتی این گونه شد می‌بینیم انواع واقسام بحران‌ها و

۱. سوره نبا، آیات ۱۵-۶

درگیری‌ها و قدرت طلبی‌ها و مشکلات مربوطه حاصل می‌شود و جهان از زمان خلقتش تا کنون یعنی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و تا حضرت ظهور مادامی که به ناشکری و عدم سپاس و عدم حکمت نعمت‌های الهی و هم آهنگی و هم صدایی آن‌ها را قدر نداند در این مشکلات و معضلات غوطه ور است و تا تاریخ، تاریخ بحران هایش افزوده می‌شود و به پرتگاه نابودی و نهلیسم تمایل و گرایش پیدا خواهد بود اما اگر سر عقل بیاید و به عالم عقلی و عالم مثال و جهان ابدیت بیندیشد و تفکر و تدبر بنماید می‌توان نقشه راه خود را تغییر دهد و با گفتمان و جهان بینی جدید به کاوش و زندگی دوباره بپردازد به قول سهراب سپهری: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید اما افسوس که بشر با آن که در امکانات فراوان پر سه می‌زند اما یا خودش را به خواب زده است و از افق و کمال فاصله گرفته و یا نمی‌داند کمال و افق چیست و کجاست و یا تبه‌کاران و دنیا طلبان خواب مصنوعی برایش ایجاد نموده‌اند و معادلات بازی را در عرصه کنش گری به نفع خود ورق زده‌اند و انسان‌ها را همچون مهره‌های شطرنج کیش و مات می‌نمایند و در این اثنا از فرصت استفاده نموده و سرگرم دنیای چند روزه خویش می‌شوند و این حقیقت را با نگاهی به دنیای شرق و غرب و بر عکس امروزه به خوبی می‌توان به تماشا نشست و اهل دل و خرد هم بر این مدعا متفق القولند.

رابعا: اگر سوال کنند راه برون رفت از این معضلات چیست اگر چه در مرحله چهارم به راه برون رفت از معضلات خواهیم پرداخت اما در این وهله از باب تاکید عرض می‌کنیم راه برون رفت فقط و فقط منحصر به دو

عنصر و دو نعمت و وجود خاص است و لا غیر یکم قرآن کریم، دوم خاندان عصمت و طهارت و این دو متصل و وابسته و مکمل و تشکیل دهنده یک اجزاء کل و یک اندام وارگی کامل هستند یعنی دو روی یک سکه‌اند و وجود دیگری متوقف بر وجود دیگری است و بر عکس و با یکی از آن دو کاروان بشری به ساحل نخواهد رسید و در طول تاریخ تمام کسانی که به یکی از این دو گوهر وجود بسنده و اکتفا نمودند بدون شک گمراه و معدوم گشتند و تاریخ انسانیت را عوض نمودند شاهد مثال دهه نخست صدر اسلام بعد از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام (صلوات الله علیه) و از طرفی کسانی که با این دو و یا با یکی از این دو به دشمنی و عداوت پرداختند آنان نیز بیچاره و آواره و سرگشته جهان گشتند شاهد مثال طراحان حادثه عظیم عاشورای حسینی و سرنوشت شومی که برایشان رقم خورد و از سویی دیگر دلایل متقن و حکیمانه چه از نگاه فلسفی و کلامی و منطقی و چه از نگاه عرفانی و تجربی و فقهی و عبادی و چه از نگاه علمی و علوم پایه‌ای و چه از نگاه مقایسه‌ای و بررسی تطبیقی در نظام احسن و جهان مادی و انسان کامل جزء این راه طریق دیگری نه وجود دارد و نه متصور است و نه تا حالا کسی توانسته است این ادعا را بنماید و صد البته براهین و تحلیل و واکاوی این مطالب خارج از رسالت این پژوهش می‌باشد و به پژوهش و کتابی جداگانه و در جایگاه و شرایط خاص خودش می‌بایستی بدان پرداخته بشود و به اهل فرهنگ و خرد و ادب عرضه بگردد امیدوارم این توفیق حاصل گردد اما از باب تاکید و یادآوری اشاراتی بدان نمودم و باز تکرار می‌کنم راه برون رفت از مشکلات

و معضلات را در مرحله چهارم تبیین خواهیم نمود اما علل و عوامل و براهین نجات کاروان بشری در گرو تمسک و توسل به دو گوهر گرانقدر قرآن مجید و خاندان عصمت همان گونه که گفتیم به پژوهشی ژرف و جداگانه نیازمند است که حتماً می‌بایستی بدان پرداخته شود.

۳-۲ ریشه‌ها و عوامل ایجاد کننده مشکلات و بحران‌ها در جامعه از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)

۳-۲-۱ عدم تفکر پیرامون نعمت‌های الهی

حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از عوامل و ریشه‌های ایجاد مشکلات و بحران در جامعه را عدم تفکر و عدم خردورزی پیرامون نعمت‌های الهی می‌دانند و در این باب می‌فرمایند " ندبهم لاستزادتها بالشکر... " یعنی متعال به منظور پیوستگی نعمت‌ها و نگه‌داشتن آن‌ها بشر را در برابر آن‌ها دعوت به شکر نمود و آیه متناسب با این مقوله این است (وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ^۱) یعنی: هنگامی که پروردگار شما اعلان نمود چنان چه سپاس گذارشدید بی شبهه شما را زیادتى خواهد بخشید.

۱. کشف الغمه، ص ۱۰۹.

۲. سوره ابراهیم، آیه، ۷

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: با بررسی و تتبع و تدبر در آیات مبارکه و مقولات مربوطه سپاس‌گزاری به معنای صرفاً تشکر از نعمت‌ها با زبان نیست اگر این هم قسمتی از اقسام تشکر است اما این لازم است اما کامل نیست.

ثانیاً: در آیات قرآن اشاراتی شده که تعدادی کم از بندگان سپاس‌گذارند و یا در تعداد فراوانی از آیات عزیز قرآن کریم داریم که اکثریت تفکر و تعقل نمی‌نمایند چه در بعد سپاس‌گزاری از نعمت‌ها و چه عدم تفکر پیرامون آن و چه عدم تفکر پیرامون وجود خود و خدا و جهان و سرنوشت و کمال انسانی و هدف خلقت بشری.

ثالثاً: با زبان تشکر کردن آسان است اما شکر استفاده کاربردی و به هنگام و به موقع از نعمت‌های الهی در همان مسیر و همان معیاری که خلق شده است استفاده بشود و بهترین متد در این بعد خود آیه شریفه است که فرمود "ما راه را بر انسان آشکار ساختیم و هم او را صاحب اختیار در کردارش آفریدیم حال کدام یک از دو راه سعادت و خوشبختی و یا قساوت و بدبختی را انتخاب نماید؟! " پس می‌توان نتیجه گرفت که راه سعادت نیز خود دین مشخص و مبین می‌دارد و اگر سپاس‌گزار باشد سعادت‌مند می‌شود و اگر ناسپاس باشد شقاوت‌مند می‌گردد.

رابعاً: بهترین تفکر و سپاس‌گزاری از نعمت‌ها می‌توان گفت تأمل و تفکر پیرامون صراط مستقیم و مسائل متافیزیکی و وحی و نقطه مقابلش ناسپاسی است و خارج شدن از این مورد می‌باشد و از طرفی دیگر نعمت‌های فراوانی وجود دارد چه نعمت‌های خاص و چه نعمت‌های عام و

با تعقل می‌توان به نتایجی رسید از جمله پدیده‌های آفرینش عبث و بیهوده نیست و هر پدیده به علت و مقصد خاصی آفریده شده و در مدار و نظام و مقیاس خودش می‌بایستی مورد سپاس قرار بگیرد چون که آفریننده‌ای حکیم و مدبر و متفکر و علیم و عالم آن‌ها را خلق نموده است و احاطه همه جانبه بر آن‌ها دارد.

خامسا: وقتی که تحلیل می‌کنیم و اصرار می‌ورزیم بهترین نعمت و تفکر پیرامون دین است این اشکال پاسخ داده می‌شود که عده‌ای می‌گویند بشر عقل دارد و از طبیعت به گونه‌ای استفاده می‌کند که برای بقایش می‌تواند خودش برنامه ریزی بنماید و از غرائز و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها استفاده نموده در نتیجه احتیاج و نیازی به دین و قوانین آن ندارد اما این حرکت ناقص و نارسا و ابتر است به دلایلی از جمله افق عقل بشری در کیفیت استفاده از نعمت‌ها با افق عقل دینی و مکتب انبیایی که احاطه و عنایت به جمیع جهات کلیه نعمت‌ها بر حسب کاربرد و منتهی شدن به امضاء خداوند حکیم است کاملا متفاوت و تفاوت جوهری و ماهوی با افق بشری و عقل او دارد و موید این تحلیل آیه شریفه‌ای است که بیان می‌کنیم: چه بسا چیزی مورد علاقه و محبت شما است اما در واقع به مصلحت شما نبوده و عاقبت بدی داشته باشد، و چه بسا چیزی را دشوار و ناخوشایند می‌دارید ولی آن به خیر و سعادت شما است، خداوند متعال بی شبهه (به اموری) داناست که شما آن‌ها را نمی‌دانید و هرگز چنان دیدی که

به تمام جوانب بشر احاطه داشته باشد به جز برای انبیا و اوصیا بر حق آنان میسر نخواهد شد^۱ و نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید "از طرف خداوند متعال نور و کتاب آشکار کننده‌ای آمد که خدا به وسیله آن افرادی که در پی رضایت او بودند هدایت خواهد فرمود و آنان را از ظلمات در آورده و به نور، هدایت خواهد کرد"^۲ یعنی عقل مثل چراغ است و وحی مثل روغنی است که روشنایی ده است مورد بحث قرار گرفته است بدین گونه تا روغن نباشد چراغ روشنایی نمی‌دهد^۳

سادسا: می‌توان گفت عقل انسان مقدمه و ابزاری برای فهم دین است چرا که یکی از پارامترهای انسان مکلف برای انجام تکالیف الهی عقل او است در کنار اختیار و قدرت او، پس می‌توان گفت عقل و وحی ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارند و نور وحی به عقل ظاهری بشر اشاره دارد همان گونه که خدا کافران را بی عقل تلقی می‌نماید آن جا که می‌فرماید: (صُمُّ بُكِّمُ عُمُیَّ فَهْمٌ لَا یَعْقِلُونَ) یعنی در ظاهر عقل دارند ولی قرآن آن‌ها را نادان می‌پندارد از این آیه شریفه می‌توان این گونه استنباط نمود که عقل بشری بدون کمک از وحی از درک مسائل و مفاسد و ضررها و زیان‌های آن ناتوان و ناخرسند است در واقع عقل انسانی فقط درکی کلی در مصرف و استفاده از نعمت‌ها را دارد و به کاربردن آن‌ها در

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۶

۲. سوره مائده، آیه ۱۵

۳. سوره نور، آیه ۳۵

مسیر ظاهری و مورد استفاده مادی و شخصی خویش اما جزئیات و اجزاء کلیات را نمی‌فهمد به عنوان مثال عدالت و صداقت و پاکدامنی را تأیید و یا تأکید می‌کند اما جزئیات را به کمک وحی و پیامبر و ائمه تبیین می‌شود و واکاوی می‌گردد یا عقل بشری درک می‌کند که علم خوب است اما چه علمی و در چه راهی و چگونه استفاده شود و دنبال گردد ناتوان است زیرا بشر به دنبال خودخواهی و حاکمیت خویش است و از حکمت واقعی این مسائل بی‌خبر است اما وحی و یا دین آن را به انسان تعلیم می‌دهد.

سابعاً: النهایه آن که تفکر پیرامون نعمت‌ها و یا سپاس‌گزاری از آن‌ها همان گونه که در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۴ اشاره شد زمانی شکر آن سبب زیادی و فراوانی آن نعمت‌ها می‌گردد که به دستور وحی و به همان گونه که وحی دستور مصرف آن را داده است انجام شود آن گاه موجب فزونی آن خواهد شد و به دست آوردن کشف جزئیات هم در پارادایم دین قابل انکشاف است و در غیر این صورت عملی نخواهد شد و موجب کفران نعمت و بلایای اجتماعی و طبیعی خواهد شد و مستند این مطلب نیز خود قرآن کریم است که می‌فرماید: 'از خطرها و حوادث سهمگین به سوی خدا فرار کنید و یا حضرت امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: اگر مردم وقتی که بدبختی‌ها به آنان رو آورده و نعمت‌های الهی از آنان زایل می‌شود به خدا با صدق نیت و دلی آکنده از شوق رو آورند، خدا هر نعمت از دست

رفته را باز می‌فرستد و هر فاسدی را اصلاح می‌فرماید^۱ حاصل مطلب آن که حضرت زهرا علیها السلام عدم تفکر پیرامون نعمت‌های الهی را یک معضل و ریشه بحران برای جامعه می‌داند و با تفکر پیرامون آن و نیز تشکر و سپاس‌گزاری به موقع و به سبب رفع بحران و مشکل و نیز شناسایی آن می‌گردد البته تاکید می‌شود از راه و مسیر خودش یعنی الهام گرفتن الگوهای اصلی عبرت که مکتب وحی می‌باشد.

۳-۲-۲ عدم ستایش بندگان از فرامین الهی

یکی دیگر از معضلات و ریشه عوامل بحران‌ها را حضرت زهرا علیها السلام در گستاخی بندگان از فرامین الهی می‌داند و می‌فرمایند "و استحمد الی خلائق باجزا لها و ثنی بالندب الی امثالها"^۲ یعنی: خدای متعال با کامل نمودن نعمت‌ها، خواستار ستایش از مخلوق گردید و دعوت مکرر به همتای آن نعمت‌ها در آخرت نمود.

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: اگر انسان‌ها به صورت یک کل واحد متوجه تمامی نعمت‌های الهی بشوند و حق آن را بجا بیاورند و از فرامین الهی اطاعت بنمایند خود به خود و به صورت اتومات ریشه عوامل و بحران‌ها در جامعه‌ها از بین خواهد رفت و دیگر معضلاتی وجود نخواهد داشت که بخواهیم دنبال علل

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح ۲۵۷

۲. دلائل الامامه؛ بلاغات النساء؛ کشف الغمه

و عوامل آن بگردیم در واقع سالبه به انتفاع موضوع می‌شود یعنی وقوع خارجی ندارد که بخواهیم پیرامون آن به بحث و بررسی بپردازیم.

ثانیا: وقتی که نعمت‌ها کامل است ستایش‌ها نیز جنبه همگانی و عمومی دارد و این نکته نیز از این فقره نورانی برداشت می‌شود و عرضه یا تقاضا و یا خواستن معمولا از کانال نوشتن یا زبان صورت می‌گیرد اما در این فقره حضرت زهرا علیها السلام با پشتوانه اسلام و قرآن تاکید بر ژرف نگری انسان و عمق وجود و ذات انسانی دارد و او را می‌خواهد متوجه حقیقت وجود انسانی انسان بنماید و با این رویکرد می‌خواهد به انسان رنگ و خاستگائی خدایی بدهد.

ثالثا: حضرت زهرا علیها السلام به کمک اسلام می‌خواهد انسان علاوه بر آن که بر وجود خودش و فلسفه حضور خودش مسلط باشد حتی می‌خواهد او بر کل کهکشان‌ها و جهان هستی مسلط و آن را یک واحد بداند و وابستگی کامل آن را نیز درک و فهم نماید و از خود خواهی و خود بینی و همه چیز را برای خود دیدن رهایی یابد و به سوی نور خدایی رهنمون سازد و هدایت گرداند و این نکته هم عظمت حضرت زهرا علیها السلام را می‌رساند و هم عظمت و خلقت بشریت را می‌فهماند که چه خبرها و اوضاع و احوالات بزرگی در جهان هستی نوع دارد اما بشر متاسفانه در کلاس ابتدائی آن سیر می‌نماید و از ورای آن بر اساس جهالت و خود خواهی بیگانه است و یا خود را به نادانی و بیگانگی زده است.

رابعا: به نظر می‌رسد عدم ستایش یعنی وابستگی به رذایل و پلیدی‌ها که ریشه بحران‌ها در جامعه را تشکیل می‌دهد و ستایش یعنی درک

فضائل و خوبی‌ها با مقیاسی وسیع و نگاهی ژرف و جهان بینی ذو ابعاد و با دیدن همه نعمت‌ها و غریزه باطنی آدم و دست مهربان انبیاء و تاکیدات قرآن همه می‌خواهند انسان را از حد محدود خویش خارج سازند و بفهمانند که همه چیز برای بشر خلق شده و خویشتن را نیز از همه بداند و انسان متوجه کمال مطلوب و عاشق آن گردد و مستند این سخنم کلام الله است که فرمود "و الذین آمنوا اشد حبا لله"^۱ یعنی مومنان فزون‌تر از هر محبوبی خدا را دوست می‌دارند. پس آن چه که برداشت کردیم حضرت زهرا (علیها السلام) یاد آوری می‌فرمایند: باطن انسان عمیق است و در بیرون محدود و توسعه نعمت‌ها و درک و ستایش آن‌ها انسان به درک نیکویی‌ها و خارج شدن از تن و به کمال و ابدیت می‌رسد.

۳-۲-۳ فراموشی توحید بزرگ‌ترین علل بحران‌ها در جوامع

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه اش با بررسی و اشاره به بیگانگی خداوند متعال یکی از بزرگ‌ترین ریشه‌ها و عوامل مشکلات و بحران‌ها در جوامع یا اصل ریشه و بحران را در فراموشی توحید و تمایل بدان نداشتن می‌دانند که بدان اشاره می‌کنیم که فرمود: و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، کلمه جعل الاخلاص تاویلها، و فمن القلوب موصولها، و انار فی التفکر معقولها، المتنتع عن الابصار رویته، و من الالسن صفته، و من الاوهام

کیفته^۱

یعنی: و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تاویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش باز مانده، و زبان‌ها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: در کل هستی و کل کهکشان‌ها و جهان و جهانیان هیچ مطلب و هیچ موجود و وجودی بالاتر و بهتر و بارزش‌تر از توحید و مسائل به آن و کیفیت و کمیت آن نیست و نبوده و نخواهد بود و هرگز هم نخواهد آمد و در طول تاریخ کاروان بشریت این مهم نقطه ثقل و مرکز پرگار همه اندیشمندان و حکمرانان و حکیمان و فیلسوفان بوده است و اکنون نیز این مهم در کل مراکز علمی و دانشگاهی و مراکز دینی جهان مطرح بوده و هست و نیز خواهد بود اما نوع مباحث و شیوه‌ی تحلیل و واکاوی آن متناسب با شرایط زمانی و مکانی متغیر و متفاوت است اما اصل مباحث و وجود آن یکی ثابت و لایتغیر بوده و هست و خواهد بود.

ثانیاً: بهترین و داناترین مفسرین و شارحان این اصل ابدی و همیشگی تاریخ انسانی، انسان‌های کامل و معصومین بدون شک و تردید می‌باشند و

۱. دلایل الامه، بلاغات النساء

آنان هستند که باذن الله تعالی می‌توانند در این مقوله ورود پیدا بنمایند و آن را تحلیل و تجزیه نمایند کما این که وجود مقدس صدیقه طاهره آن را تبیین و توضیح می‌فرمایند و این قدرت و فهم و درک را نیز خدای متعال به آنان عنایت فرموده است. و در نظام احسن این مدعا قابل اثبات است و از لحاظ فلسفی و کلامی و منطقی می‌توان به تحریر و تقریر آن پرداخت.

ثالثا: شهادت به وحدانیت خداوند دارای پارامترهایی است یعنی شهادت و گواهی به توحید ظاهری دارد که می‌توان با گفتن خدا یکی است حاصل می‌شود اما روی دیگری دارد و ذات و حقیقتی که باید آن را درک و در عمل پیاده نمود به تعبیر حضرت زهرا علیها السلام که در خطبه اشاره فرمودند تاویل این شهادت اخلاص است و یا می‌فرمایند ایستمولوژی به خدا و یگانگی او به گونه‌ای است که خودش در درون دل‌ها و فطرت‌ها قرار داده است و از سویی دیگر شناخت علمی و ذهنی هم با ابراز تفکر و تعقل روشن نموده که می‌توان به راحتی بدان دست یافت.

رابعا: معرفت خداوند و علم او بی پایان است مستندا به قرآن که فرمود "و اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و دریا برای آن مرکب گردد و هفت دریا به آن افزوده شود این‌ها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌پذیرد، خداوند حکیم و عزیز است."^۱

و یا در این بعد امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: خداوند صدای

نعره حیوانات وحشی را در بیابان ها، و گناه بندگان را خلوت گاه ها و رفت و آمد ماهیان را در دریای ژرف و تلاطم امواج آب را بر اثر وزش تند باده ها می داند و گواهی می دهد که محمد برگزیده خدا و سفیر وحی به رسول رحمت اوست^۱ در واقع خداوند به تمامی پدیده های جهان علم و آگاهی و قدرت کامل دارد. و هیچ چیز از دایره قدرت و علم خداوند خارج نیست. و بلکه میلیاردها سیاره و کهکشان ها و ستاره ها در حیطه قدرت خدای قادر و علیم و حکیم می باشد و بس.

خامسا: توحید ریشه تمام عقاید و افکار و اعمال است و واژه "توحید" مصدر باب "تفعیل" به معنای یگانه دانستن است. ریشه این کلمه "وحد" به معنای انفراد است و از این رو "واحد" به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد^۲ و اهمیت این مطلب بسیار بسیار بالاست به همین دلیل حضرت امیر المومنین علیه السلام در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که "التوحید نصف الدین"^۳ و حضرت ریشه تمام نیکی ها و فضایل و افتخارات را شهادت به توحید می دانند و می فرمایند "من گواهی می دهد که جز خداوند معبودی نیست، یگانه و بی شریک است"^۴ و همه انبیاء نیز مروج یگانگی و توحید خداوند بوده اند مستند به آیه شریفه "لا نفرق بین احد من رسله"^۵ و در

۱. شرح نهج البلاغه، آیت الله مکارم شیرازی

۲. مفردات راغب، ص ۵۵۱

۳. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۸، ح ۲۴

۴. پیام امیرالمومنین، ج ۱، ص ۲۶۸

۵. سوره بقره، آیه ۲۸۵

روز قیامت هم در یک دادگاه واحد حضور می‌یابند و بررسی می‌شوند مستند به آیه شریفه " و کلهم آتیه یوم القیامه فردا"^۱ در واقع یگانگی و توحید خدای بزرگ در همه جهان و جهان آخرت حاکم و جاری است.

سادسا: توحید را می‌توان از راه‌های مختلف و متفاوت و با براهین عقلی و نقلی و فلسفی اثبات نمود از یک نگاه سه نوع راه برای خداشناسی وجود دارد الف: راه دل یا راه فطرت ب: راه حس و علم و یا راه طبیعت ج: راه عقل یا راه استدلال و فلسفه^۲ و از امام علی علیه السلام راه شناخت خدا را پرسیدند فرمود: " به فسخ شدن عزیمت‌ها و به هم خوردن تصمیم‌ها، چون قصد کاری می‌کردم میان من و قصدم حایل ایجاد می‌شد، و هر گاه تصمیم بر امری می‌گرفتم قضا و قدر با اراده من مخالفت می‌کرد، از این راه دانستم که مدبر و سامان دهنده امور کسی غیر از من است"^۳ و نیز از امام رضا علیه السلام پرسیدند علت حادث بودن جهان چیست؟ فرمودند:

" تو نبودی سپس موجود شدی، و این را دانسته‌ای که تو خودت را به وجود نیاورده‌ای، و کسی مانند خودت تو را ایجاد نکرده است."^۴ و مستندا به قرآن خداوند بی نظیر بی بدیل و بی مثال است یعنی همانند او چیزی نیست^۵ و مستندا به روایت که پرسش شده فرمودند: " نسبت خداوند با

۱. سوره مریم، آیه ۹۵

۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۵ ص ۶۸؛ شرح منظومه مطهری، ۶۰۳-۳۰۷

۳. توحید صدوق، ص ۲۹۹-۲۹۸

۴. پیشین، ص ۳۰۴

۵. سوره شوری، آیه ۱۱

اشیاء برابر است، هیچ چیزی از چیز دیگر به او نزدیکتر نیست، بعید از او دور نیست، و قریب به او نزدیک نمی‌باشد، و نسبت او به هر چیزی مساوی است.^۱ و نیز از امام باقر علیه السلام نقل است که " خداوند بود و هیچ چیزی جز او وجود نداشت و پیوسته به آن چه می‌شود عالم است از این رو علم او به هر چیزی پیش از آن که وجود یابد، مانند علم اوست به آن پس از به وجود آمدنش^۲ و نیز پیامبر فرمودند " خداوند به هیچ چیزی شبیه نیست، و هیچ چیزی به او شباهت ندارد، و هر چه در وهم و خیال می‌آید او خلاف آن است^۳ " و نیز عبدالله دیصانی از امام جعفر صادق علیه السلام دلیلی بر وجود صانع عالم خواست حضرت مرغ دست طفلی را گرفت و گفت: ای عبدالله! تامل کن در این تخم مرغ که حصاری است محکم که آن را پوست غلیظی است و زیر آن پوست غلیظ پوست نازکی است و در زیر پوست نازک طلایی است روان و نقره‌ای گداخته، و هیچ کدام از این دو چیز روان مخلوط به یکدیگر نمی‌شوند و هر یک به حال خود هستند و هیچ اصلاح کننده‌ای از این تخم مرغ بیرون نمی‌آید که خبر دهد از فساد آن و نمی‌توان دانست که این تخم مرغ خلق شده است از برای نر یا ماده پس ناگاه تخم مرغ شکافته می‌شود و از درون آن مرغ رنگینی مانند طاووس

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۲۶، شماره ۴

۲. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۰۷

۳. توحید، صدوق، ص ۶۳

بیرون می‌آید بگوای عبدالله! که این را مدبر و صانعی هست یا نه؟^۱

سابعاً: توحید دارای اقسام و انواعی می‌باشد از جمله توحید ذاتی یعنی این که ذات خداوند یکتاست و یکتایی ذات دو معنا دارد ۱- ذاتی که در هستی خود واجب الوجود و بی نیاز از علت است فقط خداوند است بنابراین همه ذوات و موجودات نیازمند و معلول‌اند پس ذات خداوند در بی نیازی از علت بی همتا و شریک است این قسم با عنایت به برهان صدیقین چنین است: وجود دارای مرتبه‌ای است که کامل‌تر از آن امکان ندارد یعنی دارای کمال بی نهایت است و چنین موجودی قابل تعدد نیست. نتیجه آن که خدای متعال قابل تعدد نیست. مقدمه اول برهان در واقع همان نتیجه برهان صدیقین است چرا که از برهان مزبور این نتیجه به دست می‌آید که سلسله مراتب وجود باید منتهی به مرتبه‌ای شود که عالی‌ترین و کامل‌ترین است و هیچ ضعف و نقصی در آن راه ندارد یعنی دارای کمال نامتناهی است. حال اگر فرض شود چنین موجودی تعدد داشته باشد لازم می‌آید که هر کدام از آن‌ها فاقد کمالات واقعی دیگری باشد یعنی کمالات هر یک محدود و متناهی باشد در صورتی که بنابر مقدمه اول کمالات واجب الوجود نامتناهی است.^۲

۲- ذات خداوند مرکب از اجزا نیست و هیچ گونه کثرت و تعدد در درون

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۸۰؛ انیس الوجدین، ص ۴۶-۴۵، تهران، مطبعه حیدری، طبع آخوندی

۲. ص ۱۰۷-۱۰۵؛ کشف مراد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، ص ۲۹۱ عقاید استدلالی، ج ۱، ص ۹۴ به بعد؛ خداشناسی در قرآن،

ذات الهی راه ندارد. دلیل بساطت و نفی ترکیب ذات خداوند آن است که اگر خداوند مرکب باشد بنابر اصل کلی نیاز هر موجود مرکبی به اجزاء خود خداوند نیز به اجزا خود نیازمند خواهد بود و این نیازمندی با وجوب وجود او سازگار نیست. و نیز توحید صفاتی که خداوند در صفات خود بی همتاست و صفات کمالی و ذاتی خداوند عین ذات او می‌باشند^۱ و نیز توحید در خالقیت یعنی این جهان شامل مجموعه پدیده‌های بی شمار گذشته، حال و آینده است مخلوق یک آفریدگار است و به طور کلی خالق و آفریننده بالذات و مستقل کسی جز خداوند نیست و نیز توحید استقلالی^۲ و توحید در ربوبیت یعنی توحید در تشریع و قانون گذاری و توحید در حاکمیت و توحید در اطاعت و توحید در عبادت. حاصل آن که چنان راه‌های اثبات خداوند و توحید پر واضح و روشن است که هیچ جای عذر و بهانه‌ای وجود ندارد اگر بگوییم هزاران میلیارد راه و برهان برای اثبات خداوند وجود دارد سخن گزاف و دور از ذهن نگفته‌ایم. و نهایت آن که اگر توحید به فراموشی گرفته شود و یا در حاشیه قرار بگیرد همان گونه که حضرت زهرا علیها السلام بدان اشاره فرمودند علل تمامی بحران‌ها و مصیبت‌ها در جوامع رخ خواهد داد و بشر به هیچ چیزی معتقد و پایبند نخواهد بود و در نتیجه جهان به آشوب و جنگ و درگیری کشیده خواهد شد و علت تمام قتلها و غارتها و ظلمها

۱. قواعد العقائد، نصیرالدین طوسی، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، ص ۶۳؛ عقاید استدلالی ج ۱،

ص ۹۱؛ خداشناسی در قرآن، ص ۱۰۷-۱۰۶؛

۲. آموز شعقاید، ج ۱ و ۲، ص ۱۶۵؛ آموز شفیلسفه، ج ۲، ص ۳۹۱

عدم توجه جدی به توحید خصوصا توحید عملی می باشد و بس .

۳-۲-۴ عدم تفکر پیرامون آفرینش آغازین پروردگار

یکی دیگر از بحران ها و ریشه های معضلات در جامعه و جوامع بشری از نگاه حضرت زهرا علیها السلام تعقل و تدبر نکردن پیرامون خلقت اولیه جهان و کیفیت آن می باشد که در ادامه خطبه اش بدان می پردازند:

" ابتدع الاشياء من شی کان قبلها و انشأها بلا احتذاء امثل امثلها کونها بقدرته و ذراها بمشیته^۱

یعنی: همو که همه چیز را آفرید، نه از چیزی که پیش از آن باشد و نه بر پایه الگو و نمونه ای که از بیرون به دست آورده باشد. او همه چیز را با قدرت نا متناهی خلق کرده و با خواست خود ایجاد نمود.

نکته ای بسیار اساسی و مهم:

پیرامون خلقت جهان و نوع کیفیت و کمیت جهان بحث های زیادی در میان دانشمندان جهان در کلیه نقاط و اندیشکده ها و دانشگاه ها و مراکز حوزوی دنیا و حتی همه افراد و مصادیق انسانی در کره خاکی از دیروز تا اکنون این سوال مطرح بوده و هست و تا انسانیت وجود دارد نیز این مسائل مطرح و ذهن ها درگیر آن می باشد یعنی هر موجودی که دارای قوه عقل و ادراک باشد بدان می اندیشد پس حداقل ۸ میلیارد انسان به این مهم

هم اکنون در حال اندیشیدن و تعقل پیرامون آن است. چه به صورت ضمیر خودآگاه و یا چه به صورت ضمیر ناآگاه و در آن لایه‌های پیشین و پستوهای ذهنی و فسفرهای خاکستری ذهنش و یا چه به صورت علمی حضوری و یا علم حصولی به هر حال انواع و اقسام رشته‌های علمی به این مهم می‌اندیشند و داده و ستاده‌های خویش را به کاوش و واکاوی و تحلیل و تجزیه می‌پردازند. و هر چه از عمر جهان بگذرد و بشریت به قله‌های علم و معنویت نزدیک‌تر بشود این مهم پیچیده‌تر و عمیق‌تر و ژرف‌تر خواهد خواهد شد و کاوش‌های جدید، کاوش‌های قبلی را یا مردود و یا متقن‌تر و یا راه‌هایی جدید و کشفیاتی نوظهور بدان خواهند افزود و صد البته حکیمان و دانشمندان و فیلسوفان و فیزیکدانان و پزشکان و فقیهان و سیاستمداران به کنه و عمق آن راه پیدا خواهند کرد مگر به حسب ظرف وجودی و شان تفکری و بدون شک و تردید انسان‌های کامل و معصوم به عمق آن راه پیدا می‌کنند و شانیت و لیاقت آن را دارند و می‌توانند حق مطلب را اداء نمایند و این مهم هم بر اساس عدالت و حکمت است و هم بر اساس وجدان و عقلانیت است و هم بر اساس خلقت احسن است که فرمود فتبارک الله احسن الخالقین: یعنی وقتی که انسان کامل تکوین گشت بر خویشتن تبارک نه بر خلقت آسمان‌ها و کهکشان‌ها و این خود سری دارد که اهل خرد و دل و اندیشه در تکاپوی آن هستند و چه زیباست این کاوشگری و دلبری حال با این نکته اساسی که بیان کردیم نکاتی چند می‌توان از این فقره مبارکه استخراج نمود که بدان می‌پردازیم.

تحلیل مطلب آن که:

اول آن که:

سؤال اصلی این است که ماده اولیه جهان و یا خود جهان از چه چیزی شناخته شده است و یا چگونه به وجود آمده است در جواب چند حالت متصور است یکم آن که: از عدم به وجود آمده باشد که این امکان ندارد از نیستی و هیچی و عدم چیز یا چیزهایی حاصل گردد. دوم آن که: تکه‌ای از وجود خدا باشد و یا از خدا کنده شده باشد این هم امکان ندارد چرا که لازمه اش این است که خدا جسم می‌شود و محدود و ناقص می‌گردد و با بی نهایت بودن خالق و مجرد و بسیط بودن آن و غیر مادی و غیر زمانی و غیر مکانی بودن آن ناسازگار و تناقض دارد. سوم آن که از قبل بوده است و یا از دیگری کمک و مساعدت گرفته باشد این هم امکان ندارد چرا که اگر از قبل بوده باشد با ازلی بودن خداوند و یک وجود اصلی و واقعی و واجب الوجود تناقض دارد و لازمه آن و خروجی آن می‌شود دوئیت و دو گانگی و دو ازلی بودن و این هم با وحدانیت و یگانگی و واحد بودن سازگاری ندارد و مشکلات فراوان پیش می‌آید و چنان چه از دیگری یا وجودی دیگر کمک و مساعدت گرفته بشود این هم با نقص علم در خداوند و ضعف توانایی و قدرت او و عدم احاطه همه جانبه و دارای جمیع صفات جمال و کمال نمی‌شود و با داشتن بی نهایت صفات در بی نهایت درجات و کمالات تنافی و تناقض دارد و وقتی که یک صفت دارای نقصان و ضعف گشت لازمه اش نقصان و عدم علم و عدم توانایی و عدم قدرت در آن موجود بی نهایت در کلیه امور و صفات

حاصل می‌شود و این با آن علم مطلق تناقض دارد وانگهی او کمک و مساعدت کننده به کلیه امورات و موجودات می‌باشد پس این قسم را هم نمی‌توان پذیرفت و مردود است. و از سویی دیگر نظرات کلامی و فلسفی و عرفانی وجود دارد. فلسفه اشارت به واجب الوجود و منتهای وجود و سلسله مراتبی وجود می‌کند و قوانین و مسائل مربوطه به آن را بیان می‌کند و یا بگوید دو نوع خلق داریم یکی خلق بسیط و دیگری خلق ترکیبی و تبدیلی یعنی یک چیز را تبدیل به چیز دیگری بکند به عصا دستور می‌دهد اژدها می‌شود و به آتش دستور می‌دهد گلستان می‌گردد اما عرفا می‌گویند تجلی کرده است شاهد مثال رویت خدا که اصحاب موسی از او خواستند و تجلی در کوه طور و درخشش نور و عدم ظرفیت شاهدان این قصه یعنی می‌گویند خلقت آغازین یعنی تجلی عظمت و شکوت و قدرت خداوند است که مستندا به قرآن کن فیکن شد یعنی وقتی خداوند به چیزی امر کند بشو می‌شود و حالت دیگری هم وجود ندارد.

دوم آن که :

بدین معنی مبدع^۱ یعنی آفریننده‌ی بی نمونه و مثال و بی سابقه‌ی ماده و مدت است^۱ و نیز به معنای آفرینش بی مانند چنان که خلق و تقدیر و تصویر و انشاء نوعی پدید آوردن با مانند و سابقه و از الگوی دیگری است

و از نگاهی دیگر ابداع یعنی پدید آوردن چیزی و انجام فعلی بدون الگویی و یا نمونه‌ای از قبل و هر گاه درباره خدای بزرگ به کار رود یعنی از پدید آوردن چیزی، بدون ابزار و ماده و بدون دخالت زمان و مکان، ابداع مصدر باب افعال از ماده "بدع" و به مفهوم آفرینش آغازین یا مطلق یا چیزی را بدون الگویی از قبل به وجود بیاورند.

سوم آن که:

در قرآن مجید دو بار این مفهوم "بدیع" به معنای مبدع یا خالق و یک بار "ابتدعوا به مفهوم از خود ساختن استفاده شده است

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾^۱ و ﴿وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا...﴾^۲

در مورد نخست واژه بدیع به معنی خالق است و کلمه‌ی خلق، در صیغه‌های گوناگون، بیش از همه در قرآن کریم برای رساندن مفهوم آفرینش، پدید آوردن و هستی بخشیدن، آمده است: چنان که "فطر" نیز در مواردی به همین معنا به کار رفته است^۳ شاید بتوان گفت بین آفرینش آغازین و استمرار هستی و بازگردن به تفاوت وجود دارد. امام محمد باقر علیه السلام در توضیح معنای (بدیع السماوات و الارض) فرمود: خدای عزیز و متعال بر اساس آگاهی خوشی، همه چیز را بدون نمونه و الگوی پیشینی، پدید آورد؛ بدین معنا که آسمان‌ها و زمین‌ها، از پس آن که نبودند، پدید

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۷

۲. سوره حدید، آیه ۲۷

۳. سوره انعام، آیه ۱۴ (فاطر السماوات و الارض ...)

آمدند. سپس فرمود: آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که فرموده: "و عرش او بر آب بود"؟^۱ در واقع "ابداع" به مفهوم آفرینش آغازین است که بی سابقه‌ی ماده و مدت و بدون الگو صورت گرفته است. و اجزاء عالم چون ماده و زمان و مکان و طبیعت آسمان‌ها و زمین پدیده‌هایی از مقوله "امر" هستند که بی واسطه و به اراده و فرمان خداوند متحقق شده‌اند.

چهارم آن که:

مولی علی علیه السلام در خطبه ۸۸ می‌فرماید: "او خداوندی است که بدون صورت و مثالی که از آن اقتباس کرده باشد، جهانیان را بیافرید و بدون سنجش و اندازه‌گیری مخلوقاتی که آفریدگاری پیش از خلق جهان آفریده باشد و خداوند عالم از روی نمونه و مدلی که خالق و معبود سابق به کار برده جهان را خلقت کرده و از آن تبعیت کرده باشد."^۲ و در بخشی دیگر از همین خطبه می‌فرماید "خداوندی که به علم آفرینندگان را ابداع کرده و با فرمانش آن‌ها را ایجاد نموده است بی آن که (در این کار) از کسی پیروی کند و یا آموزشی ببیند و یا از نمونه‌ای که از آفریننده حکمی صادر شده باشد، الگو پذیرد و یا خطایی برای او پیش آید (و از خطای خود تجربه آموزد) و بی آن که جمعیتی حضور داشته باشند (که با آن‌ها مشورت کند یا از آنان کمک گیرد). و نیز امام رضا علیه السلام فرمودند "بدان که معنای ابداع و مشیت و اراده، یکی است با سه نام و نخستین ابداع و اراده و

۱. المیزان، ج ۱، ص ۲۵۸

۲. نهج البلاغه، شرح ابن میثم، ج ۲، ص ۶۹۳

مشیت وی، حروف الفباست که آن‌ها را اصل هر چیزی، و دلیل هر مدرکی، و گره گشای هر مشکلی قرار داد و نخستین آفرینش خداوند - عزوجل - ابداع است که نه آن را وزنی است و نه حرکتی، نه سمعی، نه رنگی و نه حسی.^۱

و باز امام رضا علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام فرمودند: خدای متعال هستی را از چیزی پدید نیاورد^۲ و احادیث فراوانی در این زمینه وجود دارد که اهل بیت عصمت و طهارت در مواقع گوناگون و در جلسات و مناظرات فراوان بدان پرداخته‌اند و آن را تبیین و تفسیر و توضیح داده‌اند. پنجم آن که:

امام صادق علیه السلام درباره‌ی شگفتی‌های آفرینش انسان که انسان جزئی از آفرینش آغازین می‌باشد فرمود: ای مفضل خدا بود و هیچ چیز پیش از او نبود و او باقی است و وجود او را نهایت نیست مستحق حمد و ستایش بر آن چه الهام کرد ما را مخصوص او است شکر و سپاس بر آن چه عطا کرد و ما را به درجات عالی و بلند مرتبه علوم و معارف و شرافت‌ها مخصوص گردانید و برگزید ما را بر جمیع خلق به علم خود و گردانید ما را بر گواه ایشان به حکمت خود. سپس مفصل مطالب را نوشتند و شگفتی‌های انسان را حضرت که بیش از چهل نکته و مطلب بودند بیان داشتند از اسباب و علل هستی برای شکاکان و و شکل گیری اجزاء آن و خلقت انسان و

۱. التوحید، ص ۴۳۶؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۳۷۳

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۴۶

مراحل آن تا خلقت اشیاء در جهت رفع نیاز انسان و اهمیت آب و نان و غیره هر کدام از این بندها و مطالبی که امام صادق به مفصل فرمودند به دهها و بلکه صدها کتاب و پژوهش نیاز دارد و در این فضا نمی‌گنجد و این مدعا به خوبی امروز شاهد مثال فراوان دارد خود اجزاء و آناتومی بدن انسانی که با دهها رشته تخصصی و فوق تخصصی پزشکی خودش گواهی حاضر بر این مدعا می‌باشد و یا مسائل نظری و تئوریک و ذهن شناسی و روان شناسی در علوم انسانی که صدها دانشگاه در سرتا سر جهان را به خود اختصاص داده است و یا مراکز دینی و حوزوی که نیز جای خود دارد.

دیدگاه این پژوهش:

با عنایت به فقره مبارکه صدیقه طاهره و توضیحاتی که در حد وسع و توان ارائه نمودیم و کلمات امامان معصومین و انسان‌های کامل که چند نمونه را بیان نمودیم و نیز اشاراتی به دیدگاه‌های فلسفی و کلامی و عرفانی و علمی داشتیم به نظر می‌رسد نگاه فلسفی که اشاره‌ای به علت و معلول و یا علل و یا سلسله الوجود یا واجب الوجود من جمیع جهات را که بیان فرموده‌اند و یا نگاه کلامی که اراده و مشیت و فعل امر را بیان می‌دارند و یا نگاه عرفانی که تجلی و صورتی که از قدرت خداوند را بیان می‌کنند به نظر ما این موارد تبیین و تعیین کننده و نوع کیفیت و خلقت آغازین آفرینش را نمی‌توانند ارائه و بیان بدارند چون که این ظرفیت و لیاقت و شأنیت را ندارند فی المثال خود قانون علت و معلول از قوانین این جهانی است پس خود همین قانون پدیده و مخلوق است. بنابراین نمی‌تواند شامل خدا شود پس آن چه می‌توان بیان داشت و یا پذیرفت اولاً: خداوند

مهربان هم وجود دارد و هم حضور دارد و هم ظهور دارد ثانيا: خالق کل هستی و کهکشان‌ها و انسان می‌باشد ثالثا: بی نهایت صفت کمال و جلال را دارد و این بی نهایت‌ها همیشگی و سرمدی می‌باشند یعنی بوده‌اند و هستند و خواهند بود رابعا: هر آن و هر ثانیه کل جهان به تدبیر و اراده و مشیت الهی می‌چرخد و اگر نازی کند فرو ریزد غالب‌ها خامسا: فقط انسان‌های کامل و معصومین می‌تواند به راز و فلسفه آغازین آفرینش پی ببرند و جواب بدهند و شرح و تفصیل دهند سادسا: مابقی انسان‌ها می‌توانند بگویند خداوند عالم و خالق همه آفرینش است و دیگری نیست اما با چه کیفیتی و به چه شکل و صورتی باید اعتراف و اقرار نمود نمی‌دانیم همان گونه که ما به ذات و کنه خدا نمی‌توانیم راه پیدا کنیم یعنی این ظرفیت و لیاقت و شانیت را نداریم و همان گونه که از وقوع روز قیامت و ساعت آن خبر نداریم با آن که از فعل مضارع متحقق الوقوع در لباس فعل ماضی به کار برده است (اذا وقعت الوقعه) و یا روز و ساعت ظهور دولت یار و حکومت امام زمان (علیه السلام) حاصل آن که خدا آفریننده جهان و جهانیان و ختم دهنده آن است اما نوع و کیفیت آن را نمی‌دانیم.

۳-۲-۵ عبث و بیهوده دانستن آفرینش و خلقت

در ادامه‌ی خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) یکی دیگر از ریشه بحران‌ها و مشکلات جوامع را بدون هدف بدون آفرینش و خلقت الهی می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند "من غیر حاجه منه الی تکوینها و لا فائده له فی تصویرها الا تشبیتا لحکمه و تنبها علی طاعته و اظهار لقدرته و تعبد البریته

و اعزازا لدعوته^۱

ترجمه: (خداوند پدیده‌ها را آفرید) بی آن که هیچ نیازی او را در این آفریدن باشد و بدون آن که هیچ سودی در این صورتگری و پرداختن، به او باز گردد، جز آن که ثبات و پایداری حکمت خویش را برساند و بر پیروی از فرمان‌های خود هشیاری دهد، قدرت بی کران خود را در عرصه هستی به نمایش بگذارد و آفریدگانش را بنده وار بنوازد و فراخوان خود به بندگی را عزت بخشد.

تحلیل آن که:

اول آن که:

اگر بگوییم ریشه تمام مشکلات و یا علل اکثر معضلات و بحران‌های موجود در جوامع بشری مستندا به بیانات گوهر بار زهرای اطهر عبث و بیهوده دانستن آفرینش و خلقت خود بشر است سخنی دور از عقل و منطق و قلب و فطرت و دل نگفته‌ایم. وقتی که بشر این گونه بیندیشد که در زندگیش هدفدار نیست خصوصا در کنش‌های اجتماعی و پدیده‌های سیاسی و جامعه شناختی و مسائل تربیتی و مدیریتی و فرهنگی هر کنشی را دوست دارد انجام می‌دهد و هر کار و فعلی را که دوست دارد و میلش می‌کشد انجام می‌دهد و برای رسیدن به منافع و مطامع دنیوی خویش از هیچ کاری دریغ و چشم پوشی نمی‌کند و چون که جهان را بدون هدف و

۱. دلائل الامه؛ ص ۱۰۹، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۵۴

عبث تلقی می‌نماید. اهداف خودش را به هر اهرم و وسایلی که عملیاتی و اجرائی می‌نماید و با نگاه ماکیاولیسم و فایده گرایی جرمی بتنام و نهیلیسم و در نظر نگرفتن مسائل متافیزیکی و معنا گرایی و با رویکرد اگزیستانسیالیسم و طبیعت گرایی و غوطه ور شدن در شهوات و لذات دنیوی به آمال و آرزوهای خود می‌اندیشند و بس شاهد مثال این مدعا جنگ‌های خونین از زمان تا عصر حاضر و فجایع بزرگ و جنگ‌های صلیبی از جمله جنگ‌های جهانی اول و دوم و نیز انقلابات خونین در چندین کشور از جمله انقلاب دهقانی در آمریکا به سبب برده داری و ظلم‌های فراوانی که نمودند و صنعتی و کارگری در فرانسه و انگلستان و اجرای طرح آپارتاید در آفریقا و ایجاد انقلاب‌های مخملین در چندین کشور از جمله اکراین و کشتن میلیون‌ها انسان به خاطر اجرائی نمودن افکار سوسیال کمونیستی و کارل ماکس و در مقطع فعلی با ایجاد شبکه‌های مجازی و شبکات اجتماعی و امواج صوتی و تصویری و سلاح‌های کشتار جمعی و پهبادهای بدون سرنشین و سناریوهای ساختگی و تحریم‌های غیر انسانی و غیر اخلاقی مثل مواد غذایی و داروهای ضروری و امراض ساختگی و آلودگی‌های پزشکی مثل آنفولانزای مرغی و ده‌ها مریضی که از مواد افیونی مخدر و خانواده آن و تغییرات در اقلیم هوایی و آب و طبیعت توسط سرویس‌های جاسوسی و امنیتی و نیز با ایجاد شایعه و فرافکنی روح و روان ملت‌ها و عقاید پاک آنان را به ورطه نابودی و شکاکیت کشاندن و مانع رسیدگی به کودکان نیازمند غذا و دارو در سراسر جهان و آسیب دیدگان بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و تقسیم دنیا به دو بلوک شرق و

غرب و یا چند اتحادیه و نیز طراحی قوانین سازمان ملل و حقوق بشر بر اساس امیال و منافع و خواسته‌های خودشان و حمله به هر کشوری که دوست دارند و رفاقت و دوستی با هر کشوری که دوست دارند و تغییر و تحول در سرنوشت هر ملت و کشوری که دوست دارند و همه و همه به خاطر عبث و بیهوده دانستن خلقت و آفرینش است و خود را یله و رها در این جهان پس از آشوب و فتنه و بلوا می‌دانند و هرگز هم عذاب وجدان یا پشیمان نمی‌شوند و به قاتلین و طراحان نابود کننده بشری هم جایزه نوبل و یا صلح نوبلی و یا اسکارت هنری می‌دهند پناه بر خدا می‌برم .

دوم آن که:

البته تعدادی از افراد بشر غریزه حقیقت خواهی و یا ندای فطری و حس کنجکاوی روان شناسی و مرزهای ناشناس به دنبال نیازهای روانی و روحی و عاطفی خویش بوده‌اند و یا دانشمندان و پژوهشگران در اعصار گوناگون تاریخی یعنی از زمان خلقت انسان می‌خواسته‌اند هر چه واقع بینانه‌تر با حقایق جهان و پیرامون آن به جزء ذات خدا با آن‌ها آشنا شوند و به کشف معمای هستی و راز نهانی آن و شناخت واقعیت اشیا و چگونگی آن‌ها آشنا شوند و برای رسیدن به یقین در آفرینش جهان و انسان و هدفمند بودن آن در مقابل عبث بودن دست یابند و در حد ظرفیت هم تجربیاتی کسب کرده‌اند اما تا افق راه بسیار طولانی در پیش دارند و در عرصه حس و تجربه به نکاتی دست یافته‌اند و تنها این مهم به وسیله مولفه‌های قرآنی و آموزه‌های پیامبر اعظم و خاندان او میسر است و بس "

قطعا آنان را به راهی راست، هدایت می‌کردیم؛ و کسانی که از خدا و پیامبر

اطاعت کنند در زمره‌ی کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرمی داشته یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان‌اند و آنان چه نیکو همدمان اند^۱ و نیز فرمود "پس بشارت ده به بندگان من که به سخن، گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان"^۲ این که خداوند می‌فرماید: بندگان من، پیرو بهترین سخن اند، بدین معناست که به لحاظ ساختار وجودی شان، در جستجوی حقیقت‌اند و در سرشت خود، پیگیر رشد و رسیدن به واقع‌اند نشانه این جویایی این است که در سر دو راهی حق و باطل جانب حق را می‌گیرند موید این مطلب پیامبر اعظم فرمود: "پروردگارا حقایق اشیاء (واقع‌های جهان) را آن چنان که هستند نه بدان گونه که ذهن‌ها می‌سازند بر ما بنمایان"^۳

سوم آن که:

آیاتی که در دلالت بر هدفدار بودن آفرینش می‌کند که در ذیل بدان می‌پردازیم "همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، برای صاحبان عقل و اندیشه آیاتی است، صاحبان عقل و اندیشه کسانی هستند که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آن هنگام که بر پهلوی خوابیده‌اند به یاد می‌آورند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و

۱. سوره نساء، آیه ۷۰-۶۸

۲. سوره زمر، آیه ۱۸-۱۷

۳. مفاتیح الغیب، ص ۳۰۱

می‌گویند بارالها این عالم را بیهوده نیافریده‌ای پروردگارا ما را از عذاب آتش نگاه دار.^۱

آیات کریمه بیان شده انسان‌ها را به تعقل پیرامون زمین و آسمان‌ها و گردش شب و روز و می‌دارد به گونه‌ای که افراد بشر در حد ظرفیت به راز هستی و گیتی پی ببرند و با این تعقل آدم به هدف آفرینش پی می‌برد و چه بسا دانشمندان فراوانی هم به مطالعه جهان پرداخته‌اند و لکن چون تدبیر نکردند به غایت و هدف آفرینش پی نبرده‌اند و با تامل در نظام هستی می‌توان به فرمول و قواعد حاکم بر آن پی برد و وقتی که این گونه شد انسان به ناظم حاکم بر جهان پی می‌برد و آن نیرویی فوق ماده و طبیعت است و او خالق و به وجود آورنده‌ی طبیعت و جهان می‌باشد یعنی خدای قادر و حکیم.

۳-۲-۶ عدم اطاعت فرامین الهی

وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه یکی دیگر از ریشه‌های بحران‌ها در جوامع را عدم اطاعت از فرامین الهی به دیگر سخن و مفهوم اعتقاد و اعتماد نداشتن به احکام الهی و ترک واجبات و انجام محرمات را علل بحران‌ها می‌دانند که بر این حرکات عقاب و جزا همان گونه که بر انجام آن‌ها ثواب و پاداش داده می‌شود بیان داشته‌اند و می‌فرمایند: ^۲ «ثم

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱-۱۹۰

۲. بلاغات النساء، ص ۲۶، دلائل الامه، ص ۱۰۹

جعل الثواب علی طاعته و وضع العقاب علی معصيته ذیاده لعباده عن نعمته و حیاشه منه الی جنته"

ترجمه: سپس ثواب را بر اطاعت و عقاب را بر معصیت خویش قرار داد تا این که بندگان خود را از غضب و خشم خود باز دارد و به وعده بهشت نزدیک سازد.

تحلیل مطلب آن که:

یکم آن که:

وقتی که بندگان خدا فرامین خدا را انجام ندهند مفهوم مخالف این عبارت تحت امر فرامین شیطان می‌باشند و به تبع این حرکت منفی فعالیت انسان‌ها خارج از قانون الهی می‌باشد و در نتیجه به حرکت‌های بزه کاری و هرج و مرج و ناهنجاری اجتماعی و معاصی و عدم پایبندی به مسائل اخلاقی و حقوقی و انسانی رخ می‌دهد و حاصل این فعل و انفعالات می‌شود نعمت و ظلمت و از بین برکات الهی از صحنه زندگانی فردی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و مدیریتی و امنیتی انسان‌ها و از سویی دیگر عدالت اجتماعی و وجدان اجتماعی و نظم عمومی و تلاش هدفمند و هوشمند و پویا از بین خواهد رفت و مقدمات حاکمیت جباران و ظالمان و نادانان و قاتلان و دشمنان خدا و اسلام بر مردمان و امت‌ها و زمین مهیا و هموار خواهد شد و امراضی چون افسردگی و پژمردگی و دلمردگی و ناامیدی و کشتن استعدادها و ظرفیت‌ها پیش خواهد آمد و خشکسالی و خشم زمین و سیلی طبیعت به خوبی هویدا می‌گردد. علتش هم این است هر چه در زمین و آسمان‌ها و انسان‌ها خلق شده‌اند می‌بایستی در مسیر و

در طول فرامین و احکام و قوانین الهی باشد و وقتی که این فرمول بر عکس بشود و انسان‌ها در مقابل فرامین و قوانین الهی قرار بگیرند طبیعتاً همه چیز معکوس و اثرات سهمگین و ناگوار خواهد داشت چون که بر خلاف مسیر کمال و حرکت به جلو اعمال نفوذ و فرمول متناقض رخ داده است به نظر می‌رسد یک مثال خالی از لطف نیست. بدن انسان به گونه‌ای خلق شده است که هنگام غروب آفتاب بدن شروع به ترشحات هورمونی می‌کند که تمایل و میل به خوابیدن دارد و هنگام طلوع فجر و یا طلوع آفتاب همین بدن هورمونی فعالیت خودش را شروع می‌کند که انسان بدنش حالت چابک و تکاپو و کار و فعالیت و نشاط و بیدار باش دارد و مستند این مثال هم خود کلام الله مجید است که فرمود شب را برای خواب و آرامش قرار دادم همان گونه که روز را برای فعالیت و تلاش قرار دادند اگر این مثال به خوبی درک و فهم و اجراء شود تمام کسانی که مراجعه به روان‌شناسی و روان‌پزشک و فوق تخصص‌های اعصاب و روان می‌کنند و پناه به قرص‌های آرام‌بخش و خواب‌آور می‌کنند دیگر مسیر زندگی و برنامه کاری و خواب خود را طبق سرشت فطری و خلقت بدنی تنظیم خواهند کرد اما متأسفانه تا نزدیک بامداد بیدارند و یا بیشتر و در طول روز با آن که ممکن است تا ظهر و حتی بعد از ظهر بخوابند همیشه کسل و فسل و بی‌حال و بی‌اراده و بدون برنامه و انگیزه هستند و نشاط در زندگی ندارند و بر اساس کوچک‌ترین مسائل دعوا و بی‌نظمی در زندگی خویش ایجاد می‌کنند و حال آن که خودشان هم نمی‌دانند ریشه مشکل در کجاست. النهایه آن که خالق هستی به کل هستی احاطه و

نظارت و مدیریت دارد پس می‌بایستی به حکم عقل و فطرت و سلامت جسم و جان به نقشه راه او و قوانین او پناه برد و آنان را طبق دستورات قرآن و معلمان قرآن یعنی چهارده معصوم به کار برد و عملیاتی نمود در غیر این صورت همیشه این مشکلات و معضلات پا برجاست و بحران‌ها و ریشه‌های آن هم ادامه خواهد شد مگر آن که اصلاحی رخ دهد و به دامن خدا پناه بیاورند و لا غیر.

دوم آن که:

بندگان اگر فرامین الهی را انجام بدهند در نتیجه به ثواب می‌رسند و پاداش بهشت را دریافت می‌کنند و اگر سرپیچی کنند عقاب خواهند گرفت و جزایشان جهنم است و اگر همه بندگان بهشتی شوند و مومن و یا جهنمی شوند و کافر هیچ سود و زیانی برای ساحت ذات اقدس اله ندارد بلکه این ثواب‌ها و عقاب‌ها حاصل کارکرد افراد بشر می‌باشد و منافع خودشان حاصل می‌شود و خودشان سعادت‌مند یا شقاوت‌مند می‌شود پس انسان‌ها می‌بایستی تدبیر و تعقل در اعماق و سرنوشت خویش داشته باشند.

سوم آن که:

بدون شک پاداش و عذاب الهی بر اساس عدالت و رافت و حکمت است و مساله مجازات اعمال در آخرت است معاد و رسیدگی به اعمال نیک و زشت و پاداش و کیفر دادن به نیکوکاران و بدکاران خود از مظاهر عدل الهی است و چون خداوند عادل و حکیم است اعمال بشر را بی

محاسبه و پاداش و کیفر نمی‌گذارد.^۱ و امام علی علیه السلام فرمودند: ممکن است خدا ستمگر را مهلت دهد ولی هرگز او را بی کیفر رها نمی‌کند، وی بر سر راه ستمگر کمین کرده و همچون استخوانی که در گلو گیر کند راه را بر او می‌بندد.^۲

چهارم آن که:

می‌بایستی بین اعمال انسانی در این جهان و جزای آن جهان تناسب و توازن وجود داشته باشند یعنی مجازات‌ها و کیفرهای اخروی با عدل الهی سازگار نیست یعنی میان جرم و جریمه عادلانه محاسبه نمی‌شود مثلاً اگر کسی خطایی کرد باید متناسب با خطایش مجازات شود یعنی کیفر دادن بر جرم‌ها لازمه عدل است اما اگر تناسب رعایت نگردد خود مجازات کردن نوعی بی‌عدالتی محسوب خواهد شد گناهی مثل قتل نفس و زنا و دروغ جرمند و کیفر داده می‌شوند اما آیا مجازاتی که در آن سرا برای آن‌ها مشخص شده است خارج از اندازه نیست؟ و یا در روایت آمده که غیبت خورش سگ‌های جهنم است^۳ و یا برای سایر گناهان مجازات غیر قابل تحملی بیان شده است و با مدت زمان طولانی لحاظ شده‌اند و این عدم تناسب آیا با عدل خداوندی همخوانی و هم‌آهنگی دارد؟ و یا اگر کسی بگوید من دوست نداشتم در این جهان بیایم که بعداً

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱، ص ۲۱۳ کتاب عدل الهی

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ترجمه مرحوم دشتی

۳. بحار، چاپ کمپانی، ج ۱۵، جزء چهارم، ص ۱۸۸

بخواهند مرا عقاب یا مجازات بنمایند. به نظر می‌رسد تفاوت‌ها و تمایزات دو جهان می‌بایستی مورد کاوش و تحلیل قرار بگیرد و البته هیچ مثال و یا مطلب که بتوان بیان کرد شاید نتوان مدعی شد چون که تجربه نکرده ایم و هر چه هست محسوس در قوانین دنیوی می‌باشد اما شاید بتوان گفت این جهان و آن جهان مثل فضای رحم مادر با فضای دنیا قابل مقایسه و تشبیه نسبتاً قابل درک است یعنی کیفیت زندگی طفل در رحم با بعد از آن به دو گونه است و یک اشتراکاتی هم دارند و آن نوع تغذیه است که کیفیت و کمیت سیستم غذایی جنین با کودک بعد از تولد بسیار متفاوت است و این تفاوت به خوبی قابل لمس است جهان جاویدان با جهان فنا نیز این گونه است که بیان کردیم یعنی افتراق دارند اما در همه آن‌ها عنصر حیات وجود دارد اما نه به یک شکل و صورت و هر کدام قوانین و انتظامات مربوط به خودش را دارد. از جمله در این دنیا تغییرات و تحولات وجود دارد کودکی - جوانی - پیری - کهنسالی و موت اما در آن دنیا این گونه نیست این جا فنا پذیر است آن جا ثابت است و دیگر این که در اینجا زندگی معجونی از حیات و ممات است اما آن جا یکسره حیات است و بس مستندا به قرآن "همانا منحصرا خانه آخرت خانه‌ای است که زنده است"^۱ یعنی آخرت یک پدیده همیشہ زنده و پویا می‌باشد و اعضای بدن در این گیتی شعور ندارند اما در آن جا سخن هم می‌گویند

مستندا به قرآن " امروز بر دهان هایشان مهر می‌زنیم و دست هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان گواهی می‌دهند که چه انجام داده اند^۱ و حتی بحث بین اندام‌ها و خودشان حاصل می‌گردد مستندا به قرآن " و به پوست‌های بدنشان می‌گویند چرا به ضرر ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند خدا ما را ناطق ساخت خدایی که هرچیز را به سخن آورده است^۲ حاصل آن که سرا خالص است و پویا و زنده و پژمردگی در آن راه ندارد و دیگر آن که هر چه در اینجا بذر بپاشیم و کشت بنمائیم در آن جهان بهره داری و درو خواهیم کرد یعنی آن جا محصول و نتیجه است لذا امام علی علیه السلام در این باب فرموده اند: امروز کار است و محاسبه نیست و فردا محاسبه است و کار نیست^۳ یعنی تمام تلاش و کوشش را می‌بایستی در این جهان انجام بدهم که آن جهان برداشت محصولات از پیش فرستاده شده می‌باشد و چهارم تفاوت این جهان با آن جهان سرنوشت در این سرا مشترک است ولی در آن جا هر کس سرنوشت خاص خودش را دارد یعنی زندگانی دنیوی اجتماعی است و همبستگی و انسجام و پیوستگی و وحدت حکم فرماست و افراد بشر شبیه اعضا و جوارح بدن به همدیگر ارتباط دارند اختلال یکی از آنها موجب زوال سلامت از عضوهای دیگر می‌گردد و یا مثل سرنشینان یک کشتی اگر

۱. سوره یونس، آیه ۶۵

۲. سوره فصلت، آیه ۲۱

۳. نهج البلاغه، خطبه ۴۲، مترجم محمد دشتی

یکی از آن‌ها کشتی را سوراخ کند همگان غرق و نابود می‌شوند بهر حال در دنیا زندگی گروهی و مشترک وجود دارد و هم در آن بد کار است و هم نیکوکار گاهی گناهکاران از بهره کار نیکوکاران فایده می‌بینند و گاهی بر عکس مردم بی گناه از فعل بدکاران ضربه می‌خورند اما در آن سرا این گونه نیست هر کس ثمره فصل و محصول خودش را می‌بیند و هر کس، کسی به جای دیگری مجازات نمی‌گردد یعنی نه از ثمره کار نیکوی دیگری بهره مند می‌شود و نه از کیفر گناهان دیگری عذاب می‌بیند آخرت منزل تفصیل و دوگانگی بین خوب و بد و ناپاکی و پاکی است. به گناهکاران می‌گویند "از مردم پاک جدا شویدای نا پاکان" و نیز هر کس به جزای اعمال خویش می‌رسد "هیچ کس بار دیگری و گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد" پس در آن جهان تاثیر و تاثرها و تضادها و تعاون و اجتماعی بودن نیست و البته در جهنم و بهشت اجتماع منحصر به خودش است یعنی بین خوبان صفا و مهربانی است و بدکاران تنفر و انزجار حکمرانی می‌کنند^۲ و نیکوکاران به تعبیر قرآن برادر وار بر صندلی‌هایی رو به روی هم می‌نشینند^۳ و دیگر آن که بین این دو جهان ارتباط جدی و مهم وجود دارد یعنی مثل دو فصل از یک سال‌اند در یک فصل باید بذر فشانی کرد و در فصل دیگر می‌بایستی درو کرد که

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۴؛ اسراء، ۱۵؛ فاطر، ۱۸؛ زمر، ۷؛ نجم، ۳۸

۲. سوره اعراف، آیه ۳۸؛ سوره ص، آیه ۶۴

۳. سوره حجر، آیه ۴۷

حاصلش بهشت و جهنم آخرت می‌شود مویده مطلب فوق در حدیث آمده است " بهشت فعلا صحرایی خالی است بی‌کشت و زراعت همانا اذکار "سبحان الله" و "الحمد لله" و "لااله الا الله" و "الله اکبر" "لا حول و لا قوه الا بالله" درخت‌هایی هستند که در این جا گفته و در آن جا کاشته می‌شوند^۱

و در حدیث دیگر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج وارد بهشت شدم، فرشتگانی دیدم که بنائی می‌کنند، خشتی از طلا و خشتی از نقره، و گاهی هم از کار کردن دست می‌کشند. به ایشان گفتم: چرا گاهی کار می‌کنید و گاهی از کار دست می‌کشید؟ پاسخ دادند: تا مصالح بنایی برسد. پرسیدم: مصالحی که می‌خواهید چیست؟ گفتند: ذکر مومن که در دنیا می‌گوید: "سبحان الله و الحمد لله و لااله الا الله و الله اکبر". " هر وقت بگویم ما می‌سازیم و هر وقت خود داری کند ما نیز خود داری می‌کنیم"^۲

و نهایت آن که نوع مجازات در آخرت با نوع مجازات در دنیا فرق دارد و برای فهم جواب اشکالی که گفتند تناسب بین جرم و مجازات نیست بستگی به فهم و درک این تفاوت‌ها دارد یعنی درکی از مجازات‌های قرار دادی و مجازات‌های مکافات دنیوی که با گناه رابطه تکوینی دارد و مجازات تجسم جرم که جدا از آن نیست و عذاب اخروی در نظر گرفته می‌شود. و آخرین پارامتر از این قسم این بود اگر کسی بگویم من دوست

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۳

۲. وسائل الشیعه، چاپ مکتبه المحمدی قم، جزء چهارم، ج ۲، ص ۱۲۰۸

نداشتم در این دنیا بیایم که بعدش مجازات بشوم صرف نظر از این تقاضا یا خواسته و و علل و عوامل آن که چرا گوینده آن را گفته و یا چه اهداف و اغراضی را در دل خویش دارد و آیا به دلایل خاصی این اشکال را مطرح کرده و یا خواسته همیشگی و قلبی او است که بگذریم در مجموع و کل وجود و پیدایش بهتر از عدم و نیستی می‌باشد یعنی اکنون که ما در این جهان آمده ایم و چشم و گوش باز کرده ایم و حرکت و سکنت داریم و می‌اندیشیم که از کجا آمده ایم و چرا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت و چگونه خواهیم رفت و در این جا چه هدف و تکلیفی داریم و نیز به پیرامون و اطراف خود می‌اندیشیم یعنی به خدا و خالق هستی به قانون او یعنی کتابش و به فرستادگانش یعنی رسولان الهی و پیام آوران الهی و نیز به انسان‌های کامل و معصوم و کمال خواهی، پس این همه بهتر و والاتر و قشنگ‌تر از عدم و به وجود نیامدن نیست واقعا جای تامل و تفکر و تدبر و تعقل ندارد اما اگر نبود این همه خوبی‌ها و بدی‌ها را درک نمی‌کرد و جهان و کهکشان‌ها و جهانیان و بهشتیان و دوزخیان را نمی‌دیدیم از طرفی دیگر خداوند امر به مالا یطاق و تکلیف خارج از وسع و قدرت نکرده است بلکه بر اساس فطرت و ظرفیت احکام آسان و ساده‌ای را بیان فرموده و به دنبال کوچک‌ترین بهانه است برای بردن او به بهشت و به دفعات فراوان دلیل و عذر برای بخشیدن گناهان و نادیده گرفتن اعمال بد قرار داده است آیا این شرایط بهتر از نیامدن در جهان نیست؟!

۳-۳-۳ نظم آرمانی و جامعه خیالی از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

۳-۳-۱۱ ایمان داشتن و قبول کردن سبک رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

اولین طرح نظم آرمانی و جامعه خیالی از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام الگو پذیری و الگو قرار دادن رسالت و اهداف و پیامدهای ماموریت پیامبر اسلام می باشد که در خطبه حضرت زهرا علیها السلام چنین آمده است ما ابتدا بخشی از خطبه را می آوریم و سپس ترجمه آن را به صورت کامل می نویسم

"و اشهد ان ابی محمد عبده و رسوله اختار قبل ان یجتبله و اصطفاه قبل ان ابتعثه و سماه قبل ان استنجدبه"^۱

ترجمه:

شهادت می دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده ی خدا و پیامبرش می باشد او را پیش از آن که به پیامبری بفرستد اختیار نمود و برگزید. و هم او را پیش از آفرینشش به انبیاء و امت آنها معرفی فرمود و او را پیش از بعثتش برگزید و گزینش وی قبل از خلقت عالم انجام یافت.

هنگامی که هنوز همه موجودات در پرده ی غیب مستور، و حوادث هولناک در حجاب و در کتم عدم فرو رفته بودند، این گزینش و انتخاب در آن وقت قبل از پیدایش عالم به جهت علم ذات ربوبی به پایان کارها و احاطه به رویدادهای روزگار، و آشنایی به زمان و مکان و مقدرات خود بود. او را، آفریدگار متعال پس از همه ی انبیاء مبعوث فرمود تا کار پیامبری را با تشخیص او به آخر برساند،

۱. دلائل الامه؛ ص، ۱۰۹؛ بلاغات النساء، ص ۲۶

و با او فرمان خویش را در دور آخرین بعثت به راه اندازد و مقدرات حتمی خود را مجری سازد.

او پس از برانگیخته شدن، دریافت علیرغم شناخت فطری بشر به خدای یگانه، امت‌ها در دین متفرقند.

و هنوز آتشکده‌ها به اعتکاف نشسته‌اند و در بتکده‌ها پرستش می‌شود. در این هنگام بود که خدای متعال ابرهای تیره‌ی ظلمت را به وسیله‌ی پیامبر روشن نمود. و از دل‌ها ابهام، و از چشم‌ها سایه حیرت را زدود. و او مردم جهان را به هدایت و داشت و آنان را از گمراهی‌ها، و ناپیایی‌ها نجات بخشید، و آنان را به دین استوار هدایت، و به صراط مستقیم فرا خواند آن گاه (که رسالت خود را انجام داد) خدا او را به لطف و مهربانی و با میل و رغبت خودش و ایثار دنیا بر آخرت به سوی خویش خواند و بدین سان هم اکنون محمد صلی الله علیه و آله از رنج خانه دنیا راحت، و در میان فرشتگان ابرار، و رضوان پروردگار غفار فرو رفته، و در قرب ملک جبار بار یافته است. درود خدا و رحمت و برکاتش بر پدرم پیامبر و امین و برگزیده و پسندیده‌ی وی باد .

تحلیل مطلب آن که:

نکته اول آن که :

نظم آرمانی و جامعه خیالی و یا ارائه طرحی برای اداره و مدیریت جهان آن هم برای همیشه تاریخ یعنی همه زمان‌ها و مکان‌ها کاری بسیار دشوار و سخت و جان فرساست آن هم با کاروان بشری که هر لحظه در حال پیشرفت و ترقی و کشف تجربیات و دانش‌های جدید می‌باشد و از سویی

دیگر در این طرح نشاید که هر کسی و یا افرادی بتوانند از عهده آن بر آیند و آن را به جهانیان ارائه بنمایند بلکه ادعا کردن کاری بسیار آسان است و یا نوشتن طرح و یا طرح‌هایی در غالب جامعه خیالی و یا نظم آرمانی اما مهم و اصل در عمل و مقام اجرایی است که بتواند برای آن پشته‌واره و ضمانت اجرایی لحاظ بکند و تمامی پارامترها و مولفه‌های آن را در مقام اجراء تأیید کند و الگوی ارائه شده خویش را حمایت و به صورت تدریجی مورد ساپورت و آبدیت و تقویت نماید و بر کلیه موارد اجرایی آن مسلط و احاطه و مدیریت داشته باشد.

نکته دوم آن که:

نظم آرمانی باید بتواند تمامی نیازمندی‌های بشر چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی در ابعاد مختلف و متفاوت از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی، مدیریتی، علمی، جغرافیایی، معنوی، عبادی و مسائل و حوادثی که در آینده رخ می‌دهد بتواند به موقع و بهنگام برایش تدبیر و برنامه داشته باشد.

نکته سوم آن که:

طراح نظم آرمانی باید بر کلیه حالات و روحيات کاروان بشری آگاهی و علم داشته باشند یعنی انسان شناسی او در حد اعلا و عالی باشد به گونه‌ای که روحيات جوانحی و خواسته‌های جوارحی افراد بشر را دانسته و علم کافی بر آن جزئیات و کلیات داشته و بتواند بر افق و اندیشه‌های بشری نفوذ و تسلط داشته و متناسب با شان و ظرفیت و لیاقت آنان به ارائه طرح همت بگمارد و به سرشت بشری یعنی فطرت و ندای درونی او یعنی قلب

و به اندیشه‌های تفکری او یعنی عقل و به کمال خواهی و افق او مسلط باشد.

نکته چهارم آن که:

طراح نظم آرمانی می‌بایستی با خلقت بشر و اهداف مترتب بر آن احاطه داشته باشد یعنی بفهمد و درک کند هدف از خلقت بشر چیست و دیگر آن که چگونه خلق شده است و از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت و این بشر در این جهان به چه توشه و نیازمندی‌ها علاقه و نیاز دارد و خواسته‌هایش چیست و در دیگر جهان چه مسائل و خواسته‌هایی دارد و یا باید داشته باشد و نیز آن که بر هستی‌شناسی و امورات جهان و گیتی تسلط و علم کافی داشته باشد.

نکته پنجم آن که:

طراح ارائه الگوی مدیریتی یا نظم آرمانی می‌بایستی از عقبه کاروان بشری آگاهی کافی داشته باشد و نسبت به آینده این بشر هم آگاهی و برنامه‌برایش داشته باشد و از افراط و تفریط و یا فاشیسم و آنارشیسم به دور باشد زیرا با تاملی و تفکری اجمالی وقتی که به تاریخ بشریت خصوصا تاریخ سیاسی و اجتماعی و یا جامعه‌شناسی آن می‌اندازیم یا بشر در حال افراط است و یا در حال تفریط است و حرکتی معقول و منطقی کمتر دیده می‌شود و تاریخش سرشار از فراز و نشیب و تند روی‌ها و کند روی‌ها و کشتارها و و خونریزی‌ها و ظلم‌ها و بدعت‌ها و خرافات بوده است و اکنون نیز فراوان یافت می‌شود و هر روز هم بدتر و ناگوارتر خواهد شد اگر چه به ظاهر تکنولوژی و نانولوژی و مسائل پیشرفته علمی و فنی را در اختیار خویش دارد.

نکته ششم آن که:

با عنایت به پنج نکته پیشین هر انسانی و یا هر گروهی به این آسانی و یا راحتی نمی‌توانند به ارائه الگو و نظم آرمانی و جامعه خیالی پردازد بدون شک و تردید هر کسی که بخواهد نظم آرمانی ارائه بدهد می‌بایستی از فاکتورها و یا شرایطی که بیان می‌شود و خاص خودش است را دارا باشد نخست: علمش از همه انسان‌ها بالاتر و والاتر و کامل‌تر باشد دوم: از لحاظ مدیریت و سیاست و رهبری مسلط بر تمام مولفه‌های انسانی و کاروان بشر باشد. سوم: طرحش کامل و جامع باشد و مانع اغیار و جامع افراد باشد و این طرح سابقه‌ای در تاریخ نداشته باشد و در آینده هم کسی نتواند مثل و یا شبیه آن را بیاورد و حتی به ذهنش هم خطور نکرده باشد در مقام ثبوتش و چه برسد به مقام اثبات و اجراء و وقوع بیرونی. چهارم: در مقام اجراء بتواند آن ادعا را به اثبات برساند و جوابگوی تمام موانع و مشکلات فرا رو و یا اشکال، اشکال کنندگان باشد و قدرت جوابگویی و تحلیل زبانی و میدانی و فنی آن را داشته باشد و بر تمامی اجزا و ارکان آن تسلط کامل داشته باشد. پنجم: هنگام رهبری و مدیریت و راهبردی آن طرح و نظم آرمانی بتواند آنرا و جامعه پیرامونی و اجرایی آنرا به ساحل نجات برساند ششم: طراح نظم آرمانی

باید چنان قوی و مستدل باشد که بتواند بر خصم خود پیروز گردد و باروش معقول و منطقی آنرا به طرح خودش جذب و متمایل نماید و او را متوجه اشکالات خودش بنماید و اگر مخالفان بر اساس حقد و کینه و حسادت و کوردلی و جهالت نپذیرفتند برای این قسمت هم برنامه متناسب و عادلانه و معقول داشته باشد.

نکته هفتم آنکه :

باعنایت به نکته ششم ومطالب مندرج درآن به نظرمیرسد فقط وفقط انسان کامل ومعصوم می تواند طراح وارایه نظم ارمانی باشد وبه جزاودیگران این ظرفیت ولیقت راندارند وبرای این ادعا هم می توان مستندات وشواهد فراوانی ارایه نمود

اول آنکه: با مراجعت به تاریخ والگوهای ارایه شده توسط افراد بشر که می بینیم که هزاران سال حکومت وتجربه داشته اند اما توفیقات موفقی نداشتند

دوم آنکه : تمامی قدرت وامکانات را برای رسیدن به منافع شخصی و شهوات وامیال دنیایی خویش به کار گرفته اند از جمله به بردگی کشاندن ملت ها و قتل وغارت ها وظلم ها وتاریکی ها ودیگر آنکه موروثی کردن قدرت وحکومت ها ودیگرانکه جاهلان وشهوت پرستان وقدرت طلبان بر اریکه سلطنت تکه داده اندنه حکیمان وفاضلان وراستگویان.

سوم آنکه : اگوهای ارائه شده یا افراط داشته ویا تفریط از جمله خروجیش یا امپراطوران شرق و غرب عالم بوده که با جنازه انسانهای بی گناه ومظلوم بارگاه و کاخ ساخته اند مثل اهرم ثلاثه مصر و تفرعن گرایى آنان ویا جنگهای صلیبی وجنگهای جهانی اول ودوم جهانی وکشتار میلیونها انسان بی دفاع وبی اسلحه ونیز کشتن نسلها توسط بمبهای میکروبی وهسته ای ویا از این پشت بام افتاده اند وبا آموزه های دینی وعلمی مبارزه کرده اند وبه ایستایی رسیده اند وامانیسم وانسان پرستی را جایگزین خداپرستی و دین محوری نموده اند ویابه نهلیسم وکمونیسم

ولایتیک روی آورده‌اند و یابه نژاد پرستی و تبعیض و بی عدالتی و طرح آپارتاید و برده برداری مدرن روی آورده اند و در نهایت با انقلاب‌ها و جنگ‌های درون کشوری به سازمان ملل و سازمانهای جهانی امبا رویکردی حق و تویی رسیده‌اند.

چهارم آنکه : با آنکه علم و قدرت دارند اما در جهت منافع شخصی و گروهی و نفوذی خویش هستند و با کت و شلواریات و کشیده وادکلن زده و باروش مناظرات و مذاکرات و شبکات مجازی و فضای اجتماعی و دست‌های مخلمین اما در باطن چودنی کارهایی می کنند که روی مغول و فرعون‌های سلف راسفید کرده به گونه‌ای که شیطان از آنان هراسان است و هزاران نکته دیگر که در این مقوله نمی گنجد و خود به کتابی مستقل نیاز دارد اگر چه هر روز از طریق شبکات تصویری و اینترنتی آنها را مشاهده گرمی باشیم

پنجم آنکه : پس حاصل آنکه با تحلیل و تبیینی که داشتیم به جز انسان کامل و معصوم دیگر انسانها نمی توانند بر نظم ارمانی و جامعه خیالی همت به گمارند و علت این ادعا هم به خوبی هویدا می باشد چرا که اولاً: خداوند خالق انسان است . ثانیاً: خالق بر کلیه امورات مخلوق احاطه و تسلط دارد ثالثاً: این خالق در نظام احسن انسان کامل را خلق فرموده است رابعاً : نوک پیکان انسان کامل متبلور و متعین در چهارده معصوم می باشد خامساً: اولین معصوم و کامل ترین و داناترین انسان‌های مقدس پیامبر اعظم (ﷺ) می باشد سادساً: پس نتیجه می گیریم بهترین و کاملترین نظم آرمانی و طرح ارائه شده برای کل بشریت فرامین و بیانات پیامبر می باشد سابعاً: این مهم از زبان مقدس و مطهر دخترش که او نیز معصوم جز معصومین است رابیان و مطرح

می‌کنیم ثامناً: بهترین روش برای فهمیدن کلمات و بیانات نظم آرمانی و نگاه آنان به انسان بررسی و مقایسه با دیگر دانشمندان و مکاتب است که آنگاه است که عظمت و شکوه و محتوای بیانات آنان هم به قدر فهم و درک خودمان فهمیده می‌شود والا فقط انسان کامل و معصوم می‌تواند به عمق کلمات آنان راه پیدا بنماید. نکته هشتم آنکه:

نکات قبلی همگی مقدمه و ترتب تاریخ تحلیلی و چیدمان منطقی برای نکات از الان به بعد را دارند که ورود به آنها پیدا می‌کنیم در خطبه اشاره‌ای توحید الهی و شهادت به رسالت و واژگان ارسال و بعثت یعنی فرستادن و برانگیختن که این دو گزینه ملزوماتی دارد و هر کس لایق پیامبری و مبعوث شدن نمی‌شود (و اثبات این مدعا خارج از رسالت این پژوهش است و می‌بایستی در جای خودش بدان پرداخته شود) و در قرآن کریم مفاهیمی متناسب با همین مقوله بیات شده است از جمله ﴿وَأَنَّا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ﴾^۱ "من تو را به پیامبری انتخاب کردم" قرآن در مورد حضرت موسی آیه ۱۳ سوره طه را فرمودند که بیان شد و یا در مورد اکثر پیامبران از تعبیر "اصطفاه" استفاده شده است مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۲ و "اجتبی" هم در مورد انبیاء به کار رفته است همین سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۷۹ یعنی به معنای برگزیدن.

۱. سوره طه، آیه ۱۳

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۳

نکته نهم آن که:

حضرت زهرا می‌فرمایند قبلاً برگزیده شد سپس به رسالت مبعوث گردید یعنی قبل از رسالت پیامبری انتخاب و گزینش و برگزیده شده بود و یا در روایت آمده نور رسول الله اولین مخلوق خداست در جواب سوال جابر از رسول خدا^۱ و این که قبل از این جهان هستی مخلوقی به نام نور وجود داشته و با وجود مقدس پیامبر و ائمه تناجس داشته و همگرا بوده‌اند و یا در قرآن آمد (الله نور السماوات و الارض^۲) و منظور از این نور چه نوری است و وقتی گفته می‌شود خدا نور است. مراد نور حسی نیست یعنی حجم و زمان و مکان ندارد و قابل تجزیه نیست و به قوامی نیاز ندارد و انوار مادی هم ندارد اما به ذات و کنه آن هم نمی‌توانیم راه پیدا بنمائیم و نیز در قرآن آمده است (و اشرفت الارض بنور ربها^۳) این معانی آن قدر بلند و ژرف و پر معناست که هزاران اندیشمند از فهم آن ناتوانند مگر کسانی که با عنایت خدا آن نور را حضوراً دریافته‌اند چون حضرت امیر علیه السلام که پرده‌ها از مقابلشان بر داشته شد و فرمود "لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا"^۴ پس حضرت زهرا علیه السلام وقتی می‌فرمایند پدرم قبل از این جهان برگزیده شد پس در این جا زمان و مکان معنایی دارد و لحاظ نمی‌شود زیرا زمان جزء عالم

۱. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۴

۲. سوره نور، آیه ۳۵

۳. سوره زمر، آیه ۶۹

۴. غرر الحکم، ص ۱۲۰

ماده است و از ملزومات آن است و آن عالم غیر از این عالم است و آن نوری هم که خدا خلق کرده قبل از مخلوقات در عالم دیگری بوده است غیر از این جهان و آن عالم بر زمان احاطه دارد.

در روایتی از حضرت امام علی علیه السلام چنین آمده است " خدا خودش بود و خودش بعد سخنی گفت آن سخن نوری شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و من و ذریه من را از همان نور آفرید. سپس سخنی گفت: آن سخن روح شد این روح را در آن سخن جایگزین کرد تا این که بدن‌های ما آفریده شد آن وقت روح را در بدن‌های ما دمید."^۱

چون که ما به آن عالم نور و آن کیفیت روح و آن ساختار منحصر به فرد بیگانه ایم و احاطه‌ای نداریم و یا سنخیتی نداریم فقط می‌بایستی تعبدا بپذیریم و ورود و تحلیل ننماییم.

نکته دهم آن که:

نظم آرمانی و جامعه خیالی که حضرت زهرا در خطبه شان بدان اشاره فرمود همان رسالت و ماموریت پیامبر اعظم می‌باشد که در طول ۲۳ شکل تدریجی قانون اساسی و بین المللی برای کلیه ملت‌ها و نژادها در کل زمان‌ها و مکان‌ها برای کاروان بشری در ساحت‌های گوناگون چه فردی چه اجتماعی چه سیاسی چه خانوادگی و چه مدیریتی و چه امنیتی و چه تشکیل حکومت و چه اقتصادی و هر آن چه که بشر بدان نیاز دارد تا روز

قیامت اعلان فرمود و آن را نهادینه و بستر سازی برای اجرائی نمودن آن توام با ضمانت انجام داد تشکیل حکومت در مدینه منوره و فتح مکه و پاکسازی آن و اجرای قوانین الهی که منشور بین الملل جهانی به عنوان تحفه‌ای بسیار عالی و نورانی به نام قرآن کریم اکنون در اختیار جهانیان خصوصا کشورهای اسلامی و یا به ظاهر اسلامی و مسلمانان و مسلمان نماها قرار گرفته است. و صد افسوس که از آن استفاده نمی‌شود.

نکته یازدهم آن که:

الگوی دیگر نظم آرمانی و جامعه خیالی را می‌توان در حکومت چهار سال و نه ماهه بزرگ‌ترین یار و یاور و شاگرد و داماد پیامبر اسلام ﷺ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام را به مرکزیت کوفه مشاهده نمود که بزرگ‌ترین مولفه‌های انسانی، دموکراسی، آزادی بیان، عدالت اجتماعی و فردی، حقوق بشر، حقوق شهروندی، ساده زیستی، احترام به همه انسان‌ها و هم نوعان، ایثار، فداکاری و اجرای همه فضائل و مبارزه با همه رذایل انسانی و سرانجام خودش نیز شهید راه عدالت شد و مستندات و قانون اساسی این حکومت نهج البلاغه می‌باشد و در واقع علی علیه السلام مفسر و مبین و مجری قوانین قرآن بوده است و به دیگر سخن خودش عدل قرآن و یا قرآن ناطق بوده است و فرامین و دستورات ایشان در طول فرامین و دستورات پیامبر و خدا بوده است یعنی منصوب از ناحیه پیامبر بوده‌اند.^۱

۱. بررسی تطبیقی حکومت امام علی علیه السلام و حکومت ایالات متحده آمریکا، آزادی، اسد، عابد اندیش قم

نکته دوازدهم آن که:

از خطبه حضرت می‌توان چنین برداشتی نمود که رسالت پدرش در سبک نظم آرمانی اعراب جاهلی را از لجن زار و بت پرستی و خرافات و موهومات و عادات و اخلاق زشت و عقاید باطل و زنده به گور کردن دختران بی گناه بیرون آورد و به عنوان بشیر و نذیر قرار داد مستندا به قرآن که می‌فرماید "ای پیامبر ما، تو را به عنوان گواه و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم" و پیامبر برای تمام مردم جهان بشیر و نذیر است چرا که دین اسلام دینی جهانی و جاودانی و شامل همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌شود و عالمین که به کار برده شده است یعنی توسعه دارد و گسترده همه عالم را در بر می‌گیرد و شامل همگان در سراسر گیتی می‌شود. و وظایف و تکالیف جهانی دارد پس نظم آرمانی او و جامعه خیالی او کل جهان را شامل می‌شود نه شبه جزیره عربستان به تنهایی.

۳-۳-۲ دوری از خرافات و عقاید زمان جاهلیت

اولا: یکی دیگر از مشکلات نپذیرفتن نظم آرمانی انحرافات فوق می‌باشد و مفهوم مخالف فقره فوق دل‌کندن و پذیرفتن نظم آرمانی مورد دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد برای این که بهتر با فرهنگ جاهلیت شناخت بهتری داشته باشیم از نهج البلاغه کمک می‌گیریم که فرمود: پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هشدار دهنده‌ی جهانیان مبعوث

فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشند. آن گاه که شما ملت عرب بدترین دین را داشته و در بدترین خانه‌ها زندگی می‌کردید میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک، فاقد شنوایی به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفاصد و گناهان، شما را گرفته بود.^۱

ثانیا: نظم آرمانی و جامعه خیالی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را بعد از رحلتش کاملا بر عکس شدند و به همان خرافات قبلی برگشتند که در ادامه آن خطبه فرمودند: پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بی وفایی یاران به اطراف خود نگاه کرده یآوری جز اهل بیت خود ندیدم " که اگر مرا یاری کننده کشته خواهد شد " پس به مرگ آنان رضایت ندادم. چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم، و با گلوبی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش فرو خوردم و بر نوشیدن جام تلخ‌تر از گیاه حنظل شکیبایی نمودم. یعنی متاسفانه به همان وضع رقت بار اجتماعی و نا امن قبلی برگشتند یعنی پیوسته خون همدیگر را می‌ریختند و نه بر دشمن رحم نمی‌کردند حتی به خودشان هم ترحم نمی‌کردند و به وضع وحشتناک عاطفی آنان هم اشاره می‌کنند که پیوند خویشاوندی خود را پیوسته قطع می‌کردید (و تقطعون ارحامکم) و یا در مورد ننگ دانستن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ترجمه دشتی، ص ۵۱

دختران و بدبختی پنداشتن آنان که در قرآن بدان اشاره شده است " هنگامی که به یکی از آن‌ها بشارت دهند که دختر نصیب تو شده، صورتش از (از فرط ناراحتی)، سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد. به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکم می‌کنند!"^۱

ثالثا: پیگیری فدک مرتبط با نظم آرمانی پیامبرمی باشد چرا که منازعه‌ی فدک قیامی علیه اساس حکومت غاصبانه‌ای است که حضرت زهرا علیها السلام با فریاد آسمانیش می‌خواست آن سنگ بنای کج و آن خشت دیوار کج را که حکومت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آن نباشد و تا ثریا دیوار کج رفت را در هم بشکند و برای اثبات این معنا کافی است به خطبه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رویا روی خلیفه و در حضور جمعیت انبوهی از مهاجر و انصار ایراد فرمودند نگاهی داشته باشیم^۲ طرح فدک توسط حضرت زهرا علیها السلام تجلی دو جبهه اسلام و کفر، ایمان و نفاق و تقابل نص و شورا است فدک سمبل یک هدف بزرگ و انقلابی همه جانبه‌ای علیه حاکمیت وقت که اساس آن در سقیفه توسط حزب سه نفری که بر علیه انسانیت و عقلانیت و قوانین شرعی و الهی بود بنیان نهاده شد و تا کنون نیز آنان در جهالت و عقب ماندگی‌ها و بدعت‌ها و تغییر مسیر

۱. سوره نحل، آیه ۵۸ و ۵۹

۲. صدر، سید محمد باقر، فدک فی التاریخ، ص ۵۸

اسلام و بدعت‌ها شریکند در واقع موسس اصلی آنانند و تا ابدیت تاریخ به همگان می‌دیونند النهایه آن که غصب حکومت و ریل گذاری خلافت به جای امامت و ایجاد شورا در مقابل نص صریح و انتصاب دقیق مخالف و جهت معکوس نظم آرمانی و جامعه خیالی از منظر حضرت زهرا علیها السلام و پیامبر اعظم (صلوات الله علیه) می‌باشد که بدان اشاره نمودیم و فدک بهانه‌ای بسیار عالی برای یادآوری این بدعت و دوری از اسلام ناب و فرامین الهی و دستورات پیامبر بوده است.

۳-۳-۳ نظم آرمانی و قانون گذاری

اولاً: هر نظم آرمانی نیازمند قوانینی جدی و متقن و مستدل و منطقی می‌باشد که بتواند در پرتو آن اعمال قدرت و حاکمیت در جوامع بنماید و نیز قوانینی جامع و کامل باشد که پذیرش و سوداگری هم داشته باشد و از ظرفیت بالایی هم برخوردار باشد که بتواند مخاطبان و طالبان خود را قانع و مجاب و حتی شیفته و عاشق خود بنماید.

ثانیاً: قانون گذاری مبتنی بر پارامترهایی می‌باشد از جمله انسان موجودی اجتماعی است از منظر قرآن گرایش انسان به زندگی اجتماعی امری فطری است؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروه‌ها و قبایل بسیار قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید^۱ و نیز باید در جامعه قوانین و مقرراتی وجود داشته باشد تا از برخورد و تزاخم

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳

میان افراد جلوگیری کند و وظایف افراد را نسبت به یکدیگر مشخص کند قانونی برای فرد و جامعه مفید است که نظم اجتماعی را ایجاد کند بر اساس عدالت باشد و ضمانت اجرایی داشته باشد. و دیگر آن که از بهترین ویژگی‌های یک قانون فطری بودن آن است یعنی بر مبنای فطرت انسان‌ها باشد و دیگر این که بهترین قانون گذار و قانون حقیقی، کسی است که این شرایط را دارا باشد: انسان شناس و آگاه به تمام ابعاد وجودی انسان، آگاه به فلسفه آفرینش انسان، آگاه از رابطه متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر، دور بودن از خطا و لغزش و نداشتن منافی در جامعه. و آخرین پارامتری در این زمینه این است که: پس از پی بردن به لزوم قانون در جامعه و آگاهی از شرایط قانون گذار، روشن می‌شود که تنها خدا این ویژگی‌ها را دارد قرآن کریم در این باره می‌فرماید: آیا آن که آفریده نمی‌داند (و آفریده‌های خود را نمی‌شناسد) در حالی که او دقیق و آگاه است^۱ و نیز فرمود: به تحقیق ما انسان را آفریدیم و آن چه را که نفسش به او وسوسه می‌کند می‌دانیم^۲ و نیز فرمود: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است^۳ با توجه به این ویژگی‌ها که قرآن برای خداوند می‌شمرد قانون گذاری را منحصر در خدا

۱. سوره ملک، آیه ۱۴

۲. سوره ق، آیه ۱۶

۳. سوره ابراهیم، آیه ۸

می‌داند (ان الحكم الا لله)^۱ حکم و قانون منحصر به خداست و نیز فرمود: کسی طبق آن چه خدا نازل کرده است، حکم نکند کافر است.^۲

ثالثاً: بعد از خداوند متعال قانون گذاری و تشریع موازین توسط پیامبر ﷺ انجام می‌گیرد مستنداً به قرآن که فرمود: تا آن چه مردم درباره‌ی آن اختلاف دارند تبیین کند^۳ و نیز فرمود: ما کتاب (قرآن) را بر تو نازل نکردیم، مگر آن که آن چه مردم درباره‌ی آن اختلاف دارند تبیین کنی.^۴

تحلیل آن که: چون که انسان در طول تاریخ و با کسب تجربیات فراوان قدرت تشخیص و توانایی سعادت دنیوی و اجتماعی خود را ندارد و نیز بر اساس حس و تجربه بخشی از اهداف را می‌تواند تعیین کند یا متوجه بشود و این محدودیت ادراک که مخصوص فضای مادی است اما علت‌های ماورای مادی را نمی‌داند و روابط مادی و غیر مادی را از راه تجربه می‌تواند ببیند اما رابطه این جهان با جهان آخرت را نمی‌تواند از راه حس و تجربه کشف نماید چرا که پدیده‌های آخرت را نمی‌شناسد و مادی هم نیستند که تجربه کشف نماید چرا که پدیده‌های آخرت را نمی‌شناسند و مادی هم نیستند که تجربه نماید لذا نیاز به پیامبر و قوانین او

۱. سوره یوسف، آیه ۶۷ و ۴۰

۲. سوره مائده، آیه های ۴۴، ۴۵، ۴۷

۳. سوره نحل، آیه ۳۹

۴. سوره نحل، آیه ۱۵؛ طبرسی، احمد، احتجاج، ج ۲، ص ۲۱۲

دارند که بتوانند برنامه‌های مربوط به اعمال و رفتار خویش و سعادت دو جهانی خویش را توسط آنان رقم بزند و بدان برسد. و سعادت‌مند گردد. پس نیازمند الگوی نظم آرمانی و جامعه خیالی از دیدگاه پیامبران عظام الهی و اهل بیت هستند که ما نیز مستندا به خطبه حضرت زهراء علیها السلام این مهم را در حال واکاوی و تحلیل و بررسی و تبیین هستیم. و امیدوارم بتوانیم در حد توان به نکات خوبی و برداشتی معقول و شروع دست بیابیم زیرا کلام آنان از جنس دور است و فهم نیز پاکی و طهارت را می‌طلبد.

۳-۳-۴ نظم آرمانی و قسط و عدل و رستگاری

تحلیل مطلب آن که:

اولا: طراح نظم آرمانی می‌بایستی خودش عادل و حکیم و پاک و طاهر و انسان دوست و خیرخواه باشد و نیز طرحش می‌بایستی سرشار از مولفه‌های فوق عدالت اجتماعی و قسط و عدل و فلاح و رستگاری و خوشبختی و سعادت و کمال خواهی و آینده نگری و جامعیت و شمولیت باشد و بتواند مدیریت و راهبرد جهانی داشته باشد و در مقام عمل و اجراء صیانت و ضمانت هم داشته باشند.

ثانیا: خداوند متعال به وسیله انبیاء هدایت عامه تشریعی که شامل موجود عاقل مدرک می‌شود افاضات می‌فرماید و این وظیفه بر عهده انبیاء، کتاب آسمانی و جانشینان رسولان می‌باشد قرآن در این زمینه می‌فرماید: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند یعنی شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه را به ملت گوشزد بنمایند.

ثالثاً: خداوند متعال هدایت خاصه اش را شامل افرادی خاص قرار می‌دهد که از نور هدایت عامه تکوینی و تشریعی بهره برده‌اند و به این وسیله عنایت خاصه خداوند متعال را دریافت کرده‌اند و نشانه این عنایت این گونه افراد در زندگی راه‌های رستگاری گام بر می‌دارند و اعمال صالح انجام می‌دهند در این زمینه قرآن می‌فرماید: کسانی که در راه ما مجاهده کنند، آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.^۱

رابعاً: انسان از طریق عقل می‌تواند یک سلسله حقایق را درک کند و بخش مهمی از بایدها و نبایدها که از مستقلات عقلیه و ادراکات ضروری است، مانند خوبی انواع احسان و نیکو کاری، زشتی انواع ظلم و فساد را درک کرد ولی در همین امور مسلم از سوی شیاطین و وسوسه گران ایجاد شک و تردید می‌شود که انبیاء با عدالت و رستگاری به یاری انسان‌ها می‌آیند و بر این ادراکات عقلی مهر تایید می‌گذارند و وسوسه‌ها را خنثی و به تعبیر دیگر یادآوری مجددی نسبت به این امور دارند.^۲

خامساً: با اجرای قسط و عدل فوایدی مترتب می‌شود توحید در جامعه تثبیت می‌گردد و تعلیم و تربیت و آزادی انسان‌ها و نجات از ظلمات و بشارت و قضاوت و داوری در رفع اختلاف‌ها و دعوت به حیات و زندگی کامل واقعی و مبارزه با مفسدات اجتماعی که لازمه ش بر پایی عدل و داد در جامعه می‌باشد مستنداً به قرآن عملیاتی بشود که فرمود: ما رسولان خود را

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۹؛ سبحانی، جعفر، الاهیات، ج ۲، ص ۳۸۷-۳۹۵

۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۱۰، ص ۲۹-۲۶؛ پیام قرآن، ج ۷، ص ۳۶-۳۴

با معجزاتی آشکار فرستادیم، و بر آنان کتاب و میزان فرو فرستادیم، تا مردم برای بر پایی عدالت قیام کنند^۱ و در قرآن کریم نمونه‌هایی از مبارزه پیامبران با مفسد اجتماعی و بر پایی عدالت را نشان می‌دهد حضرت شعیب می‌گوید: من جز اصلاح تا آن جا که توانایی دارم چیزی نمی‌خواهم^۲ یا حضرت موسی به برادرش هارون می‌گوید: جانشین من در میان قومم باش و آنان را اصلاح کن و از مفسدان پیروی نکن و حضرت صالح به قومش سفارش کرد: از مسرفان اطاعت نکنید آنانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌نمایند^۳ و مورد دیگر این که شعیب به مردم جامعه خود دستور داد: حق پیمانه را ادا کنید و کم فروشی نکنید و به مردم خسارت وارد نکنید. با ترازوی صحیح وزن کنید و حق مردم را ضایع نکنید و در زمین فساد ننمایید.^۴

سادسا: برای برپایی عدالت در جامعه مولفه‌هایی نیاز است از جمله تشخیص مصادیق عدل به صورت دقیق و ظریف و روشن و صحیح و دوم آن که انگیزه برای اجرای عدل و خود عادل و پارسا بودن و سوم آن که نهراسیدن از موانع و مخالفان و دشمنان و چهارم آن که تعصب به خرج ندادن و دنبال اجرای حق و حقیقت بودن و دوری از تعصبات و حرکت‌های

۱. سوره حدید، آیه ۲۵

۲. سوره هود، آیه ۸۸

۳. سوره شعراء، آیه ۱۵۲-۱۵۱

۴. سوره شعراء، آیه ۱۸۳-۱۸۱

نفس سرکش و طمع کار. بهر حال انجام مولفه‌های فوق ضروری و جدی به نظر می‌رسد.

۳-۳-۵- نظم آرمانی و آمدن حق و زایل شدن باطل

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: نظم آرمانی و جامعه خیالی می‌بایستی بر اساس حق و حقیقت بنا نهاده شده است و مفهوم مخالف این عبارت این است که از اوهام و باطل و خرافه‌ها به دور باشد و نیز طراح و سازنده آن هم بر حق باشد و حاوی حقیقت باشد و هم از طرف حق انتصاب شده باشد و هم به اوصاف حق متخلص باشد و همه این موارد را هم در طرحش و نظم آرمانیش تدارک دیده باشد.

ثانیاً: از حضرت امیرالمومنین (□) نقل شده که فرموده است: چون آن حضرت متولد شد بت‌ها که بر کعبه گذاشته بودند همه بر رو در افتادند، چون شام شد این ندا از آسمان رسید که (جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً) و جمیع عالم در آن شب روشن شد، هر سنگ و گلوخی و درختی که بود خندید آن چه در آسمان‌ها و زمین‌ها بود تسبیح خدا گفتند، شیطان می‌گریخت و می‌گفت: بهترین امت‌ها و بهترین خلائق و گرامی‌ترین بندگان و بزرگ‌ترین عالمیان محمد ﷺ است.^۱

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۸

ثالثا: این حقیقت و فرود آمدن حق قبل از رسالت ظاهریش بوده است که مستندا به روایت طبرسی حضرت زهرا علیها السلام در خطبه تاریخی و مشهور خود بدان اشاره فرمود: گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده خداست پیش از آن که او را بفرستد انتخاب کرد و پیش از آن که برگزیند امید و پیش از آن که مبعوث گرداند برگزید. و نیز علامه مجلسی می‌گوید: آن چه از اخبار معتبر برای من روشن شده این است که آن حضرت قبل از بعثتش از زمانی که خداوند در ابتدای سنش عقلش را کامل کرد نبی و موید به روح القدس بود، فرشته با وی سخن می‌گفت، سخن فرشته را می‌شنید و در خواب او را می‌دید. سپس بعد از چهل سالگی رسول می‌گردید، با فرشته رو به رو سخن می‌گفت و قرآن بر وی نازل شد و مامور به تبلیغ گردید.^۱

رابعا: از این فقره می‌توان چنین استنباط نمود که آمدن حق همه اوهام و رذایل و خرافات و بدعت‌ها را با چالش مواجه نمود و به این نکته اشاره نمود که حقیقت همیشه جاودانه است و اوهام رفتنی و سست بسان خانه عنکبوت هستند و نیز طراح نظم آرمانی خمیر مایه و جان و روحی سرشار از حقیقت و حقانیت می‌طلبد و می‌توان در عرصه‌های گوناگون زمان و مکان به ارائه نظر توأم با عمل اقدام نماید و بعد از ده‌ها قرن بخش اعظمی از جهان بانک الله اکبر سر می‌دهند و شامگاه و صبحگاه به رسالت و

پیامبری او شهادت می‌دهند یعنی در اذان‌های نمازهای یومیه. و این یک حقیقتی آشکار و بارز و هویداست که هیچ کس را یارای انکار آن نیست بلکه دولت‌های مختلف و متفاوت و دشمنان فراوانی در حال مبارزه و اخلال و تحریف و یا انحراف کردن آن هستند. اما ما معتقدیم این معجزه جاویدان او بسان سرعت نور در ثانیه در حال در نوردیدن قله‌های انسانیت و شعور و عقلانیت و حاکمیت و افق و کهکشان و هستی است و هر حرکت منفی که هم بر علیه او انجام بدهند باذن الله تعالی گردونه بر عکس می‌شود و نام او و مکتب او بیشتر بر تارک جهان می‌درخشد و این هم عظمت و قدرت و عنایت خاص خدا می‌باشد و بس.

۳-۳-۶ نظم آرمانی و فلسفه بعثت از زبان دخترش

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: صدیقه طاهره به فلسفه بعثت پیامبر و نحوه‌ی چگونگی و نور او قبل از خلقت اشاره فرمود که بیانش گذشت.

ثانیاً: این نظم آرمانی ارتباط تنگاتنگ و پیچیده و علمی و متقن با فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد به گونه‌ای که ایشان از این کار بسیار نالان شد. ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: ابلیس لعین چهار مرتبه ناله کرد: اول روزی که ملعون شد. دوم روزی که او را به زمین فرستادند. سوم در هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد بعد از

آن که زمان‌ها گذشته بود که پیغمبری مبعوث نشده بود چهارم در وقتی که سوره حمد نازل شد.^۱ یعنی اعوان و انصار شیطان از تخریب نظم آرمانی الهی توسط پیامبر نابود شدند و به ناله و زجه روی آوردند و هم پیمانان و تابعان نیز همین طور.

ثالثا: و نیز مستندا به نهج البلاغه ره آورد بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را چنین بیان می‌کند. حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگامه‌ی بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر آنان فرو ریخت بنگردید که چگونه نعمت‌های الهی بال‌های کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین حق، آن‌ها را در بر گرفت! در میان نعمت‌ها غرق گشتند، و در خرمی زندگانی شادمان شدند، امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند و به حکومتی پایدار رسیدند، آن گاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را بر کسانی اجراء می‌کردند که مجریان احکام بودند و در گذشته کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.^۲

رابعا: چه زیبا علی علیه السلام سخن بیان فرموده است گویی او در زمان ما زندگی می‌کند و حوادث جهان فعلی را رصد و تحلیل می‌نماید در همین

۱. خصال، ص ۲۶۳، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰؛ قصص الانبیاء راوندی، ص ۴۳

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۳-۲۸۲

عصری که ما در آن زیست می‌کنیم در بعضی از کشورها چه اسلامی و چه غیر اسلامی به نام حقوق بشر و کرامت انسانی عده‌ای به قدرت می‌رسند و همان کارهایی را مرتکب می‌شوند که حاکمان قبلی مرتکب شده می‌شوند که حاکمان قبلی مرتکب شده بودند و جالب این است به عنوان مبارز و انقلابی و مخالف آن حاکم بر سر کار آمده‌اند و یا آن‌ها را سرنگون کرده‌اند و خود حاکم شده‌اند فقط اسم حکومت و نوع آن و یونیفرم آنان فقط تغییر گشته است و الا هزاران کار بدتر از قبلی‌ها مرتکب می‌شوند مثلاً کشور عربستان سعودی که اولاً: نام این سرزمین مقدس را تغییر دادند که سرزمین حجاز بوده است و ثانیاً: به نام اسلام ساختگی و من در آوردی انگلیس و صهیونیسم و آمریکا اعمال حکومت و اجرای قوانین اسلامی می‌نمایند قوانینی که علاوه بر آن که با اسلام هیچ نوع سنخیتی ندارند و بلکه تضاد صد در صدی دارد با روح انسانی و مکاتب بشری هم سازگاری ندارند. ثالثاً: از همه این موارد بدتر با کمک دشمنان اسلام و قاتلین انسانیت به مبارزه بر علیه کشورهای اسلامی از جمله ایران و یمن و فلسطین و لبنان و عراق و سوریه می‌روند و به نام دین ساختگی مسلمانان و کودکان و زنان و کهنسالان را به قتل می‌رسانند و به هیچ قانونی هم پایبند نیستند و رابعاً: توسط همان قدرتهای ستمگر و ظالم و طاغوتی این متحجران و قاتلان به عنوان کمیسیار حقوق بشر و نمایندگی تام الاختیار حقوق بشری ساختگی سازمان ملل نیز به آنان عطا می‌گردد واقعا دیگر وقیح‌تر و بدتر و خبیث‌تر از این کاری نیست که بتوان اسم یا نامی روی آن گذاشت و این شجره‌ی خبیثه روی تمامی فرعونیان و بنی امیه و بنی

عباس و مغولان و سفاکان و ضحاکان روزگار را سفید کرده‌اند و بدون شک و تردید این خط ممتد و استمرار خطوط منحنه قابلیان و معاویه‌ها و یزدیان و عمر سعد‌ها است که در لباس و شکل ظاهری وهابیت نمود پیدا کرده است و هر کسی که در هر نقطه جهان از آنان حمایت یا پیروی بنماید بدون شک قطره‌ای از قطرات نحس و نجس خون آنان در تار و پود او جریان دارد مگر این که قاصرو فقر فرهنگی و دینی داشته باشد که پس از توجیه و روشن شدن اگر برگشت معذور است و جزء حریت صفتان و حران زمان ملقب خواهد گشت.

۳-۳-۷ نظم آرمانی و قلم و عقلانیت و عدم دیوانگی

اولا نظم آرمانی متکی به نور الهی و عقلانیت و دستورات الهی می‌باشد چرا که در دامنه گیتی می‌خواهد حکمرانی و حکم فرمائی بنماید پیامبر نشسته بود و جبرئیل این آیات را بر حضرت می‌خواند: (ن و القلم و ما یسطرون) و (ما انت بنعمه ربک بمجنون)^۱ " به حق ن و قلم و آن چه می‌نویسند به قلم سوگند که تو به نعمت پروردگار خود دیوانه نیستی و آن چه می‌بینی از جن و شیطان نیست "

ثانیا: در آیات و روایات فراوانی داریم که نسبت‌های بسیار ناروا و اذیت آزارهای فراوانی از پیامبر می‌کردند و در حدیث آمده که جبرئیل به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت ای محمد پروردگار تو؛ تو را سلام

می‌رساند و می‌گوید تو را که : مدارا کن با خلق من^۱ در این زمینه می‌توان به کتب تفسیری و تاریخی مراجعت نمود و مطالب فراوانی کسب نمود از جمله اصول کافی، وسایل الشیعه، معانی الاخبار، اعلام الوری، المعجم الکبیر، حلیه الاولیا، دلائل النبوه و غیره.

ثالثا: در طول تاریخ بشریت به تمامی پیامبران الهی اهانت، ناسزا و لقب‌های سفیه، ساحر، مجنون، گمراه، خارج از دین و آیین و کیش و مذهب، بحث آورده خرافه و غیر سنت‌های غیر شرعی و غیر قانون الهی و غیر انسانی و بر خلاف وجدان و عقل و سیره‌ی اولیاء و عقلای عالم داده‌اند با آن که خود مرتکب آن خطاها می‌شدند و این مهم هم به خوبی دلیلش روشن است چون انبیاء برای مبارزه با طاغوت و خرافه پرستی و بت پرستی و دعوت به یکتا پرستی می‌کردند لذا چون منافع و مقاصد و قدرت و ثروت و جایگاه دنیوی آنان در خطر بود و می‌بایستی به زیر کشیده شوند و یا قدرت را تحویل دهند و تسلیم حق شوند و یا به مبارزه و کارشکنی و اذیت و آزار پیامبران از جمله پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و پیروان و تابعان آنان می‌نمودند با بدترین و سخت‌ترین شکنجه‌های غیر متعارف زمانه خودشان.

۳-۸-۳ نظم آرمانی و تبیین طراحش از زبان نهج البلاغه

ترجمه خطبه ۱۴۷ را خداوند محمد ﷺ را به حق مبعوث کرد تا بندگان

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۱۶؛ وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۲۰۰

را از پرستش بت‌ها به عبادت خویش دعوت کند و از عبادت شیطان به عبادت خود فرا خواند (این دعوت الهی) به وسیله قرآنی انجام شد که آن را بیانی روشن تبیین و استوار کرده است، تا بندگان، پروردگار خویش را بشناسند، بعد از آن که او را نمی‌شناختند، و به او اقرار نمایند بعد از آن که او را انکار می‌کردند و او را ثابت بدانند بعد از آن که او را نفی می‌کردند. خداوند سبحان در کتاب خویش بر بندگان تجلی کرد و آشکار شد، بی آن که او را ببینند بلکه این تجلی به وسیله آیات قدرتش بود که به آنان نشان داد و بندگان را از سطوت و غضب خویش بر حذر داشت، و چگونگی نابودی اقوام طغیان‌گر و دورو شدنشان به وسیله عقوبت‌ها و کیفرها را به آن‌ها ارائه کرد^۱ اکنون به واکاوی و تحلیل این فقره مبارکه می‌پردازیم.

تحلیل مطلب آن که:

اول آن که:

این خطبه اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نقش قرآن و هدایت مردم را بیان می‌فرماید مفهوم موافق این فقره این است که مقدمات و مواد و بستر تاسیس نظم آرمانی و جامعه خیالی را برای طراح آن فراهم نموده است. آن هم توسط خالق که خودش آفریننده و سازنده همه کائنات و کهکشان‌ها هستند و لذا وقتی این گونه بشود جاودانگی و پایداری و قوام و استحکام آن نظم را برای همیشه تاریخ تثبیت و اعلام می‌دارد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷، ص ۱۹۱، ترجمه دشتی

دوم آن که:

با نکاتی ارزنده و پویا و تاثیرگذار مردم را به پیروی از قرآن و معصومین به خاطر نجات از مفسد اجتماعی و فاسدان به بیان می‌نماید و نیز به همگان یادآوری و گوشزد می‌کند که از سرنوشت و احوال اقوام و طوایف پیشین عبرت بگیرند که به انواع و اقسام بلاها و عصبیت‌ها گرفتار شده بود.

سوم آن که:

از فتنه‌های آینده خبر می‌دهد و از زمانی سخن به میان می‌آورد که مردم در اقسام و انواع آلودگی‌ها و گناهان و فسادها غوطه ور بودند و قرآن را به فراموشی سپرده بودند.

چهارم آن که:

امام علی (ع) در این خطبه بر دو اصل و دو عنصر تاکید اکید می‌فرماید: اول: رها کردن عبودیت و پرستش بت‌ها و گرایش و تبعد و تمسک به یگانگی و وحدانیت خداوند در عبادت و یا عبادات یعنی فقط عبادت خدای مهربان و لا غیر و دوم: رهایی و نجات ساختن خود را از اطاعت و تحت امر شیطان بودن و کمک و توکل و تمسک جستن به ذات اقدس اله.

پنجم آن که:

چگونگی جلوه گری‌های خدا در جای جای کتاب آفرینش در آیات آفاقی و انفسی در آسمان‌ها و زمین در منظره‌ها و سیاره‌های آسمانی و در کوچک‌ترین ذرات وجود ما آثار وعظمت و قدرت و علم و خالقیت خدای

مهربان را می‌بینیم و در خود تفاوت ظاهری و باطنی در جسم و جان انسان و اختلاف شب و روز.
ششم آن که :

همه موارد پنجگانه پیشین مولفه‌ها و پارامترهایی برای قوام و ضمانت اجرائی شدن نظم آرمانی و جامعه خیالی به حساب می‌آیند اما متأسفانه بعد از رحلت پیامبر ﷺ ظلمانی‌ترین دوران‌ها در جامعه اسلامی پدیدار گشت و مسیر اسلام را عوض کردند و بنی امیه با حاکمانی بی رحم و دارای قساوت فوق العاده و علاقه وافر به حکومت با هر قیمتی خصوصاً انتقام جویی و خود کامگی، زبان حق گویان را بریدند و یاران مخلص پیامبر را یا تبعید کردند و یا کشتند و یا خانه نشین کردند و این همان نکته‌ای است که امام علی (علیه السلام) در همین خطبه بدان اشاره فرمودند اما بزرگ‌ترین مانع بر سر راه آنان قرآن بود که اعلان جنگ به ظالمان و ستمگران را می‌داد و مقیاس و معیاری برای شناخت حکومت حق و حکومت باطل و غاصب و ظالم و کفر آلود بود و حتی چنان کاری کردند در دوران امویان که از قرآن هم جزء خط و رسمی باقی نماند و قرآن ناطق را هم خانه نشین کردند و بعد از شهادتش هر چه دوست داشتند بر سر جهان اسلام آوردند. و آن مصیبت‌ها و بدعت‌ها تا اکنون ادامه دارد. و البته همراهی کردن مردم و پشت خاندان وحی و عصمت هم نبودند و به ظلم و ظالم گری کمک کردند به دیگر سخن تا مظلومی نباشد ظالمی به وجود نمی‌آید و در واقع هم ظالم عذاب می‌بیند و هم مظلوم ظالم چون ظلم می‌نماید و هر دو تشکیل یک پدیده شوم و یک صفت منفی و

زشت به نام واژه ظلم و ظلم پروری می‌باشد لذا هر دو مردود می‌باشند.

۳-۳-۹ الگوی امامت و امت در پارادایم نظم آرمانی

یکی دیگر از الگوی نظم آرمانی و جامعه خیالی که در خطبه حضرت زهرا بدان اشاره است یادآوری و جایگاه امت و امام و یا امامت می‌باشد که در خطبه فدکیه بعد از یگانگی خدای مهربان و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بدان شهادت داد رو به حاضران کرده و فرمود: "اتم عباد الله نصبه امره و نهیه، و حمله دینه و وحیه، و امناء الله علی انفسکم، و بلغاوه الی الامم"^۱ یعنی: شما ای بندگان خدا مخاطب و مورد امر و نهی خدا هستید، شما حاملان دین خدا و وحی او هستید یعنی شما مهاجران و انصار بودید که نزول قرآن، وحی و محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کردید، و شما وظیفه دارید که این دین را به جوامع دیگر و نسل‌های آینده منتقل کنید. حمل دین و وحی، همان رسالت رساندن صحیح و کامل آن به نسل‌های بعدی است.

تحلیل مطلب آن که:

اول آن که:

پیامبر اسلام دینش برای ارائه به کل جهان بود و ظاهراً هنوز در جزیره العرب توسعه یافته بود و هنوز جهانی به شکل فعلی نشده بود اگر

۱. طبرسی، الاحتجاج، ص ۹۹

چه شرایط آن زمان با الان بسیار متفاوت بوده است و حتی بعضی از قاره‌ها کشف نشده بود مثل قاره آمریکا و یا خیلی از کشورها وجود خارجی نداشتند و در جهان دو سه امپراتور بیشتر نبودند مثل ایران و یونان و چین و یا خود ایران متشکل از چندین کشور بود از جمله افغانستان و پاکستان و عراق و بعضی از کشورهای شوروی جزء ایران بوده است و البته تاریخ بسان تاریک و ممکن است اقوال و دیدگاه‌ها متفاوت و یا متضاد باشند مهم درک و فهم شرایط آن مقطع می‌باشد.

دوم آن که:

اصحاب پیامبر یعنی مهاجران و انصار می‌بایستی ترویج دهنده‌ی دین اسلام به سایر ملل باشند لذا حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به آنان فرمودند: شما رساننده دین خدایید به سوی امت‌های دیگر یعنی در حقیقت باید الگوی اسلام و عدالت باشید تا ملت‌های دیگر شما را الگو قرار دهند و راه شما را انتخاب کنند پس اگر در آغاز اسلام راه را عوض کردید و از مسیر اصلی منحرف شدید، دیگران چگونه شما را الگو قرار دهند و چگونه به شما اقتدا خواهند کرد؟ و شما چگونه می‌خواهید اسلام را به ملت‌های دیگر معرفی و تبلیغ کنید؟

سوم آن که:

حضرت زهرا با این حرکت نمادین و سوداگری به تبیین خطوط الهی و ولایت و امامت بر حق اسلامی بعد از شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و طراحی الگوی امامت و ولایت و امت همت گماشتند اگر چه این تفکر در حیات نورانی پیامبر کلید زده شد و مقداری هم عملیاتی شده بود. و مولفه‌های متفاوت و

گوناه‌گونی آن را به وضوح و در حد عالی تبیین و روشن نمودند.
چهارم آن که:

متأسفانه در همین اثنا و در زمانی که حضرت علی علیه السلام همراه با چند تن از یاران به تغسیل و تدفین پیامبر رحمت مشغول بودند که ناگهان عده‌ای حرکتی عنکبوتی تحت عنوان شورایی چون کف روی آب به نام شورای کاذب و باطل سقیفه به وجود آوردند و از امامت و ولایت مولا علی علیه السلام بود سرباز زدند و تنها مشکل و مخالف آنان حضرت علی علیه السلام بود که با حرکات آنان موافق نبود و آنان از تهدید و ارعاب برای عملیاتی نمودن خلافت باطل و بیعت ظالمانه خویش استفاده نمودند و به گونه‌ای رفتار نمودند که زهرای اطهر علیها السلام به گریستن شدید روی آورد و اثری عمیق بر نفوس و قلوب مردمان داشت و پرسش‌های فراوانی برای آنان ایجاد کرد که ناخشنودی حضرت زهرا علیها السلام سبب ناخشنودی خداوند است و غضبش غضب خداوند می‌باشد^۱ و مسلمانان برای جلوگیری از اشک‌های حضرت تلاش کردند اما موفق نشدند و اعتراض حضرت همچنان ادامه داشت و آنان نیز ناجوانمردانه فدک را غصب کردند یعنی هم فدک را غصب کردند و هم امامت را و این هدایای معنوی و مادی خدا را که پیامبر به ایشان هدیه فرمودند دزدیدند و در وهله‌ی بعد احکام اسلامی را زیر پا نهادند و آیات را تحریف کردند و در این مقطع اسلام زبان و بیان فصیح نیاز داشت.

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۸؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۷۶.

پنجم آن که:

با توجه به مراتب پیشین در این هنگام دخت پیامبر خمار بر سر نهاد
 جلباب پوشید و در میان گروهی از زنان قومش و وابستگانش بسان پیامبر
 راه می‌رفت و همراه با گروهی از مهاجر و انصار بر ابوبکر وارد شد پرده‌ای
 بین او و مردان آویختند و مجالس مهیا شد و آهی از دل سوخته بر کشید
 که صدای گریه مردم فضای مسجد را پر کرد و ایشان پس از آن که
 گریست و گریاند و قلب‌ها را به تپش در آورده و خطبه تاریخی را شروع
 کرد " شما ای بندگان خدا! پرچم‌های امر و نهی او، حاملان دین و وحی او
 و امین خدا بر خودتان و تبلیغ کننده او به امت‌ها هستید. زعیم و رهبر حق
 الهی در میان شماست و آن عهدی است که خدا بر شما عرضه کرده و
 بقیه‌ای است که آن را برای شما جانشین قرار داده است"^۱ و قوانین الهی
 منطبق بر قانون تکوین بنا شده است به دیگر سخن صورت و چهره‌ی
 آشکار قوانین تکوینی می‌باشد مستند به قرآن که تعبیر به "فطرت"
 می‌آورد و فرمود " فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله
 ذالك الدين القيم"^۲ یعنی " خلقت الهی که خداوند مردم را به آن خلقت
 الهی که خداوند مردم را به آن خلقت آفریده است. خلقت خدا تغییر و
 تبدیلی ندارد. آن همان دین استوار است." خروج از این قانون تکوین و
 نظام خدایی سبب معلولیت جامعه اسلامی شود و آن را در معرض هلاک و

۱. طبرسی، احتجاج، ص ۹۹

۲. سوره روم، آیه ۳۰

انحراف و تحجر و کج اندیشی و دنیا طلبی قرار می‌دهد کما این که در صدر اسلام با تغییر جایگاه امت و امامت به جایگاه خلافت و رعیت و سپس به امپراطوری و پادشاهی بزرگ‌ترین جنایات و قتل و کشتارها و خیانت به انسانیت و اسلام و عقلانیت و فطرت و پاکی شد و کثیف‌ترین انسان‌ها بر سر کار آمدند که بزرگ‌ترین و عزیزترین انسان‌های معصوم و پیروان آنان را به شهادت رسانیدند از جمله شهادت امام علی علیه السلام هنگام نماز امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا با لب عطشان و شهادت امام رضا علیه السلام و پیروان و دوستداران آنان اکنون در سرتاسر جهان از جمله خود عربستان و یمن و سوریه و لبنان و عراق و کشورهای آفریقایی و پاکستان و افغانستان.

ششم آن که:

الگوی امت و امامت در بیان نورانی زهرای اطهر دارای پارامترها و مولفه‌های خاص خودش است که بدان می‌پردازیم

یکم: جامعیت و پویایی دین که این خودش بیانگر این است که اسلام کامل کننده دین‌های پیشین و یا ناگفته‌های آنان را تکمیل می‌کند و کاروان بشری به حسب ظرفیت و توان خویش از آن بهره مند می‌شوند و تناسب این آموزه‌های دینی با مسائل روز و مسائل جدید و جوابگویی، به همه نیاز و اقتضائات زمانی که این مساله با قرآن و سنت بیان می‌گردد. و فطری بودن مولفه‌های آن و تطبیق مفاهیم آن با عقل و منطق و کاربرد آن مفاهیم در زمان‌های گوناگون و به تناسب پیشرفت تکنولوژی و علم و دانش و تجربیات بشری این ظرفیت و شایستگی را دارد و قدرت رقابت با

همه ادیان را دارد همان گونه که بیان شد تکامل آنان است.
دوم: حامیان واقعی این دین شیعیان و پیروان واقعی اسلام ناب بوده‌اند زیرا شیعیان با کمک گرفتن از اهل بیت عصمت و طهارت در معیت قرآن مجید در تحلیل جامعیت و پدیده بودن اسلام توفیقات فراوانی داشته‌اند و الگوهای عملی مستندا به رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و چهارده معصوم مورد عنایت شان بوده است.

سوم: به وسیله قلم و نوشتار و نویسندگی مستندا به آیات (اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ) (الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ)^۱ و (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ)^۲ و نمایه‌های هنری و زبان هنر و فهم زبان بین المللی و هنرهایی از جمله مجسمه سازی، خط، نمایش، نقاشی، و بیان و سخنوری مستندا به قرآن (الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان)^۳ و مولفه

چهارم: یادآوری نعمت‌ها و رحمت‌های الهی و نعمت آزادی و استقلال و نعمت رزق و روزی و نعمت وحدت و نعمت رهبری و هدایت و تحریک عواطف و پرسش از مخاطبان و تشویق و تهدید و بیان تاریخ و سرنوشت گذشتگان و تلقین و تشبیه و تمثیل و برهان و جدل و مناظره و آگاهی به شبهات یا جنگ سرد و تعادل میان دنیا و آخرت و شیوه و فرض مخالف و آماده سازی و ایجاد زمینه و معرفی الگوهای

۱. سوره علق، آیات ۳ و ۴

۲. سوره قلم، آیه ۱

۳. سوره رحمن، آیه ۱۴

خوب و بد و تداوم و تکرار دعوت به مشترکات و پرسش و پاسخ و مولفه

پنجم: مستندا به مبانی قرآنی هدایت که به معنای ارشاد و راهنمایی است و به دو نوع عامه و خاصه و خود خاصه بر دو قسم است هدایت تکوینی و هدایت تشریعی و منشا هدایت خداوند است او برای هدایت انسان ها، هدایت گرانی را از جمله؛ پیامبران، کتب آسمانی و ائمه قرار داده است و موانع هدایت شامل شیطان، دنیا، هوای نفس، می باشد مسیر هدایتگران به سوی خداوند و صراط مستقیم می باشد. مومنان از هدایت بهره مند می شوند، و کافران از این نعمت محروم می باشند. دنباله روی از هدایت، دوری از خوف، حزن و برخورداری از آمرزش و رحمت را در پی دارد. برخورداری از هدایت و یا محرومیت نتیجه اعمال و کردار خود انسان و بیان کننده اختیار آدمی در این زمینه می باشد^۱ و نیز هدایت به معنای دلالت و نشان دادن هدف به وسیله نشان دادن راه که این خود یک نحوه‌ی رساندن به هدف است را تعریف نموده اند^۲ و هدایت الهی دلالت به سوی کمال وجودی خاص که هر موجودی ذاتا میل و کشش درونی به سوی این مقصد و این کمال وجودی دارد. چنین هدایتی از طریق خلق قوا و تنظیم استعدادها و فراهم ساختن قابلیت ها و زمینه هایی که هر موجودی

۱. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، محقق علی عباسیان، قم، اسراء، ص ۲۱
 ۲. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۴، قم جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق

را به سوی کمال ویژه‌ای که لایق اوست روانه می‌سازد صورت می‌گیرد. آن چه که در زبان زیست‌شناسی، غریزه نامیده همین قوای ویژه و طبیعت حیوانی است که حیوان را به سوی کمال او و سعادت می‌که ملایم طبع اوست رهنمون می‌سازد^۱ در قرآن کریم در تعبیر وحی به زنبور عسل اشاره به همین نوع از هدایت است^۲ و پروردگار تو به زنبور عسل "وحی" الهام غریزی نمود.

هفتم آن که:

یکی از بزرگ‌ترین طرح و سخن و قانون برای الگوی امت و امامت خود قرآن کریم می‌باشد که وجود مقدس امیر بیان علی بن ابی طالب علیه السلام در بیش از بیست خطبه نهج البلاغه به معرفی قرآن و جایگاه آن پرداخته است و گاه در بیش از نصف خطبه به تبیین جایگاه قرآن و نقش آن در زندگی مسلمانان و وظایف آنان در قبال این کتاب الهی اختصاص پیدا کرده است و قرآن، چند کتاب آسمانی است که در اختیار انسان است.

امام در خطبه ۱۳۳ می‌فرماید: "قرآن در دسترس و جلوی روی شماست. بر خلاف کتب آسمانی ادیان دیگر از قبیل کتاب حضرت موسی و حضرت عیسی قرآن در اختیار شماست" و نیز فرمود: کتاب خداوند در میان شماست سخن‌گویی است که هرگز زبانش (از حق‌گویی) خسته نمی‌شود، و خانه‌ای است که پایه‌هایش هرگز فرو نمی‌ریزد، و قدرتی است که هیچ

۱. جباری، ابوالحسن، هدایت و تقلید در تشیع، شیراز، نوید، ص ۵۴، ۱۳۷۹

۲. سوره نحل، آیه ۶۸

گاه یارانش شکست نمی‌خورند.^۱ نکاتی چند در این فقره قابل تامل و تعقل است. ۱- در امت‌های گذشته خصوصاً در بین یهود بنی اسرائیل کتاب مقدس در اختیار همگان نبوده است بلکه نسخه‌های محدودی از تورات در نزد علمای یهود بوده و همگان به تورات دسترسی نداشتند.

۲- اناجیل اربعه به دست افرادی گرد آوری شده و کتابی نیست که بر حضرت عیسی وارد شده و از وضعیت یهود بدتر بوده است.

۳- اما کیفیت نزول قرآن و قرائت و تعلیم آن از جانب پیامبر ﷺ به گونه‌ای بود که مردم می‌توانستند آن را فرا بگیرند و آیاتش را حفظ کنند و قرآن به طور کامل در دسترس شان بود.

۴- قرآن به وسیله خود خدا حفظ می‌شود و هیچ تهدیدی بر آن حاکم نمی‌شود و کار ساز نیست.

۵- مضافاً بر آن پیامبر به حفظ آیات و فراگیری امت همت گماشتند که در همان زمان رسول خدا عده کثیری حافظ قرآن بودند.

۶- نسخه‌های جدیدی که نازل می‌شد در اختیار مردم بود و به تدریج حفظ می‌کردند یا به طریق نقل سینه به سینه از حافظی به حافظ دیگر یا تکثیر نسخ قرآن در اختیار همگان قرار می‌گرفت.

۷- حضرت امیر تاکید بر این نکته دارند که این کتاب گویاست و زبانش به کندی نمی‌گراید و خسته نمی‌شود و هرگز لکنت نمی‌گیرد بنایی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، مترجم محمد دشتی، ص ۱۷۷

است که پایه هایش فرو نمی‌ریزد و پیروزمندی است که یارانش شکست نمی‌خورند.

۸- هدایت قرآن در هر زمان و هر مکان و در هر شرایط و هر دوران می‌باشد اگر چه به ظاهر ساکت است اما با هزاران زبان پیوسته سخن می‌فرماید و هر کس در کنار آن بنشیند و آواز آنرا بشنود در سبهای سعادت بخش آنرا پیوسته که در گوش انسانها فرو می‌خواند می‌شنود

و یا در بخش اول خطبه ۱۵۸ می‌فرماید: "خدا او پیامبر اسلام را در زمانی فرستاد که مردم از پیامبران پیشین فاصله گرفته بودند و تعلیمات آنان به فراموشی سپرده شده بود ملت‌های جهان به خواب عمیقی فرو رفته بودند و تار و پود نظام زندگی انسانها و حقایق مبهم از هم گسسته بود. او در این هنگام برای مردم کتاب آورد که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کرد و نوری که باید به آن اقتدا شود در پرتو آن پیش روند این کتاب همان قرآن است آنرا به سخن آرید تا همه چیز را بازگو کند هر چند هرگز برای شما نسبت به تمام این امور سخن نمی‌گوید، ولی من از جانب او به شما خبر می‌دهم و اسرار مکتومش را فاش می‌سازم آگاه باشید در آن علم آینده و اخبار پیشین و داروی بیماریهای شما و نظم و سامان بخش روابط میان شماست." ۱

یک نکته و هزاران افسوس:

متأسفانه امروزه از قرآن آن طور که بایسته و شایسته است استفاده نمی‌شود یا برای مردگان واموات استفاده می‌شود در صورتی که قرآن کتاب زندگانی و چگونه زیستن و به کمال و افق رسیدن را آموزش می‌دهد و یا مسافرا زیر آن رد می‌کنند و یا در طاقچه می‌گذارند که دزد به اسباب و اثاثیه نرزد و یا سرگرم حفظ و ترتیل و قرائت آن شده‌اند و حتی در شبکات تلویزیونی و امواج رادیویی و یا حتی در جلسات مسئولین در حد مطلع سخن و اجراء برنامه دخالت می‌دهند در حالیکه به محتوای آن عمل نمی‌کنند و آموزه‌های آن درست و به موقع و به هنگام و به موقع و به هنگام عمل نمی‌شود واقعا کلاهی خودمان را قاضی بکنیم و به وجدان خویش مراجعت بنماییم چقدر در دادگاه‌ها به آیاتی مربوط به قسط و عدل و داد است و حتی در پیش روی آنان است عمل می‌کنند و بر اساس آن انشاء رای می‌نمایند و چقدر مسئولین به همین کتاب عزیزهنگامی که به کرسی قدرت و ثروت می‌رسند و قسم بدان می‌خورند پایبندند. اگر واقعا و حقیقتا به معنای واقعی کلمه به فرامین و دستورات آن عمل می‌شد دیگر میلیون‌ها پرونده در دادگاه‌ها و ده‌ها هزار طلاق و صدها هزار زندانی نداشتیم و این همه مفسدان اقتصادی و تهاجم فرهنگی و عدم وجدان کاری و عدم انضباط اجتماعی و عدم عدالت اجتماعی و فاصله فاحش میان فقرا و اغنیا و عدم نظارت قوی و عدم اخلاق حسنه و عدم رعایت حقوق همسایه و اعتقاد داشتن به دروغ که کلید همه گناهان است و ده‌ها و صدها از این موارد اگر طبق قرآن عمل می‌شد ما این همه مشکل نداشتیم و حتی کشورهای

اسلامی اگر بدان عمل می کردند الان گرفتار هزاران مصیبت از جمله در ید کفار و خوار و ذلیل نبودند.

۳-۳-۱۰ نوع برخورد و پوشش رهبر نظم آرمانی

بزرگترین معیار و ملاک برای نظم آرمانی و جامعه خیالی رهبر و خیمه اصلی آن یعنی مدیریت و یا همان امامت که در راس امت است می باشد و در این بعد هیچ شک و شبهه ای راه ندارد و بر آن خدشه وارد نمی شود و بعد از این نوع برخورد و پوشش و اخلاقیات رهبر را به موشکافی و واکاوی می گذاریم .

حضرت زهرا (علیها السلام) به اساس و اصول کلی و فلسفه بعثت و رسالت پیامبر اشاره فرموده اند. اما نوع پوشش و برخورد از آن اصول کلی و خطبه های و گران بها از زبان بزرگان و اندیشمندان و فقیهان^۱ بیان می کنیم. ۱- رسول خدا بردبارترین، شجاع ترین و پاکدامن ترین مردم بوده است ۲- از همه مردم بخشنده تر بود، هیچ دینار و درهمی شب در نزد او نمی ماند و اگر وجهی زیاد می آمد و اگر وجهی زیاد می آمد و کسی را پیدا نمی کرد که به او بدهد و شب ناگهان می رسید به خانه نمی رفت تا آن را به نیازمندش می رساند. ۳- کسی که چیزی از او می خواست می داد و آن چه خدا به او داده بود تنها به مقدار قوت سالانه خود ساده ترین چیزی که در دسترس بود از خرما وجود برداشت می کرد و بقیه آن را در راه خدا

۱. راه روشن، ج ۴، ترجمه کتاب المجه البیضاء ملا محسن فیض کاشانی، ص ۱۴۹

می‌داد. ۴- بسیار با حیا و به چهره کسی نگاه نمی‌کرد، هدیه را می‌پذیرفت و در عوض هدیه می‌داد در مقابل همه افراد فقیر و غنی یک نوع برخورد داشت و برای پروردگار خشمگین می‌شد نه برای خود، از گرسنگی سنگ به شکم مبارکش می‌بست. ۵- هرخوراکی را که حاضر بود میل می‌کرد، درباره آن چه موجود بود نمی‌پرسید و آن را رد نمی‌کرد و از خوردن غذای حلال خودداری نمی‌فرمود. در وقت غذا خوردن تکیه نمی‌داد و روی سفره نمی‌نشست بلکه پارچه‌ای زیر پاهایش می‌انداخت و از نان گندم سه روز متوالی سیر نخورد تا به دبیدار خدا شتافت و این اعمال را از باب ایثار و به خاطر کمک به دیگران می‌کرد نه به دلیل فقر و نه به سبب بخل. ۶- در بین دشمنان تنها و بدون پاسدار راه می‌رفت و از همه مردم متواضع‌تر و از همه ساکت‌تر اما نه از راه کبر و سخنش رساتر از همه بود بدون کلام زاید و خوشروتر از همه بود؛ هیچ امری از امور دنیا او را وحشت زده نمی‌ساخت و دعوت به مهمانی را قبول می‌کرد و به عیادت بیماران می‌رفت و تشییع جنازه می‌کرد. ۷- هر لباسی که ممکن بود می‌پوشید، گاهی پارچه‌ای به دور خود می‌پیچید و گاهی برد مخصوص یمنی و گاهی جبه پشمی، هر پوشیدنی را که از راه مباح در اختیار داشت می‌پوشید. بر پشت خود برده و غیر برده را سوار می‌کرد و انگشتر نقره به انگشت کوچک دست راست و چپش می‌کرد. بر هر چه ممکنش بود، از قبیل استر شهباء و الاغ و اسب و شتر سوار می‌شد و گاهی پیاده و با پای برهنه بدون ردا و عمامه و کلاه راه می‌رفت.

۸- از بیماران در دورترین نقطه شهر عیادت می‌کرد، بوی خوش را

دوست می داشت و از بوهای بد ناراحت می شد. با تهیدستان همنشین و با مستمندان هم خوراک می شد و صاحبان فضیلت را برای اخلاق خویشان گرامی می داشت و با شرافتمندان به نیکوکاری برخورد می کرد با خویشاوندان صله رحم می کرد بدون این که دیگران را برایشان مقدم بردارد.

۹- به کسی ظلم و یا ستم نمی کرد، هر که از او معذرت می خواست عذرش را می پذیرفت. شوخی می کرد ولی جز سخن حق نمی گفت می خندید اما نه با صدای بلند با آن حضرت صحبت می کرد تحمل می نمود.

۱۰- هیچ مستمندی را به سبب بی چیزی و درماندگی اش تحقیر نمی کرد و هیچ شاهی را به سبب سلطنتش اهمیت نمی داد، برای هر دو در پیشگاه خدا یک نوع دعا می کرد یک ماده شتر و گوسفندی داشت که و اعضای خانواده اش از شیر آنها تغذیه می کردند. همه کسانی که با او ارتباط و زندگی می کردند از نظر خوراک و پوشاک بر آنها برتری نداشت. جز در کار خدایی وقت را نمی گذارند و به باغهای اصحابش تشریف می کرد.

۱۱- خداوند اخلاق خوب و سیاست کامل را در آن حضرت، با وجود این که نه می توانست بنویسد و نه بخواند جمع کرد، در مناطق کوهستانی و بیابانهای خشک، در حال گوسفند چرانی و یتیمی که پدر نداشت و نه مادر، بزرگ شد. پس خداوند تمام اخلاق نیک و راه و رسم پسندیده و شرح حال گذشتگان و آیندگان، و آن چه را که باعث نجات

و رستگاری در آخرت و غبطه در امر خیر و موفقیت در دنیا بود و با واجب و ترک امور زاید ارتباط داشت به آن حضرت آموخت.

۱۲-هیچ زن یا خدمتگزاری را نفرین نکرد. هیچ گاه پیامبر از بسترش ایراد نگرفت، اگر فرشی می انداختند می خوابید و اگر نمی انداختند روی زمین می خوابید، بدی را با بدی مجازات نمی کرد بلکه عفو می کرد و می بخشید به هر کس می رسید ابتدا سلام می کرد و هر که درباره ی حاجتی با او حرف می زد می ایستاد و کمکش می کرد و کسی جای او را از جای نشستن بود، می نشست. و هیچ گاه کسی ندید که در نزد اصحابش پاهایش را دراز کند تا جا را بر کسی تنگ کند مگر این که جا زیاد می بود و کسی در تنگا قرار نمی گرفت. و بیشتر اوقات رو به قبله می نشست و برای همگان دعا می کرد و می فرمود همانا من برای هدایت و رحمت مبعوث شده ام نه برای نفرین. و به هر کسی که بر او وارد می شد احترام می کرد و حتی برای کسی که نه با وی خویشاوندی داشت و نه وابسته رضاعی اش بود، جامه اش را پهن می کرد و او را بر روی آن می نشاند. کسی با او صمیمی نمی شد مگر اینکه تصور می کرد از همه کس نزد آن حضرت گرمی تر است، به گونه ای که هر کس همنشین آن حضرت می شد، بهره خویش را از سیمای وی می برد، تا آن جا که نشست آن حضرت، شنیدن، سخن گفتن و جاذبه مجلس و تمام توجهش به هم نشین

بود و با تمام این‌ها متخلص به حیا، تواضع و امانت بود.^۱

۱۳- خدای بزرگ می‌فرماید: "از پرتو رحمت الهی در برابر آن‌ها نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند"^۲ هر گاه می‌خواست اصحابش را صدا بزند برای احترام و دلجویی ایشان به کنیه صدا می‌زد و حتی کسانی که کنیه نداشتند کنیه می‌دادند و همچنین زنانی که فرزندان داشتند کنیه‌ای می‌داد و نیز نام زنانی که فرزند نزاده بودند با کنیه آغاز می‌کرد و کودکان را کنیه می‌داد تا بدان وسیله دل‌های ایشان را نرم سازد.

۱۴- از همه مردم گشاده زبان‌تر و شیرین سخن‌تر و صدایش رسا و از همه‌ی مردم خوش نواتر بود و از کسی که سخن ناپسند می‌گفت رو بر می‌گرداند و از همه مردم لبخندش بیشتر و خوشخوتر بود و از همه مردم خشنودتر و هر غذایی که فراهم بود میل می‌کرد و بیشتر اوقات که برای غذا خوردن می‌نشست دو زانو و دو پایش را جمع می‌کرد همان‌طور که نماز گزار می‌نشیند و می‌گفت همانا من بنده‌ام و همچون بنده می‌نشینم و چون بنده غذا می‌خورم. و نان جو سبوس نگرفته و خیار با خرما و نمک و آبگوشت را با گوشت و کدو و نان و روغن و از گوسفند ذراع و شانه آش و آب را در سه نوبت میل می‌فرمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر چه از انواع جامه از جمله رو انداز، ردا، پیراهن،

۱. پیشین، ج ۴، ص ۱۵۶

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

جبه، و یا هر چیز دیگر می پوشید و از جامه سبز خوشش می آمد و بیشتر جامعه هایش سفید بود و تمام جامعه های پیامبر ﷺ روی کعبین (استخوان بر آمده پشت پا) قرار داشت و روپوشش در بالای آن تا نیمه ساق و بند پیراهنش بسته بود، چه بسا در حال نماز و دیگر اوقات بندها را می گشود، گاهی عباى وصله دار می پوشید و می فرمود " من بنده هستم و همان را می پوشم که بندگان می پوشند و گاهی روی حصیر بدون این که چیز دیگری زیرش باشد، می خوابید و انس می گوید: چه بسیار دیدم که پیامبر ﷺ نماز ظهر را در عبایی که از هر دو طرف به هم گره زده بود به جا می آورد^۱ و نیز انس گوید که زن یهودی گوشت مسموم گوسفندی را نزد پیامبر ﷺ آورد تا از آن تناول کند، پیامبر از آن زن علت را پرسید. او در جواب گفت من قصد کشتن او را داشتم پیامبر فرمود خداوند تو را بر این عمل توفیق نمی دهد به پیامبر ﷺ گفتند: آیا آن زن را نمی کشی؟ فرمود: نه^۲. پیامبر ﷺ بسیار چشم پوشی از ناپسندی ها می کرد و بسیار سخاوت و بخشنده گی داشتند و صورت و سیرت یکسانی داشتند و بسیار شجاع و نیز بسیار متواضع بودند و نیز مستندا به قرآن که فرمود " او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آن ها بخواند و آن ها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد^۳ یا

۱. راه روشن، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۶۳

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴

۳. سوره جمعه، آیه ۲

آیه‌ای دیگر که درباره‌ی وضعیت پیامبر ﷺ قبل از بعثت می‌فرماید "پیش از این نه کتابی می‌خواندی و نه با دست خود چیزی می‌نوشتی تا موجب تردید دشمنانی که می‌خواهند سخنان تو را ابطال کنند، گردد" نکاتی چند در این زمینه قابل تامل است اولاً: در محیط حجاز با سواد بسیار کم بودند و حتی از ۱۷ نفر تجاوز نمی‌کردند و نیز یک زن با سواد وجود داشت^۲ اگر پیامبر نزد استادی تعلیم و آموزش دیده بود هویدا می‌گشت. ثانیاً: نکته اصلی این است که درس نخواندن غیر از بیسوادی می‌باشد و کسانی که این گونه بیندیشند یعنی کلمه امی را به معنای بیسواد معنا نمایند صحیح به نظر نمی‌رسد و هیچ منافاتی ندارد که باذن الله تعالی پیامبر خواندن و نوشتن را بداند بدون آن که نزد استادی تعلیم و آموزش دیده باشد و این از کمالات انسانی و تکمیل کننده رسالت پیامبر ﷺ است شاهد مثال کلمات معصومین است که پیامبر می‌توانست بخواند و یا بنویسد^۳ اما برای این که تردید شود از این هنر استفاده نمی‌کرد. ثانیاً: پیامبر یقیناً نزد کسی درس نخوانده است و هیچ دلیلی معتبری هم نیست که قبل یا بعد بعثت از آن عملاً چیزی را خوانده یا نوشته باشد و این موضوع هم تضادی با آن ندارد که پیامبر ﷺ به تعلیم پروردگار بر

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۸

۲. فتوح البلدان بلاذری، مصر، ص ۴۵۹

۳. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۳۲

خواندن یا نوشتن قادر بوده باشد.^۱

تحلیل مطلب آن که:

اول آن که:

اهمیت و محتوای نظم آرمانی و جامعه خیالی توسط آن مجموعه و نوع مدیریت و اجرای آن منظومه کلی و نقشه عالی با تمام زوایا و ابعاد آن به وسیله رهبر و تجلی در سیمای رهبری و بازوان توانمند و تدابیر ژرف نگر و تعمق برانگیزاو هویدا می‌گردد و می‌توان این را یک اصل کلی و معیاری تمام عیار برای مکاتب الهی و غیر الهی و رهبران دینی و غیر دینی به عنوان اشیل و ترازو قرارداد منهای حقانیت و یا ابطال بودن آن مکتب و به نظر می‌رسد می‌توان این نگاه کلی و این رویکرد جامع را پذیرفت.

دوم آن که:

وقتی سخن از نظم آرمانی مبتنی بر پارادایم نوع برخوردی و یا پوششی و یا مدیریتی می‌نماییم بدون شک و تردید بعد از پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت علی علیه السلام والاترین و بزرگ‌ترین رهبر این اردوگاه می‌باشند و شاهد و مستند بزرگ بر این ادعا حکومت قریب به پنج ساله ایشان و فرامین همه زمانی و همه مکانی ایشان برای کل بشریت

۱. تفسیر نمونه، ج، ۴۰۳-۴۰۰

می‌باشد^۱ و بعد از ایشان باذن الله تعالی یازده معصوم و نور الهی که بر اساس حکمت و علم خداوندی در نظام احسن و بر اساس شرایط زمانی و مکانی به در افشانی و حکمت و مدیریت و رهبری کاروان بشر در ازمنه و امکانه مختلف و متفاوت همت گماشته‌اند و اسناد و مدارک آن در کتب معتبره و احادیث موثقه موجود می‌باشد و از طرق مختلف و متفاوت راویان و اندیشمندان و سوداگران علم و ادب و فرهنگ و اندیشه و فیلسوفان و شرق شناسان بدان پرداخته‌اند و واکاوی جدی نموده‌اند. دایره المعارف‌های گوناگون خود سندی گویا و حقیقی زنده و پدیده‌ای موجود در این بعد می‌باشد.

سوم آن که:

درک شرایط مقطع زمان رسول الله ﷺ و حیات طیبیه زهرا (علیها السلام) و خصوصیات اقلیمی و فرهنگی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و توپوگرافی و جغرافیایی آن عصر با تمامی حالات و خصوصیات بیان شده فوق در این مقطع و مضافاً بر موارد فوق تجربیات کاروان بشری و قله‌های علم و تکنولوژی و نانولوژی و محصولات و فرآورده‌های گوناگون آن و فضا‌های مجازی و مسایل صوتی و تصویری و اینترنتی و حتی پیشرفته‌تر از آن به نام اورنت که در حال طراحی سخت افزاری و نرم افزاری و فیبرهای نوری آن هستند. را نمی‌توان از نظر دور داشت اما در یک سری مسائل انسان به

۱. آزادی، اسد، بررسی تطبیقی حکومت امام علی (علیه السلام) و حکومت ایالات متحده آمریکا

ما هو انسان اشتراکاتی دارند و آن کرامت انسانی و عدالت اجتماعی و حقوق بشر و در ساحت فردی بشر مثل حیا و عفت و حرص و طمع و معنویت و مسایل تغذیه‌ای و وسایل نقلیه‌ای و از این قبیل در آن مقطع نیاز بوده و در این مقطع هم نیاز است منت‌های مراتب شکل و صورت و قیافه آن دگرگون و تغییر یافته است اما هویت آن و محتوای آن یکی بوده و هست و این هم قابل تامل و تفکر است.

چهارم آن که:

مستندا به قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام و روایات معتبره شیعی و سنی و نیز اسناد خاورشناسان و شرق شناسان و اسلام شناسان غیرمسلمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای تمام فضائل انسانی به عنوان رهبر نظم آرمانی واسوه والگو برای این حرکت بوده‌اند و خاندان عصمت و طهارت به تبع آن نیز همین گونه بوده‌اند و مفهوم مخالف این عبارت این است که ساحت مقدس و منور آنان از تمام رذایل انسانی مبرا و مطهر بوده‌اند و این مهم تصورش موجب تصدیقش می‌شود و بسیار ضروری و طبیعی به نظر می‌رسد و در این فقره نکات ژرف و فرح زایی نهفته است که اهل خرد و دل و برهان و حکمت و عرفان نظاره گر و رهیافت آنند.

پنجم آن که:

رهبر نظم آرمانی و یا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مولفه‌هایی همچون بردباری، شجاعت، پاکدامنی، بخشنده‌گی، قناعت، عدم دلبستگی، به دنیا و مقامات دنیوی، کمک به دیگران، حیا، رعایت عدالت و انصاف در رفتار با همه انسان‌ها حتی مخالفین، ساده زیستی و ساده پوشی، دوری از تجملات،

مهربانی و عیادت بیماران، نیک رفتاری، بدون محافظ و بادیگارد، دعا برای همگان حتی دشمنان رحمت برای عالمیان و گشاده رویی، تناول غذاهای ساده و چشم پوشی از ناپسندی‌ها سرآمد همه انسان‌ها هم عصر خود و سمبل برای کل کاروان بشری در کل زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد بدون شک هر کس در آن مقطع سیمای نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت می‌کرد و یا در اکنون احوالات و خصوصیات او را مطالعه بنماید همچون او پس قرنی ندیده شیدا و عاشق او می‌شود به گونه‌ای که در راه وصالش به شربت شهادت نائل می‌گردد یعنی به ابدیت و کمال کامل و قرب قاب قوسین می‌شود و شاهد دل انگیز و زیبای حیات طیبه و زیبای زندگی در سرای جاودانه را چشیده و تا همیشه وجود لذت و بهره خواهد برد حاصل آن که به لقاء الله و لقاء حق رسیده و حق همیشه جاودانه است.

ششم آن که:

کدام یک از رهبران جهان در طول تاریخ بشریت توانسته‌اند اندک تقرب یا شباهت و یا گامی هر چند کوچک در یکی از مولفه‌های پیشین بردارند آیا رهبران جهان حاضر بدون محافظ و پاسدار و بادیگارد در میان ملت خویش راه بروند چه برسد به دشمنان خویش؟! آیا روسای کشورهای جهان حاضرند با یتیمان و پا برهنگان و فقیران هم غذا و هم کاسه شوند؟! آیا نخست وزیران جهان حاضرند تمام دارایی‌های خود را ببخشند؟! آیا مسئولین کشورهای جهان حاضرند تمام مخالفین و منتقدین خود را ببخشند؟! آیا متصدیان کشورهای گوناگون حاضرند ساده زیست و ساده پوش باشند و به جای ماشین‌های ضد گلوله و هواپیماهای فس

کلاس سوار ماشین‌هایی شوند که سایر ملت می‌شوند؟! آیا نمایندگان و وزراء و استانداران کشورهای جهان حاضرند از همه ناپسندی‌ها چشم پوشی کنند و گشاده رویی بنمایند و غذاهای ساده میل نمایند؟! آیا رهبران جهان حاضرند به کسانی که قصد ترور آنان را دارند همچون زن یهودی که می‌خواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مسموم نماید فی المجلس ببخشند و رهایشان کنند؟! آیا رهبران جهان حاضرند برای دشمنانشان دعا کنند و آرزوی خوشبختی و هدایت بنمایند؟! آیا مسئولین کشورهای جهان نسبت به نگاهی که به چهره‌ی دیگران دارند حیا و عفت در چشمانشان حلقه می‌زند؟! آیا رهبران کشورهای جهان حاضرند در رفتار با همه انسان‌ها حتی مخالفین یکسان و با انصاف و عدالت رفتار نمایند؟! آیا رهبران کشورهای جهان مایلند به دنیا و پست‌ها و مقامات دنیوی دلبستگی نداشته باشند و بی خیال آن بشوند؟! آیا رهبران جهان می‌توانند از کاخ‌ها و نهادهای ریاست جمهوری دل بکنند و بدون تجملات و با مهربانی با هم نوعان خود زندگی کنند و بدون آلایش باشند؟! آیا رهبران جهان حاضرند به عیادت بیماران بروند و به صله رحم بروند و از تشریفات دوری کنند و نیکوکاری بنمایند?!

یک مثال در این عصر و زمانه و قضاوت را به خوانندگان عزیزم وا می‌گذارم چند سال پیش خادم حرمین شریفین در عربستان سعودی به کشور مالزی یا اندونزی سفر نمود ده‌ها وسیله تفریح و ماشین‌های شخصی با هواپیماهای شخصی به آن جزایر برد که چند روزی تفریح نماید و یا سفارش ساخت هواپیمای مخصوص می‌دهند که گویا یک مینو شهرک

است با بهترین و پیشرفته‌ترین امکانات و فناوری جهان با این تفاوت که او می‌تواند بپرد و به پرواز درآید اگر گفته شود در این سفر تفریحی چند روزه مبالغی که هزینه شد برابری می‌کند با ساخت یک استان از همان کشور و یا بر طرف نمودن مشکلات چند صد هزار مردمان فقیر و مظلوم آن خطه خصوصا شرق آن یعنی شیعیان ستم‌دیده و غمگسار آن دیار.

۳-۱۱ نظم آرمانی و کیفیت قبض روح رهبر آن

حضرت زهرا (علیها السلام) در ادامه خطبه به نوع کیفیت و قبض روح رهبر نظم آرمانی بر اساس رغبت و ایثار اشاره می‌فرمایند "... ثم قبضه الله الیه قبض رافه و اختیار، و رغبه و ایثار بمحمد صلی الله علیه و آله عن تعب هذه الدار فی راحه ..."^۱

یعنی "تا هنگامی که خداوند او را به سوی خود فرا خواند، فرا خواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گردا گرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فرا گرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده اش باد، سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

۱. دلائل الامه؛ طبری، ص ۲۱۲، کشف الغمه؛ ج ۲، ۵۸ بلاغات النساء

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: هر نظم آرمانی و هر رهبر و مدیری شهادت و موتی به دنبال خود دارد و خداوند در دو جهان همیشگی است و جاودانه و سرمدی بوده و وجودش از قبل بوده و هست و خواهد بود و افول هرگز نخواهد داشت و صد البته انسان‌ها هم بعد از دمیدن روح در کالبدشان در پرتو نور الهی و قدرت و مشیت او جاودانه خواهند بود و پیامبر عظیم الشان اگر چه اولین خلق بوده است و جهان به سبب خلق آفریده شده است که بحثش گذشت نیز در این پارادایم می‌باشد اما نوع موت و قبض روحش مستنداً به فقره مبارکه خطبه‌ی حضرت زهرا علیها السلام بر اساس رغبت و ایثار است یعنی خدا با مهربانی ایشان را قبض روح کرد و ایشان از زندگانی در حیات مادی انصراف و حیات عند الله را پذیرفتند یعنی خدا دوست داشتند که پیامبر از گرفتاری‌های این عالم آسوده شوند و هم خود ایشان در این بازگشت رغبت نشان دادند و با همراهی فرشتگان الهی روانه مجاورت رضوان پروردگار گشت.

ثانیاً: در خطبه اشاره‌ای به صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم شد که این مهم بسیار بسیار فضیلت دارد "خدا و ملائکه اش بر پیغمبر درود می‌فرستند" و درمورد صلوات از پیامبر سوال شد در جواب فرمودند: از علوم پوشیده و پنهان است خداوند دو فرشته را بر من موکل ساخته است،

هر گاه نزد مسلمانی یادی از من شود و او بر من صلوات فرستد آن دو فرشته گویند: خداوند تو را بیامزد خدا و سایر فرشتگانش به دعای این دو فرشته آمین گویند.^۱

و در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرموده اند: کسی که من نزد او یاد شوم و بر من صلوات نفرستد پس داخل آتش گردد خدا او را از رحمتش دور کرده است.^۲

با عنایت به فحوای حدیث فوق و محتوای آن و نیز مفهوم مخالفش وجوب صلوات استنباط و استخراج می گردد. چون که وعده عذاب بیان شده پس در نتیجه ترکش موجب عقوبت و بر عکس اتیانش واجب می شود.

و امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یادی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به میان آمد بر او زیاد صلوات بفرستید. همانا کسی که یک صلوات بر رسول خدا بفرستد خدا بر او هزار صلوات در هزار صف از فرشتگان می فرستد، و آن چه خدا آفریده بر آن شخص درود می فرستد، زیرا خدا و فرشتگان بر او صلوات فرستاده اند. و کسی که بر چنین کاری میل و رغبت نداشته باشد نادان و مغرور است و خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت از او بیزارند.^۳

و امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که توانایی کاری که کفاره‌ی گناهانش

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۷۹؛ ج ۶۸، ص ۹۴، ج ۵۷؛ زبدة البیان، ص ۸۵

۲. امالی، صدوق، ص ۶۷۶، ج ۲۰، مجلس ۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۴، ج ۷

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۱، ج ۴؛ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۲۸، ج ۹

گردد ندارد باید بر محمد و آل محمد صلوات فرستد زیرا صلوات بنیان گناه را ویران می‌سازد و آن را نابود می‌کند.^۱

و نیز پیامبر صلوات الله علیه فرمود: کسی که بر من هر روز سه بار از روی محبت و شوق صلوات فرستد سزاوار است که خداوند گناهان او را که در آن شب و روز انجام داده ببخشد و او را بیامرزد.^۲

ثالثاً: قبض روح حضرت زهرا علیها السلام هم با عظمت و اکرام بوده است و خداوند یک دسته از فرشتگان برای محافظت ایشان گماشته تا از چهار طرف نگهبان او باشند، و این ملائک در حال حیات او و هنگام مرگ او، و در کنار قبرش پیوسته در خدمت او هستند و کارشان صلوات فرستادن بر فاطمه و پدرش و همسر و فرزندان اوست و پیامبر فرمود کسی که فاطمه را زیارت کند گویی مرا زیارت کرده است و در صلوات فرستادن حضرت زهرا هم ردیف حضرت پیامبر و امام علی علیه السلام می‌باشند.^۳

"هر کس بر فاطمه صلوات فرستد، در حقیقت بر پدر او صلوات فرستاده است" "و من صلی علیها فقد صلی علی ابیها"^۴ و کیفیت قبض روح امام علی علیه السلام به عنوان یک رهبر نظم آرمانی با شهادت و در حال عبادت و در خانه خدا و در محراب نماز بوده است همان گونه که ولادت او

۱. صدوق، امالی، ص ۱۳۱، ح ۸، مجلس ۱۷؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۴۷، ح ۲.

۲. دعوات راوندی، ج ۸۹، ص ۲۲۵؛ المستدرک، ج ۵، ص ۳۳۱، ج ۶؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۹۴، ح ۶۳.

۳. المصطفی، ص ۱۳۹، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۹۳۵۸.

۴. سهیلی، الروض الانف، ج ۲، ص ۱۹۶.

نیز در خانه خدا و با راز و رمزهای پیچیده و بسیار عالی در جهان رخ داده است که از عجایب کل هستی است و کسی بدان راه و رسم ندارد و این چه ارتباطی و پیوستگی و امتدادی بین ولادت در مکه معظمه و شهادت در خانه خدا، مسجد و در حال عبادت به جز خدا و اهلس (معصومین) کسی راز این معما نمی‌داند و نخواهد دانست.

رابعا: در عصر فعلی که زیست می‌کنیم عده‌ای از رهبران جهان با وضعیت اسف بار و بسیار دهشتناک و فجیع رخت از جهان بر بستند از جمله روسای مصر و لیبی و عراق با خفت و ذلت و نفرین ملتشان و یا رهبران شوم جنگ‌های جهانی اول و دوم از جمله آلمان با خودکشی هیتلرنازیسم و یا در طول تاریخ پادشاهان یا توسط فرزندان خود و یا توسط مخالفین خود معدوم و نابود گشتند. و در ایران پدر و پسر (پهلوی) در کشور بیگانه مردند و هر کس به سزای اعمال خویش خواهد رسید خصوصا یکی از صفات این دنیا دار الکافات بودن است که ارتباط مستقیم با بعضی اعمال انسانی دارد. خصوصا ظلم یا عرض و آبروی کسی را در سطحی وسیع و مقیاسی بزرگ ببرند و او را به مرده‌ای متحرک مبدل نمایند تقاص بسیار بدی عاملین در همین جهان خواهند دید.

۳-۳-۱۲ نظم آرمانی و قوانین جاویدان دین

توضیح این که دین اسلام و قوانینش جاویدان هستند و جامع و کامل هستند به دیگر سخن "حلال محمد حلال الی یوم القیامه و

حرامه حرام الی یوم القیامه" یعنی حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام او حرام است تا روز قیامت.

تحلیل مطلب آن که:

اولاً: معنای جاویدان بودن قوانین الهی و دین اسلام به این معنی است که نبوت طبق سنت الهی تکامل تدریجی داشته است و به شکل پروسه‌ای پیش رفته است و حالت پروژه‌ای و دفعی نداشته است و موید این مطلب که ما بیان کردیم فیض کاشانی می‌گوید "مقصود و هدف در فطرت آدمیان رسیدن به مقام قرب الهی است و این جزء با راهنمایی پیامبران امکان پذیر نمی‌باشد. از این نبوت جزء نظام هستی قرار می‌گیرد و البته مقصود و هدف، مرتبه اعلی و آخرین درجه نبوت است نه اولین درجه آن. و تشبیه به ساختن یک عمارت به صورت کامل شده است نه صرفاً پایه‌ها و یا دیوارهای آن بلکه هدف صورت کامل آن عمارت است نبوت نیز چنین است و نبوت خاتمه می‌یابد و پایان می‌یابد و زیاده نمی‌پذیرد زیرا زیاده بر کمال نقص است و مانند انگشت زیادی می‌باشد و پیامبر در حدیث معروف فرمود: "مثل نبوت من مثل خانه‌ای است که ساخته شده و جای یک خشت در آن باقی است، من جای آن خشت آخرینم، یا من گذارنده آن خشت آخرینم."^۱

ثانیاً: قوانین اسلام مبتنی بر پارادایم: جامع بودن، کلی بودن، فطری

۱. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۴۰ سوره احزاب، به نقل از صحیح بخاری و مسلم

بودن، مفید بودن، مادر طرح‌ها و برنامه‌ها بودن، مصون از تحریف و تبدیل بودن چون آیات قرآن و مهم تشخیص و تطبیق در مرحله اجراء می‌باشد.

ثالثاً: ختم نبوت به معنای تبعیض میان انسان‌های ما قبل و ما بعد و یا انسان بدوی و انسان پیشرفته نیست و قرآن کریم ملازمه میان اتصال به غیب و ملکوت و میان مقام نبوت قائل نیست و اشاره به افرادی می‌کند که از لحاظ معنوی قوی و با هم سخن با فرشتگان و امور خارق العاده داشتند اما پیامبر نبودند از جمله مادر موسی و مریم مادر عیسی، در واقع اتصال به حقایق شهودی و ملکوتی و سروش غیبی و خبردار شدن از غیب نبوت نیست بلکه نبوت خبرآوری از غیب می‌باشد و قرآن الهام و اشراق به همه انسان‌ها مشروط به پاکی باطنی را باز می‌دارند و هموار می‌سازند "اگر تقوای الهی داشته باشید خدا در جان شما نوری قرار می‌دهد که مایه تشخیص و تمیز شما باشد"^۱ و یا در مورد مادر حضرت موسی می‌فرماید "ما به او وحی کردیم که موسی را شیر بده و آن گاه که بر جان او بیم کردی او را به دریا بسپار، ما او را حفظ کرده، به تو باز خواهیم گرداند"^۲. و یا می‌فرماید "آنان که در راه ما کوشش کنند ما راه‌های خود را به آن‌ها می‌نمایانیم"^۳ و یا امام علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند یاد خود را صیقل دل‌ها

۱. سوره انفال، آیه ۲۹

۲. سوره قصص، آیه ۷

۳. سوره عنکبوت، آیه ۶۹

قرار داده است و دل‌ها بدین وسیله پس از کری، شنوا و پس از کوری، بینا و پس از سرکشی و عناد، مطیع و رام می‌گردند.^۱

رابعا: به دیگر سخن وحی یعنی نزول فرشته بر گوش و بر دل به منظور ماموریت و پیامبری، هر چند منقطع شده باشد و دیگر فرشته‌ای بر کسی نازل نمی‌شود و او را مامور اجرای فرمانی نمی‌نماید، زیرا به حکم (اکملت لکم دینکم) آن چه از این راه باید به بشر برسد رسیده است، ولی باب اشراق و الهام هرگز بسته نشده است و نخواهد شد، ممکن نیست این راه مسدود گردد.^۲

خامسا: بدون شک و تردید و پس از انقطاع ختم نبوت و یا پیامبری قوانین جاویدان نیازمند مجری و ارائه دهنده است به دیگر سخن نمی‌شود جامعه و مردم را بدون پشتوانه و رهبر و امام رها کرد و رفت و این مهم هم خاستگاه عقلی و وجدانی دارد و هم سیره‌ی عقلایی و سیر عرفی و هم جنبه‌ی شرعی و انتصاب الهی دارد و تحت هیچ شرایطی برعکسش نه قابل تصور است و نه قابل قبول و نه هیچ انسان عاقل و خردمند و حر صفتی او را می‌پذیرد.

سادسا: پیامبر در هنگامه ارتحال چند کار مهم انجام دادند ۱- در آخرین حج خطبه‌های فراوانی خواندند و از فتنه‌ها و از مخالفت‌های بعد از رحلتش هشدار دادند ۲- وصیت کردند که از دست سنت و عترت او برندارند و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲، مترجم محمد دشتی، ص ۳۲۳

۲. صدر المتألهین، مفاتیح الغیب، ص ۱۳

اطاعت کنند یعنی کتاب خدا و عترت؛ و فرمودند که این دو چیز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند یعنی بر اهل البیت سبقت بگیرید و پراکنده مشوید از اطراف ایشان و در حق ایشان کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد^۳ - اسامه بن زید را امیر لشکر کرد و فرمود همه به جز علی علیه السلام بر او پیوندید و هدف از فرستادن این لشکر این بود که مدینه از فتنه گران و مخالفان خالی شود و کسی با حضرت امیر منازعه نکند تا امر امامت مستقر گردد^۴ - حضرت به مسجد رفت و نماز خواند و دست راستش بر دوش امیرالمومنین و دست چپش بر دوش فضل بن عباس و بر بالای منبر رفت و فرمود نزدیک است من از میان شما غایب شوم و به خانه‌ام سلمه بازگشت یک الی دو روز آن جا ماند و عایشه زنان دیگر را راضی کرد و به خدمت پیامبر رسید و با التماس آن حضرت را به خانه خود برد، چون به خانه عایشه رفت مرض آن حضرت شدید شد چون هنگام صبح شد بلال آمد و ندای نماز داد و عایشه گفت که ابوبکر را بگوئید که با مردم نماز بخواند و حفصه گفت که عمر را بگوئید که با مردم نماز کند و چون حضرت صدای ایشان را شنید و نیت ایشان را دانست فرمود دست از این سخنان بردارید که شما به زنانی می‌مانید که یوسف را می‌خواستند گمراه کنند زیرا حضرت امر کرده بود که ابو بکر و عمر با لشکر اسامه بیرون روند و از سخنان عایشه و حفصه یافت که آن دو به مدینه برگشته‌اند بسیار غمگین شد و با آن شدت مرض برخاست که مبادا ابوبکر و عمر با مردم نماز کنند که باعث شبهه مردم شود.

دست بر دوش امیرالمومنین و فضل بن عباس انداخت با ناتوانی و

ضعف در حالی که پاهای خود را می کشید به مسجد آمد چون نزدیک محراب رسید دید که ابوبکر سبقت گرفته و در محراب به جای آن حضرت ایستاده و نماز می خواند پس به دست مبارک خود اشاره کرد که کنار بایستد، خود داخل محراب شد و نماز را از سر گرفت و به ابوبکر اعتنا نکرد.

۵- بعد نماز به خانه برگشت، ابوبکر و عمر جماعتی از مسلمانان را طلبید و فرمود: مگر من نگفتم که شما با لشکر اسامه بیرون روید؟ گفتند بلی یا رسول الله گفتی، فرمود پس چرا امر مرا اطاعت نکردید؟ ابوبکر گفت من بیرون رفتم و برگشتم برای آن که نخواستیم بیماری شما را از دیگری بپرسم. پس حضرت فرمود: روانه کنید لشکر اسامه را و بیرون روید با لشکر اسامه، و سه مرتبه گفت خدا لعنت کند کسی را که تخلف نماید از لشکر اسامه و چون که از حرکت های منافقان و نیت های فاسدشان را مشاهده نمود ناراحت شد و مردم بسیار گریستند و حضرت فرمود دواتی و کتف گوسفندی برایم بیاورید تا نامه ای بنویسم که بعد از من گمراه نشوید. پس یکی از اصحاب برخاست که دوات و کتف بیاورد؛ عمر گفت: برگرد که این مرد هذیان می گوید و بیماری بر او غالب شده است ما را کتاب خدا بس است پس بین آنها که در آن خانه بودند اختلاف افتاد، بعضی قول عمر را گرفتند و بعضی قول رسول خدا ﷺ و گفتند در چنین حالی چگونه مخالف رسول خدا روا باشد؟ پس بار دیگر پرسیدند که: آیا بیاوریم آن چه طلب کردی یا رسول الله فرمود بعد از این سخنان که من از شما شنیدم مرا حاجتی به آن نیست و لیکن وصیت می کنم شما را که با اهل البیت من سلوک کنید و رو از ایشان برنگردانید

ایشان برخاستند^۱ و ابن عباس می‌گوید: به درستی که مصیبت و بدترین مصیبت‌ها این است که مانع شدند میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و میان آن که آن کتاب را برای ایشان بنویسد به سبب اختلافی که نمودند و سروصداهایی که بلند کردند^۲.

سابعاً: نسبت به هذیان دادن به حضرت از ناحیه افرادی نادان مخالف صریح قرآن است که می‌فرماید (و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى) یعنی سخن نمی‌گوید آن حضرت از خواهش نفس خود و نیست سخن او مگر وحی که به او فرستاده می‌شود و می‌فرماید: آن‌ها که آزار می‌کنند خدا و رسول او را خدا لعنت کرده است ایشان را در دنیا و آخرت^۳ پیامبر با آن عظمت و مهربانی چون او را در حال رفتن دیدند خباثت‌ها و کینه‌های خود را هویدا کردند و دست از اطاعت او برداشتند و حادثه‌ها ساختند به لشکر اسامه نرفتند و فرمان نبردند و فرمان دولت و قلم را نادیده گرفته و اطاعت نکردند چون که نخواستند امامت امام علی علیه السلام و خلافت او واضح‌تر گردد و انتقام از خاندانش گرفتند و حادثه عاشورا را ساختند و مسیر اسلام و انسانیت را عوض کردند و به شهوت و قدرت روی آوردند و به کل جهان و کهکشان‌ها و عالم هستی و وجود خیانت کردند پس لعنت خدا و رسول بر آنان باد و به هر کس که آنان را مسلمان بداند و هر کس

۱. ارشاد، مفید، ج ۱، ص ۱۷۹؛ صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۵

۲. مناقب بن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۹۲؛ صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۵

۳. سوره نجم، آیه ۴ و ۳

که در لعن آنان شک کند و هر کس که نقشه منافقانه آنان را ترویج دهد و هر کس که ارادتمند آنان است . لعنت و قعر جهنم نصیب آنان باد. از امام موسی علیه السلام روایت شده چون پیامبر سخت مریض شد حضرت علی علیه السلام را طلبید سر مبارک خود را در دامن او گذاشت و بی هوش شد چون اذان گفتند عایشه بیرون رفت و به عمر گفت برو با مردم نماز بگذار و عمر گفت که ابوبکر پدر تو و اولی است عایشه گفت راست می‌گویی اما پدرم مردی است نرم و سست می‌ترسم که مردم نگذارند عمر گفت او بیاید پیش بایستد من او را کمک می‌کنم و نمی‌گذارم که کسی مخالفت کند چون محمد مدهوش است و گمان ندارم که برگردد و علی مشغول او است در این حالت از او جدا نمی‌شود و فرصت غنیمت است پس پیش از آن که به هوش آید ابوبکر با مردم نماز کند. زیرا اگر به هوش بیاید علی را به نماز خواهد فرستاد مگر نشینیدی که دیشب رازها به علی گفت: در آخر سخن گفت " الصلاه الصلاه " و پیامبر به امام علی علیه السلام گفت: ایشان با یکدیگر پیمان بسته‌اند که بعد از من بر تو ستم کنند و من از آنان بیزارم و این آیه نازل شد که فرمود شب به روز می‌آورند طایفه‌ای از ایشان بر غیر آن چه تو می‌گویی و خدا می‌نویسد آن چه را ایشان در شب‌ها توطئه می‌کنند.^۱

ثامنا: اکنون نیز تفاله‌های آن کذابان روزگار و تحریف کنندگان دین در سرزمین وحی که آن را تبدیل به حکومت طایفه‌ای و موروثی کرده‌اند و نام

۱. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱

۲. سوره نسا، آیه ۸۸؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۵

وهابیت و عربستان سعودی بر آن نهاده‌اند و عمالشان در چندین کشور دیگر به قتل و کشتار جمعی و شهوت پرستی به نام دین و حکومت اسلامی می‌نمایند و با دشمنان اسلام هم کاسه‌اند و هم پیمانند و باذن الله در دولت یار این اباطیل روزگار محو خواهند شد و اسلام ناب عالم نما و جهان گستر خواهد گشت ان شاءالله.

۴-۴-۴ راه حل برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه‌ی سالم

از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

۴-۴-۱۱ اجرای اوامر و نواهی پروردگار متعال

اولین راه حل برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا و زنده از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام اجرای فقره فوق است که در ادامه خطبه اش بدان می‌پردازند "ثم التفتت الی اهل المجلس و قالت انتم عباد الله نصب امره و نهیه، و حملته دینه و وحیه، و امناء الله علی انفسکم، و بلغاوه الی الامم، زعیم حق له فیکم، و..."^۱

آن گاه صدیقه طاهره علیها السلام خطاب به مردم و فقره فوق را که قسمتی از متن آن را آوردیم، اما به صورت کامل، معنا و ترجمه آن را در ذیل می‌آوریم.

"شمای خدا! مورد خطاب امر و نهی الهی هستید، و حاملان دین و وحی خدا، و امین پروردگار در اجرای احکام الهی، و ابلاغ کنندگان آن‌ها به

۱. بلاغات النساء ص ۲۶ دلائل الامه؛ ج ۴، ص ۱۱۱

امت ها، نگهدارنده حق خدا در نزد شما و پیمانی که به شما واگذار فرموده، و جانشینی که در میان شما قرار داده، کتاب گویای الهی، قرآن صادق است که دارای نوری بلند، و شعاعی روشنگر، و دلایل واضح و لطایف آشکار، و ظواهر روشن است، و پیروان قرآن، همواره در مرتبه‌ای هستند که مورد آرزوی دیگران هستند. پیروی از قرآن به بهشت رهنمون می‌شود، و گوش دادن به ندای قرآن موجب نجات است. به وسیله قرآن به دلایل نورانی الهی و واجبات خدا، و محرماتی که باید از آن‌ها اجتناب شود، و آیات قدرت و عظمت روشن الهی، و براهین آشکار، و فضایل انسانی، و مواردی که اذن عطا شده، و مقررات واجب می‌توان رسید."

تحلیل مطلب آن که:

اولا: مستندا به براهین عقلی و شکل‌های منطقی می‌توان این گونه بیان داشت. نخست آن که: خالق کل هستی و مخلوقات و انسان‌ها خداوند است دوم آن که: بهترین و کامل‌ترین و همه جانبه‌ترین قوانین برای مخلوقات اوامر خداوندی می‌باشد. سوم آن که: رسیدن به افق و کمال نهایی و انسانی اجرای فرامین الهی می‌باشد. چهارم آن که: تخلف و عدم اجرای فرامین الهی موجب مشکلات و بحران‌ها و مشکلات در جهان و جامعه می‌شود. پنجم آن که: پاسخ مثبت به ندای درونی و سرشت انسانی و یا سودای انسانی مقیاس صحیح و اتیان و انجام اوامر الهی و نیز ترک و دوری جستن از تمامی نواهی الهی می‌باشد. ششم آن که: ساختار و آناتومی بدن انسانی و جسمی آن و نیز جوارح و خاستگاهی معنوی و روحی و متافیزیکی او به ترتیب قبول و پذیرش وجوب واجبات و نیز رد کردن و

قبول نداشتن مضرات یعنی نواهی الهی که با ترکش به این مهم و به فیض الهی می‌رسند. هفتم آن که: چنان چه طبق دستورات و تشریعات و تکوینات الهی نقشه راهش یعنی اجرای قوانین وجوبی و ترک قوانین نهیی، به موقع و به هنگام بدون افراط و تفریط انجام بشود بدون شک و تردید جامعه از مشکلات و معضلات رهایی خواهد یافت. هشتم آن که: با رعایت موارد هفتگانه فوق اولین گام و راه حل برون رفت از مشکلات مستندا به فقره مبارکه قسمتی از خطبه‌ی حضرت زهراء(علیها السلام) عملیاتی و اجرائی خواهد شد.

ثانیاً: با گشت و گذاری در سرزمین و ساحت مقدس قرآن کریم فیض الهی به اشکال مختلف از جمله رضایت الهی و اوامر به اشکال مختلف از جمله رضایت الهی و اوامر ونواهی که به صورت تشریع بر اساس عنایت و رافت و لطف خدا به بندگان می‌باشد که سبب می‌شود بندگان به مقامات روحانی و عرفانی و آسمانی برسند و این مهم توسط پارامترهایی از دو طریق بیان گردیده است یکی به وسیله کتاب‌های آسمانی و الهی و دیگری روایات چهارده معصوم و همه این موارد در اسلام می‌باشد زیرا دین خدا از زمان خلقت بشر و آدم تا عصر اسلام بوده و همه پیامبران در واقع مجری و مبلغ اسلام تدریجی در گذر زمان و مکان و شرایط اقلیمی خاص خود بوده‌اند و آیاتی از جمله سوره مبارکه شوری آیه ۱۳ و سوره طه آیه ۱۴ و سوره ابراهیم آیه ۴۰ و سوره هود آیه ۸۷ همگی موید سخن فوق می‌باشند.

ثالثاً: در پس دو بند بیان شده پیشین تجلی و رحمت الهی با تحقق

فضل و رحمتش به صورت رضایت و در کالبد بهشت برین حاصل و هویدا می‌گردد و الا نقض غرضی و حرکتی عبث به وجود می‌آید. و از سویی دیگر اگر عنایت خدا در پارادایم اوامر و نواهی و نیز رضای بودنش و هدیه بهشتش به انسان‌ها نمی‌رسید آن گاه: "ما در خسران شدیدی واقع می‌شدیم"^۱ و یا در خسارت کلان و شدید می‌بودیم "ان الانسان لفی خسر" در واقع خداوند نعمت عمر را به انسان داده است و چه بخواهد و چه نخواهد در حال از دست دادن این سرمایه می‌باشد و نمی‌تواند جلو آن را بگیرد و در مقابلش عوض آن را بهشت و رضایت خداوند است، اما متأسفانه عده‌ای با شکم و شهوت به خسران می‌رسند و قرآن به عصر قسم می‌خورد که کسی که سرمایه اش یعنی عمرش برود و عوضش بهشت را دریافت نکند در خسران است و پیامبر در جواب و معنای "لفی خسر"^۲ فرمود: "فی نقصان من العمر" و نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: این شب و روز مانند دو لبه قیچی تیزمند که ریشه‌های درخت عمرت را می‌زنند و اکنون که سرمایه را از دست می‌گیرند با صاحب اصلی این سرمایه معامله کن تا عوض کاملی^۳ بگیری و یا بعضی به آب شدن یخ

۱. سوره بقره، آیه ۶۴

۲. سوره عصر، آیه ۲

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۶؛ غررالحکم: کلام شماره ۳۰۴۶؛ مجاز القرآن، ابی عبیده: ج ۲، ص ۱۰؛ غریب القرآن، نیزیدی: ص ۴۴۰؛ تفسیر القرآن، ابن عتیبه: ص ۵۳۸؛ المفردات: ص ۱۴۷

تشبیه نمودند که عمر به شدت می‌گذرد.^۱

رابعا: حضرت زهرا در خطبه شان مستندا به قرآن بیاناتی فرموده‌اند و قوانین الهی هم از کانال قرآن و با تحلیل و تبیین اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است که در این قسم به این مهم می‌پردازیم.

علت و فلسفه در دین چیست؟ و مراد از بایدها و نبایدها چیست و هدف از تشریعات چیست؟ دین دو کارکرد دارد یکم: جنبه‌های دنیوی شریعت دوم جنبه‌های اخروی شریعت و خود دنیوی، دو رویکرد قانون و عبادتی دارد که امام رضا علیه السلام علت امر و نهی خداوند فرمود: اوامر و نواهی الهی تامین کننده بقا و صلاح جامعه و باز دارنده از تجاوز به حقوق افراد است.^۲ قوانین و احکام شرعی ابزاری برای تحقق بهتر و بیشتر احکام و قوانین عقلی است.^۳ و یا بعضی گفته‌اند قوانین دینی از یک سو تحکیم کننده و پشتیبان قوانین عقلی است یعنی در مواردی که عقل قدرت درک مصالح و مفاسد را دارد و از سوی دیگر تکمیل کننده و متمم قوانین عقلی است یعنی در مواردی که عقل به تنهایی نمی‌تواند مصالح و مفاسد امور را درک کند.^۴ گرد هم آمدن انسان‌ها با وجود تضاد خواست‌ها، تفاوت مزاج‌ها

۱. فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، از علمای قرن ۶ سنی مذهب رویکرد تفسیرش کلامی، اجتهادی می‌باشد

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۴۴۴

۳. حلی، حسن بن مطهر، شرح تجرید، تحقیق الزنجانی، ص ۳۷۵

۴. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد، ص ۱۵۲؛ رساله فی التحسین و التقبیح سبحانی، جعفر، ص ۹۲

و اختلاف نیروها که باعث صدور افعال می‌شود، آن‌ها را در معرض نزاع فساد و فتنه قرار می‌دهد، پس لازم است که قانون و روشی عادلانه وضع شود تا به وسیله آن عدالت میان آن‌ها تحقق یابد آن گاه اگر قانون و روشی توسط خود آنان وضع شود مشکل یاد شده همچنان باقی می‌ماند. پس ناچار باید توسط کسی وضع شود که از لحاظ کمال نیرو و توان و شایستگی اطاعت، از دیگران متمایز باشد.^۱

وضع قوانین توسط بشر در عرصه اجتماعی نمی‌تواند مفید باشد و احقاق حق بنماید چرا که بشر به آغاز و سرانجام انسانی بی اعتنا است و علم و آگاهی ندارد و تنها در محدود روابط دنیوی انسان‌ها و تنظیم آن می‌پردازد و حال آن که زندگی دنیوی بخش از زندگی جاودانه انسان است و قوانین کاملی نیستند و به واقعیات احاطه ندارند و چون شناخت از ابعاد گسترده وجود انسانی ندارند نمی‌تواند قوانین منطبق با واقعیات وجودی انسانی را وضع کند و خدای سبحان چون خالق انسان‌ها است انسان‌ها را بهتر از خود انسان‌ها می‌شناسد و یا به تعبیر علامه طباطبایی خدا اساس قوانین خود را این قرار داد که نخست به بشر بفهماند حقیقت امر چیست از کجا آمده و به کجا می‌رود و اگر می‌رود باید در این منزلگاه موقت چه روشی در پیش گیرد که برای فردایش سودمند باشد اما رویکرد عبادتی شریعت در عرصه دنیوی یعنی لطافت قانون گرایی و زمینه سازی برای

۱. حلی، حسن بن طاهر، شرح التجرید، ص ۳۴۶

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۱۲۰-۱۱۹

جریان و تطبیق بهتر قوانین اجتماعی. عبادت سبب پیدایش روح تسلیم در برابر دستورات و تکالیف الهی می‌شود و اگر قوانین اجتماعی ریشه در قوانین الهی نداشته باشند، قانون‌پذیری در انسان عمیق‌تر می‌شود و قانون‌گرایی رنگ عبودیت و بندگی به خود می‌گیرد مستندا به سخن امام رضا (علیه السلام) که فرمود: "عبادت گذشته از آن که باعث زنده نگه داشتن یاد خدا در ضمیر انسان و رعایت الهی در رفتار او می‌گردد، باعث جدی گرفتن دستورات خداوند که مایه صلاح و قوام جامعه است نیز می‌گردد" در واقع قوانینی که خدا برای تنظیم روابط اجتماعی عنایت داشته است.

و نهایت آن که جنبه‌های اخروی شریعت به طور کلی، اعم از قوانین و عبادات تعابیری در متون دینی بیان شده است یکی کلامیون که می‌گویند: فلسفه شریعت و تکلیف در معرض ثواب قرار دادن انسان از سوی خداوند است، یعنی خداوند برای این که زمینه ثواب بردن انسان را در آخرت فراهم کند و او را در مسیر ثواب بردن قرار دهد یک سلسله تکالیفی را تشریع کند و بر عهده او گذاشته است که اگر به این تکلیف عمل کرد لیاقت و شرافت ثواب پیدا کرده و از آن بهره‌مند می‌شود متکلمان..... اندیشه و ادعای خویش از منظر عقل ثواب بدون دلیل و یا عقاب بدون سبب را ناپسند می‌پندارند و می‌گویند کسانی که به تکلیف الهی اعم از قوانین و عبادات عمل نمایند لیاقت ثواب و پاداش را دارند و بعدش عقل توجیه آن را می‌پذیرد.

اکنون به نمونه‌هایی منطبق با این پارامتر اشاره می‌کنیم:

۱- "هدف از تکلیف، در معرض قرار دادن انسان برای بهره‌مندی از منفعت عظیم است؛ چه این که تکلیف انسان را در معرض ثواب قرار می‌دهد و ثواب نیز منفعت بزرگ، خالص، جاودان و همراه با بزرگداشت و ستایش است، و تردیدی نیست که تعظیم و بزرگداشت کسی که شایسته و سزاوار آن باشد نیکوست و از این رو تعظیم کودکان و دون‌پایگان به سان تعظیم عالمان، زشت است، چون استحقاق تعظیم در اثر کارهای نیک، یعنی طاعات به وجود می‌آید."^۱

۲- "آن گاه که خداوند بندگان را آفرید و آنان را برای پاداش و کیفر آماده کرد، رساندن آن دو به ایشان بدون پیش کشیدن تکلیف به اطاعت ممکن نبود، زیرا پاداش، تعظیم و بزرگداشت را در بر دارد و کیفر، تحقیر و اهانت را، پس روا داشتن پاداش و کیفر نسبت به کسی که از طریق امتثال و عدم امتثال تکلیف، استحقاق پیدا نکرده باشد، محال است و از حکیم عقلا قبیح می‌باشد."^۲

۳- "در مورد تکلیف گفتیم که برای در معرض قرار دادن انسان برای ثواب است چون خداوند در تکلیف کردن یا هدفی دارد یا ندارد، اگر هدفی نداشت کاری عبث بوده و در مورد خداوند محال است. و در فرض اول آن هدف یا سود رسانی به انسان است و یا زیان رسانی که دومی در مورد

۱. حلی، حسن بن مطهر، شرح التجرید، ص ۳۴۷

۲. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۱۵

خداوند قبیح است. پس فقط صورت اول می ماند و شایسته است که این سود رسانی نتیجه شایستگی و سزاواری باشد که از ناحیه تکلیف حاصل آمده است و ممکن نیست که بدون افعال مورد تکلیف، بدان دست یافت، زیرا آغاز به ثواب نیکو نیست، از آن رو که ثواب همواره همراه با بزرگداشت است و چنین کاری نسبت به کسی که شایستگی آن را ندارد زشت می باشد. از سوی دیگر استحقاق ثواب نیز جز از طریق کاری که تکلیف بدان تعلق می گیرد (از واجبات و مستحبات) ممکن نیست.^۱

آن چه از این عبارات مستفاد می گردد این است که رویکرد متکلمان به تکلیف ابزاری می باشد و استحقاق ثواب و عقاب دارد و نیز فلسفه شریعت این است که انسان را در میدان ثواب و عقاب قرار می دهد که بدون آن کیفر دادن یا ثواب دادن ناپسند و قبیح است.

و تعبیر دیگر از جنبه های اخروی شریعت در متون دینی قرآن و سنت است یعنی نگاه قرآن و سنت که برای تمامی تکالیف حکمت و برهان بیان می کنند که به نمونه هایی از آن می پردازیم:

۱- حکمت و فلسفه منع شرب شراب و قمار در سوره مائده آیه ۹۰ بیان شده است.

۲- در مورد روزه در وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۰، فلسفه و فوائد آن را مطرح کرده است.

۱. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد، ص ۶۵

۳- و در رابطه با نمازدر علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۵۶، مطالب خوبی بیان نموده‌اند.

۴- فلسفه امتحانات و ابتلائات در سوره مبارکه مائده آیه ۴۸ به خوبی نمایان شده است.

۵- فلسفه حیات و مرگ نیز در سوره ملک آیه ۲ راز گشایی و رونمایی شده است.

عزیزان و طالبان علم و ادب می‌توانند به منابع فوق مراجعت نموده و بهره مند گردند خصوصا به تفسیر المیزان مفسر محمد حسین طباطبایی ج ۴ ص ۳۲ و ج ۷ ص ۴۹.

۴-۴- قرآن تبیین کننده نقشه راه و حق الهی

دومین راه برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم و پویا از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام نقش و جایگاه قرآن کریم می‌باشد که حضرت زهرا علیها السلام بدان اشاره می‌نمایند و با واژگان کتاب ناطق و قرآن صادق و نور ساطع استفاده می‌نمایند.

تحلیل مطلب آن که:

اولا: حضرت زهرا با عبارت زعیم حق شروع می‌کنند یعنی خدا بر شما حقی دارد و چون شما بنده اید خدا حق ربوبیت دارد یعنی ما هر چه داریم از خداست و از خود هیچ نداریم در واقع او رب من است و من باید از او اطاعت بنمایم و کتاب خدا به ناطق تشبیه شده یعنی مانند آن است که سخن می‌گوید و در قرآن نطق به بیان تعبیر شده مثل " علمه الیابان " زیرا

انسان با ابزار نطق اهداف خود را مطرح و بیان می‌کند و نطق تبیین‌کننده مفهوم است مستندا به آیه شریفه: " آیا دلیلی که ما فرو فرستادیم بر آن چه آنان شریک قرار می‌دهند دلالت دارد؟" و نیز می‌فرماید " این کتاب ما حق را بر شما می‌گوید..."^۲ در واقع مقاصد خداوند به گونه‌ای روشن است مثل بیان و نطق که دیگر مبهم نیست و بسیار پر واضح است.

ثانیا: قرآن در اختیار انسان‌ها است و هر کسی می‌تواند از آن بهره‌مند گردد امام علی علیه السلام در خطبه ۱۳۳ می‌فرماید " قرآن در دسترس و جلوی روی شماست بر خلاف کتب آسمانی ادیان دیگر از قبیل کتاب حضرت موسی و حضرت عیسی علیه السلام قرآن در اختیار شماست."^۳

یعنی کتاب خدا سخنگویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نشده و همواره گویاست خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند. و از سویی دیگر با قرآن می‌شود راه حق را کشف کرد و با آن سخن بگوییم و به وسیله آن بشنویم و آیاتش در شناساندن خدا اختلافی ندارد و کسی که همراه خدا شد از خدا جدا نمی‌شود و هر آن‌چه یک انسان برای رسیدن به افق و نیز جامعه بشری برای کمال و ترقی و تربیت انسانی بدان نیاز داشته باشند در قرآن می‌توانند به آن‌ها دست بیابند و به کمال برسند.

۱. سوره روم، آیه ۳۵

۲. سوره جاثیه، آیه ۲۹

۳. نهج البلاغه،

نقشه راه کاروان بشری به خوبی در آن هویدا است.

ثالثا: چون که خالق خدا انسان است و نیز خالق قرآن هم خدا می باشد پس خالق هر دوی آنان می تواند نقشه راهی جامع و کامل برای هدایت و راه برون رفت از جامعه بشری را ارائه بنمایند.

رابعا: اشکالاتی که بیان شده زبان قرآن مخصوص زمان جاهلیت است و شرایط آن عصری و آن مکانی را می طلبد و یا مخاطبانش اشاره به آن مقطع را دارد هم قابل قبول نیست چرا که در قرآن هم خطابات خاص داریم و هم خطابات عام و هم در جاهایی خود انسان را با مخاطب قرار داده است مثل سوره عصر و از سویی دیگر اشاره به علم و عقلانیت دارد که این حرکت در مسیر تمام کاروان بشری از دیروز تا امروز و تا فردا بوده است و از سویی دیگر تا کنون کسی نتوانسته است نقضی بر علیه او بیاورد که آن نقض در اختیار بشر امروزی باشد و ادعایی در جهان داشته باشد.

خامسا: قرآن به نور تشبیه شده " به یقین از سوی خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد" و یا در جای دیگر می فرماید " کسانی که به او ایمان آوردند و او را بزرگ داشتند و یاری کردند و از نوری که با او نازل شده بود پیروی کردند، آن ها رستگاراند" در واقع قرآن به سان نور که فضای زندگی را روشن می کند و انسان را از گمراهی و سقوط در پرتگاه ها حفظ می کند و نجات می دهد و تمام موجودات زنده را پرورش

۱. سوره مائده، آیه ۱۵

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷

می‌دهد و قرآن هم از ابعاد مادی و معنوی پرورش دهنده و فرح می‌باشد. و این قرآن ضمن تایید اصول کلی که بر تمام ادیان الهی گذشته حاکم بوده است و نیز در سطحی بالاتر و وسیع‌تر آن‌ها را پیاده کرده است. به دیگر می‌توان گفت که قرآن بر پیکره تفکری و اندیشه‌ای کل بشریت پرتو افکنی می‌کند و هدایت‌گر و راهبرد آنان در کلیه جهات و ابعاد و گستره می‌باشد و این مهم را می‌توان با مباحث تطبیقی و مقایسه‌ای با دیگر مکاتب انسانی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مدیریتی واکاوی و تحلیل و تبیین بررسی نمود.

سادسا: ادعا دیگری که می‌توان در این مقیاس انجام داد بررسی و تطبیق مفاد قرآن کریم با تمام قانون‌های اساسی کشورهای جهان و نیز منشور حقوق بشر می‌باشد و با عملیاتی و اجرایی نمودن آن می‌توان به این مهم همت گماشت و رسید. و البته این مهم نیاز به شناخت قرآن دارد از جمله شناخت انتسابی یا سندی و شناخت تحلیلی و شناخت ریشه‌ای و نیز آشنایی با زبان قرآن و شرایط پیرامونی آن دارد اما متأسفانه جامعه اسلامی و یا جهان مسلمین و یا مدعیان اسلام آن گونه که شایسته بوده است اولاً: قرآن و مفاهیم و مقاصد آن را نفهمیده‌اند و یا درک نکرده‌اند و یا برداشت خوبی از آن نداشته‌اند و ثانياً: آن مقداری هم که درک و فهمی از آن داشته‌اند در مقام عمل خوب پیاده نکرده‌اند و یا با آداب و رسوم و خرافه آغشته نموده‌اند و از مسیر اصلی آن خارج نموده‌اند و تفسیر به رای و استفاده شخصی نموده‌اند شاهد این مدعا وضعیت و آثار و رفتارهای اجتماعی و سیاسی و مدیریتی حاکم بر کشورهای اسلامی است که در

جهان فعلی وجود دارد. که شاید بی ارزش‌ترین موجود در بین آنان انسان است که به راحتی آن را می‌کشند (بحرین، سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان، عربستان) و یا کمترین بهاء و ارزش را به وقت و عمر انسانی می‌دهند شاهد مثال روش‌های بوروکراسی و متحجرانه و بنیادگرایی خشن در سیستم اداری و مدیریتی آنان می‌باشد و نیز عدم استفاده از منابع طبیعی و اقلیمی و پتانسیل‌هایی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد و داشته است.

سابعاً: قرآن خدا به وسیله راسخون فی العلم و مفسران واقعی و پژوهشگران اصیل و انسان‌های کامل و معصوم باید تفسیر و تبیین و توضیح داده بشود و این دو مکمل و مفسر و مبین همدیگر می‌باشند یعنی اهل البیت عصمت و طهارت و قرآن نیز بر پیامبر نازل گشته است و احکام قرآن جاودانه تا روز قیامت می‌باشد همان گونه که در حدیث معروف نبوی آمده است: **حلال محمد ﷺ حلال است تا روز قیامت و حرام محمد حرام است تا روز قیامت.**^۱ و نیز دین و احکام قرآن با ابلاغ ولایت و امامت و توسط رسالت تکمیل و به بلوغ خود رسید مستنداً به آیه شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)^۲ حاصل آن که این دو قرآن و عترت به هم متصل و مکمل و در طول همدیگر و توضیح دهنده و تفسیر کننده همدیگر می‌باشند و تمسک به یکی بدون دیگری و یا رد هر دو و یا اکتفی و بسنده

۱. الکافی، ج ۱، باب البدع و الراي والمقاييس، حدیث ۱۹

۲. سوره مائده، آیه ۳

نمودن به هر کدام بدون دیگری خسران آور و گمراه کننده است همان گونه که تمسک و توسل به هر دوی آنان موجب سعادت و کمال و عاقبت بخیری می‌باشد و در طول تاریخ از زمان بعثت پیامبر تا اکنون هر کس و یا هر گروه که از این فرمول کلی تخطی نموده است به ورطه سقوط سرانجامش ختم شده و باعث گمراهی خود و اطرافیان و نیز کل بشریت شده است شاهد مثال شورای سقیفه و گمراهی انسانیت و بشریت و گسترش ظلم و فساد در کل هستی و جامعه که شعله‌های آن سر به فلک کشیده است . و تا ظهور دولت یار ادامه خواهد داشت.

ثامنا: در مورد قرآن کریم در طول حیات ظاهری مبارکش که قریب به پانزده قرن می‌باشد سخنان فراوان و تفکرات و اندیشه‌های گوناگون پیرامون آن شده است و بیش از هزاران کتاب و مقاله و پژوهش و فیلم نامه و یا قصه‌های قرآنی و سریال‌های قرآنی از جمله یوسف پیامبر و نوح و موسی و عیسی اکران شده است و در مقیاس جهانی بخش و به تصویر کشیده شده است و نیز انقلاب‌هایی در جهان رخ داده است که ریشه قرآنی دارد همان گونه رهبر معظم در گام دوم انقلاب کتابش را قرآن معرفی کردند و نیز در جهان و خصوصا ایران اسلامی دانشگاه‌ها و یا دانشکده‌ها و یا پژوهشکده و موسسات قرآنی و یا همایش‌های بین المللی قرآنی راه اندازی شده است که لازم بوده اما قطعا کافی نیست و نیز همان گونه که بیان کردیم معلمان و مفسران واقعی قرآن خاندان عصمت و طهارت می‌باشند و بس. خلاصه آن که پیرامون قرآن کریم سخن فراوان است و به صدها مجلد کتاب جداگانه نیازمند است و از رسالت این

پژوهش خارج می‌باشد و به نکاتی چند اشاره کردیم که بیان شد.

۴-۳- نقش نماز و فلسفه آن

یکی دیگر از راه‌های برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه سالم و پویا از منظر حضرت زهرا علیها السلام احکام و حکمت می‌باشد که در این جا به نماز اشاره می‌کنیم حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه فدکیه می‌فرمایند: "فجعل الله الايمان تطهير لكم من الشرك، والصلاه تنزيها لكم عن الكبر"^۱ یعنی: خدا نماز را برای پاک کردن شما از کبر و خود بزرگ بینی واجب کرده است.

تحلیل مطلب آن که:

اولا: احکام الهی مبتنی بر سلسله علل و مصالح و مفاسد و مصلحت‌ها و حکمت هاست و عقل هر دستوری را که می‌بیند دارای علت و معلول می‌داند که خروجی آن را مصلحت یا مفسده می‌داند و این مهم را قرآن تأیید می‌کند.

ثانیا: بر اساس فقره فوق در یک جا خدا می‌فرماید نماز به پا دارید و در جایی دیگر فلسفه و حکمت آن را بیان می‌فرمایند (اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) یعنی نماز همانا باز دارنده از منکرات و فحشا می‌باشد یعنی اگر انسان‌ها به نماز

۱. دلائل الامه، ص ۱۰۹

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵

بایستند در واقع رو به خدا ایستاده‌اند و وقتی که رو به خدا شدند دیگر پشت به منکرات و فحشا می‌کنند و به صداقت و پاکی و توجه به یگانگی خداوند و دستورات او روی می‌آوردند و وقتی که بشر این گونه شد بستر را برای رفع مشکلات و معضلات مهیا می‌کند و به سوی جامعه‌ای پویا و زنده رو می‌آورد همان گونه که حضرت در نقش و اهمیت نماز به این مهم اشاره فرمودند.

ثالثاً: تنها راه رسیدن به سعادت ابدی بندگی خداوند است و بس و تکبر دشمن بندگی است و چیزی که با این مقصد تناقض دارد احساس بزرگی کردن است. بندگی یعنی من هیچ چیز از خودم ندارم (عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ)^۱ و نکته اصلی که حضرت درباره نماز می‌فرمایند: فلسفه اش این است که خدای بزرگ نماز را بر مردم واجب کرد و در قرآن مجید بدان اصرار ورزید هدف این بود که آن‌ها را از تکبر نجات دهد و تکبر بزرگ‌ترین مانع و رسیدن به خدا و فضائل انسانی می‌باشد.

رابعاً: انسان متکبر خودش را بزرگ می‌داند و حتی در مقابل خدا هم حاضر نیست سر خم کند در صورتی که سعادت انسان در گرو خضوع و کرنش در مقابل خداست. بعضی‌ها به پیامبر گفتند اسلام می‌آوریم اما روی خاک سجده نمی‌کنیم پیامبر فرمود "در دینی که رکوع و سجود ندارد خیری نیست"^۲ در واقع این افراد خود بزرگ بینی شدید دارند و یا حتی

۱. سوره نحل، آیه ۷۵

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۳

ابلیس بعد از ۶ هزار سال عبادت از درگاه خداوند رانده شد و وقتی امر به سجده شد اطاعت نکرد و گفت: "انا خیر منه" پس تکبر بسیر خطرناک است و می‌تواند انسان را به ورطه نابودی و هلاکت بکشاند همان گونه که شیطان رانده شد.

خامسا: کار شیطان یعنی گردن کشی در مقابل خدا بوده است و در سوره حجر آیه ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و سوره بقره آیه ۳۴ بدین گونه در شان من نیست که باید سجده کنم و دستور شما باید عاقلانه باشد و در نهایت با گردن کلفتی گفت سجده نمی‌کنم در واقع بحث یک سجده نبود بلکه حرف و موضع گیری شیطان بیانگر کفر بود و به خاطر ترک ایمان ملعون و رجیم همیشگی شد و باید اسلام را به شکل کل و مطلق دید و به بعضی از دستوراتش ایمان بیاورد و به بعضی از آن را انکار کند^۲ این حرکت قابل قبول نیست و انکار قسمتی از آن به معنای انکار همه آن است در واقع روح ایمان در شیطان وجود نداشت و به صورت حصر عقلی بیان می‌کنیم یا ابلیس هر چه خدا می‌گوید قبول دارد و یا قبول ندارد و حالت سومی وجود ندارد که با این فرض دو حالت متصور است یک حالت ایمان و دو حالت کفر و حالت سومی متصور نیست. و هدف از خلقت جن و انس عبادت یعنی نهایت کوچک شدن در برابر خداست به دیگر سخن ایمان به فرامین الهی است و اطاعت بدون چون و چرا از احکام الهی می‌باشد حال

۱. سوره ص، آیه ۷۶

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۰

ممکن است میلیون‌ها نفر نماز نخواند اما منکر آن نیستند و برای خویشتن عذر تراشی می‌کنند.

سادسا: حرص و طمع و حسد و کبر و ریشه‌های کفر است یعنی وقتی این صفات منفی در قلب انسان رسوخ کرد تبدیل به کفر می‌شود و تنها نماز می‌تواند برای از بین بردن این فساد طرح و برنامه بدهد و در قرآن هم تاکید بر عالی‌ترین حالت نماز یعنی سجده شده است "وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا" (عنایت به سجده در شب را دارد که شب نماز سکوت و خلوت و ذهن آدمی مشغولیت کمتری دارد و دیگر آن که تاکید بر سجده‌های طولانی دارد در واقع سجده بالاترین و بهترین نماز تذلل و کوچکی و حقارت در مقابل خداوند بزرگ و بی‌نهایت از جمیع جهات می‌باشد و اکنون شاید بتوان به درکی از کلام پس از نور و الهی حضرت زهرا (علیها السلام) پی برد که چه اسرارهایی در آن نهفته است که نماز برای پاک کردن از کبر و خود بزرگ بینی خداوند آن را واجب کرده است. و اگر به این فرامین نوع عمل بکنند جهان پر از گلستان می‌شود و ریشه تمامی خودخواهی‌ها کنده می‌شود.

سابعا: اگر اشکال کنند که چرا افراد زیادی نماز می‌خوانند اما مشکلات فراوانی دارند و یا به وجود می‌آورند. پاسخ این است اولاً: خوب آموزه‌های نماز را درک نکرده‌اند ثانياً: در مقام عمل دچار افراط و تفریط می‌شوند و

ثالثاً: به روح نماز و عبادات نرسیده‌اند و رابعاً: هنوز به روح ایمان و طهارت قلبی و زدودن کبر و خود بینی موفق نشده‌اند و بدان نائل نگشته‌اند و خامساً: مشغول به ظواهر و الفاظ آن شده‌اند و از باطن و عمق آن بی بهره‌اند و سادساً: بر اساس منافع و و مطامع دنیوی خویش مثل نفاق و ریا و تظاهر به نماز به اهداف دنیوی خویش از کانال دین و مذهب و نماز می‌رسند و نقاب دین بر چهره دارند" وای بر نمازگزاران، که از نماز خود غافلند."

ثامناً: نماز در تربیت انسانی نقش بسیار اساسی و مهمی دارد زیرا انسان موجودی فراموش کار است نه تنها دیگران را فراموش می‌کند بلکه بسیار می‌شود که به خود فراموشی نیز مبتلا می‌گردد و این خود فراموشی بزرگ‌ترین دشمن سعادت او و ناگوارترین بلای جان و روح و کمال اوست. علل و عواملی به خود فراموشی می‌تواند کمک بکند از جمله نیازهای واقعی زندگی روزمره به ویژه در عصری که اوضاع زندگی پیچیده و پر از مشکلات و معضلات است و نیز نیازها و خواسته‌های جاه و مقام و شهوات و هوس‌ها و مال دوستی در این صورت و یا در این موقعیت شبیه مسافری می‌ماند که در دو طرف جاده، قصرهای سر به فلک کشیده و شاهدان زیبا روی را می‌بیند که ناگهان او را از مسیر اصلی باز داشته و به پرتگاه می‌کشاند. در حالی که فواید نماز این است که انسان را از خود فراموشی به هوشیاری و بیدار باشی گسیل می‌دهد و به غفلت و نسیان دور می‌نماید

زیرا با نام خدا دل‌ها آرام می‌گیرد و اوضاع کاملاً دگرگون می‌شود مستنداً به آیه شریفه (اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)^۱ که حکمت نماز را یاد خدا می‌داند و نیز آیه شریفه (لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ)^۲ که این بعد از آیه‌ای آمده‌اند که نماز انسان را از فحشا و منکرات که قبلاً بیان کردیم باز می‌دارد پس حاصل آن که ریشه اصلی و ماهیت و فلسفه نماز در یاد خدا و ذکر خدا نهاده شده است زیرا سرچشمه همه گناهان حب دنیا و دنیا پرستی است که ذکر الله، انسان را از آن باز می‌دارد وانگهی خدا هم وجود دارد و هم حضور دارد و هم ظهور دارد و این خود بزرگ‌ترین عامل و نشانه هدایت و تربیت انسان می‌باشد و کانال ورودی و ارتباطی آن نیز نماز می‌باشد و مستنداً به آیه شریفه شیطان در اطراف قلب انسان طواف می‌کند، همین که یاد خدا در آن پیدا شود می‌گریزد.^۳ اگر تاملی پیرامون مقدمات نماز مثل طهارت و وضو و غسل که انسان را به پاکی جان و جسم دعوت می‌کند و مقدمات دیگری مثل پاک و حلال بودن لباس و عنایت به خانه خدا که قدیمی‌ترین مرکز توحید و ارکان و محتوای آیات و اذکار آن بشود دیدگاه انسان به این عبادت بسیار فوق العاده و بی‌بدیل توسعه می‌یابد و درک و فهم می‌نماید که نماز چه نقش مهمی در تربیت و تهذیب کاروان بشری و رساندن او به خدا از حیث معنوی و عرفانی و جوارحی و جوانحی دارد. النهایه آن که اگر

۱. سوره طه، آیه ۱۴

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵

۳. سوره اعراف، آیه ۲۰۱

بشر به نماز روی بیاورد بدون شک و تردید تمام معضلات بشری مرتفع و سایه حکومت خدا و انوار الهی بر گیتی سایه خواهد افکند و انسان و جهان به آرامش می‌رسند. و دیگری نیازی بر سازمان‌های پیچیده و فنی و مبهم گونه‌ای چون سازمان الملل و مراکز فرهنگی و علمی چون یونسکو و یا مراکز تربیتی و امنیتی چون زندان‌ها و قوای مسلح و قوه‌ی قضائیه چندان نیست وزارتخانه‌ها و مراکز موشکی و هسته‌ای و هواپیماهای پهبادی و مراکز جاسوسی و غیره رو به تعطیلی یا نیمه تعطیلی می‌روند در پس این تغییر و تحولات بشر به معنای آرامش و لذت معنوی و نیز انسان بودن بما هو انسان را درک و فهم می‌کند و تفاوت جوهری و ماهوی خودش با دیگر موجودات مثل نباتات و گیاهان و فرشتگان و حیوانات را می‌فهمد و با نگاهی و عینکی دیگر رخدادها و تاریخ بشریت را مورد مذاقه و تامل قرار می‌دهند و تاریخ را با نگاه ژرف تحلیل و واکاوی خواهند نمود این ادعا را می‌توان در مورد انبیاء و اولیای الهی اگر همگی زنده باشند و در زمین زندگی نمایند بیان کرد که بدون پارامترهای بیان شده در مورد بشر فعلی به زندگی با طراوت و نشاط و سرشار از مسالمت آمیز و نوع دوستی و ایثار و بخشش و قانع بودن به حق خویش و دوری از حرص و طمع و کینه و تکبر زندگی اجتماعی و دسته جمعی خواهند داشت.

۴-۴-۴ نقش زکات و فوائد پیرامونی آن

حضرت زهرا (علیها السلام) چهارمین پارامتر برون رفت از مشکلات را اختصاص به زکات می‌دهند و می‌فرمایند "و الزکاه تزکیه للنفس، ونماء فی الرزق"^۱ حضرت در بخش دوم این خطبه به علل تشریع تعدادی از احکام برجسته که در قرآن بدان اشاره شده بیان فرموده‌اند اول ایمان سپس نماز و بعد از آن به زکات پرداختند و در قرآن نیز توأمان نماز و زکات مطرح شده است چه بسا ارزش این است که نماز رابطه با خدا و ارتباطی درونی و دلی است و زکات رابطه‌ای غیر مستقیم با خداست یعنی به خاطر اطاعت از خدا به وظیفه پرداخت زکات همت می‌گمارد در واقع این هم یک نوع ارتباط با خداست اما با نگاه و دیدگاهی دیگر زیر احکام اسلام یک واحد مطلق و یک بسته کامل است و زنجیر وار و سلسله وار به همدیگر متصل هستند و این نوشتار به این سو مهم اعتقاد دارد یعنی همه مسائل مادی و معنوی اسلام بسان یک واحد و یک کل و یک اندام می‌باشد و بس و همه ارکان آن به هم متصل و وابسته می‌باشند و غیر از این قابل دفاع و معقول و منطقی نیست.

تحلیل مطلب آن که

اول آن که:

همانا مهربان خدای خالق زکات را یکی از ارکان و رکن مهمی در کنار

۱. دلائل الامه، ص ۱۰۹، بلاغات النساء، ص ۲۶

نماز قرار داده که برجسته‌ترین علامت‌های دین است قرین همدیگر ساخته و نیز فرموده است: نماز را به پا دارید و زکات بدهید^۱ (و نیز پیامبر اعظم ﷺ فرمودند "اسلام بر پنج چیز بنا شده است گواهی به این که خدایی جزء او نیست و بر پا داشتن نماز و دادن زکات و ..."^۲ و کسانی که زر و سیم را ذخیره و انباشته می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند مژده دردناک می‌دهد^۳.

دوم آن که:

ابوذر می‌گوید به خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و آن حضرت در سایه خانه کعبه نشسته بود. چون مرا دید فرمود: "به پروردگار کعبه سوگند آن‌ها زیان کارترند." عرض کردم: آن‌ها کیانند؟ فرمود: "آنانی که اموالشان زیادتر است جز کسانی که مال را در همه موارد خیر به مصرف رسانند و در همه جهات چپ و راست و پیش و پس انفاق کنند و اینان بسیار اندکند. هیچ مالک شتر و گاو و گوسفندی نیست که زکات این اموال را نداده باشد، مگر آن که این چهارپایان در روز قیامت بزرگ‌تر و فربه‌تر از آن چه بوده‌اند می‌آیند در حالی که با شاخ هایشان او را می‌زنند و با سم هایشان او را لگد مال می‌کنند، و هر زمان نوبت به آخری آن‌ها می‌رسد عمل را از سر

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۰

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۸، باب دعائم الاسلام

۳. سوره توبه، آیه ۳۴

می گیرند تا آن گاه که میان مردم داوری شود.^۱ و نیز در قرآن آمده " در روز قیامت آن چه را نسبت به آن بخل ورزیدند مانند طوقی به گردن آن ها خواهند افکند"^۲

سوم آن که:

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: " خداوند از اموال توانگران برای بینوایان آن چه را کفایت آن ها می کند واجب ساخته است و اگر می دانست آن چه را برای آن ها واجب کرده کفایت آن ها نمی داد افزون تر آن قرار می داد و آن چه بر سر بینوایان می آید بر اثر منع حقوق آن ها از سوی امتناع کنندگان از ادای حق آن ها است نه نارسائی آن چه خدا واجب کرده است.^۳ و نیز روایت دیگری فرموده اند: " هر گاه زکات باز داشته شود زمین برکاتش را باز خواهد داشت"^۴ در واقع اصل کلمه "زکاه" به معنای رشد و نموی است که از برکت الهی در چیزهای دنیوی و اخروی حاصل می شود^۵ زکات به سهم الهی که انسان مومن از مال خود خارج می کند و به فقرا می دهد، اطلاق می شود. به این دلیل است که در پرداخت آن، امید

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۷۴؛ سنن نسائی، ج ۵، ص ۱۰؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۴۱ و ۱۲۶ از ابی هریره.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۰

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۹۶

۴. کای، ج ۳، ص ۴۹۶، ص ۵۰۵، شماره ۱۷

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان، ص ۳۸۰

رشد و افزایش مال همراه با خیرات و برکات دارد یا موجب تزکیه و پاکی روح پرداخت کننده می‌شود و یا از هر دو جنبه است؛ زیرا هر دو فایده در پرداخت زکات وجود دارد.^۱

حاصل آن که: زکات در لغت دو مفهوم دارد: نخست رشد و نمو و دوم پاکی^۲ و طهارت بر اساس مفهوم لغوی و لفظی و به صورت کلی و عام هر چیزی زکاتی دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: " زکات بدن؛ جهاد و روزه گرفتن است. زکات جاه و مقام؛ بذل و بخشش، زکات جمال و زیبایی، عفت و عصمت خواهد بود. زکات سلطه و قدرت؛ نجات افراد اندوهگین، زکات شجاعت جهاد فی سبیل الله است. زکات صحت و سلامتی؛ کوشش در اطاعت پروردگار و زکات پیروزی؛ احسان خواهد بود. زکات علم آن است که آن را نشر دهی و خود را به انجام آن وادار کنی... زکات قدرت انصاف است..."^۳ چهارم آن که:

در قرآن کریم زکات در کنار نماز آمده است و این نشانه این است که رابطه با خدا از طریق نماز و با مخلوق از طریق ادای زکات برقرار می‌شود و قبلاً نیز بیان کردیم و اکنون از باب تاکید عرض می‌کنیم عزیزان و

۱. پیشین، ص ۳۸۱

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ۳۵۸

۳. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۴۶؛ رک لیشی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسنی بیرجندی، حسین، ص ۲۷۵.

طالبان این فقره می‌توانند به سوره بقره آیه ۱۷۷ و نیز سوره توبه آیه ۱۰۳ و سوره روم آیه ۳۹ و تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۸۵ و سوره کهف آیه ۸۱ و سوره مریم آیه ۱۳ و سوره مائده آیه ۵۵ که اشاره به زکات دادن امام علی علیه السلام در حال رکوع دارد که این خود سری دارد که اهل ذکر و فهم بدان راه دارند و نیز سوره انبیاء آیه ۷۳ و سوره فصلت آیه ۷ و سوره مومنون آیه ۴ و خطبه ۱۹۹ امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه به ابعاد این مهم پرداخته‌اند جهت اطلاع و ارجاع پژوهشگران و اندیشمندان عزیز آدرسی دادیم.

پنجم آن که:

بدون شک و تردید اگر مومنان و ثروتمندان هر گروه و جامعه‌ای زکات مال خویش را بدهند هیچ فقیر و مسکین و مستضعفی روی کره خاکی نخواهد ماند و این یک ادعا نیست بلکه یک حقیقت است و اگر غیر از این فرمول دیگری راه گشا و گره گشا بود خداوند آن را ابلاغ می‌فرمود چرا که او در نظام احسن خالق کل است و خالق کل هستی به نیازها و خواسته‌های مخلوقات مشرف است و هم اوست که ارائه طریق و نقشه راه و قانون زندگی ارائه و طراحی می‌فرماید اما متأسفانه در طول تاریخ از زمان صدر اسلام تا کنون و یا از زمان خلقت بشر و آدم تا الان عده‌ای خودخواه و ثروت اندوز و جاه طلب و حریص و طمع کار مانع این فریضه الهی شده‌اند و صاحبان زر و سیم هم بر اثر طمع و حرص مانع این تکلیف گشته‌اند و سهم ایتم و مساکین و فقرا در اموال آن جولان می‌کند مثلاً در کشورهای به ظاهر اسلامی مثل عربستان حقوق شیعیان شرق آن کشور

با آن که نفت در آن منطقه هست نمی‌دهند و با فقر و زجر زندگی می‌کنند و یا در کشور عزیز خودمان عده‌ای با ثروت‌های باد آورده و ده‌ها هزار میلیاردی و حرکت‌های اختاپوسی و اژدهای هفت سر به چاپیدن مشغولند و با وقاحت هر چه تمام‌تر و طراحی سناریوهای شیطانی و ظلمانی منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را دور زده و مانع اجرایی شدن آن می‌شوند از قبیل فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با مفسدان اقتصادی در سال ۱۳۸۲ و یا اقتصاد منه‌ای نفت و یا حال رونق تولید امسال و به جای این که تمام تلاش و کوششان بر اجرائی شدن این فرمان سال باشد متأسفانه با لباس نفاق و چاپلوسی و ارائه آمارهای صوری و دروغین به تحریف این شعار پرداخته‌اند و اصلاً بدان اعتقادی ندارند اما چون در راس کارند بسان حرکت کدوی تنبل با آن برخورد می‌نمایند و اکنون که تقریباً نیمی از سال گذشته بیايند اگر راست می‌گویند در یک برنامه زنده به امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) و ملت شریف ایران گزارش بدهند.

ششم آن که:

این نوشتار معتقد است اگر تمامی گزاره‌های دینی و فرامین معصومین خصوصاً مورد بهره برداری و خطبه‌های حضرت زهرا (علیها السلام) سه خطبه اش به ویژه فدکیه مورد واکاوی و تحلیل و تبیین قرار بگیرد تمام مشکلات کاروان بشر حل و معضلات آن بر طرف و به سوی جامعه‌ای پویا و حرکت به جلو پیش خواهیم رفت و هرگز پیشرفت‌های بشری و تکنولوژی جایگزین آن نخواهد شد زیرا اگر می‌شد جامعه جهانی این همه مشکلات و بحران‌ها نداشت اما این عملیات و اجرایی شدن فرامین

اهل البيت شرايطی را می‌طلبند اولاً: بدون افراط و تفریط مطالبشان درک و فهم شود ثانياً: در اجرا و مدیریت کج فهمی و بد فهمی نشود ثالثاً: خرافه و بدعت به آن فرامین اضافه نگردد رابعاً: بغض و کینه نسبت به آن آموزه‌ها دخالت نکند و گرایش‌ات متحجرانه و بنیاد گرایانه و یا لیبرالیستی و اومانیستی نباشد و اعمال سلیقه شخصی و تفسیر به رای هم نشود خامساً: با تمام مکاتب و جریانات فکری و سیاسی و فرهنگی و مدیریتی جهان مقایسه و تطبیق داده بشوند که در این فرض و عمق و نوک پیکان اندیشه آنان بیشتر هویدا خواهد گشت و سادساً: همه موارد فوق قابل اجرا و ضمانت اجرایی دارد به شرط آن که بشر اراده خدایی بکند و از شیطان دوری بگزیند.

۴-۴-۵ جایگاه و نقش و اسرار حج

یکی دیگر از پارامترهایی که حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه فدکیه به عنوان یک راه اصیل و پرشکوفه و برون رفت از مشکلات و معضلات و ایجاد جامعه سالم و پویا ارائه می‌فرمایند: "والحج تشييداً للدين" یعنی این که و حج سبب می‌شود که به صورت ساختمانی رفیع، زیبا و با شکوه باشد.

تحلیل مطلب آن که:

نخست آن که: حج تمرین و ممارست عبدگی و عبودیت است و فارغ از مسائل جزئی و خانوادگی و مادی و شهری و کاری و غیره مسافر حج فرصت را غنیمت شمرده و با خدای خویش خلوت می‌کند و با مونسش

انس می‌گیرد و با رابطه‌ی معبود و عابد و برعکس به لذت و تمرین بندگی و پرستش خدای خویش می‌پردازد و صد البته می‌بایستی به علل احکام هم آشنایی داشته باشیم در کتاب علل الشرایع علت‌های احکام را جمع نموده است که اکثر روایات را می‌توان گفت از امام رضا علیه السلام نقل شده است البته قرآن و پیامبر و دیگر معصومان هم اشاراتی فرموده‌اند و عللی را بیان کرده‌اند.

سوم آن که:

تاریخچه خانه‌ی خدا مستندا به روایات به زمان حضرت آدم علیه السلام بر می‌گردد.^۱ یعنی ایشان بنایش کرد و در آن طواف کرد سپس در طوفان حضرت نوح ویران شد و دوباره حضرت ابراهیم علیه السلام به کمک فرزندش اسماعیل مستندا به آیات قرآن کریم^۲ بار دیگر آن را بنا کرد و حج خانه خدا به جا آورد و این اولین خانه توحید و یگانه پرستی است که برای انسان‌ها قرار داده شد^۳ طبق روایات در آن در آسمان‌ها مرکز عبادتی است که فرشتگان بر گرد آن می‌گردند و نیز بیان شده که محل خانه کعبه اولین نقطه خشکی بود که سر از زیر آب درآورد^۴ و داستان دحو الارض نیز اشاره شده به همین مفهوم است و در عظمت این خانه اشاره به محبوبیت آن

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۸۶

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۷

۳. سوره آل عمران، آیه ۹۶

۴. خویی؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۳۵

می‌کنند^۱ زراره از امام صادق علیه السلام پرسید " چرا چهل سال قبل تا کنون درباره احکام حج می‌پرسم به من پاسخ می‌گویی امام در پاسخ او فرمود: "ای زراره! خانه‌ای که از دو هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام حج آن به جا آورده می‌شده است، می‌خواهی مسایلش در چهل سال پایان گیرد!"^۲

سوم آن که:

خانه کعبه، بزرگ‌ترین مرکز اجتماع مسلمین در طول سال و مهم‌ترین کانون عظمت آن هاست که از سراسر جهان به سوی آن می‌آیند و مشمول برکات فوق العاده معنوی و مادی آن می‌شوند و نیز رمز وحدت مسلمین و مرکز دایره صفوف جماعات آن‌ها در شبانه روز، در کل جهان است. و با توصیف فوق این خانه خود بزرگ‌ترین راه برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا برای مسلمین و حتی الگویی مبارک برای دیگر ابناء بشر و کاروان بشری در طول تاریخ و کلیه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و عنصرهایی چون یک نوع پوشش و یونیفرم و اعمال مشترک و یکسان بودن همه مسلمانان و عدم برتری هیچ کس بر دیگری این خود بزرگ‌ترین نکته در این قصه است.

چهارم آن که:

حج معروف به حج ابراهیمی می‌باشد و چنان عظمت داشت که صفت خلیل الله را به خود گرفت یعنی دوست خدا و بزرگ‌ترین تمرین عبودیت و

۱. فروغ کافی، ج ۴، ص ۲۴۰ (باب فضل النظر الی الکعبه)

۲. وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۷، (باب وجوبه علی کل مکلف مستطیع)

سرفرازی از امتحان ذبح اسماعیل و قربانی کردن حاجیان به تبع آن ذبح می‌باشد بدین گونه که حضرت ابراهیم خلیل الله در خوابی صادق و وحیانی دید که مشغول سر بریدن سر پسرش می‌باشد متوجه شد که این وظیفه‌ای است که باید انجام بدهد. این حرکت را با خود حضرت اسماعیل در میان گذاشت و گفت پسر! در خواب دیدم که سرت را می‌برم.^۱ این وظیفه توسط جبرئیل نازل نشد که بگوید یا ابراهیم فرزندات را ذبح کن بلکه به وسیله خواب برای او تجسم شد و شاید فلسفه اش این باشد اگر وحی می‌شد حکم به بریدن سر می‌شد در حالی که اصل حکم این بود که کارد به گلویش بکشد و از سویی دیگر ذبح کردن فرزند شاید به معنای دل کندن از هر چه غیر خدا است می‌باشد و درس عبرت و الگویی برای کاروان بشری تا ابد تاریخ است. لذا با رویا به شکل تجسم به وی نمایان شد تا ابراهیم تصور کند که وظیفه اش ذبح حقیقی است در این هنگام که چاقو بر گلوئ اسماعیل کشید خطاب شد "خوابی که دیده بودی تعبیر شد و وظیفه ات را انجام دادی" این امتحان دو طرفه بود هم کمال اسماعیل را هویدا کرد و هم دل کندن ابراهیم از فرزند و اجرای امر الهی توسط ایشان و گفت به پدرش "نگران این نباش که من طاقت نیاورم ان شاءالله خواهی دید که من از صابرين هستم"^۲ در بیانات ابراهیم و اسماعیل نکاتی نهفته است اولاً: اسماعیل از خدا کمک گرفت و تکیه به خود نکرد و این

۱. سوره صافات، آیه ۱۰۵

۲. سوره صافات، آیه ۱۰۲

یعنی اوج معرفت و عشق و ادب. ثانیاً: ابراهیم هم نگفت پسر من چه گناهی کرده که سرش را ببرم ثالثاً: هیچ کدام تردید و احساس بد و ناگواری نداشتند رابعاً: ما باید از ابراهیم و اسماعیل درس بگیریم که دستورات خدا را بدون چون و چرا اطاعت کنیم و بهانه تراشی نکنیم و خامسا: چه کسی در عصر کنونی حاضر است در راه خدا خودش به وسیله چاقو گردن فرزندش را بزند پس دقت و تفکر فراوان این داستان واقعی و سرتا سر حقیقت می طلبد و امید وارم ما هم بتوانیم در امتحان الهی سربلند و پیروز وار چون ابراهیم خلیل و اسماعیل وفادار باشیم.

پنجم آن که:

در قرآن مصالحی را برای حج ذکر فرموده که: "کعبه جایی است که باعث قیام مردم می شود"^۱ یعنی کعبه سبب پویایی و تحرک جامعه می شود و نیز می فرماید "حج منافع بی شماری دارد و مردم از بلاد مختلف به این سرزمین می آیند، همدیگر را می شناسند، از یکدیگر چیز یاد می گیرند، منافع اقتصادی شان را درک می کنند، می فهمند چه تجارتی برای چه جایی مفید است و..."^۲ و حضرت زهرا علیها السلام می فرماید حج تشبیه برای دین است یعنی ساختمانی را محکم و زیبا ساختن و پایه هایش را مرتفع قرار دادن. به یکدیگر سخن، حج باعث می شود که دین به صورت ساختمانی رفیع، بلند، زیبا و با شکوه باشد. در واقع این سرزمین که میلیون ها انسان را به طرف

۱. سوره ملئده، آیه ۹۷

۲. سوره حج، آیه ۲۸،

خود می‌کشاند که نه آب و هوایی دارد و نه وسایل تفریح و لذت بردن، پس این چه سر و فلسفه و جاذبه‌ای دارد که آن مراسم با آن عظمت در آن جا با اعمال خاص خودش انجام می‌شود و این خود باعث انگیزه و پرسشگری برای دیگر ملت‌ها ایجاد می‌کند و آنان را به تفکر و پویایی می‌رساند و با آن که خادمین دروغیین و کذاب و غیر مسلم و غیر معتقد و دست‌نشانده دول استعماری و استکباری و استثمارری بر آن جا ظالمانه و غاصبانه حکومت می‌رانند و اسم آن را هم از سرزمین حجاز و حج ابراهیمی تغییر به عربستان سعودی جعلی نموده‌اند اما هرگز نتوانسته‌اند از عظمت و قدرت و راه برون رفت آن از معضلات و مشکلات بکاهند و اینان چون کف روی آب چند صباحی دیگر بیش نخواهند بود به اجدادشان چون یزیدیان به زباله دان تاریخ خواهند پیوست که اکنون هیچ نام و نشانی ندارند و بر عکس اربعین حسینی بزرگ‌ترین راهپیمایی انسانی در قرن بیست و یکم را به خود اختصاص داده است. پس این یعنی اراده و مشیت و قدرت خدا را می‌رساند و بس و پوشالی بودن قدرت‌های غیر خدایی و زنادیق را می‌رساند. و در عصر حاضر نیز قدرت خدا را دیدیم و چندین مستکبر و ظالم به سرنوشت اعمالشان چون صدام و حسنی مبارک و قزافی و غیره را مشاهده کردیم که مستنداتش موجود می‌باشد.

ششم آن که:

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فثم بن عباس فرماندار شهر مکه چنین

می‌نویسند:

۱- رسیدگی به امور حاجیان در مراسم حج:

پس از یاد خدا و درود! برای مردم حج بپا دار و روزهای خدا را به یادشان آور. در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و نا آگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم و جز چهره ات درمانی وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان، زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، اگر چه در پایان حاجت او بر آورده شود دیگر تو را نستاید در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن و آن را به عیالمندان و گرسنگان پیرامونت ببخش، و به مستمندان و نیازمندیانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند برسان و مازاد را نزد ما بفرست تا در میان مردم نیازمندی که در این سامان هستند تقسیم گردد.

۲- سفارش به رفع نیازهای حجاج:

به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند که خدای سبحان فرمود "عاکف بادی در مکه یکسانند" عاکف یعنی اهل مکه و بادی یعنی زائرائی که از دیگر شهرها به حج می‌آیند. خدا ما و شما را به آن چه دوست دارد توفیق عنایت فرماید. با درود.^۱

در این نامه بسیار معنا دار و پر مغز و با مسمانکاتی چند در حد ظرفیت را می‌توان از آن برداشت نمود اولاً: اهمیت و عظمت شکوه و جلوه

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۷، ص ۴۳۳، ترجمه دشتی

حج و فلسفه از ابعاد مختلف و متفاوت بیان می‌کند ثانیاً؛ نفی شیوه‌های بوروکراسی و تشریفات اداری، افراط و مازاد را نفی می‌کند ثالثاً؛ یک رهبر عالی اسلامی به جزیی‌ترین مسایل حجاج مثل اجاره مسکن و هتل و غیره را دقت و عنایت دارد و دستور می‌دهند حجاج رایگان سکنی گزینند برعکس امروزه که فقط ثروتمندان می‌توانند به حج و عتبات عالیات بروند خصوصاً مشهد مقدس که گویا رقابت در ساختمان سازی و هتل سازی است و اصل آن وجود گرانبها و گوهر اصلی نعوذ بالله گویا به حاشیه رفته است و رزق و برق اطراف و اکنافش سر به فلک کشیده مثل ساعت بر فراز فلان هتل در مکه به سبک و سیاق کاملاً کشور انگلیس و تقلید کورکورانه از آن البته توقع بیش از این از آنان نمی‌رود چون که این خادمان حرم گماشته کشور بریتانیا و هم پیمانان آن هستند اما جای گلایه در کشور خودمان باقی می‌ماند که اماکن مقدسه بهانه‌ای برای زیارت زوار هستند نه این که بر عکس شده‌اند و تاجران و سودجویان دنبال پر نمودن جیب و ثروت اندوزی هستند و اگر این گونه پیش بروند دیگر فقرا توفیق زیارت ندارند و از راه دور می‌بایستی اهل البیت علیهم‌السلام را زیارت بنمایند اینان می‌گویند اما خودشان در داخل دارند کارهایی می‌کنند که صفا و صمیمیت مشهد مقدس و کریمه اهل بیت ناخواسته کم شود و یا برنامه‌هایی که اجرا می‌کنند حالت کلیشه‌ای و تکراری و استفاده از یک تفکر و اندیشه خاصی است و بیشتر تکرار مکررات است به ویژه ایام موالید که اگر مخاطب نداند گویا مداح دارد روضه و عزاداری می‌خواند و این مهم نیازمند به استفاده از تفکرات و اندیشه‌ها و ایده‌های گوناگون از تمامی کارشناسان دینی و

مذهبی با گرایشات و تمایلات متفاوت می‌باشد چرا که اهل البیت (□) معدن رحمت و خزان علم و معرفت برای کل کاروان بشری می‌باشند و بس نه عده‌ای خاص.

رابعا: نوع حفاظت و پاسداری از بعضی از مراجع عظام و خطبای ائمه جمعه و جماعات و مسئولین مذهبی با نامه امیر المومنین علیه السلام تضاد دارد و نیز با روحیه و کرامت انسانی و مراجعت کنندگان و حصارهایی که به دور خود کشیده‌اند سبب پسرفت و ایجاد دافعه برای دوستداران این شخصیت‌ها می‌شود و لازم است اندیشمندان و فرهیختگانی در این موضوع ورود پیدا نمایند و تحولاتی رخ بدهد که دافعه‌های به وجود آمده تبدیل به جاذبه بگردد و مردم بتوانند بهترین استفاده‌ها را ببرند البته شرایط زمانی و مکانی و شجره خبیثه داعش و تفکرات همسو را هم درک می‌کنم و متوجه هستم اما به نظر می‌رسد از این طرف پشت بام افتاده‌اند و گویا سبقت در محصور کردن خود گرفته‌اند و این مشت نمونه خروار است در دیگر امورات و در دیگر دیدار با مسئولین رده‌های مختلف و متفاوت آیا می‌شود به راحتی روسای قوای سه گانه یا وزراء و یا وکلا و خبرگان رهبری و یا ائمه مراکز استان‌ها و نیز استانداران و حتی فرمانداران را دید و چون بیان علی علیه السلام جزء چهره شان دیگر هیچ مانع و پاسداری وجود نداشته باشد و اگر غیر از این بود امام علی علیه السلام به گونه‌ای دیگر دستور می‌داد زیرا او معصوم بود و بر تمامی مدل‌ها و راه‌ها احاطه کامل داشت و برای آن مقطع هم فرمان داده بود بلکه فعل و تقریر و سکوت و امر و نهی معصوم برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و همه انسان‌ها خصوصا رهبران و مسئولان سیاسی حجت

و واجب اطاعت می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم تشریفات عریض و طویل و حفاظت‌های خارج از عرف و افراطی و بیش از ضرورت خلاف اسلام و دستورات امام علی علیه السلام و حقوق و کرامت انسانی می‌باشد. امیدوارم هر چه سریع‌تر با تبعات منفی و دافعه گونه‌ی آن در مقیاس وسیع‌تر از این که هست پراکنده و اشاعه پیدا نکرده باشد دلسوزان انقلاب به فکر و چاره‌ای بیندیشند و روند فعلی بر خلاف دستورات حضرت زهرا علیها السلام و به راه برون رفت از مشکلات و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا کمک نمی‌کند و بر عکس این حرکت به راه برون رفت از مشکلات کمک شایانی خواهد نمود.

خامسا: این که حضرت فرمود به مردم فرمان ده تا از کسانی که در این شهر مسکن می‌گزینند اجاره بها نگیرید. مفهوم مخالف این فرمان چیست و یا مفهوم موافق آن چیست. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است "در آغاز خانه‌های مکه در نداشت نخستین کسی که برای خانه خود در مکه در گذاشت معاویه بود و سزاوار نیست هیچ کسی حجاج را از خانه و منازل مکه منع کند؛^۱ به نظر می‌رسد چون نقش اساسی در وحدت و تفاهم مسلمانان دارد و نیز باعث می‌شود دل‌های آنان به همدیگر نزدیکتر بشوند و از اوضاع و احوال کلیه مسلمانان جهان مطلع و باخبر بگردند و معرفت و محبت نسبت به همدیگر پیدا بنمایند و نیز "حج افضل است"^۲ و صدای همبستگی و ندای یگانگی و صدای وحدت در سرزمین مکه و منی و

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۰، ح ۱۰۴، و نیز شرح نهج البلاغه نوشته آیه الله مکارم شیرازی

۲. تهذیب، ج ۱، ص ۴۴۸

عرفات در حین انجام عمل حج است امام می‌خواهند کسی آزرده خاطر نشود و حج بر او ناگوار نگردد همان گونه که تاکید بر مدیریت صحیح حج نمودند و بیان داشتند افرادی که به تو نیاز دارند از همان ابتدا مشکلاتشان را برطرف کن که از در خانه ات رانده نشوند و امروزه روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که ملاقات چهره به چهره تاثیر فوق العاده‌ای در جذب افراد و فرونشاندن آتش خشم آن‌ها و برآوردن نیازهایشان دارد. و حال آن که علی (علیه السلام) ۱۴۴۰ سال این مطلب را فرمودند اما در بین فقها شیعه نظریه واحدی نیست پیرامون عدم اجاره بها از زوار مکه اما مشهور قول جواز است اما از شیخ طوسی عدم جواز به طور مطلق بیان شده است و بزرگان و متاخرین و صاحب جواهر جنبه جواز را ترجیح می‌دهند و بعضی از فقهای اهل سنت مثل مالک و ابوحنیفه گفته‌اند عدم جواز اما شافعی قائل به جواز است و احمد حنبل دو روایت نقل کرده که صحیح‌تر روایت منع را پذیرفته است. النهایه آن که چنان عظمت و شکوت حج بزرگ و جهانی و چشمگیر است که می‌بایستی تمامی مقدمات و ملزومات آن به نحو احسن و مدیریتی صحیح و همه جانبه تدارک و تدبیر شود و این نوع نگاه و دیدگاه به فلسفه و ذات و اسرار حج نزدیکتر است با عدم جواز و حرکاتی از این قبیل و یا اگر چه به ظاهر عبادت فردی و خلوت با خدا لذت بخش است اما چرا این همه تاکید بر حج و اجتماع حج و تاکید بر منافع و مصالح جامعه اسلامی شده است و سخنی از فردیت نیست و این مهم رازهای فراوان در خود نهفته است که اهل خرد می‌بایستی موشکافی بنماید و تحلیل کنند. و یا مستندا به آیه شریفه ۹۵ سوره آل عمران که فرمود:

نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد در مکه است که پر برکت^۱ می‌باشد و سپس زمین از آن گسترش یافت^۲، این آیه موید بیان امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام است که خانه حجاج یکی بیش نیست و خدای حجاج هم یکی بیش نیست پس خانه‌های مکه و اهل مکه هم می‌بایستی برای دیگر حجاج بسان یک خانه باشد و احساس غربت و بیگانه بودن و یا مسافر بودن نمایند و کاملاً به این حقیقت برسند که همه در یک خانه و به سمت یک خانه و دارای یک خدا هستند و بس و از قواعد و قوانین متعدد و دست و پاگیر رهایی بیابند و به آرامش برسند. و از برداشت‌های محدود و سطحی و یا قرائت‌های فردی و شخصی دوری بگزینیم و حج را در مقیاس و سطح جهانی و همه جانبه بنگریم و بدان الفت و انس بگیریم همان گونه که حضرت زهرا علیها السلام به ساختمانی محکم و رفیع تشبیه فرمودند.

۴-۶ بحث عدالت و راه برون رفت

حضرت زهرا علیها السلام دیگر راه برون رفت از مشکلات را عدالت و عدل و عدالت اجتماعی می‌دانند و می‌فرمایند "و العدل تنسيقا للقلوب"^۳

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۵

۲. کافی، ج ۴، ص ۱۹۸

۳. بلاغات النساء، ص ۲۶، دلائل الامامة، ص ۱۰۹،

تحلیل مطلب آن که:

نخست آن که:

ابتدا می‌بایستی معنای عدل و ریشه آن واکاوی بشود که آن را به معنای "میانه روی" و دوری از افراط و تفریط و یا به معنای عدول و انصراف و به مثل و هم اندازه (معادل) معنا کرده‌اند و بعضی اوقات هم به جانشین و بدل^۱ و عدل به معنای تعادل و تساوی و عدم تبعیض و به معنای رعایت حقوق دیگران و به معنای توزیع عادلانه امکانات اجتماعی برای مردم و به معنای متعادل قرار دادن هر چیزی در جای متناسب خودش و به معنای رعایت استحقاق‌ها در مقام تشریع و قضاوت و حسابرسی معنا نموده‌اند.

دوم آن که:

قرآن کریم واژه عدل را در معانی لغوی و اصطلاحی متفاوت آن به کار برده است، اما بیشتر موارد آن، به شکل نفی ظلم از خداوند در مقام ثواب و عقاب در دنیا یا آخرت است. در سایر موارد، قسط و عدل را هدفی مهم برای بعثت انبیا دانسته و انبیا و سایر مردم را به رعایت عدالت و احترام به حقوق یکدیگر و عدم تجاوز به حقوق دیگران دعوت نموده و یا به قضاوت عادلانه و منصفانه دستور داده است. به علاوه خلقت آسمان‌ها و زمین و انسان را متعادل و متوازن معرفی می‌نماید. از میان معانی فوق، عدل الهی

در مقام ثواب و عقاب بیش از بقیه مورد بررسی واقع شده است.^۱
سوم آن که:

مستندا به قرآن کریم حسن و قبح عقلی و ذاتی با عنایت به کمال ذات اقدس اله یعنی صادر شدن قبح‌ها مثل خلف وعده، ظلم و کذب از ناحیه خداوندی ممکن نیست و مفهوم موافق فوق آن چه از خداوند صادر می‌شود عین عدالت و عین زیبایی و عین حسن است. بنابراین کسانی که بر اثر شرک و نفاق و کفر از دنیا رفته‌اند به بهشت نمی‌روند و فاقدان اندیشه‌های فوق یعنی مومنین و معتقدین به جهنم نمی‌روند. به دیگر سخن اصدار عدل و وفای به عهد و صدق از ناحیه خداوندی واجب و ضروری و اصدار قبیاح از خدا محال است. با نگاهی دیگر اصدار عدل بر خدا واجب و اصدار ظلم بر خدا حرام باشد مراد این نیست بلکه نگاه فلسفی و ضروریات آن در مقابل محال و ممتنع است نه به معنای وجوب شرعی و فقهی و نه به معنای وجوب عقلی بلکه به عنوان حکمی لازم و سرشار از ذات اوست مثل شیرینی برای شکر و یا نور برای خورشید، در واقع عقل در این جا کاشفیت از واقع و نفس الامر است، نه صدور حکمی بر خداوند. فرایند عقل این است که حتما خدا عادل است و هرگز بر کسی در دنیا یا آخرت ظلم نمی‌کند و نخواهد کرد، اما تعیین تکلیف برای خداوند و تحدید او را ندارد. چهارم آن که:

۱. کشف الایات، واژه های عدل، قسط، ظلام

می توان گفت عدل دارای ارکانی است از جمله عدل در تکوین یعنی هر موجود و مخلوقی دارای خصلت توازن و تعادل در خلقت است و مجموعه وجودی آن به گونه ای طراحی شده است که آن مخلوق بتواند به کمال و افق پیش روی لایق خویش برسد و از نگاهی دیگر هر جنبه و موجودی به گونه ای در گیتی خلق شده است که در تناسب نقش خاص خود با مجموعه کل هستی هماهنگ و هم سو به حرکت خویش ادامه می دهد و خللی در نظم آفرینش به وجود نمی آورد و عدل در تشریع نیز به همین گونه است یعنی دارای الزاماتی است یعنی خداوند کسی را به خاطر ترک تکلیف از روی جهل، عقاب نخواهد نمود. و اگر دستوری خاص از جانب شرع نرسیده است حکم به جواز آن می شود. و نیز خداوند بیش از توان انسان از او تکلیفی نخواسته و عسر و جرح را از کسانی که معذورند برداشته است یعنی توان تحقیق و مهاجرت را نداشته اند و منذر و بشارت دهنده ای هم نبوده است پس مستضعف محسوب می شوند. و از هر کسی در حد توانش انتظار می رود و اعمالش بر اساس توانایی هایش محاسبه می گردد و نیز خداوند در روز قیامت و در اجرای حکم به عدالت رفتار می کند و اطاعت و تشکری که پیرامون نعمات دنیوی که در اختیار داشتیم در آخرت تفضل و عنایت مضاعف می کند یعنی رحمت الهی بر غضبش مقدم است. بنابراین دادن پاداش دوباره در مقابل اطاعت و تشکر از خدا نیز سنت الهی است. به همین جهت چندین برابر اعمال حسنه ی مومنان، به آنان پاداش می دهد، نه فقط به استحقاقشان و از عذاب اخروی مجرمان نیز به شکل های مختلف مثل بلایای دنیوی و طبیعی و سكرات مرگ و قبر و

محشر و شفاعت می‌کاهد به آن‌ها تخفیف می‌دهد و آن‌ها را به اندازه استحقاقشان مواخذه نمی‌کند. از این رو خداوند، در مقابل ثواب و عقاب، اهل فضل، وجود، احسان، عفو و مغفرت است نه اهل عدل. و احسان و تفضل و کرم وجود، از حیث ارزش اخلاقی، برتر از عدالت‌اند در نتیجه او فوق عدل است؛ چون حاکم و مولای مطلق، و خیر محض و رحمت واسعه و پر فروزان است.

پنجم آن که:

مستندا به پند چهارم که توضیح کامل دادیم اعتقاد به عدالت الهی در زوایای مختلف و متفاوت آن بارم معنایی و آثار عملی و ایدئولوژیکی فراوانی دارد از جمله در ارائه طریق و برهان برای نبوت و امامت و معاد مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در شیوه و شکل‌گیری استنباط احکام شرعی نیز نقشی بس سترگ ایجاد می‌کند. لذا حضرت زهرا علیها السلام در پارامتر عدل فرمودند: "و العدل تنسيقا للقلوب" خدای متعال عدل و دادگستری را سبب برابری و التیام قلب‌ها قرار داد می‌توان چنین استنباط کرد که ریشه و اساس اختلافات و نزاحمات در جامعه بشری و انسانی از دو منظر قابل بررسی می‌باشد یکم: اختلاف در اعتقادات و افکار و گرایش‌ات دوم: توزیع ناعادلانه ثروت که به خاطر عموم بشر آفریده شده و موهبت‌های الهی آن که اگر این دو مساله اساسی در جامعه بشری حاصل شود جامعه یکپارچگی خود را حفظ نموده و رشد واقعی خود را ادامه می‌دهند و اگر افراد بشر بر اساس فطرت اولیه اگر خواسته‌ها و غرائز مادی و بدنی شان به طور عادلانه تامین بشود این طور نیست که دست به اختلاف و خیانت بزنند و

نماد عدالت و سمبل آن امام علی علیه السلام می‌باشد که در جواب کسی که سؤال کرد چرا شما وسعت را در خوراک و لباس به خودتان روا نمی‌دارید فرمودند: " خداوند بزرگ بر رهبران دادگستر به طور حتمی واجب کرده است بر خود تنگ بگیرند تا نیاز تهیدستان آنان را به هیجان و شورش و ندارد...^۱" یعنی اگر رهبران هم سو فقراء نشوند سبب طغیان آنان می‌گردد مثل گردش بیش از حد خون در بدن که از حدش بگذرد موجب مرگ خواهد شد. قرآن کریم از خود محوری و مواهب را به خود اختصاص دادن نهی کرده و می‌فرماید: " کی لا یكون دولة بین الاغنیاء"^۲ یعنی تا این که زمینه‌ای پیش نیاید که ثروت در میان ثروتمندان دست به دست در گردش باشد و فقراء از آن محروم گردند و تنسیق و تنظیم قلب‌ها از بین برود و نیز امام علی علیه السلام در هنگام فرمانروائی مالک اشتر در مصرنامه به اهل مصر نوشته که مضمون آن چنین است: ولکن از آن اندوهناکم که کار رهبری و امامت این امت سفیهان و فاجران بیفتد آن گاه مال خدا (بیت المال) که باید در مصالح و تامین احتیاجات همه مسلمانان توزیع و صرف بشود در میان خود دست به دست بگردانند و بندگان خدا را استثمار نموده و از آنان برده وار بهره بگیرند.^۳ آن چه می‌توان برداشت کرد این است که رهبر اسلامی با یاد حساب و کتاب و روز قیامت و در نتیجه زاهدانه و صادقانه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۰۷ مترجم دشتی

۲. سوره حشر، آیه ۷

۳. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۴۲۷

زیست خواهد کرد و نیز زمامدار زمانی که وضعیت معیشتی مردم خوب نیست می‌بایستی هم ردیف آنان زیست کند تا امنیت روانی محرومان بهم نخورد و باعث این شود که به فکر حل مشکلات آنان باشد و دیگر آن که منهای دو بعد فوق مسائل عاطفی به انسان اجازه نمی‌دهد که غذاهای چرب و نرم تناول کند در حالی که همسایگان و دیگران نان خوردن شب را هم ندارند.

با این توضیحات و توصیفات می‌توان این گونه از بیانات صدیقه طاهره علیها السلام استنباط نمود که اولاً: برای تنسیق قلب‌ها باید عدل و قسط گسترش باید تا امنیت اجتماعی تامین شود و همه افراد از زندگی معقول و منطقی برخوردار گردند ثانیاً: اگر مواهب طبیعی و همگانی مربوط به یک قشر گردد و اکثریت مردم فقیر و محروم شوند و از تامین ضروریات خود درمانده شوند و نیز در توزیع ثروت تبعیضات نامتوازن حکم فرما شود و ثالثاً: در نتیجه تنسیق قلب‌ها و تنظیم آن به هم خورده و احساس تحقیر و محرومیت عقده‌های روانی تولید خواهد شد و نارضایتی در سطح وسیع به وجود می‌آید و همین ریشه اصلی خونریزی‌ها و انقلاب‌ها خواهد شد و اجتماع مردمی از هم خواهد پاشید. و برای برون رفت از معضلات فوق می‌بایستی به اجرای عدالت خصوصاً عدالت اجتماعی و انسانی روی آورد و با رعایت همه شرایطش آن را به اجرا گذاشت.

ششم آن که:

سخن پیرامون عدل و عدالت فراوان است و تا هزاران سال دیگر می‌توان در این بعد و قسم سخن راند لذا از زوایایی دیگر بدان

می‌پردازیم. پروردگار متعال مرتکب فعل ... نمی‌شود زیرا به قبیح آن دانا و به تبرک آن تواناست و به ارتکاب آن نیازی ندارد^۱ اگر خداوند فعل قبیح به جا آورد، وثوق به نوید و تهدید او، و اعتماد به انبیاء و فرستادگانش از میان می‌رود و ساحت مقدسی او از چنین اعمالی منزّه و مبرا است در واقع پروردگار هرگز به بندگان ستم نمی‌کند^۲ و هرگز کفر برای بندگان نمی‌پسندد^۳ و هرگز از وعده هایش تخلف نمی‌کند و^۴ هرگز قومی را بدون ارسال رسل مجازات نمی‌کند^۵ و به انسان آموزش می‌دهد و بیان می‌کند چه اموری را باید انجام دهد و چه کارهایی را باید ترک کند^۶ یعنی او را دانا کردیم به این که یا فرمانبردار است و یا سرپیچی می‌کند^۷ و نیز راه خوبی و بدی را به انسان ارائه دادیم و خداوند مهربان‌تر از آن است که بندگان را به ارتکاب گناه مجبور و سپس به سبب آن، آن را عذاب کند^۸ و نیز او نیرومندتر از آن است که امری را اراده کند و تحقق نیابد^۹. امام رضا (علیه السلام) فرموده است: " خداوند متعال به اجبار اطاعت نمی-

۱. راه روشن، ج ۱، ص ۳۶۶

۲. سوره فصلت، آیه ۴۶

۳. سوره زمر، آیه ۷

۴. سوره حج، آیه ۴۷

۵. سوره اسراء، آیه ۱۵

۶. سوره شمس، آیه ۸

۷. سوره دهر، آیه ۲۷۶۳

۸. سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

۹. سوره انسان، آیه ۳۰

شود، به غلبه نافرمانی نمی‌گردد. او بندگان را در مملکت خود مهمل رها نکرده است. مالک هر چیزی است که در ملک آن هاست، و قادر به هر چیزی است که در قدرت آن هاست؛ اگر بندگان راه طاعت پویند خداوند راه آنان را سد نمی‌کند، و مانع آن‌ها نمی‌شود، و اگر نافرمانی او را در پیش گیرند چنان چه بخواهد میان آنان و گناه حایل می‌شود، و اگر حائل نشود و آن کار را انجام دهند، او آن‌ها را در گناه وارد نکرده است.^۱

و نیز امام صادق علیه السلام فرموده است: "در تورات نوشته شده است‌ای موسی! من تو را آفریدم و برگزیدم و نیرو دادم و به طاعت خود امر، و از نافرمانی خود نهی کردم، اگر مرا اطاعت کنی تو را بر اطاعت خود یاری می‌کنم، و اگر نافرمانی من کنی تو را بر نافرمانی خود کمک نکرده‌ام، در طاعتی که به جا آورده‌ای مرا به تو منت و در گناهی که مرتکب شده‌ای مرا بر تو حجت است."^۲ و نیز فرموده است: "مردم در مساله قدر سه دسته اند: دسته‌ای گمان می‌کنند؛ خداوند مردم را به نافرمانی خود مجبور کرده است این‌ها بر خداوند ستم کرده و کافرند. و دسته دیگر می‌پندارند خداوند امور را به مردم واگذار کرده است، اینان خدا را در سلطنت خود سست می‌انگارند و کافرند. دسته سوم می‌گویند: خداوند بندگان را به آن چه توان آن را دارند مکلف ساخته، و در آن چه طاقت آن را ندارند تکلیف

۱. توحید، صدوق، ص ۲۷۰

۲. امالی، صدوق، ص ۱۸۵

خود را از آن‌ها برداشته است، هنگامی که کار نیکی می‌کنند حمد خدا را به جای می‌آورند، و چون مرتکب کار بدی می‌شوند آمرزش می‌طلبند. اینان مسلمان کاملند.^۱ "خطاب به موسی (ع) فرمود: "ای موسی! مخلوقی نیافریده‌ام که در نزد من از بنده مومن محبوب‌تر باشد، با این حال او را به چیزی که برایش بهتر است گرفتار می‌سازم، و یا به خاطر آن چه برایش بهتر عافیت می‌دهم. و من می‌دانم کار بنده‌ام به چه چیزی اصلاح می‌پذیرد، پس باید بر بالای من شکيبا، و نعمت‌های مرا شکرگزار، و به قضای من خشنود باشد، او را در زمره صدیقان قرار دهم." ^۲ و مستندا به قرآن "خداوند برای شما راحتی می‌خواهد، و برای شما سختی نمی‌خواهد" ^۳ و نیز فرمود "خداوند هیچ کس را به جز به اندازه توانایی او تکلیف نمی‌کند." ^۴

ادامه آراء اجتماعی، سیاسی حضرت زهراء (ع) در جلد دوم مطالعه فرمایید.

۱. توحید، صدوق، ص ۲۷۰

۲. توحید، صدوق، ۴۱۶

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۵

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۴ م

۲- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم النعمانی (۳۶۰ ق)، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق

۳- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹

۴- ابن اثیر، (م ۶۳۰ هـ) اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، مكتبة الاسلامیة

۵- ابن اعنم (م ۳۱۴ هـ)، الفتوح، هند، مجلس دایره المعارف العثمانیه، ۱۳۹۵ هـ

۶- ابن بابویه، محمد بن علی (ف: ۳۸۱ ق)، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶

۷- ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسیین ۱۳۹۸ ق.

۸- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری ۱۳۸۵ ش.

- ۹- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۰- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، تحقیق، مهدی لاجوردی تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ۱۱- ابن شبه (م ۲۶۲هـ) تاریخ المدینه المنوره، تحقیق ؛ فهیم محمد شلوت، قم، دار التفکر، ۱۴۱۰ هـ
- ۱۲- ابن شهر آشوب مازندانی، محمد بن علی (ف: ۵۸۸ ق) مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ۱۳- ابن طاووس، علی بن موسی (ف: ۶۶۴ ق) اللهوف علی قتلی علی الطوفوف، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران، نشر جهان، ۱۳۴۸.
- ۱۵- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۴۰۹ ق.
- ۱۶- ابن کثیر (م ۷۷۴هـ)، البداية و النهاية، بیروت، دار الفکر ۱۴۰۲هـ
- ۱۷- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه
- ۱۸- ابن هشام (م ۲۱۸هـ) السیره النبویه، بیروت، دار الحیا التراث العربی
- ۱۹- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (۲۵۸-۳۳۶ ق) التمهیص، تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۰- ابوت، پاملا، وکلروالاس، درآمدی بر جامعه شناسی نگرشهای فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی وحید احمدی، تهران، دنیای مادر ۱۳۷۶
- ۲۱- ابو علم، توفیق، اهل البيت، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۹۰ هـ

- ۲۲- ابی ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (ف: ۶۵۶ ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ۲۰ ج - مصر، دارالحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ هـ.
- ۲۳- ابی النلیج بغدادی، ثقة الاسلام (م ۳۲۵ هـ)، قم، بصیرتی، (چاپ شده «مجموعه نفیسه حاویة لرسائل شریفه»)، (تاریخ مقدمه، ۱۳۹۶ هـ)
- ۲۴- ابی طاهر، ابوالفضل احمد (معروف به ابن طیفور) (م ۲۸۰ هـ) بلاغات النساء، قم، منشورات الشریف الرضی.
- ۲۵- ابی یعقوب، احمد، معروف به ابن واضح (م ۲۸۴ هـ) تاریخ الیعقوبی، بیروت دارصادر ۱۳۷۹ هـ
- ۲۶- احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، تهران، انتشارات نشر مرکز، ۱۳۷۴
- ۲۷- اربابی (م ۶۹۲) کشف الغمه فی معرفه الایمه، تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی - ۳ ج - بیروت - دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱
- ۲۸- اربلی، علی بن عیسی (ف: ۶۹۲ ق) کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- ۲۹- اردبیلی، مقدس (م ۹۳۳) حدیقه الشیعه، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة
- ۳۰- آزادی، اسد، همگرایی و واگرایی آزاد سیاسی ابونصر فارابی و ابوالحسن ماوردی قم، انتشارات کوثر، ۱۳۹۷
- ۳۱- آزادی، اسد، نگین هستی، سودای گیتی، قم، انتشارات عابد اندیش، ۱۳۹۷
- ۳۲- آزادی، اسد بررسی تطبیقی حکومت امام علی علیه السلام و حکومت ایالات متحده آمریکا، قم، انتشارات کوثر، ۱۳۹۸
- ۳۳- اسپریگز، توماس، نهم نظریه های سیاسی، تهران، نشر آگه، چاپ هشتم، ۱۳۹۴

- ۳۴- استر آبادی، علی (ف: ۹۴۰ ق) تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، تحقیق: حسین استاد ولی، قم، موسسه النشر الاسلامی ۱۴۰۹ ق.
- ۳۵- اسپناگر، اسوالد، سالهای تصمیم (اوضاع اجتماعی و سیاسی جهان در دو قرن اخیر) ترجمه محمد باقر هوشیار، ۱۳۳۱، بی تا
- ۳۶- اشتراوس، لیو، حقوق طبیعی تاریخ، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۳
- ۳۷- اصفهانی (کمپانی)، محمد حسین، الانوار القدسیة، تصحیح و تعلیق: شیخ علی نهاوندی، قم، موسسه المعارف الاسلامیة ۱۴۱۵ ه
- ۳۸- افلاطون، مجموعه آثار، ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، ج ۴، ج ۲ تهران، خوارزمی، ۱۳۶۷
- ۳۹- آلوسی (م ۱۲۷۰ ه) تفسیر روح المعانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه
- ۴۰- الأمین، السید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، بیروت، دار التعارف ۱۴۰۳ ه
- ۴۱- امینی، الغدیر، بیروت دار الكتاب العربی، ۱۳۸۷ ه
- ۴۲- اندلسی، ابن عبدربه (م ۳۲۸ ه) العقد الفريد، بیروت، دار الكتب العلمیه ۱۴۰۴ ه
- ۴۳- انصاری، محمد باقر، محقق و مستخرج، کتاب سلیم بن قیس هلالی (م ۹۰ ه) ج ۳ - قم، نشر الهادی، ۱۴۱۱ ه
- ۴۵- بخاری، محمد، (م ۲۵۶ ه) صحیح البخاری، شرح؛ الکرمانی، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۱ ه، چاپ دوم
- ۴۶- بغدادی، خطیب (م ۴۶۳ ه) بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴۷- بغدادی، ابو عبید، (م ۲۴۴ ه) الأموال، تحقیق: خلیل محمد هراس، قاهره، مکتبة الکیات الازهریة
- ۴۸- بکری، احمد بن عبدالله (قرن ۶ ق)، الانوار فی مولد النبی، تحقیق: احمد روحانی، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۱۱ ق.

- ۴۹- بلاذری، (م ۲۷۹ ه) انساب الاشراف، ج ۱، تحقیق: دکتر محمد حمید الله، مصر، دارالمعارف، (م ۱۹۵۹)، ج ۲ و ۳، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی بیروت، دارالتعارف، ۱۳۷۹ ه
- ۵۰- بیهقی، ابوبکر (م ۴۵۸ ه) السنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه، ۴۱۳ ه
- ۵۱- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی (م ۲۷۹ ه) بیروت، دارالفکر
- ۵۲- تفسیر الامام الحسن العسکری، تحقیق: مدرسه الامام مهدی، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
- ۵۳- تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (ف: ۲۸۳ ق) الغارات، ترجمه: آیتی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴.
- ۵۴- جاحظ (م ۲۵۵ ه) البیان والتبیین، تحقیق: عبد الاسلام محمد هارون، قاهره مکتبه الخانجی، ۱۹۸۴ ه
- ۵۵- جریر طبری، ابو جعفر محمد، (م ۳۱۰ ه) تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالمعارف
- ۵۶- جعفریور، مجید درسنامه فاطمی، قم بیت الاحزان، ۱۳۹۰
- ۵۷- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۶۹ ه ش
- ۵۸- الجوهری، ابوبکر احمد (م ۳۲۳ ه) السیفه و فدک، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران، مکتبه نینوی
- ۵۹- چیکوت، رونالد، نظریه‌های سیاست مقایسه اس، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا بزرگی و علیرضا طیب، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رس، ۱۳۷۸
- ۶۰- حسکانی (قرن پنجم) شواهد التنزیل، تحقیق: محمد باقر محمودی ج ۲ در یک جلد - بیروت - موسسه الاعلمی، ۱۳۹۳
- ۶۱- الحسون، محمد، مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۱ ه

- ۶۲- الحسینی الزبیدی، السید محمد مرتضی، تاج العروس، تحقیق: جماعتی از محققین، کویت، دار الهدایه، ۱۳۸۵ هـ
- ۶۳- حمیری، قرب الاسناد، تهران، مکتبه نینوی
- ۶۴- حنبلی، احمد، المسند م (۲۴۱م) بیروت، المکتب الاسلامی و دار صادر ۱۳۸۹ هـ
- ۶۵- حنفی، ابن طولون، (م ۹۵۳ هـ)، الاعاءة الاثنا عشر، تحقیق: دکتر صلاح الدین المنجد، قم، منشورات الرضی (افست)
- ۶۶- خزاز رازی، علی بن محمد (در قرن ۴ ق)، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱.
- ۶۷- دمشقی، احمد بن یوسف، (معروف به فرمانی) أخبار الدول و آثار الأول (م ۱۰۱۹ هـ)، چاپ سنگی
- ۶۸- دوبووار، سیمون، جنس دوم، ترجمه قاسم صغوی، ج ۲ تهران توس بیتا
- ۶۹- دیلمی، ابو محمد، (م ۷۷۱ هـ) إرشاد القلوب، بیروت، مؤسسة الاعلمی، (چاپ چهارم)، ۱۳۹۸ هـ.
- ۷۰- دیلمی، حسن بن محمد (ف: ۸۴۱ ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- ۷۱- الدینوری، ابن قتیبہ، (م ۲۷۶ هـ) الإمامة و الاخلافة، تحقیق: علی شیری قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۱
- ۷۲- الدینوری، ابو حنیفة (م ۲۸۲ هـ)، أخبار الطوال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی (وابسته به جامعه مدرّسین حوزه)، ۱۴۰۲ هـ
- ۷۳- دیوس، تونی، اومانیسیم، ترجمه عباس مخبر، بی تا
- ۷۴- ذہبی (م 748 هـ) تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام - ۲۸ ج - تحقیق عمر عبدالسلام تدمهری، بیروت دار الکتب العربی، ۱۴۱۱ هـ

- ۷۵- رمخسری (م ۵۲۸ ه) تفسیر الکشاف، قم، نشر ادب الحوزه
- ۷۶- رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، قم انتشارات امام خمینی، ۱۳۸۵
- ۷۷- روسو، ژان ژاک، امیل، ترجمه منوچهر کیا، ج ۶ تهران، گنجینه، ۱۳۶۸
- ۷۸- ز ج، هالینگ، مبانی و فلسفه تاریخ غرب، مترجم عبد الحسین آذرنگ تهران انتشارات کیهان، ۱۳۷۵
- ۷۹- زیبر بن بکار (م ۲۵۶ ه) الاخبار الموفقیات، تحقیق: دکتر سامی مکی العانی، قم، انتشارات الرضی.
- ۸۰- سروش، عبدالکریم، درسهایی در فلسفه علم الاجتماع، روش و تفسیر در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات نو نشر نی ۱۳۷۴
- ۸۱- سعد، محمد (م ۲۳ ه) الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر
- ۸۲- سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ه) الطراف فی معرفه مذهب الطوائف ۲ جلد درک مجلد، قم، مطبعة الخيام
- ۸۳- سیوطی، جلال الدین (م ۹۱۱ ه) تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۷۱
- ۸۴- سیوطی، مسند فاطمه الزهرا، تصحیح، عزیز بیک، حیدرآباد هند، انوارالمعارف (چاپ اول) ۱۴۰۶ ه
- ۸۵- شاذان، فضل (م ۲۶۰ ه) الإيضاح، تحقیق: محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۳. و چاپ بیروت، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۵ ه.
- ۸۶- شافعی، ابن عساکر (م ۵۷۱ ه)، تاریخ دمشق - ج ۱۹- مخلوط اردنیه، بیروت دارالبشیر (افست)
- ۸۷- شبر، سید عبدالله (م ۱۲۴۲ ه) حق الیقین فی معرفه اصول الدین، تهران، انتشارات اعلمی

- ۸۸- شریف الرضی، محمد بن حسین (۳۵۹-۴۰۶ ق)، نهج البلاغة، تحقیق صبحی الصالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ۸۹- شکرى آلوسی البغدادی، السید محمود (م ۱۳۴۲ ه) بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، تصحیح: محمد بهجة الاثری، مصر، دار الكتاب القری
- ۹۰- شهابی، محمود، الاسلام و الشيعة، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ه ش
- ۹۱- شهرستانی، محمد، الملل والنحل، تحقیق محمدسیدکیلانی، بیروت، دارالمعرفته (چاپ دوم) ۱۳۹۵ ه
- ۹۲- شهید اول، محمد بن مکی (ف: ۷۸۶ ق)، المزار، تحقیق: مدرسه امام مهدی، محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۱۰ ق.
- ۹۳- شوشتری، نورالله (م ۱۰۱۹ ه) إحقاق الحق، تصحیح و تعلیق: آیه‌اله سید شهاب الدین نجفی مرعشی، قم، کتابخانه‌ی آیه اله نجفی مرعشی
- ۹۴- شوقی، ضیف، تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی) مصر، دار المعارف
- ۹۵- صفار (م ۲۹۰ ه) بصائر الدرجات، تصحیح و تعلیق: کوچه باغی، تهران، منشورات اعلمی، ۱۴۰۴ ه
- ۹۶- صفار، محمد بن حسن، (ف: ۲۹۰ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴
- ۹۷- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۲۸۱-۱۳۶۰)، المیزان فی تفسیرالقرآن قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- ۹۸- الطبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب (م ۵۸۸ ه) الاحتجاج تصحیح: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی به، قمریال انتشارات اسوه

- ٩٩- طبرسى، احمد بن على (در قرن ٦ ق)، الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضى، ١٤٠٣ ق.
- ١٠٠- طبرسى، على بن حسن (ف: ٦٠٠ ق)، مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ ق.
- ١٠١- طبرسى، فضل بن حسن (ف: ٥٤٨ ق)، مجمع البيان فى تفسير القرآن تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ .
- ١٠٢- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، (قرن چهارم) دلائل الامامه، قم، منشورات الرضى ١٣٦٣هـ ش و نسخه‌ى محقق، قم، موسسه البعثة، ١٤١٣هـ ١٠٣- طوسى، الغيبه، موسسه المعارف اسلامه، قم ١٤١٧ هـ
- ١٠٤- طوسى (٤٦٠ هـ) تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه، بيروت، دارالصعب، دار التعريف، ١٤٠١ هـ .
- ١٠٥- طوسى، محمد بن حسن (ف: ٣٨٥-٤٦٠)، الأمالى، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم، دارالتقافة، ١٤١٤ ق.
- ١٠٦- طوسى، محمد بن حسن (م ٤٦٠ هـ)، تصحيح: مصطفى، مشهد، دانشگاه فردوسى، ١٣٤٨ ش
- ١٠٧- طوسى، محمد بن حسن، التبيان التفسير القرآن، تحقيق: احمد قيصر عاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا
- ١٠٨- عاملى، حر (م ١١٠٤ هـ)، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، تصحيح: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران، دارالكتب الاسلاميه
- ١٠٩- عبدالمقصود، عبدالفتاح، الامام على عليه السلام، بيروت، منشورات مكتبة العرفان، ترجمه فارسى
- ١١٠- عبرانى، سيد هاشم (١١٠٧ هـ) حليه الابرار، قم، موسسه المعارف الاسلاميه
- ١١١- عسقلانى، ابن حجر، (م ٨٥٢ هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، بيروت، دار صادر

- ۱۱۲- عقل و اعتقاد دینی؛ در آمدی بر فلسفه دین، مایکل پترسون، ویلیام هاسکربروس راشنباخ، دیوید بازنجر مترجمین احمد رزاقی، ابراهیم سلطانی تهران، انتشارات طرح نو ۱۳۷۹
- ۱۱۳- علامه اشرف الدین، النص والاجتهاد، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ه
- ۱۱۴- علامه تستری، قاموس الرجال، قم، موسسه نشر اسلامی
- ۱۱۵- علامه شرف الدین، المراجعات، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۳
- ۱۱۶- عیاشی، محمد بن مسعود (ف: ۳۲۰ ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- ۱۱۷- فالاجی، اوریانا، جنس ضعیف، ترجمه ویدا مشفق، تهران انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۵۷
- ۱۱۸- فرنج، مارلین جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت، تمدن (مالکی) تهران، انتشارات علمی ۱۳۳۷
- ۱۱۹- فیروز آبادی، قاموس اللغة، بیروت، دارالمعرفة
- ۱۲۰- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۰۰۶-۱۰۹۱)، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلی، تهران، مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۲۱- قدردان، قراملکی، محمد حسن، کلام فلسفی تحلیل عقلانی از آموزه‌های دینی، قم انتشارات وثوق ۱۳۸۳
- ۱۲۲- قزوینی رازینی، نصیرالدین عبدالجلیل، النقص، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ه ش
- ۱۲۳- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (ف: ۵۷۳ ق)، قصص الأنبياء، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۲۴- قمی، علی بن ابراهیم (در قرن ۳)، تفسیر علی بن ابراهیم القمی، تحقیق: طیب موسوی، جزائری، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.

- ۱۲۵- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۲۰-۱۲۹۴)، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق: سید علی جمال اشرف حسینی، بیروت دارالأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۲۶- قوشچی، فاضل (م ۸۷۹ هـ) شرح تجدید الکلام، تهران، چاپ سنگی (محتش)
- ۱۲۷- قومی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ هـ)، بیت الاحزان، قم، دارالحکمة (چاپ جدید)
- ۱۲۸- قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الزهراء، قم، انتشارات اسلامی (وابسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) چاپ اول، ۱۳۷۳
- ۱۲۹- کاشانی، فیض المحجہ البیضا، بیروت، دارالافتا الجدیدہ
- ۱۳۰- کحالة، رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، _ ج ۵ _ بیروت موسسه الرسالة، ۱۴۰۴ هـ
- ۱۳۱- کفعمی، ابراهیم (م ۹۰۵ هـ)، البلد الامین، تهران، مکتبه الصدوق
- ۱۳۲- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (ف: ۹۰۵ ق)، المصباح للکفعمی (جنة الأمانالواقیة)، قم، دارالرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب (ف: ۳۲۹ ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۳۴- الکوفی، ابن هلال النقفی (م ۲۸۳ هـ) الغارات، قم دار الکتاب الاسلامی ۱۴۱۱ هـ
- ۱۳۵- کوفی، فرات بن ابراهیم (ف: ۳۰۷ ق) تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران، موسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳۶- گمپرتس، متفکران یونانی، ترجمه حسن لطفی، ج ۳، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۳۷- لووی، میشل، درباره تغییر جهان، ترجمه حسن مرتضوی، تهران روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶

- ۱۳۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰ ق.
- ۱۳۹- محمد بن خلف بن حیان، أخبارالقضاة، معروف به وکیع بیروت، عالم الکتب
- ۱۴۰- محمد سمعانی، عبدالکریم (م ۵۶۲ه) الانساب، تصحیح و تعلیق: عبدالله عمر البارودی بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه
- ۱۴۱- محمود العقاد، عباس، فاطمه الزهراء، مصر، دارالهلال
- ۱۴۲- مسعودی (م ۳۴۶ ه) إثبات الوصیة، قم، منشورات رضی افست.
- ۱۴۳- مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- ۱۴۴- مظفر، محمد رضا، ماجرای سقیفه، ترجمه، سید غلامرضا سعیدی تهران، انتشارات آیین جعفری، ۱۳۵۲ ه ش
- ۱۴۵- مفید، محمد بن محمد، (ف: ۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۴۶- مقاتل بن عطیة (م ۵۰۵ ه)، الامامة و الخلافة، تحقیق: سید مرتضی رضوی (مقدمه از دکتر حامد حنفی داوود، استاد دانشگاه عین شمس در قاهره) بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۰ ه، ج ۱
- ۱۴۷- مقدسی، ابن مطهر (م ۳۵۵ه) ۶-ج در ۳ مجلد-بیروت، دارصا در (افست از نسخه طبع پاریس ۱۸۹۹م)
- ۱۴۸- مکی شافعی، عمر بن فهد (متوفای ۸۵۵ ه) إتحاف الوری باخبارام القری، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، مکه جامعهام القری (چاپ اول)، ۱۴۰۴ ه
- ۱۴۹- میشل، آندره، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی، مشهد انتشارات نیکا، ۱۳۷۲

- ۱۵۰- نسایی شافعی احمد (۳۰۳) خصایص الامام امیرالمومنین علی ابن ابی طالب، تحقیق؛ شیخ محمد باقر محمودی، بیروت (ناشر محقق)
- ۱۵۱- نسایی، احمد (م ۲۷۹ه) سنن نسایی، به شرح سیوملی، بیروت، دار الفکر ۱۳۴۸ ه
- ۱۵۲- النووی، ابی زکریا محمد الدین (م ۶۷۶ ه) تهذیب الاسماء و اللغات ج ۲- بیروت، دارالکتب العلمیة
- ۱۵۳- نیشابوری، مسلم (م ۲۶۱ه) تحقیق؛ فواد عبدالباقی بیروت، دار الحیا التراث العربی

آثاری از نویسنده

۱. نگین هستی، سودای گیتی
 ۲. الگوی تمدن بشریت
 ۳. همگرایی و واگرایی آراءسیاسی ابونصر فارابی و ابوالحسن ماوردی
 ۴. بررسی تطبیقی حکومت امام علی علیه السلام و حکومت ایالات متحده آمریکا
 ۵. مغناطیس اجتماعی عاشورا در ایران بعد از انقلاب ۵۷
- و...

